بنام خداي آزادگان سبز

رأي من کجاست؟!

پاييز 1388

سرآغاز سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

(عنکبوت/2 و۳)

آیا مردمان گمان می‌برند که اگر به زبان بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و دیگر آزموده نمی‌شوند؟* بدرستی که ما پیشینیان آنان را آزمودیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را از هم باز نماید*

نمی دانیم سخن را از کجا آغاز کنیم. از شکوه انقلابی سخن بگوییم که بدست پاکان روزگار و خیل مردمی آرزومند استقلال، آزادی و پیشرفت که آرمان های دیرینه‌شان را در راه و کلام مردی یافتند که در فراز و نشیب های زندگیش، صداقتش در گفتار و پندار آشکار بود، یا از زاویه‌های انحرافی که به تدریج راه را بر سیطرة نااهلان بر بزرگترین دستاورد بشری این سرزمین گشود؟ از جشنوارة بزرگ مردمانی که

تبلور رنگهای گوناگونشان را در بیرق سبزی یافتند که بر دوش شیفتگان خدمت و دلنگرانان این ره‌آورد سی ساله گذاشتند، یا از خیانت تشنگان قدرتی که خواست اکثریت مردم برای تغییر و تحول در دستگاه دولت را وقعی ننهادند و با بهره‌گیری از همهٔ امکاناتی که در اختیار داشتند دست به یک کودتای شبه نظامی تمام عیار زدند؟ از میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان و روستایی و شهری معترضی که خواهان آرای به سرقت رفته‌شان شدند و شجاعانه اما مسالمت جویانه در کوی و برزن حضور یافتند، یا از آنانی که خیل مردمان را خس و خاشاکی بیش ندیدند و با ماشین پرسروصدای تهمت و دروغی که پیش از آن هم براه انداخته بودند، به ضرب و شتم و حبس و خسارت بر جان و مال و ناموس مخالفان دست یازیدند و بر آبرویی که با خون از خود گذشتگان و اسارت آزادگان و جانبازی شیران روز و عابدان شب بدست آمده بود چوب حراج زدند تا به یک خواستهٔ مشروع و مقبول تن در ندهند و چند صباحی بیشتر بر تخت قدرت تکیه زنند؟ ما چه داریم بگوییم وقتی همگان از آنچه بر این مرز و بوم رفت آگاهند و یکایک شما، تاریخنگاران حوادث شومی هستید که به چشم خود دیده اید؟

اما آیا براستی تن دردادن به خواستی عمومی تا این اندازه دشوار

بود؟ آیا نمی‌شد به مانند تجربة ملل دیگر، نتایج شمارش آرا توسط نهادی بی-طرف و با تکیه بر عدل و انصاف مورد بررسی مجدد قرار گیرد و سخن ومعترضان را با صبوری و گوش‌هایی براستی شنوا شنید؟ آیا نمی‌شد از چنبرة تفسیرگران اسیر در توهم توطئه خلاص شد و با تکیه بر منطق شیوه‌های عقلایی به حل و فصل این مشکل پرداخت؟ آیا لجاجت در مقابل مطالبه‌ای معقول باید بدانجا رسانده می‌شد که برخلاف شرع و عقل، تشکیک در نتایج انتخابات را جرمی بزرگ اعلام کرده و دست سرکوبگران را برای انجام فجایع غیرانسانی شرم آور باز گذاشت؟

خسارت بزرگي كه در اثر اين گستاخي عوامل كودتا بر ملت وارد شده، لطمه‌هاي سخت و شكننده بر باورهاي راستين ديني و رشتة محكم اعتماد و وحدت ملي وارد آورده و حكم غير قابل عدول شارع مقدس و قرآن كريم در پايبندي به عهد و ميثاق را با تخلف آشكار از اصول قانون اساسي نقض كرده است. تقلبات و تخلفات گسترده و از پيش سازمان‌يافته كه بلحاظ گستردگی و سازمان‌یافتگی پیش از این دستکم در این مرز و بوم بی‌سابقه بود، اکثریتی را که با حضور آگاهانة خود خواهان تغییر بودند چنان مبهوت کرد که خشمگنانه و خودجوش، به خیابان‌ها ریختند و با بانگ تکبیرهای شبانه‌شان، صدای اعتراض خود را بلندتر از همیشه

بگوش همگان رساندند. در مقابل، دستان آلودة کودتاگران با بهره‌گیری از زر و زور و تزویر، بکار افتاد تا هر صدای مخالفی را به هر قیمتی ساکت کند: سراسیمه و پیش از انجام مراحل قانونی به نتایج اعلام شده صحه گذاشته شد، امکان تقلب گسترده از همان ابتدا و بطور مکرر نفی شد، با یورش‌های سازمان-یافته به ستادهای انتخاباتی رقبای کاندیدای دولتی و بازداشت گستردة فعالان و دست‌اندرکاران، امکان هرگونه تلاشی برای جمع‌آوری اسناد و مدارک تقلبات و تخلفات از میان برداشته شد، و مخالفت با نتایج اعلام شده، مخالفت با تمامیت نظام و ارکان آن شمرده شد، بوق‌های بنگاه‌های خبری رسمی و نیمه‌رسمی با بلندترین صدای ممکن نواخته شد و صدای مخالفان در گلوها خفه شد، تا همگان به درستی تحلیل‌هایی که پیش از آن در محافل قدرت شکل گرفته بود تمکین کنند.

این قضاوت‌های یک جانبه آنقدر بر منابر گفته شد و از تریبون‌های رسمی تکرار شد که برای همگان این توهم پیش آمد که نکند آنچه به چشم دیده‌اند خوابی بیش نبوده و نامزد حکومتي براستی حائز اکثریت آرای شهروندان شده؟ ما نیز کنجکاوانه به دنبال کشف حقیقت بودیم. دروغ پردازی‌های مستمر رسانه های رسمی، جایی برای اعتماد

باقی نگذاشته بود. متأسفانه به علت عدم دسترسی به ستادهای نامزدهاي رقیب یا رسانه‌های آنان، امکان دستیابی به حقیقت از زبان آنها نیز ممکن نبود. در انتظار چهره‌نمایی حقیقت بودیم که بیانیة یازدهم میرحسین موسوی صادر شد و از همة باورمندان به اصول و چارچوب-هایی که در واقع تبلور مواضع همة ما بود، به تلاش برای استیفای حقوق قانونی و شرعی شهروندان جمهوری اسلامی دعوت کرد. آستین‌ها را بالا زدیم و با نهایت دقت، انصاف و به دور از پیشداوری، به جمع آوری مدارک و شواهد پرداختیم. آنگاه سعی کردیم یافته‌هایمان را بر اساس روشی علمی در کنار هم بچینیم و با کنار هم گذاشتن قطعات این پازل بزرگ، با طمأنینه و حوصله، تصویر واقعی انتخابات را بازسازی کنیم. در پایان کار، تصویر بدست آمده، با آنچه نامزدهاي غیردولتی ادعا می‌کردند منطبق از کار درآمد. بهت‌زده و غمگنانه به تصویر بدست آمده خیره شدیم: تقلب بزرگی که دامنة آن تصرف در میلیون‌ها برگ تعرفه و رأي، استفادة غیرمجاز از امکانات ملي و رسانه‌هاي عمومي، دروغپردازي و اشاعة زشتي و پلشتي در بیدادگاه‌ها و زندان‌ها را در بر مي-گیرد.

اینک، آنچه را یافته‌ایم با شما در میان مي‌گذاریم و محکم تر از همیشه بر

ناراستی این انتخابات و فساد آن تأکید می‌کنیم. اینک همراه و همگام با نامزدهاي غیردولتی، حق مسلم ده‌ها میلیون شهروند شریف ایرانی می‌دانیم که خواهان بررسی بی‌طرفانه و منصفانة فرآیند و نتایج انتخابات باشند، خواسته‌ای که برخلاف ادعاهای بی‌اساس حامیان نامزد حکومتي، نه از سر آرزوی کسب قدرت مطرح می‌شود، که بیش از هر چیز بر تضمین سلامت انتخابات در نظامی که در آن «میزان رأی ملت است» پاي مي‌فشرد. حجم اسناد و مدارکی که جمع آوری کرده‌ایم بیش از آن است که بطور کامل در اینجا آورده شود و اطمینان داریم که شواهد بسیار دیگری نیز در دسترس یکایک شما قرار دارد. شواهد و مدارك فراواني در اختیار داریم که متأسفانه هرگونه اشاره به این اسناد ممکن است دوستاني را که از سر دل‌نگراني نسبت به آیندة این سرزمین به ما داده‌اند، در معرض خطر جدي قراردهد و از این رو، به‌ویژه با توجه به رسابودن مدارك عرضه شده در این نوشته، از انتشار آن‌ها فعلاً خودداري شد. می‌دانیم که این تازه آغاز راه است: حقیقت را باید بلندتر از همیشه بازگفت. بر این باوریم که خداوند به ما موهبتی بزرگ بنام عقل داده است و چنان جایگاهی بدان بخشیده که فقیهان تخالف احکام شرع با آن را بر نمی‌تابند. مانند امیر کلام بر این

عقیده‌ایم که نباید حق را با افراد سنجید، بلکه افراد را باید به محک حق زد. ایمان داریم خواندن آنچه در پی می‌آید، راه را برقضاوت منصفانه می‌گشاید.

دیده بانان سبز انتخابات

گزارش مستدل و مستند تقلب در انتخابات ریاست جمهوری

1. مراد از تقلب انتخاباتی و تعریف قانونی از آن

در تداول عامه مراد از تقلب وارونه‌سازی، وارونه‌نمایی، دگرگون کردن ارادی نتیجة طبیعی یک ماجرا و یا یک فعل است. فرهنگنامة دهخدا هم در این باره می‌نویسد: «دست انداختن در امور بخواست خود». در فرهنگ دکتر معین نیز آمده

است: «1- دگرگون کردن و شدن، 2- در کاري به سود خود و به زيان ديگري تصرف کردن.
تقلب انتخاباتی اصولاً دخالت غیرقانونی در فرایند یک انتخابات است. فعالیت‌های متقلبانه نتیجه نهایی شمار آراء را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا یک نتیجه انتخاباتی دلخواه حاصل شود. این کار ممکن است با افزایش میزان آرای نامزد دلخواه یا با کاهش آرای نامزد رقیب و یا با هر دوی آن‌ها صورت پذیرد. بسیاری از انواع تقلب انتخاباتی در قوانین انتخابات احصاء شده‌اند و برخی دیگر در تعارض با قوانین کلی موضوعه معنی می‌دهند؛ مانند سوء قصد، مزاحمت یا تهمت و نحو آن.
دانشنامه بریتانیکا در بارة تخلف در یک سیستم رأی‌گیری می‌نویسد:

«تطمیع و رشوه دادن برای خرید رأی، ترساندن و تهدید رأی‌دهندگان، منتشر کردن شایعه‌های ناروا و تبلیغات انتخاباتی غلط، دستکاری نظام رأی‌گیری با گنجاندن صندوق‌های اخذ رأی جعلی، عدم صداقت در شمارش یا گزارش رأی‌ها، و یا بی‌اعتنایی برگزارکنندگان انتخابات نسبت به نتایج انتخابات (به عنوان مثال با استفاده از نیروی نظامی). بگفته این دانشنامه، مطالعات مقایسه‌ای نشان می دهد که عدم وقوع چنین تخلفاتی بیشتر

به تبعیت عمومی یک مردم از ادب و نزاکت سیاسی و عادات مردمسالارانه آنها متأثر می‌شود تا وجود قوانینی که انجام آن‌ها را نهی کند.
اگرچه تعریف فنی اصطلاح تقلب انتخاباتی فقط شامل فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود، اما این اصطلاح گهگاه در اشاره به فعالیت‌های قانونی اما غیر قابل قبول از نظر اخلاقی، مخالف روح قوانین انتخاباتی، یا در تضاد با اصول دمکراسی نیز به کار می رود. انتخابات نمایشی که در آن تنها یک کاندیدا حضور دارد نیز گاه تقلب انتخاباتی محسوب می‌شود، هرچند که ظاهراً با قانون سازگار باشد.
در انتخابات‌های سراسری تقلب انتخاباتی موفقیت‌آمیز، شبیه یک کودتا یا تباهی مردم‌سالاری است. در انتخابات شانه‌به‌شانه با حجم اندکی تقلب می‌توان نتیجه نهایی را تغییر داد. تقلب انتخاباتی حتی اگر نتیجه دلخواه متقلبان حاصل نگردد، باز هم در صورت جریمه نشدن متخلفین تأثیر مخربی بر جای می‌نهد چرا که از اعتماد رأی دهندگان به دمکراسی می کاهد. حتی احتمال وقوع تقلب تأثیر مخربی دارد چرا که مردم را به نتیجه انتخابات مشکوک می‌کند و این می‌تواند نابودی دمکراسی و پایه‌گذاری دیکتاتوری را رقم بزند.

تقلب انتخاباتی به انتخاباتهای سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه در هر انتخاباتی که منفعت قابل توجهی برای تقلب متصور باشد، ممکن است اتفاق افتد. مانند انتخابات برای برگزیدن رؤسای اتحادیه‌های کارگری، شوراهای دانش‌آموزی و دانشجویی، نظرخواهی‌های ورزشی و انتخابات برای اهدای جایزه به کتاب‌ها، فیلم‌ها، موسیقی یا برنامه های تلویزیونی.

تقلب انتخاباتی مصادیق فراوانی دارد، اما بررسی آن دشوار است و این به دلیل ماهیت غیر قانونی آن است.

وجود کیفرهای سنگین برای تقلب انتخاباتی موجب می‌شود که افراد متقلب به شکلی مرتکب آن شوند که کشف نشود و یا در صورت لو رفتن مجازات نشوند.»

در قانون انتخابات ریاست جمهوری کشور ما و آیین نامة اجرائی آن که در درگاه مجازی وزارت کشور و بسیاری از سایت‌ها منعکس است، تعریف جامع و مانعی از تقلب نشده، در مقابل به تخلفات متعددی اشاره شده است که تقلب انتخاباتی از طریق آن‌ها تحقق می‌یابد. لازم به ذکر است که، بموجب اصول 85 و 138 قانون اساسی ج.ا.ایران آیین نامه‌های اجرائی قوانین باید به آگاهی و تأیید رئیس مجلس و شورای نگهبان برسد؛ به این ضرورت از آن جهت تصریح شده است که قوة

مجریه تحت عنوان تهیة آیین‌نامة اجرائی دست به تفسیر قانون نزند یا رأساً بطور ضمنی قانون وضع نکند؛ بنا براین جرائم مذکور در آیین‌نامه یا قصور و تقصیر در انجام وظائف مشروحه در آن هم از مصادیق جرائم انتخاباتی است.

در کنار سایر تخلفات ممکنی که در قانون انتخابات احصاء شده، «تقلب و تزویر» هم از جملة تخلفات شمرده شده است. در فصل دوم از قانون مزبور مواد زیر به برشماري مواردي از تخفات و تقلبات اختصاص دارد:

"ماده 25- در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وي برگهاي رأي باطل ولي جزء آراي مأخوذه محسوب و مراتب در صورتجلسه قید و آراي مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:

1. آراي غیر قابل خواندن.
2. آرایي که از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد.
3. آرایي که سفید به صندوق ریخته شده باشد.

ماده 26- در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وي برگهاي رأي باطل و جزء آراي مأخوذه محسوب نشده و مراتب در صورت جلسه قید و آراي مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:

1. صندوق فاقد لاك و مهر انتخاباتي باشد.
2. آرا زائد بر تعداد تعرفه باشد.
3. آراء كساني كه به سن قانوني رأي دادن نرسيده باشند.
4. آرايي كه با شناسنامه افراد فوت شده يا غيرايراني داده شده باشد.
5. آرايي كه با تقلب و تزوير (در تعرفه‌ها ، آرا، صورت جلسات، شمارش) به دست آمده باشد.
6. آرايي كه با شناسنامه غير يا جعلي اخذ شده باشد.
7. آراي تكراري.
8. آرايي كه با شناسنامه كساني كه حضور ندارند اخذ شده باشد.
9. حذف شد.
10. آرايي كه از طريق تهديد به دست آمده باشد.
11. آرايي كه روي ورقه غير از برگ رأي نوشته شده باشد.

تبصره 1- كل آراي مندرج در صورت جلسه‌اي كه صندوق اخذ رأي آن فاقد اوراق رأي يا برگ‌هاي تعرفه باشد ، باطل و جزء آراي مأخوذه محسوب نخواهد شد.

*تبصره 2- به تعداد آراي زائد مذكور در بند 2 به قيد قرعه از كل برگهاي رأي كسر مي‌شود.

ماده 28- در صورتي كه در برگ رأي نام بيش از يك نفر نامزد نوشته و يا علامتگذاري شده باشد، برگ رأي باطل است ولي جزء آراي مأخوذه محسوب خواهد شد".

همانگونه كه ملاحظه می‌شود، نه تنها همة بندهای دو مادة اخير بيان وجوه مختلف بند 5 بالاست، بلكه برخی هم صريحاً تكرار همان بند است. به هر حال، از نظر بند 5 فوق، هرگونه تأثيرگذاری يا دست بردن در تعرفه، آرا، شمارش و صورت جلسات تقلب و تزوير محسوب می‌شود. آنچه از موارد ديگری كه در قانون به تقلب اشاره دارد، می‌توان دريافت، اين است كه: بطور كلی هرگونه قصور و تقصير عمدی در اجرای وظائفی كه اين قانون و آيين‌نامة اجرائی آن به عهدة دستگاه نظارت (شورای نگهبان، واحد نظارت بر انتخابات) و اجرا (وزارت كشور، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و مجريان انتخابات) نهاده است، همچنين دخالت‌های آشكار و پنهان نامزدها و عوامل و هواداران‌شان كه به تغيير نتيجة درست انتخابات بيانجامد، از مصاديق تقلب و تزوير خواهد بود.

مادة 33 قانون كه ناظر بر جرائم انتخاباتی است و البته به استناد ساير مواد قانون در مقام احصاء كامل آن‌ها نيست، چنين می‌گويد:

«ماده 33- ارتکاب امور ذیل جرم محسوب میشود:

1- خرید و فروش رأي.

2- تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأي یا صورت جلسات.

3- تهدید یا تطمیع در امر انتخابات

4- رأي دادن با شناسنامه جعلي.

5- رأي دادن با شناسنامه دیگري.

6- رأي دادن بیش از یکبار.

7- اخلال درامر انتخابات.

8- کم وزیاد کردن آرا یا تعرفه ها.

9- تقلب در رأيگیري و شمارش آرا.

10- رأي گرفتن با شناسنامه کسي که حضور ندارد.

11- توصیه به انتخاب کاندیداي معین از طرف اعضاي شعبه اخذ رأي یا هر فرد دیگر محل صندوق رأي، به رأي دهنده.

12- تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتي از قبیل تعرفه و برگ رأي و صورت جلسات و تلکس و تلفنگرامها و تلگرافها.

13- بازکردن و یا شکستن قفل محل نگهداري و لاك و مهر صندوقهاي رأي بدون مجوز قانوني.

14- جابجایي، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتي بدون مجوز قانوني.

15- دخالت در امر انتخابات با سند مجعول.
16- ايجاد رعب و وحشت براي رأي-دهندگان يا اعضاي شعب ثبت نام و اخذ رأي با اسلحه يا بدون اسلحه در امر انتخابات.
17- دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول و يا به هر نحو غيرقانوني.
تبصره ـ چنانچه وقوع جرايم مندرج در ماده فوق موجب گردد كه جريان انتخابات در يك يا چند شعبه ثبتنام و اخذ رأي از مسير قانوني خود خارج شود و در نتيجه كلي انتخابات مؤثر باشد مراتب وسيله وزارت كشور بمنظور طرح در شوراي نگهبان به هيأت مركزي نظارت اعلام مي‌گردد.»

به روشنی دیده می‌شود که در این ماده نیز سایر جرائم از مصادیق مصرح بند 2 هستند؛ بویژه بند 9 تفاوت مشخصی با بند 2 ندارد.

بسته به میزان این دخالت‌ها برای تغییر مسیر واقعی انتخابات می‌توان تقلب و تزویر را به دو نمود اصلی: الف) تقلب موضعی، ب) تقلب سراسری تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی نیز مبتنی بر همین قانون فعلی است زیرا هر دو مورد در قانون پیش‌بینی شده است:

فحوای مادة 82 ناظر بر تقلب موضعی است:

«ماده 82 ـ هیأت اجرایي پس از بررسي شکایات و گزارشات چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یك یا چند شعبه از جریان عادي خارج شده و صحیح انجام نگرفته است با تأیید شوراي نگهبان ، انتخابات یك یا چند شعبه مزبور را باطل اعلام می‌نماید.»

مادة 85 نیز مفید این معناست:

«ماده 85 ـ مجازات کسي که با اتخاذ سمت مجعول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند 17 ماده 33) تا 50 ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب ، سندي هم در این باره جعل نموده باشد ، مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت و چنانچه دخالت وي مؤثر در سرنوشت انتخابات باشد و مسیر انتخابات یك بخش و یا یك شهرستان و یا یك استان را بر هم بزند مرتکب از یك تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.»

علاوه بر مدلول مادة 85 مذکور، مادة 5 قانون به تقلب سراسری نظر دارد که می‌گوید:

«ماده 5 ـ چنانچه شوراي نگهبان به دلایلي انتخابات ریاست جمهوري را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید وزارت کشور با کسب نظر شوراي

نگهبان در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات اقدام می‌نماید.»

به هر حال، از آنجا که قانون و آیین نامه آن، تقلب و تزویر را انجام هرگونه عملی ارادی برای دخل و تصرف غیرمجاز «در تعرفه‌ها، آرا، صورتجلسات، شمارش» تلقی می‌کند و علاوه بر برشماری برخی از انواع آن، در جاهای مختلفی انتظار وظائفی از ناظرین و مجریان دارد که متضمن انجام صحیح و صادقانة انتخابات است، برای داشتن درک صحیحی از نظر کامل قانون دربارة تقلب و تزویر و پی‌آمدهای آن لازم است **فهرستی از این وظایف را از خود قانون و آیین نامة آن استخراج کنیم. سپس باید روشن سازیم که مرجع رسیدگی به این تخلفات یا تقلبات کدام است.** فهرست ما باید شامل کلیة دستورات ایجابی باشد که انجام ندادن آن‌ها از سوی موظفین موجب اخلال و تغییر در وضعیت (تعرفه ها، آرا، صورت جلسات، شمارش) می‌شود، همچنین باید مشتمل بر کلیة دستورات سلبی یا نواهی باشد که ارتکاب آن‌ها از سوی عوامل دخیل در انتخابات موجب چنان تغییری خواهد شد. ما برای اختصار در این فهرست از (قا) برای قانون و از (آی) برای آیین نامه اجرائی استفاده خواهیم کرد. دست اندرکاران انتخابات در قانون عبارتند از: الف) دستگاه نظارت بر حسن اجرا، ب) دستگاه مجری

انتخابات، ج) نامزدها و هواداران آن‌ها، د) دستگاه قضائی و عوامل انتظامی.
در زیر فهرستی از اهم مسؤلیت‌های شورای نگهبانی و امکان پیگیری قضائی اعضای آن توضیح داده می‌شود، سپس به بیان رئوس مهمترین مسؤلیتهای دولت به عنوان مجری و مسؤل صحت انتخابات می‌پردازیم. در مورد دو دستة دیگر در جریان واگویی حوادث ایام انتخابات به تناسب بحث خواهیم کرد.

2. فهرست وظائف و اختیارات دست اندرکاران انتخابات:

الف) وظائف و مسؤلیتهای دستگاه نظارت بر حسن اجرا:

وظیفة نظارت بر درستی روند کارهای انتخابات بموجب قانون اساسی و قانون انتخابات به عهدة شورای نگهبان است:

«ماده 8 ـ نظارت بر انتخابات ریاست جمهوري به عهده شوراي نگهبان مي-باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاري است.»

علاوه بر این در «قانون نظارت شوراي نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوري اسلامي ایران» مصوب 1364/4/4 دستگاه نظارت و وظائف آن چنین تعریف شده است:

«ماده 2 - شوراي نگهبان قبل از شروع انتخابات دو نفر از اعضاء خود و پنج

نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد داراي حسن سابقه را با اکثريت مطلق آراي اعضاي شوراي نگهبان به عنوان هيأت مرکزي نظارت بر انتخابات رياست جمهوري و سه نفر به عنوان عضو علي‌البدل انتخاب و به‌وزارت کشور معرفي مي‌نمايد. ...

ماده 4 - هيأت مرکزي نظارت، بر کليه مراحل انتخابات و جريانهاي انتخاباتي و اقدامات وزارت کشور و هيأتهاي اجرايي که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات مي‌شود نظارت خواهد کرد.

ماده 5 - هيأت مرکزي نظارت بر انتخابات بايد براي هر شهرستان ناظر يا ناظرين با شرايط مذکور در ماده 2 جهت نظارت بر انتخابات تعيين کند.

تبصره - شوراي نگهبان در هر مورد که لازم بداند مي‌تواند تمام يا برخي از ناظرين را مستقيماً انتخاب نمايد.

ماده 6 - هيأت مرکزي نظارت يا ناظرين که در سراسر کشور بر کيفيت انتخابات نظارت کامل دارند، هر مورد که سوء جريان يا تخلفي را مشاهده کنند کتباً تذکر خواهند داد. فرمانداران و بخشداران موظفند بلافاصله بر اساس قوانين مربوطه نسبت به رفع اشکالات مطروحه اقدام نمايند. و چنانچه مسئولين وزارت کشور نظرات آنان را ملحوظ ندارند ناظرين مراتب

را به هیأت مرکزي نظارت شوراي نگهبان گزارش خواهند کرد.

ماده 7 - شوراي نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضي از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه‌هاي همگاني اعلام مي‌نماید و نظر شوراي نگهبان در این مورد قطعي و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع‌دیگري حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.

تبصره - هیأت مرکزي نظارت باید مدارك حاکي از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن انتخابات را بررسي و براى اتخاذ تصمیم به شوراي نگهبان بفرستد.

ماده 8 - پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور چنانچه شوراي نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیأت‌اجرایي، نحوه تبلیغات و مانند آن تخلفاتي مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام‌مي‌دارد.

ماده 9 - در مواردي که توقف یا ابطال بنا به نظر شوراي نگهبان در تعیین رییس جمهور مؤثر باشد قبل از اعلام نتایج کل انتخابات، در اولین

فرصت، اخذ رأي در آن مناطق ادامه يافته يا تجديد خواهد شد.
ماده 10 - در مواردي كه ناظر يا ناظرين در مركز شهرستان و بخشهاي تابعه نتايج انتخابات يك يا چند صندوق شعب اخذ رأي را منطبق با قانون‌تشخيص ندهند موضوع را با ذكر دليل در هيأت اجرايي محل مطرح خواهند كرد، در صورتي كه هيأت اجرايي مذكور نظر آنان را نپذيرد، مراتب به هيأت‌مركزي نظارت انتخابات رياست جمهوري ارجاع خواهد شد و نظر اين هيأت با تأييد شوراي نگهبان قطعي و لازم‌الاجرا است.
ماده 11 - هيأتهاي اجرايي موظفند يك نسخه از صورت جلسه اقدامات خود را به ناظر يا ناظرين تسليم نمايند. در مواردي كه امضاي هيأتهاي‌اجرايي در قانون انتخابات پيش‌بيني شده است امضاي ناظر يا ناظرين نيز لازم است.»
ريز وظائف، مسؤليت‌ها و اختيارات هيئت مركزی نظارت و ناظرين منتخب آن‌ها از نظر قانون مزبور (قا نظ) و قانون انتخابات (قا) و آيين‌نامة اجرايی (آی) عبارت است از:
1) شورای نگهبان، از طريق هيئت نظارت و ناظرين در سراسر كشور، مسؤل حسن اجرای قانون است و هرگونه تخطی از قانون را به مجريان تذكر می‌دهد، در صورت عدم تمكين با تأييد شورای نگهبان

در خصوص تأثیر این اقدامات در سرنوشت انتخابات تصمیم‌گیری می‌شود. 2) بررسی و تأیید صلاحیت نامزدها توسط خود شورای نگهبان. 3) اتخاذ تصمیم برای توقف یا ابطال انتخابات. 4) رسیدگی به شکایات نامزدها و نمایندگان آن‌ها توسط هیئت های نظارت‌محلی و مرکزی. از همه مهمتر 5) نظارت بر کلیة امور مربوط به تعرفه، آراء، شمارش و صورتجلسات. 6) اطمینان از اینکه نمایندگان نامزدها طبق قانون توانسته باشند بر جریان امور انتخابات نظارت نمایند. این وظیفة اخیر را ماده واحدة قانونی مصوب 1379/5/30 به عهدة وزارت کشور و شوای نگهبان نهاده است:

«ماده واحده ـ به موجب این قانون هر يك از نامزدهاي رياست جمهوري به تنهايي و يا چند نامزد مشتركاً مي توانند در هر يك از شعب اخذ رأي، اماكن استقرار دستگاه شمارشگر رايانه اي آراء و هيأت هاي اجرايي شهرستانها و بخشها يك نفر نماينده داشته باشند. نمايندگان نامزدها مي-توانند در شعب اخذ رأي (ثابت و سيار) و اماكن استقرار دستگاه شمارشگر آراء بدون دخالت در انجام وظايف آنها حضور داشته باشند و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را كتباً به ناظرين شوراي نگهبان و هيأت نظارت

شهرستان و استان مربوطه و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند. حضور نمایندگان هر یك از نامزدها تا پایان اخذ رأي و شمارش و تنظیم صورت جلسات بلامانع است و ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأي، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع بوده و **جرم** محسوب میگردد و متخلف به مجازات مقرر شده در تبصره ماده (93) قانون انتخابات ریاست جمهوري محکوم خواهد شد. مسئولین شعب اخذ رأي موظفند از حضور افراد غیر مسئول در شعب اخذ رأي (افرادي که در این قانون و قانون انتخابات ریاست جمهوري حضور آنها در شعب اخذ رأي پیش بینی نگردیده است) جلوگیري به عمل آورند، تخلف از این موضوع جرم محسوب میگردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (88) قانون انتخابات ریاست جمهوري محکوم خواهد شد.

تبصره 2 ـ نمایندگان نامزدها باید از میان افراد داوطلب و با معرفي نامزد و یا مسئول ستاد تبلیغات هر یك از نامزدها در شهرستان مربوطه به عنوان نماینده تام‌الاختیار نامزد حداقل 5 روز قبل از شروع اخذ رأي به فرماندار همان شهرستان معرفي گردند . فرمانداران موظفند کارت یا معرفي‌نامه نمایندگان مذکور را حداقل

48 ساعت قبل از روز اخذ رأي تحويل مسئول ستاد تبليغات نامزد مربوطه در آن شهرستان دهند، تخلف از اين تبصره توسط فرمانداران **جرم** محسوب ميگردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (88) قانون انتخابات رياست جمهوري محكوم خواهد شد. كليه هزينه هاي اجراي اين تبصره توسط وزارت كشور محاسبه و نامزدها قبل از معرفي نمايندگان به تناسب تعداد نمايندگانشان پرداخت خواهند كرد.

تبصره 3 ـ مسئول ستاد تبليغات هر يك از نامزدها در شهرستان فردي است كه يك هفته قبل از شروع رأيگيري كتباً از طرف نامزد مربوط به فرمانداري همان شهرستان معرفي ميشود.

تبصره 4 ـ پرسنل نيروهاي نظامي، انتظامي و اطلاعاتي نميتوانند از طرف هيچ نامزدي، نمايندگي يا نظارت داشته باشند.

تبصره 5 ـ نمايندگان نامزدها حق تبليغ له يا عليه هيچيك از نامزدها و يا دخالت در كار هيأت هاي اخذ رأي ، بازرسان و ناظران شوراي نگهبان را ندارند و در صورت تخلف از حوزه اخذ رأي اخراج و برابر ماده (88) قانون انتخابات رياست جمهوري با آنان عمل خواهد شد.

تبصره 6 ـ این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست و آن قسمت از قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو و بلااثر میگردد. آیینnامه اجرایي این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران میرسد.
قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در جلسه علني روز یکشنبه مورخ سي ام مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصویب و تأییدیه شوراي نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم (94) قانون اساسي واصل نگردیده است.»

بررسی این وظائف ما را در برابر پرسش مهمی قرار میدهد: آیا اعضای شورای نگهبان، هیئت مرکزی نظارت و ناظرین منتخب آن در سراسر کشور، نسبت به وقوع اعمال مجرمانه در منطقة زیر نظرشان چه مسؤلیتی دارند؟ یعنی، چنانچه فرماندار یا استاندار یا رئیس ستاد مرکزی انتخابات وزارت کشور یا وزیر کشور مرتکب یکی از اعمال مجرمانهای بشود که تا بدینجا اشاره شده و در بخش بعدی بطور کاملتری فهرست خواهد شد، آیا نادیده گرفتن این اعمال از سوی دستگاه نظارت جرم است یا نه؟ از سوی دیگر، آیا اهمال ناظر و حتی شورای نگهبان در اعمال نظارت جرم است یا نه؟ برای مثال، وجود انبوهی از تعرفههای تا نخورده در صندوقهای مختلفی که در «شام

آخر» انتخابات مصلوب، طی مراسم شمارش 10 در صد از صندوق‌ها در برابر تلویزیون توسط شورای نگهبان، مشاهده شد، و این شورا هیچ گونه عکس‌العملی در مقابل آن نشان نداد، آیا اینگونه بی-توجهی شورا جرم است یا نه؟ و اگر این اهمال جرم باشد مرجع رسیدگی بدان کیست و کدام دستگاه است؟

این پرسش از آن جهت حائز اهمیت است که برخی از اعضا و همچنین سخنگوی شورای نگهبان مکرر ادعا کرده‌اند که کسی نمی‌تواند از شورای نگهبان شکایت کند، یا آن را محاکمه نماید. از جمله، آقای کدخدائی روز 88/4/19 به گزارش ایلنا مدعی شد که:

«ایلنا: سخنگوي شوراي نگهبان درمورد اظهار نظر يكي از كانديداها مبني بر اينكه موضوع انتخابات را از مراجع قضايي پيگيري و از شوراي نگهبان شكايت خواهد كرد، اظهار داشت: فكر نمي‌كنم چنين قانون و مجوزي وجود داشته باشد.

عباسعلي كدخدايي با تاكيد بر اينكه حرف و كلام شوراي نگهبان پايان كار است و پس از اظهار نظر شوراي نگهبان، ديگر هيچ مرجعي، صالح به رسيدگي نيست، افزود: شكايت كانديداها از شوراي نگهبان مبناي قانوني ندارد. وي در پاسخ به اين پرسش كه چرا با وجود اينكه قبلا اعلام شده بود با تاييد انتخابات از سوي شوراي نگهبان، پرونده انتخابات بسته مي‌شود، اين شورا براي اولين بار قصد انتشار گزارش تفصيلي رسيدگي به

شکایات را دارد، گفت: در آخرین نشست خبري اعلام کردم که به زودي گزارش تفصیلي را منتشر خواهیم کرد و هدف از این کار، این است که افکار عمومي از اقدامات شوراي نگهبان نسبت به اعتراضات و شکایت‌هاي انجام شده آگاه شود و مشخص گردد که این نهاد چه مسیرهایي را طي و چه اقداماتي را انجام داده است.»

اما ظاهراً این حقوقدان ورزیده در بیاناتش کوشیده است میان ارتکاب جرم انتخاباتی توسط شورای نگهبان و عوامل نظارتی‌اش با اصل مرجعیت شورای نگهبان در خصوص اعلام نتیجة نهایی انتخابات خلط کند. آری، شورای نگهبان بموجب قانون اساسی و (قا نظ) و (قا) مسؤل و مرجع اعلام نتیجة درست است و وزارت کشور با اخذ نظر شورا و اعتبارنامة فرد منتخب، او را به رهبر معرفی می‌کند؛ اما این اختیار یا وظیفه، مصونیتی به اعضای شورا و عوامل اجرایی آن نمی‌بخشد. اعلام نتیجة نادرست، اهمال در نظارت و رفتار جانبدارانه نسبت به یکی از نامزدها موجب تعقیب جزائی است. از این گذشته، هر مقامی که قانون را نقض کند، بموجب قوانین جزائی و مدنی مجرم است. قانون اساسی و قوانین انتخاباتی منبعث از آن همه جا اعضای شورای نگهبان را مسؤل می‌داند. قانون انتخابات هم مؤید این ادعاست:

اولاً- هرگاه کسی با مجرم در ارتکاب جرم همکاری کند یا نسبت به بازداشتن او از این عمل مماشات نماید، در حالی که بازدانده‌گی

وظیفة قانونی اوست، خودش مجرم است؛ حتی کسی که این وظیفه را نداشته باشد، دستکم از لحاظ شرعی مجرم است و چون دادگاه‌ها بر اساس قانون اساسی می‌توانند در موارد کمبود مبانی قانونی با توسل به فتاوای مرجع از روی قانون شرع حکم بدهند، بنا بر این، همان شخص هم می تواند مجازات شود.

ثانیاً – در (قا نظ) نظر بر این است که، هرچند از سر ناگزیری در یک انتخابات بدین وسعت لازم است شورای نگهبان از همکاری افراد دیگر بهره بگیرد، لیکن نظر به اصل 99 قانون اساسی مسؤلیت اعمال آن‌ها با شورای نگهبان است. در این قانون همة اقدامات هیئت مرکزی نظارت و عوامل منطقه‌ای با «تأیید» شورای نگهبان قابل اعمال است و این در حالی است که (قا) و (آی) برای ناظر به معنای عام کلمه مجازات‌هایی در نظر گرفته است.

ثالثاً – مادة 33 (قا) تحت عنوان «ارتکاب امور ذیل جرم محسوب مي شود» برای مثال در بند 11 می گوید: «توصیه به انتخاب کاندیداي معین از طرف اعضاي شعبه اخذ رأي یا هر فرد دیگر محل صندوق رأي ، به رأي دهنده.» بنا بر این ممکن است هر یک از عوامل دستگاه نظارت، از دبیر شورای نگهبان گرفته تا افراد ناظر در کوره دهات، مرتکب این خطا بشوند و توصیه‌ای در این جهت بکنند. لذا بموجب ماده فوق عمل آن‌ها جرم است و قابل طرح در محاکم خواهدبود.

مادة 34 (قا) صریحاً ناظرین را برای هماهنگی با محاکم محلی موظف می‌سازد، این صراحت مادة مزبور حاکی از صلاحیت دادگاه‌ها به رسیدگی به جرائم انتخاباتی هر کس و در هر مقام است.

تبصره 2 از ماده 39 (قا) تصریح می کند که: «معتمدین هیأت اجرایي و ناظرین شوراي نگهبان نباید در انتخابات قبل مرتکب تخلفي شده باشند که در یکي از محاکم صالحه اثبات شده باشد.» بنا بر مدلول این تبصره ناظرین شورای نگهبان، اعم از هیئت مرکزی یا سایرین، بنا به دلایل تخلف انتخاباتی قابل محاکمه در دادگاه صالحند. این دادگاه طبعاً غیر از شورای نگهبان است.

مادة 40 (قا) انتخاب ناظرین از میان منسوبین نسبی و سببی نامزدها را منع کرده و (قا نظ) اعضای شورای نگهبان را مسؤل هر انتخابی می‌داند. آیا عمل نکردن احتمالی به این نهی ارتکاب جرم نیست و اگر هست، بدون تردید مرجع رسیدگی محکمه صالحه است نه خود شورای نگهبان.

حتی مادة 61 (قا) که شورای نگهبان را موظف به تعویض نظار خاطی می‌کند، مانع از تعقیب جزائی ناظر متخلف نیست؛ بلکه از حیث سلبی شورای نگهبان را در صورت اهمال مقصر دانسته و قابل تعقیب می‌داند، در غیر این صورت تصویب قوانین اموری مهمل خواهد بود.

مادة 62 که به تبلیغات انتخاباتی نامزدها پرداخته است، به مسؤلیت دستگاه نظارت در

این زمینه هم تصریح کرده است. اگر تبلیغاتی غیر قانونی صورت بگیرد، علاوه بر مباشرین مستقیم آن، شورای نگهبان نیز به خاطر اهمال در نظارت مسؤل و قابل تعقیب است. وگرنه وجود یک ناظر بی‌مسؤلیت فاقد وجاهت قانونی است و بود و نبود آن علی السویه است؛ چنانکه خواهیم دید، در انتخابات دهمین دورة ریاست جمهوری در برابر دیدگان شورای نگهبان و ملت ایران، بر خلاف نص قانون، تبلیغات تلویزیونی یک جانبه زیادی صورت گرفته که شورای نگهبان در این خصوص مسؤلیت مستقیم داشته است.

برای نمونه، اصل پخش **مستقیم و زنده** مناظره های نامزدها، که غیر قابل انکار است، بر خلاف نص صریح قانون در مادة 64 بوده است.

سرانجام باید در اینجا به مادة 93 استناد شود که صریحاً می‌گوید: «ماده 93 ـ در اجراي صحيح اصل 99 قانون اساسي و حفظ بي‌طرفي كامل، ناظرين شوراي نگهبان موظفاند در طول مدت مسئوليت خود، بي‌طرفي كامل را حفظ نمايند و ابراز جانبداري ناظرين به هر طريقي از يكي از كانديداها **جرم** محسوب مي‌شود.»

بنا بر آنچه گذشت اجرای صحیح اصل 99 نیز بنا بر وظائف و تکالیف موسّع و همه‌جانبه‌اي كه شوراي نگهبان در امر انتخابات دارد، به عهدة "اعضای" شورا است. بعلاوه عبارت اول این ماده، یعني: «در اجراي صحيح اصل 99

قانون اساسي و حفظ بي طرفي كامل»، به تنهائي و به روشني كامل ضرورت بي‌طرفي اعضاي شوراي نگهبان را مورد تأكيد قرار مي‌دهد. از نظر مادة 93 (قا)، متن فوق، اصل 99 قانون اساسي به مناسبت باور به عدالت شوريا نگهبان تنظيم شده و عدالت بدون بي-طرفي ممكن نيست. از سوي ديگر، بموجب همين عبارت اخير، شوراي نگهبان بدون بي‌طرفي قادر به اعمال درست اصل 99 نخواهدبود!!

قانون در مورد به حساب آوردن رأی معيوب، شورای نگهبان را مرجع می‌داند؛ اما دخالت در اخذ رأی معيوب يا اغماض در ارتكاب جرائم، يا ناديده گرفتن شكايت افراد ذيحق از جمله رأی دهندگان، يا مباشرت به جرم در قوة قضائيه قابل رسيدگی است. به عبارت بهتر، مال دزدی را هر زمان مالک آن شناسايی نمايد، حق دادخواهی و استرداد دارد، با هيچ تأييد و تنفيذی نمی‌شود، مال غير را مال حلال محسوب نمود.

بحثی دربارة تقاضای ابطال انتخابات

همانطور كه ديديم قانون دست شورای نگهبان را باز گذاشته است كه اگر دخالت‌های ناروا در تنظيم مقدمات انتخابات يا در روند اجرای قانون انتخابات مشاهده كند، به نحوی كه در تعرفه و آرا و شمارش و صورتجلسات مؤثر گردد، يعنی در نتيجة انتخابات اثرگذار باشد، آن انتخابات را باطل كند. برای روشن شدن مطلب در اينجا توجه‌تان را به سخنی از آقای كدخدائی سخنگوی شورا و

عضو و سخنگوی هیئت مرکزی نظارت جلب می‌کنیم که روز 88/3/13، همان روزی که قرار بود ساعت ده شب مصاحبة مهم و جنجالی میان آقای مهندس موسوی و آقای احمدی نژاد انجام گیرد، اظهار کرده است:

"خبرگزاری فارس: عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان در گفتگویی با برنامه تلویزیونی تهران 20 و در تشریح جایگاه شورای نگهبان در انتخابات به ویژه امر نظارت اظهار داشت: «*شورای نگهبان قانون اساسی طبق اصل 99 قانون اساسی، نظارت جامع و موثری بر تمام مراحل انتخابات دارد و در انجام وظیفه قانونی همه رفتارها و اقدامات را نظارت می‌کند*». وی درباره وظایف شورای نگهبان در برخورد با برخی تخریبها، توهین‌ها، افتراها و بداخلاقی‌های احتمالی انتخاباتی بیان داشت: «اگر تخریب، توهین و افترا در روند تبلیغات انتخابات باشد طبعاً مجری انتخابات، دستگاه انتظامی و قوه قضائیه به شکایات و اعتراضات رسیدگی خواهد کرد، اما اگر تخریبها به گونه‌ای باشد که سرنوشت انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد شورای نگهبان وارد عمل می‌شود و ممکن است در مرحله تائید نهایی، صحت انتخابات را تجدیدنظر و تصمیماتی برای ابطال حوزه‌های انتخابیه اتخاذ کند». معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان قانون اساسی درخصوص این که در احراز صلاحیت ناظران شورای نگهبان با هدف بی‌طرف بودن آنان در امر وظایف قانونی چه مراحلی طی می‌شود گفت:

«ناظران شورای نگهبان از اقشار مردم و به صورت خودجوش با این شورا همکاری می‌کنند، در گزینش آنان شرایطی همچون امانتداری، قانونمداری و اخلاق و اصول اسلامی‌اعمال می‌شود و چنانچه ناظری در انجام وظیفه قانونی تخلفی داشته باشد با او برخورد قانونی خواهد شد». کدخدایی با تاکید مجدد بر بی‌طرفی ناظران شورای نگهبان، گفت: «اگر گزارشی دال بر جانبداری ناظر و مجری انتخابات در اجرای وظیفه قانونی به شورای نگهبان واصل شود به شدت برخورد خواهد شد». سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به روش‌ها و ابزار گوناگون در اخذ نظرات، انتقادات و شکایات، به مردم اطمینان داد که‌این شورا با دقت هر چه تمام شکایات را بررسی و با هر گونه تخلفات احتمالی برخورد می‌کند»."

باید این متن را بدقت خواند و با آنچه که پیشتر گفته شد مقایسه نمود. آری شورای نگهبان باید در همة امور انتخابات ناظر باشد و اهمالش در هر امری یا جانبداریش عملی مجرمانه است.

بعلاوه، اگر در انشای این سخنان دقت کنید، همانطور که پیش از این متذکر شدیم، اعضای شورای نگهبان در حکم ناظرند و آقای کدخدائی هم نمی‌تواند فرقی میان آنها و دیگر ناظران قائل شود.

اما سؤال اساسی این است که آیا فقط شورای نگهبان در مراقبت‌هایش از جانب خود باید به این نتیجه برسد که انجام کاری یا ترك فعلي نتیجه انتخابات را تحت تأثیر قرار داده

است، یا دیگران هم می‌توانند چنین برداشتی بکنند و از شورای نگهبان یا مرجع ذیصلاح قضائی در خواست ابطال نمایند. مرجع ذیصلاح قائونی یا داوری در جایی می‌تواند وارد این مسأله شود که شورای نگهبان طرف دعوا بوده و خودش در نتیجه دخالت نموده باشد. آنچه ایشان تصریح دارند این است که شورای نگهبان یا خودش یا به خاطر شکایت دیگران می‌تواند به این نتیجه برسد. از این رو، اصل تقاضای ابطال انتخابات از سوی نامزدها و حتی رأی دهندگان کاملاً وجاهت قانونی دارد. آن‌ها قانوناً می‌توانند به علت اهمال شورای نگهبان یا مجریان یا هر دو تقاضای ابطال کنند. برای تکمیل این بحث به موضوع صیانت از آراء در این گزارش رجوع کنید؛ متن سخنان آقای کدخدائی در رابطه با صیانت از آرا را که در همین مصاحبه عنوان کرده است در آن مبحث نقل خواهیم کرد. شورای نگهبانی که همة ارکانش صریحاً در برابر اصطلاح قانونی «صیانت از آرا» موضع گرفت و آن را غیر قانونی و پیروی از خط دشمن خارجی و خط برانداز داخلی قلمداد نمود و مدعی بود که خود شورای نگهبان قادر به صیانت از آراء است و عملاً مانع‌تراشی در برابر نظارت قانونی مردم بر انتخابات را بدعت نهاد، همچنانکه در همین مصاحبة آقای کدخدائی هم تکرار شده است، هیچ عکس‌العملی در مورد رفتار تبلیغی رادیو و تلویزیون به نفع آقای احمدی‌نژاد نشان نداد و حتی به

جانبداری برخی از اعضایش از نامزد فوق اعتراف داشت.
پرسش دیگر در رابطه با تقاضای ابطال این است که: آیا تقاضای ابطال رابطه‌ای با آرای نامزد دارد؟ یعنی، آیا فقط نامزدي که گمان کند پیروز بوده ولی نام دیگری به عنوان پیروز انتخابات اعلام شده است، می‌تواند تقاضای ابطال کند، یا هر ذینفعی که جریان انتخابات را خارج از مسیر قانونی یافته و آرائش را در معرض خطر دیده است، می‌تواند چنین تقاضائی بکند؟ در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حتی آقای رضائی که هرگز مدعی امکان پیروزی نبوده است، تقاضای ابطالش قانونی و بجا بوده است. در تقاضای ابطال مسأله بر سر پیروزی و شکست نیست، بلکه ایراد به عدم رعایت اصول و مواد قانوني از جانب دستگاههای مسؤل است. هر نظامي چنانچه در برابر این خواست بحق مردم و نامزدها با اسلحه صف آرائی کند، اصل تعهدش به مردم‌سالاری را زیر پا نهاده است.

ب) وظائف و مسؤلیتهای دستگاه مجری انتخابات:

اگرچه (قا) در مادة 31 وزیر کشور را مسؤل صحت انتخابات اعلام می‌نماید، اما این نظر قانونگذار مانع از مسؤلیت مشترک رئیس قوة مجریه و هیئت وزیران که در اصول 132 و 137 قانون اساسی آمده است، نمی‌گردد:

«اصل یکصد و سی و چهارم: ریاست هیأت وزیران با رییس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ

تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رییس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

اصل یکصد و سی و هفتم – هر یک از وزیران مسوول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به‌تصویب هیات وزیران می‌رسد، مسوول اعمال دیگران نیز هست.»

علاوه بر این متن سوگندنامهٔ رئیس جمهور در اصل 121 و فحوای اصل 132 او را مسؤل اجرای قوانین نموده و در برابر «ملت» مسؤل می‌داند. از این رو، همهٔ وظائف وزیر کشور در (قا) عملاً وظائف رئیس جمهور است و همهٔ وظائف این دو در (آی) که مبتنی بر (قا) است، وظائف همهٔ وزیران نیز شمرده می‌شود. بخصوص باید یادآور شویم که وزیر امور خارجه بموجب مادهٔ 53 و 54 (قا) در مورد اجرای قانون انتخابات در خارج از کشور جانشین وزیر

کشور بوده و همپای او به عنوان مجری انتخابات مسؤل است.
با این حساب، با تأکید بر اینکه آیین نامة اجرائی قانون انتخابات به تصویب هیئت وزیران و تأیید شورای نگهبان رسیده است، اهم وظائف وزیر کشور، معاون انتخاباتی او که رئیس ستاد مرکزی انتخابات است، استانداران و فرمانداران و بخشداران و سفرا و سرکنسولها و وزیر خارجه در سه دسته به شرح زیر است:
ب1) وظائف قوة مجریه در تهیة مقدمات انتخابات.
ب2) برگزاری انتخابات در روز مقرر.
ب3) وظائف پس از انتخابات.
پیش از بیان شرح این سه دسته لازم است اشاره شود، در صورتی که رئیس جمهور خودش یکی از نامزدها باشد، بموجب قوانین یادشده، در طول دورة رسمی انتخابات دارای دو شخصیت متمایز خواهد بود. از سویی بر اساس سوگندی که خورده است باید بدور از خودکامگی به اجرای صحیح قانون همت بگمارد و بر اعمال وزیران، بویژه وزیر کشور نظارت نماید، از سوی دیگر در شرایطی مساوی با سایر نامزدها به رقابت معقول و قانونی انتخاباتی بپردازد. عقلاً و بر مبناي کلیه قوانین موضوعه، از آنجا که مجریان در چنین مواردی غالباً تابع رئیس جمهور وقت هستند، و بخصوص در

زمان آقای احمدی نژاد با تغییرات گسترده‌ای که ایشان در سطوح اجرائی و در وزارت کشور ایجاد نمود، رفتار عادلانه و قانونمدارانة رئیس جمهور انتظاري بجا و دارای اهمیت است. هرگونه تخطی از مسیر عدالت در واقع جرمی قانونی برای رئیس جمهور محسوب می‌شود. شائبة استفاده از امکانات دولتی که در قانون منع شده است، در این مواقع و شرایط خاص بیشتر محتمل است، همچنانکه عملاً از سوی احمدی‌نژاد بطور علنی مشاهده کردیم. همه ملت شاهد بودند که آقاي احمدي‌نژاد در مناظره تلویزیوني با آقاي موسوي اظهار داشتند: «سه ماه است که سه نفر علیه یک نفر هستند آن وقت به من 40 دقیقه وقت می‌دهید؟ اشکال ندارد،» و به این ترتیب نامزدها را گروهی همدست برای شکست خودش ببینند، آیا ایشان با بیان چنین مطالب مي‌تواند در مقام ریاست دولت به مسؤلیت حسن اجرای خود بدرستي عمل کند؟ مگر آقای محسن رضائی فقط علیه پیروزی آقای احمدی نژاد در انتخابات شرکت کرده بود و از دیگران نقد نمی‌کرد؟ در واقع همه می‌توانستند بگویند، سه نفر در برابر یک نفر است، این قاعدة انتخابات است. آیا مفهوم مخالف این گونه اظهارات نمي‌تواند این ظن را قوت بخشدکه آقای احمدی‌نژاد با تصور اینکه دیگران علیه او توطئه می-

کنند، به جای حسن اجرای قانون در حال برنامه‌ریزی برای «توطئة» متقابل بود؟ اگر مدعیان تقلب هیچ سندی بجز همان مناظره را نداشته باشند، از لحاظ شرع و قانون می‌توانند او را به تقلب محکوم نمایند. چطور می‌شود، در کشوری رئیس جمهوری که ملزم به اجرای صحیح قانون است، نامزدهای دیگر را عضو باندی تخریبگر برای شکست خود بشمارد؟ آیا چنین شخصی با چنان دیدگاهی می‌تواند یک مجری بی‌طرف باشد و از امکانات دولتی یا از قدرت وزیر کشورش براي خنثي کردن توطئة ادعائي استفاده نکند؟ وزیر کشوري که اتفاقاً رئیس ستاد انتخاباتی قبلی خودش بوده است؟ بسیاری از مردم همان شب بوی تقلب و کودتا را استشمام کرده بودند و ما در جای خود برخی از نظرات را نقل خواهیم کرد.

لازم به یادآوری و تأکید است که بر پایة مباحث مربوط به وظائف شورای نگهبان و ناظرین، *همة وظائف قوة مجریه جزو مسؤلیتهای نظارتی این شوراست که قانون نیز صریحاً بدان دلالت دارد*؛ یعنی، چنانچه دولت و وزارت کشور از مسیر خارج شود، شورای نگهبان خواه با شکایت دیگران و خواه از طریق مراقبت مستقیم می‌باید مانع گردد و عکس‌العمل مناسب نشان دهد.

ب1) وظائف قوة مجریه در تهیة مقدمات انتخابات.

بموجب مادة 3 (قا): «وزارت کشور موظف است سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوري مقدمات اجراي انتخابات دوره بعد را فراهم و با رعایت اصول 119 و 131 قانون اساسي مراتب برگزاري انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوري را با استفاده از وسایل ارتباط جمعي به اطلاع عموم برساند.» مفاد مادة مزبور بدان معناست که: چون بنا بر اصل 119 باید انتخابات یکماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری تمام شده باشد، اگر روز 88/5/12 روز پایان دوره باشد، در این صورت وزارت کشور باید از 88/2/12 مقدمات انتخابات جدید را فراهم کرده و در 88/4/12 انتخابات تمام شده باشد. بنا براین، در صورت ظاهر، بخشنامة آقاي صادق محصولی در 88/2/14 به استانداران و فرمانداران، که به گفتة کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور بمنزلة صدور دستور شروع انتخابات ریاست جمهوری از سوی وزیر کشور بوده[1]، مي‌تواند با متن قانون سازگاری داشته باشد.

---

1 تابناک بتاریخ 88/2/12 کد 7137، به نقل از ایسنا.

اما عملاً از شهریور 87 که از سوی آقای کردان وزیر کشور وقت تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری 88/3/22 تعیین و اعلام شد، تهیة مقدمات انتخابات آغاز گردید. به این ماده از قانون در سنوات گذشته هم، مطابق نص عمل نمی‌شد، یعنی از اسفندماه مقدمات را در هماهنگی با شورای نگهبان آغاز می-کردند، لیکن در این دوره نه ماه قبل از موعد صورت گرفته است. آقای علیرضا افشار معاون انتخاباتی آن زمان وزارت کشور در توجیه این اقدام زودهنگام اعلام کرد: به علت همزمانی انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی از حالا تاریخ برگزاری را اعلام کرده‌ایم تا داوطلبان نمایندگی مجلس فرصت استعفا داشته باشند. دو ماه بعد در 87/8/9 آقای جنتی طی نامه‌ای به وزارت کشور، فهرست اسامی هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات دهمین دورة ریاست جمهوری را به وزارت کشور اعلام نمود، این اقدام حاکی از آمادگی پیش از موعد دستگاه اجرا و نظارت برای انتخابات بود. متن خبر خبرگزاری فارس در این خصوص به قرار زیر بود:

"عباسعلي كدخدايي سخنگوي شوراي نگهبان در گفتگو با فارس گفت: دبير شوراي نگهبان در نامه‌اي به وزير كشور اسامي اعضاي هيئت مركزي نظارت بر انتخابات

دهمين دوره رياست جمهوري، اولين ميان‌دوره‌اي هشتمين دوره مجلس شوراي اسلامي و دومين ميان‌دوره‌اي چهارمين دوره مجلس خبرگان رهبري را اعلام كرد.
وي ادامه داد: همچنين طبق زمانبندي اعضاي هئيت نظارت استاني و شهرستاني در انتخابات مذكور نيز اعلام خواهد شد.
بر اساس اين گزارش متن كامل نامه آيت‌الله احمد جنتي به علي كردان وزير كشور به اين شرح است:

جناب آقاي كردان
وزير محترم كشور
سلام عليكم

در اجراي ماده 2 قانون نظارت بر انتخابات رياست جمهوري اسلامي ايران اسامي اعضاء هيأت مركزي نظارت بر انتخابات دهمين دوره رياست جمهوري، اولين ميان‌دوره‌اي هشتمين دوره مجلس شوراي اسلامي و دومين ميان‌دوره‌اي چهارمين دوره مجلس خبرگان رهبري كه در جلسه مورخ 87/8/8 شوراي نگهبان انتخاب گرديده‌اند به شرح زير اعلام مي‌شود.

1ـ حضرت آيت الله احمد جنتي.
2ـ جناب آقاي محمدرضا عليزاده.
3ـ حضرت حجت الاسلام والمسلمين عباس كعبي.
4ـ حضرت حجت الاسلام و المسلمين احمد سالك.
5ـ جناب آقاي دكتر سيد فضل الله موسوي.

6ـ جناب آقاي دكتر عباسعلي كدخدايي.
7ـ جناب آقاي محمدرضا ميرشمسي.[2]"
بر اساس نامه‌ای که آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان در آبان سال 1387 به وزارت کشور ارسال نموده، اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دورة دهم ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را معرفی کرده است. بموجب این نامه آقایان محمدرضا علیزاده، عباس کعبی (دو عضو حقوقدان شورای نگهبان)، عباسعلی کدخدائی سخنگوی شورای نگهبان، محمد رضا میرشمسی (مدیر کل اسناد شورای نگهبان)، احمد سالک (سخنگوی جامعه روحانیت مبارز) و فضل الله موسوی (نماینده تهران در مجلس هفتم) آقای جنتی را در هیئت نظارت یاری می‌کنند. این لیست حاوی نام سه نفر از اعضای فعلی شورای نگهبان است، در حالی که قانون مذکور در بالا، مقرر می‌دارد که دو نفر از اعضای شورای نگهبان و پنج نفر از معتمدین متدین برای هیئت نظارت برگزیده شوند. ممکن است در پاسخ به این ایراد چنین گفته شود که یک نفر اضافی از حیث معتمد بودن انتخاب شده است، لیکن مغایرت این انتخاب با نص صریح قانون و روح آن بدیهی است.

[2] این خبر با کد 33914 از سایت الف نقل شد.

عملاً گروه‌های سیاسی از اینکه فضایی برای بحث دربارة ریاست جمهوری آینده و نقد عملکرد دولت نهم باز می‌شد، بدون توجه به انطباق این فعالیت‌ها با ظاهر و باطن قانون، همین اعلامیه‌ها را بهانه قرار داده و نسبت به نامزدهای مورد نظر خود فرصت تبلیغ ایجاد می‌کردند. فضای بستة سیاسی و نبود امکانات رسانه‌ای کافی و فراگیر، مشکلات سیاسی حاد جاري در کشور، از علل موجبة این بی‌توجهی‌هاست، زیرا مردم در کشاکش خبرهای حاد روزمره دربارة اوضاع سیاسی کشور، فرصت برنامه ریزی های دراز مدت برای فعالیت های سیاسی را پیدا نمی-کنند.

در این میان تنها رهبر انقلاب نسبت به این اعلامیه‌های زود هنگام عکس‌العمل نشان دادند. عکس‌العمل‌های ایشان به بسیاری از اموری که مورد علاقة اقشار مردم در امور سیاسی می‌شود و غالباً از حقوق شهروندی است، از رازهای پنهان دورة بیست سالة اخیر است که در این دورة انتخابات دهم ریاست جمهوری بارها تکرار شده است!

در حالی که دستگاه دولتی در آن روزها با انتشار خبرهای متعدد موضوع انتخابات آتی را در پیشخوان روزنامه فروشی‌ها قرار می‌داد، رهبری انقلاب به تلاش‌های منتقدین چپ و راست، اصلاح طلب و

اصولگرا، برای نقد دولت حمله کرده و از دولت با قاطعیت پشتیبانی می‌کند.
درست همزمان با مصاحبة آقاي کدخدایی و اعلام تشکیل هیئت نظارت شورای نگهبان، یعنی روز 88/8/9 رهبر انقلاب در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان گفتند: "مسائل مربوط به انتخابات به ویژه حضور پرشور مردم در آن، در همان ایام نزدیک به انتخابات بسیار مهم است اما عده‌اي با عجله از حالا مباحث انتخاباتی را شروع کرده‌اند که این فعالیت‌هاي زودهنگام انتخاباتی موجب منحرف شدن ذهن‌ها از مسائل اصلی، مشغول کردن افراد به یکدیگر و برخی بدگویی‌ها مي‌شود و این، به ضرر مصالح کشور است."
ایشان افزودند: "حقوق بشر آمریکا در ابوغریب، گوانتانامو و زندان‌هاي دیگر و همچنین کشتار مردم افغانستان و پاکستان به نمایش درآمده و دموکراسی آمریکا نیز در مقابله با دولت مردمی حماس در فلسطین، تحت فشار گذاشتن دولت مردمی عراق برای امضای توافقنامه امنیتی، و طرح اتهام‌هاي بی اساس برضد جمهوری اسلامی ایران که همه مسوولان آن با رای مردم انتخاب مي‌شوند، آشکار شده است."[3]
اما برای شورای نگهبان، وزارت کشور، مجلس و بالاخره مردم کشور موضوع

3 نقل از روزنامه دنیای اقتصاد.

انتخابات از مسائل اصلی است و بررسی عملکرد دولت در رأس این مباحث قرار دارد. در همین روزها موضوع استیضاح آقای کردان و تعیین جانشین وی خودبخود مسألة انتخابات را پر اهمیت می‌کرد، زیرا خود آقای احمدی‌نژاد یکی از نامزدها بود. از سوی دیگر، ریخت و پاش وجوه نقدی حاصل از فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی، که عامل تورم شدیدی محسوب می‌گردد، توسط دولت در سفرهای استانی و عدم تحقق وعده‌های بیشمار قبلی در این سفرها که به نوعی سفر تبلیغاتی تلقی می‌شد، اکنون با کم شدن درآمد نفت و کسری بودجه و افزایش تورم مسألة روز شده بود. به هر حال، اگر هم انتخابات در پیش نبود، باز این ایرادها در تریبون‌های عمومی بسوی دولت سرازیر می‌شد؛ اما تقارن بروز این مشکلات با زمان انتخابات پشتیبانان اصلی دولت و خود دولت را به تکاپو انداخته بود. یکی از راه‌ها می‌توانست ممانعت از این بحث‌ها باشد؛ هرچند به خاطر اهمیت فراوان این موضوعات و اشتباه تاکتیکی دولت نهم که مسائل داخلی را با سفرهای استانی به عنوان محور اصلی سیاست خود درآورده بود، هر کوشش و توصیه‌اي را بي‌اثر مي‌ساخت و چنین کوشش‌هايي نمي‌توانست از داغي این مباحث بکاهد. تا آنجا که از مسائلی مانند امور انرژي هسته‌ای در بالابردن

سطح محبوبیت داخلی خود بهره می‌گرفت و کارهای مثبت دولت‌هاي پیشین را هم به حساب خود می‌گذاشت، یا به برخی از امور که مردم در جریان کنه آن نبودند با هدف تضعیف اصلاح طلبان انتقاد می‌کرد؛ طبیعتاً این سیاست مانع از توجه به پیشنهاد رهبری بود. در حافظة مردم در کنار این سخنرانی ایشان، پشتیبانی تا حدی پرسش برانگیز رهبری از دولت در روز 87/6/2 که بمناسبت هفتة دولت ایراد شد، معنای دیگری پیدا می‌کرد. ایشان در آن روز فرمودند: "چند خصوصیت ممتاز در این دولت وجود دارد که من لازم میدانم به این خصوصیات تصریح کنم؛ اگر چه بارها هم گفته شده، اما در عین حال خوب است که خود شما دوستان هم توجه داشته باشید که مایه‌ی امتیاز شما، اینهاست. ... **یك خصوصیت این است که این دولت، واقعاً یك دولت کار است؛** دولت حرکت و اقدام است؛ انرژی و نشاطِ کار این دولت، یك امر برجسته است. الحمدلله شما از سال اول همین‌جور حرکت کردید، الان هم با این که سه سال از عمر این دولت گذشته، انسان احساس میکند که تحرك و نشاط و فعالیت و اقدام در این دولت محسوس است - یعنی کاهش پیدا نکرده؛ افت پیدا نکرده - این خیلی چیز باارزشی است. در خدمت به مردم جدیت وجود دارد.

خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمانهای انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچکس نمی‌تواند نادیده بگیرد. ... عدالتخواهی در این دولت پررنگ شد. شعار عدالتخواهی به صورت جدی بر روحیه‌ی مسئولان، دولتمردان و برنامه‌ها، پرتو افکند. استکبارستیزی - که معنای ویژه‌ی انقلابی خودش را دارد - در این دولت تشخص و تمیّز پیدا کرد. ... **مسئله‌ی اعاده‌ی عزت ملی و ترك انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده‌طلبی سیاستهای دیگران و ترك شرمندگی در مقابل غرب و غربزدگی را هم انسان در این دولت احساس می‌کند؛ ...** خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمان‌های انقلاب است؛ یکی از مظاهر دفاع از عزت هم همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، برای ما فقط این نبود که ما میخواستیم یك فناوری داشته باشیم، دیگران میخواستند ما نداشته باشیم؛ این فقط بخشی از قضیه است. بخش دیگر قضیه این بود که قدرتهای گوناگون، پُررو، متجاوز، زورگو و دنباله‌ها و اقمار بی‌ارزش آنها، میخواستند حرف

خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند. خب، ملت ایران، دولتِ شما و شخص رئیس‌جمهور، در مقابل این زورگویی و این تحمیل و این افزون‌طلبی ایستادید؛ خدای متعال هم کمک کرد؛ پیش رفتید. اینها آن بخشها و اجزاء گفتمان عمومی این دولت است که برای من اهمیت دارد. **روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛** این چیز مهمی است. ... این دیده میشد؛ خب، جلویش گرفته شد. **گرایش‌های سکولاریستی** - که متأسفانه باز داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلویش گرفته شد. **یا جرأت در ایجاد تحول؛ حالت روحی این دولت این است که برای تحول‌آفرینی جرأت دارد و اقدام می‌کند.**

گفتمان عمومی دولت اینهاست؛ به طور خلاصه: زنده‌کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام؛ و مقابله‌ی با کسانی که مي‌خواستند این ارزشها و این مفاهیم اساسی را منسوخ کنند، یا از بین ببرند، یا ادعا میکردند که منسوخ شده و از بین رفته؛ این چیز باارزشی است. این خصوصیت دوم و امتیاز دومی است که در این دولت هست. امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید.

ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ... وظیفه‌ی بنده هم این است که قدردانی کنم و به خاطر همین خصوصیات، از دولت حمایت کنم. البته حمایت از دولت، مخصوص این دولت نیست؛ بنده همیشه از دولتها حمایت کرده‌ام؛ امام هم (رضوان الله تعالی علیه) در هر برهه‌ای، از دولتها و رؤسای قوه‌ی مجریه و مسئولین دولتی حمایت می‌کردند." آیت‌الله خامنه به دنبال این حمایت سنگین، برخی مطالبات «همیشگی» از دولت را یادآور شده و «ضعفهایی» را برشمردند. این بخش خیلی پیش از آن سخنان در نوشته‌ها و گفته‌های منتقدین وجود داشت و سفرهای استانی را عامل مهم این ضعف‌ها می‌دانستند: **"یکی مسأله‌ی رعایت قوانین است. قانون را اهمیت بدهید.** قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند. ... اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود. **... یکی مسأله‌ی پیگیری مصوبات است؛ بخصوص مصوبات سفرها و وعده‌هایی که داده میشود.** شما به جایی مسافرت

میکنید؛ مثلاً گفته میشود دولت صد یا دویست مصوبه برای آن‌جا داشت؛ باید به طور جد دنبال کنید که اینها تحقق پیدا بکند. ... **همان طور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را می‌شنوند، کأنّه از جنس خودشان یک حرفی می‌شنوند؛** چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمی‌زنید؛ خب، طبعاً توقعاتشان زیاد می‌شود. پس این خوب است؛ اما توقعات را هم زیاد می‌کند. اگر چنانچه یک جائی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می‌آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد. آنچه که وعده می‌دهید انجام بگیرد. اگر نمی‌شود، همان وعده‌ای که داده‌اید، صاف بیائید به مردم بگوئید نمی‌شود. **تعامل با دو قوه‌ی دیگر هم یکی از این توصیه‌هاست. ... مسأله‌ی بعدی، تعامل نظام‌مند با نخبگان و اهل نظر - حتی مخالفین - است؛** با اینها هم باید تعامل کرد. نخبگان جامعه را نباید فراموش کرد. من اعتقادم این است که بر طبق فرمایش مولای متقیان، آن جایی که بین خواست نخبگان و خواست مردم - عامه‌ی مردم - تعارض وجود دارد، خواست عامه‌ی مردم مقدم است؛ این همانی است که در نامه‌ی معروف حضرت و فرمان معروف حضرت به مالك اشتر، به این معنا تصریح شده. ... انتقاد با تخریب فرق

دارد. متأسفانه خیلی‌ها تخریب می‌کنند، ولی اسمش را می‌گذارند انتقاد. آن جایی که واقعاً انتقاد است و کسانی با نظر خیرخواهانه، نقاط مثبتِ کاری را توجه می‌کنند و نقاط اشکالش را هم ذکر می‌کنند، اینها را با سعه‌ی صدر گوش بدهید.

آنچه که در مورد سال آخر این دوره باید به شما عرض بکنم، چند نکته است. **یکی اینکه در این سال آخر با روحیه‌ی سال اول کار کنید.** البته احساس می‌کنم همین جور است؛ اما در عین حال تأکید می‌کنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار بکنید؛ یعنی تصور کنید که این یک سال به اضافه‌ی چهار سال دیگر در ید مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه‌ریزی کنید و اقدام کنید. **... یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سیاستهای اصل 44 است.** خب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل 44 اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله‌ی بسیار مهمی است. **این مسئله‌ی طرح تحول هم که اخیراً دولت مطرح کرده، این هم از همان کارهای بزرگ و از همان کارهایی است که جرئتِ اقدام به آن کار، خودش باارزش است.** خب، همه این سرفصلها را قبول

کرده اند و قبول دارند. همین مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها، واقعاً چیز خیلی مهمی است؛ در دولتهای قبل هم مطرح بوده - بارها صحبت شده بود و گفته شده بود - منتها پیشرفت نمی‌کرد. یا مشکلاتی که در قضیه‌ی بانکها و مالیات و بیمه و گمرك و سایر چیزهایی که در بخشهای مختلف این طرح تحول وجود دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتماً هم باید انجام بگیرد. من توصیه می‌کنم در این کار حزم به خرج بدهید.

یك مسئله هم - که مسئله‌ی آخر باشد که عرض می‌کنیم - مسئله‌ی انتقاد و تخریب است. مرز انتقاد و تخریب چیست؟ تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد؛ یا از ما انتقاد بشود و ما تلقیِ تخریب از آن داشته باشیم. خب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و انتقاد کدام است. معنای انتقاد آن ارزشیابیِ منصفانه‌ای است که یك آدم کارشناس می‌کند؛ نقادی همین است آدم متأسفانه می‌بیند چیزهایی که به نام انتقاد از دولت و نقادی دولت، امروز گفته می‌شود، شکل همین تخریب را دارد: یعنی انکار امتیازات، قبول نکردن برجستگیها و کارهای خوب، و درشت کردن و برجسته کردن ضعفها. خب بله، ضعف هست. هر دولتی بالاخره ضعف دارد؛ انسانها ضعف دارند دیگر؛ ضعفها را بگویند، قوّتها را بگویند. جمع‌بندیِ کار یك دولت، آن

وقتی است که ضعفها و قوّتها را منصفانه پهلوی همدیگر قرار بدهند؛ آن وقت می‌شود جمع‌بندی کرد.
البته شما در شنیدن انتقادها سعه‌ی صدر داشته باشید. یعنی واقعاً اگر انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتّی من می‌خواهم به شما توصیه کنم که تخریبها را هم تحمل کنید. **بالاخره سال آخر، علیه غالب دولتها این چیزها هست؛ البته علیه این دولت بیشتر هست. دو جریان الان علیه این دولت وجود دارد: یك جریان، جریان داخلی است؛ یك جریان هم جریان خارجی است که او مهمتر است."**
این سخنان در دوم شهریور 87 مانند بسیاری از این‌دست، راه را برای منتقدین و دلسوزان به کشور مشکلتر ساخت، تا آنجا که وضعیت امروز را می‌توان ناشی از این محدودیتی دانست که در بطن کلام ایشان دیده می‌شود. گزارش حاضر به واکاوی این مشکل خواهد پرداخت. محتوای این سخنرانی نشان می‌دهد که چرا ایشان از انتقادهای جاری در 87/8/9 به بهانة انتخابات برآشفته‌اند. بدون هیچگونه مقایسة ملموس میان نقدهای وارده بر دولتهای پیشین و این دولت، ادعای مظلومیت دولت نهم واهی به نظر می‌رسد. آنچه در این گفته‌ها باید برجسته شود، باور ایشان به این است که از مدتها پیش علیه این دولت کارشکنی می شود و در سال آخر تشدید شده و

خواهد شد، چرا؟ آیا مبارزة انتخاباتی مگر چیزی جز نقد برنامه‌های پیشین و طرح برنامه‌های جایگزین است که باید عامه را متقاعد سازد، عامه‌ای که گرایش به فرمایش امیرالمؤمنین مرجع به گرایش نخبگان است؟ مردم ما با حافظة سیاسی خوبی که دارند، این سخنان را با گفته‌های ایشان در اول فروردین در مشهد و در سفر بعدی به کردستان و در 15 خرداد در مرقد امام مقایسه کرده و نتیجه می‌گرفتند که نظر ایشان بر انتخاب آقای احمدی‌نژاد است، به نحوی که شکست آقای احمدی‌نژاد را «شکست خودشان» تلقی می‌کردند.

اکنون باید از خود بپرسیم که اگر مردم روز اول فروردین از ایشان بشنوند که «رأیشان مخفی است و بی‌طرف خواهندبود،» آنگاه بگویند «اگرچه کسانی خواهند کوشید که حدس بزنند»، چه داوری خواهند داشت؟ مردم به هنگامی که ایشان شرایط فرد اصلح را در سه سخنرانی بیان کرده و به ساده زیستی اشاره مؤکد می‌کنند، آنهم درست با بیان همین جملات اخیر چه برداشتی از بی‌طرفی ایشان خواهند داشت و دارند؟ در اینجا می‌گویند: «**امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛** این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. **ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛** در مسئولین هم - کما

بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است.»

در اول فروردین و در کردستان با تأکید مکرر روی این نکته انگشت می‌گذارند که به فرد «ساده زیست‌تر رأی دهید.» ما فارسی زبانها از این جمله‌ها با بیاد داشتن آن جمله‌ها چه می‌توانیم فهمیم؟ چیزی که بخصوص از اول فروردین به بعد با اظهار بی‌طرفی ایشان اتفاق افتاده همان پیش‌بینی خودشان در همین سخنرانی است: «اگر چنانچه یک جائی بر خلاف این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می‌آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد.» چنانچه در مردم و بر اساس مدلول باور دینی و قانون اساسی و قانون انتخابات این توقع مشروع بوجود آمده باشد که مسؤلین مملکتی نباید در گفتارشان جهت‌گیری صریح و غیر صریحی داشته باشند که از نظر مردم خلاف عدالت محسوب گردد، آیا با شنیدن چنین سخنانی در اعتقاد مردم اختلال به وجود نمی‌آید؟ این است مشکلی که امروز همه درگیر آن هستیم.

در 88/6/28، یعنی فردای روز قدس، مطلب تأسفباری در سایت خبرگزاری رسمی دولتی جمهوری اسلامی ایران که موضع‌گیری‌های آن به نفع احمدی نژاد شهرة خاص و عام است، منتشر شد. عنوان مطلب تحلیلی، که

به مثابه یک خبر نقل کرده است، عبارت است از «باز هم دربارة سید حسن خمینی.» این نوشته در پی ایجاد زمینه-ای برای عکس‌العمل در برابر سکوت ایشان در حمایت از دولت نوشته شده و تهدیدنامه است. در آنجا برای اینکه ایجاد مزاحمت به حجت الاسلام سید حسن خمینی را موجه بنمایاند، آنهم به جرم اینکه یک شهروند مایل به شرکت در مسابقة مداهنه نیست، به چیزی توسط خبرگزاری رسمی نظام اعتراف می‌شود که موجب سرشکستگی همة ماست. در خواندن متن باید توجه کنید که اصطلاح حکومت با دولت دستکم در ایران تفاوت دارد و مراد از حکومت کل دستگاه حاکمة تعریف شده در قانون اساسی است و به اصطلاح کل «نظام» را در بر می‌گیرد. در آغاز این تحلیل آمده است: «دفتر پژوهش و بررسیهاي خبري-مهدي عرفاتي*: امروز که در فضاي سياسي پس از انتخابات و **البته فرآيند خيابانی شدن سياست**، باب انتقاد و اعتراض آنهم از نوع توهين آميزش به **همه ارکان حکومت** باز است، ذره‌اي هم جاي انتقاد - البته محترمانه و منصفانه-از منسوبان بيت امام را براي منتقدين قايل شويم.» سادة این سخن آن است که: چون مردم در خیابان‌ها به سر تا پای ارکان حکومت ناسزا می‌گویند، چرا ما به اعضای بیت امام انتقادی منصفانه نکنیم، آنها نباید از انتقاد

مصون باشند. انتقاد مطرح شده هم عبارت است از اینکه: «متاسفانه مواضع اخیر حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی و ورود تامل برانگیز ایشان به درگیری‌هاي جناحي و بازي‌هاي نازل سیاسي، از جمله عدم حضور وي در مراسم تنفیذ و تحلیف، عدم همراهي رئیس جمهور و اعضاي کابینه نهم در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌هاي امام راحل و سرآخرهم اصرار غیرموجه بر سخنراني محمد خاتمي در مراسم احیاء لیالي قدر، راه را براي سوء استفاده بیشتر بدخواهان هموار کرده است.» ملاحظه می‌کنید اتهامات ایشان شامل عدم همراهی با رئیس جمهور و اصرار "غیر موجه" بر سخنرانی جناب آقای سید محمد خاتمی در شب قدر به سنت سالهای گذشته است. چرا چنین تصمیمی از سوی کسی که حق این تصمیم را دارد غیر موجه است؟ در عوض تلاش حکومت برای بستن دهان یک نفر که مساوی بستن گوش میلیونها ایرانی است، «موجه» است، همان حکومتی که به گفتة ایرنا و این نویسنده مردم در خیابانها به آن ناسزا می‌گویند. این‌ها همان مردمی هستند که به قول رهبر انقلاب درآن سخنرانی به نقل از علی (ع) گرایشاتشان مرجح به خواست خواص است.

از نظر این گزارش بررسی تحلیلی فراز آخر گفتار مذکور برای درک آنچه بعدها تا به امروز رخ داده، بسیار ضروری

است. این مواضع ایشان، خطی را ترسیم می‌کند که شما هرچه بگوئید، یا تخریب تلقی شود یا تکرار ادعاهای بیگانگان و در نتیجه شما متهم به گول‌خوردگی از سوی اجانب یا وابستگی به آنها خواهید شد. مسیر دادگاه‌های فرمایشی بعد از انتخابات و ادعانامهٔ بی‌محتوای دادستان درست در راستای این خط ترسیم شده حرکت می‌کند.

مشکل تنها بر سر این نیست که ایشان با ایستادن در صف دفاع از احمدی‌نژاد، آنهم با این کلمات، اصل نظام را در برابر انتقادهای وارده به عملکرد ایشان وارد چالشی سخت و کمرشکن می‌سازند، حتی قصد این نیست که بخواهیم خود رهبری را در اینجا به بحث بکشیم، مسأله بر سر تکلیف ما مردمی است که می‌خواهیم در چارچوب نظام و با احترام به قانون اساسی از کردار دولتمان انتقاد کنیم، بی آنکه متهم به کفرگوئی بشویم. تصور کنید که کسی انتقادی به احمدی‌نژاد داشته باشد، آن را به هر زبانی بگوید، کسی ممکن است تعبیر به مخالفت با رهبری بکند، چنانکه امروزه بسیار مرتکب این اشتباه سنگین می‌شوند، در این صورت نادانسته این فرد دلسوز به حال مملکت را بسان یک ضد انقلاب و «دشمن» جلوه خواهند داد. در جای خود نمونه‌ای از ادعاهای اطرافیان آقاي احمدی‌نژاد را خواهیم نگاشت، هم اکنون

در مجلس چنین رویه‌ای را از سوی این افراد می‌توانید ببینید، در خطبه‌های جمعه هم بسیار شنیده و می‌شنوید.
هر ایرادی به دولت گرفته می‌شود، برای مثال در روزنامه‌ها نوشته می‌شود، در تلویزیونهای خارجی یا وابسته به خارج یا در سایت‌های آنها هم منعکس می‌شود، از ما مدام می‌خواهند چیزی نگوئیم که برگه بدست بیگانه بدهد؛ پس ما چه باید بگوئیم؟ اگر یک خط خارجی و یک جریان داخلی «دشمنی» با آقاي احمدی‌نژاد را به گفتة رهبری پیگیری می‌کند، این دو جریان با همین جملات مشابه جملات ایشان از سفرهای بی‌حاصل و پرهزینة استانی و ایجاد توقعات برآورده نشده می‌گویند. چه باید کرد اگر ایرادهای ما مشابه ایرادهای بیگانگان باشد؟ آیا صرف این تشابه دلیل تخریبی بودن انتقاد است؟ در این صورت بیانات ایشان در مورد مصوبه‌های فراوان در سفرهای استانی تکرار سخن بیگانگان بوده است؟ ملاحظه می‌کنید که این نوع برخورد همه را آچمز کرده است. ادعای تقلب یا ادعای پیروزی از سوی یک نامزد که قانون یا نسبت به اینگونه ادعا ساکت است یا حق را به او داده است، تخریب است؟ اعتراض مسالمت‌آمیز مردم تخریب است؟ این اصطلاح مانند مومی در دست قاضی است که به هر شکل بخواهد می‌تواند درآورد. ادعا شده است که چندین صد هزار تهمت به آقای

احمدی‌نژاد زده‌اند، اما هیچ صد نمونه‌ای هم ارائه نشده است! کدام تهمت به او زده شده است. اگر نمایندگان مجلس یا خود ما مردم کوچه و بازار از دولت بخواهیم که کمک به کشورها یا گروههای خارجی باید طبق قانون اساسی با تصویب مجلس باشد، خود رهبری هم در این سخنرانی بر قانونمداری تأکید فرمودند، بیگانه‌پرست می‌شویم، دولت هم می‌تواند چنین خواستی از سوی مجلس و مردم را با استناد به فرمایشات رهبری تخریب و در جهت خواست بیگانه تلقی کند. کسی منکر سوء نیت بیگانه نیست، اما در موارد زیادی نکته سنجی آنها می‌تواند به هشیاری ما هم کمک کند. چنین نیست که اگر بیگانه‌ای به طرز حرف زدن بی‌مبالات آقای احمدی‌نژاد ایراد بگیرد، در جهت مخالفت با بیگانه از او بخواهیم که به این طرز حرف زدن ادامه بدهد. بیگانه از اینکه رئیس جمهور مردمش را «خس و خاشاک» بنامد خوشحال می‌شود و این را به صورت یک ایراد برای او مطرح می‌کند، آیا برای مخالفت با بیگانه ما ناگزیریم که از آقای احمدی‌نژاد با سوگند بخواهیم حتماً ما را خس و خاشاک صدا کن؟ برای مثال آقای باهنر عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی روز 87/8/28 بدنبال رأی اعتماد متزلزل مجلس به آقای صادق محصولی برای تصدی پست وزارت کشور از سوی خبرنگار خبرگزاری

فارس در خصوص اختلافات مجلس و دولت و عدم پایبندی دولت به اجرای درست قوانین مصوب مورد پرسش قرار می‌گیرد و در پاسخ می‌گوید:
"به گزارش فارس، محمدرضا باهنر نائب رئیس دوم مجلس پس از پایان جلسه راي اعتماد مجلس به محصولي وزير كشور در جمع خبرنگاران در خصوص ارزيابي‌اش از اين راي گفت: مسائل متعددي در خصوص راي اعتماد به محصولي وجود داشت البته به نظر من شخص حقيقي آقاي محصولي احتمالا در مجلس راي بيشتري داشته اما بعضي از اختلافات كه ظرف دو هفته اخير مطرح شده و بعضا به رسانه‌ها هم كشيده شد، بر روي نظر نمايندگان سايه افكنده است اما تلاش شد تا مشكل حل شود. ... راي اعتماد به محصولي راي ضعيفي است و خيلي به نصف نمايندگان حاضر در جلسه راي اعتماد نزديك است ... باهنر در پاسخ به سوالي در باره تعامل مجلس و دولت با بيان اينكه تعامل مثبتي ميان مجلس و دولت وجود دارد، گفت: اما كار جاري هميشه وجود دارد الان بعضی از قوانین که مجلس مصوب کرده به درستي اجرا نمي‌شود و بايد پيگيري شود به عنوان مثال قانون بودجه سال 1387 و لایحه مدیریت خدمات کشوري كه به قانون تبديل شده به صورت جامع اجرا نشد و ما در حال بررسي اين موضوع هستيم.[4]"

---

4 نقل از سایت خبری تحلیلی عصر ایران: کدخبر: ۵۷۲۱۵ تاریخ انتشار: ۲۸ آبان ۱۳۸۷ - ۱۵:۱۱

این مطلب اگرچه از موضوعات حاد میان مجلس و دولت نهم در سالهای قبل هم بوده اما در آستانهٔ انتخابات با معرفی وزیری مسأله‌دار و مسأله‌ساز دوباره سر باز نموده است. اینک کسانی می‌توانند بگویند که مجلس در خط آن سکولارها یا آن خط داخلی متصل به خط خاجی حرکت می‌کند که در این هنگامه از بی‌قانونی دولت سخن می‌گوید، اگرچه رهبری هم با دیدن این روحیه به دولت در همین سخنرانی شهریور ماه هشدار داده بود. این موضوع که دولت پایبند قانون نیست، از اهم مسائلی بود که از مدتها پیش در رسانه‌های بیگانه فارسی زبان هم مطرح می‌شد. اتفاقاً در بحبوحهٔ انتخابات با پیش آمدن قضیهٔ پروندهٔ تفریغ بودجه و گزارش دیوان محاسبات حادتر هم گردید. آیا دشمن یا سکولار داخلی در صدد تخریب بود و بر تعداد اتهام‌های آقای احمدی‌نژاد میافزود؟

سخنان آقای جنتی و فرماندهان سپاه در بعد از انتخابات، همه بر این اصل استوار شده است که از سالها پیش خطی در داخل با راهنمائی خطی خارجی در صدد براندازی حکومت احمدی‌نژاد و آسیب زدن به ولایت فقیه بوده‌اند. چرا باید برکناری احمدی‌نژاد از سوی مردم خواست خارجی تلقی شود در حالی که به فرمایش امام علی گرایش عامه بر گرایش خواص ترجیح دارد؟

کسی تاکنون ادبیاتی ارائه نکرده است که اگر منتقدی بخواهد از تصمیمات دولت و رئیس جمهور در مورد سازمان برنامه، شورای پول و اعتبار و تغییرات نافرجام و خطرناک نرخ بهره انتقاد کند، طوری سخن بگوید که هم خواست «دشمن» تلقی نشود و هم تخریب نباشد و هم دولت گوش دهد. هم اکنون بسیاری از نمایندگان مجلس به خاطر ایرادهایی که به دولت در زمان انتخابات یا پس از آن در جریان رأی اعتماد به کابینه گرفته‌اند، دست از نامزدی برای دور بعد شسته‌اند، چرا که حضرات آقایان جنتی و شیخ محمد یزدی در نظارتی استصوابی آن‌ها را دنباله رو اجنبی یا در خط داخلی براندازی دولتی قلمداد خواهند کرد که «گفتمان امام و انقلاب» را زنده کرده است، توگویی هیچکدام ما در این سرزمین نبوده‌ایم و با امام راحلمان همراهی نکرده‌ایم و از این گفتمان خبری نداریم یا چیزی بیادمان نمانده است!

اگر احیاناً رئیس جمهور روز روشن در چشم ملتش نگاه کند و دروغ بگوید، ما چگونه باید به این دروغگوئی اعتراض کنیم که «تخریب» نباشد، انتقاد سازنده تلقی شود، در خط بیگانه یا آن خط مرموز داخلی نباشد. یک راه، البته نشدني، این است که بی‌درنگ و تا بیگانگان و اعضای آن خط تخریب داخلی فرصت اظهار نظر پیدا نکرده‌اند در کوچه

و بازار داد بزنیم که ایشان دروغ می-گویند، یا بگوئیم ایشان ناراست فرمودند یا بگوئیم ایشان مزاح فرمودند یا بگوئیم که شکر خدا سخنی دروغتر نگفتند!

این سخنرانی آغاز صریحی است برای کوبیدن دولت‌های پیشین که راه را برای «نفوذ سکولارها» و «مال اندوزها» باز کردند، بخصوص زمان آقای سید محمد خاتمی را نشانه می‌رود: «**روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛** این چیز مهمی است. ... این دیده میشد؛ خب، جلویش گرفته شد. **گرایش‌های سکولاریستی** - که متأسفانه باز داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلویش گرفته شد.» کسانی که به هر دلیل با استفاده از این سخنان مایل بودند و هستند تا مخالفین سیاسی خود را، حتی در جبهة به اصطلاح اصول‌گرایی طرد کنند، فرصت مناسبی پیدا کرده بودند. به موقع خود، در بحث از مصطلحات خاصی که برای تراشیدن تابوی موهوم براندازان داخلی بکار رفته است، از قبیل جنگ نرم، انقلاب مخملی و ... در اینباره توضیح بیشتری داده خواهد شد. هرچند دار و دستة آقاي احمدی‌نژاد از مدتها پیش همة کارهای بیست و پنج سال گذشته را زیر سؤال برده و مدیران و رؤسای پیشین کشور را به هر گناه

واهی متهم کرده بودند، اما پس از این سخنرانی با صراحت بیشتری این توپخانه را به راه انداختند، زیرا قبح قضیه کاملاً ریخته بود. برای نشان دادن لیاقت خودشان، به جای عرضة کارهای مثبت نداشته‌شان، به پیشینیان ایرادهای درست و نادرستی را نسبت می‌دادند. این کار تا بدانجائی کشانده شد که در برابر چشمان مبهوت این ملت، آقای احمدی‌نژاد در مناظره‌ها همة بیست و پنج سال پیش از خودش را بجز دورة بنی صدر بیرون از دایرة انقلاب و اسلام توصیف کرد!! دورانی که خودش در مقام فرماندار شهر خوی یا استانداری اردبیل یا معاونت وزارت علوم یا شهرداری تهران کار کرده بود و مورد انتقاد هم بود.

به هر حال آبان ماه 1387 با تحولی در وزارت کشور خبرهای داغی دربارة انتخابات داشت، که می‌رفت تا سرنوشت تهیة مقدمات انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد. بدنبال برکناری آقای کردان به علت قلابی بودن مدرک دکترای ایشان که سالها به استناد این مدرک از تلویزیون و دولت حقوق متناسب با آن را دریافت کرده است و هیچ عدالت خواه حکومتی معتقد به حلال و حرام، پس از این عزل سخنی از این دریافت‌ها به میان نیاورد، آقای احمدی‌نژاد یار دیرین خود را که در ابتدای دولت نهم نتوانسته بود به وزارت نفت بفرستد، برای تصدی

کرسی مهم وزارت کشور به مجلس معرفی نمود. آقای صادق محصولی، که به تصریح سخنان نمایندگان اصولگرا در مجلس با برخورداری از امتیاز انحصاری سوآپ نفتی توانسته بود به ثروتی بیش از 140 میلیارد تومان برسد، در دور نهم انتخابات ریاست جمهوری ریاست ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد را به عهده داشت و در تأمین هزینه‌های تبلیغاتی او سنگ تمام گذاشته بود. آقای احمدی‌نژاد به هر حال نمک‌گیر آن دوست قدیمی بود و واضح بود که پس از این نیز بیش از پیش از محبت‌های وی برخوردار می‌گشت. از آنجا که حوادث رأي اعتماد به آقاي محصولي و چگونگي وزير كشور شدن ايشان كه نقش مهمي در انتخابات پر مسألة اخير ايفا كرده است، بسيار مشابه وقايع كل تاريخ انتخابات دورة دهم رياست جمهوري و رئيس جمهور شدن دوبارة آقاي احمدي‌نژاد است، براي عبرت تاريخي اندكي بيش از يك اشارة موجز در اينجا بدان پرداخته مي‌شود.

ماجراي جنجالي انتصاب آقاي محصولي به وزارت كشور

مهمترين مخالفان آقای محصولی در اردوگاه اصولگرایان مجلس بودند و سخنانی گفتند که به هیچ وجه با گفته‌های رهبری در شهریورماه و آبانماه سازگاری نداشت. فراکسیون اصولگرایان

مجلس پیش از برگزاری جلسة رأی اعتماد در صحن علنی به آقای محصولی رأی منفی داده بود. در 87/8/29 نیز به هنگام طرح در صحن علنی سخنرانی این دسته مسألة انتخابات آتی ریاست جمهوری را موضوع روز کرده بود. به عنوان نمونه در اینجا به سخنان آقای حشمت الله فلاحت پیشه اشاره می‌شود:

"به گزارش خبرنگار امور مجلس خبرگزاري فارس، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه نماینده اسلام آباد غرب در مجلس شوراي اسلامي به عنوان دومین مخالف محصولي وزیر پیشنهادي کشور ... گفت: امروز بحث من وظیفه مجلس است که باید وزرا را طبق صلاحیت شان انتخاب کنند چرا که وزارت کشور وزیرالوزاء است و به خاطر اهمیتی که در جنبه‌هاي سیاسی، امنیتی و انتظامي کشور دارد بسیار مهم است و از نمایندگان مي‌خواهم نظرات مخالفین و موافقین را بشنوند و بعد راي بدهند. وي ... اظهار داشت: خطرناك بودن ثروت و قدرت در همه اندیشه‌ها و تفکرات از جمله تاکیدات مکرر نظام جمهوري اسلامي وجود دارد و محصولي در سخناني که در فراکسیون اصولگرا داشت گفت که رسانه‌هاي منافقین گفته‌اند که وزیر میلیاردي که ما را در سال‌هاي جنگ کشته است، ... اما چرا رسانه‌هاي بیگانه در مورد دیگران چیزي نمي‌گویند و فقط یك عنوان میلیاردر بودن که در جامعه عیبي

نيست، اما براي وزارت كشور عيب محسوب مي‌شود، باعث شده است بهانه‌اي براي منافقين شده تا اين مسائل را مطرح كنند. فلاحت‌پيشه به بحث فروش نفت توسط محصولي اشاره كرد و افزود: يك مورد را نام ببريد كه غير از خودتان اشخاصي توانسته باشند امتياز سوآپ نفت را كسب كرده باشند؛ چرا كه طبق قانون غير از وزارت نفت كسب اين امتياز براي ديگران ممنوع است.

وي با اشاره به حضور محصولي در فراكسيون اكثريت گفت: در فراكسيون اكثريت مطالبي در خصوص اهداي زمين از طرف شما به ... و ديگران مطرح شد و شما به اين ابهامات پاسخ نداديد و به همين خاطر به شما راي اعتماد ندادند. نماينده اسلام‌آباد غرب به جلسه راي اعتماد سه سال پيش محصولي به عنوان وزير پيشنهادي نفت اشاره كرد و افزود: سه سال پيش مجلس هفتم به خاطر دغدغه‌هايي كه داشت اجازه نداد شما وزير شويد و اين مجلس هم مانند مجلس هفتم اصولگرا است. فلاحت‌پيشه ... به موضوع **انتخابات** اشاره كرد و افزود: در انتخابات شوراها بنده و 4 نفر از اعضاي مجلس هفتم عضو شوراي نظارت بر انتخابات شوراهاي سوم را بر عهده داشتيم و به خاطر اختلافي كه بر سر **رايانه‌اي** برگزاركردن انتخابات بين ما و وزارت كشور مطرح شد، عده‌اي تا ماه‌ها

نتیجه این انتخابات را زیر سوال بردند لذا ما امروز می‌خواهیم ابهام‌زدایی کنیم. نماینده اسلام‌آباد غرب در ادامه اظهار داشت: شما در زمان انتخابات ریاست جمهوری ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد را راه‌اندازی کردید و **ستادهای انتخابات مجلس هشتم** را نیز بر عهده داشتید و امروز در وزارت کشور پیش از اینکه وزیر به آنجا برود ستادهای انتخاباتی تشکیل شده است و **معنای این انتخاب، یک هدف انتخاباتی است و اگر آقای احمدی‌نژاد در انتخابات آینده رای سالم و پاکی را آوردند آیا مردم نمی‌گویند که محصولی احمدی‌نژاد را رئیس‌جمهور کرد؟** ... در سوابق شما بیشتر توانایی‌های عمرانی و اقتصادی را می‌بینیم و امروز امنیت و انتظام و همچنین شوراهای تامین برای انتخابات زیر نظر شما است. نماینده اسلام‌آباد غرب با اشاره به اینکه در صحن مجلس برخی مطرح می‌کنند که شرایط کشور شرایط ویژه‌ای است، تصریح کرد: ما 30 سال است که کشورمان در شرایط ویژه قرار دارد و در جنگ تحمیلی ما با 36 کشور در حال جنگ بودیم و امروز هم دنیا بر علیه ما است، اما بر این شرایط ویژه غلبه کرده‌ایم و و اگر از همین ویژه بودن بترسیم برای ما خطرناك است، لذا بهترین تصمیم، گرفتن تصمیم عاقلانه در شرایط ویژه است. فلاحت‌پیشه همچنین به

تعامل دولت و مجلس اشاره کرد و افزود: از رئیسجمهور به خاطر ابهامزدایي که در خصوص تعامل دولت با مجلس داشته اند تشکر مي‌کنم اما از شما گلایه داریم که چرا رئیس مجلس و نمایندگان پس از رسانه ها متوجه شدند که محصولي وزیر پیشنهادي کشور است و شما در انتهاي دوران ریاست جمهوري خود قرار دارید و شاید بخواهیم مصلحتگرا باشید ولي ما در ابتداي کار هستیم و باید اصولگرا باشیم. وي در پایان با اشاره به یاداشت یکي از مشاوران رئیس جمهور در خصوص جلسه استیضاح کردان گفت: اگر این شخص مشاور شما نبود هیچ فردي وبلاگ ایشان را هم نگاه نمي‌کرد و ایشان به جاي عذرخواهي در وبلاگ خود مي‌نویسند من نظر شخصي خود را گفتم اما بدانید شما اگر کاره اي نبودید هیچکس به سایت شما سر نمي‌زد.[5]"

این نمایندة اصولگرا یا دیگرانی که از او هم تندتر سخن گفته اند، چه چیزی از دولت مردمی و پایبند به گفتمان امام و انقلاب جز تعارفات معمول ارائه کردند؟ این مطالب تا آخر انتخابات از سوی موافق و مخالف احمدی‌نژاد مطرح شده و مخالفینش به وابستگی به بیگانه متهم شده اند. <u>ملاحظه کنید که اساس بحث رویکرد به تقلب در انتخابات از همین</u>

[5] خبرگزاری فارس، 87/8/28 شمارة خبر **8708280361**

انتصاب محصولی شروع می شود. در ویکی پدیا، دانشنامة آزاد، در مدخل «صادق محصولی» به نقل از آقای روح الله حسینیان از هواداران دو آتشة آقای احمدی‌نژاد و از حامیان محصولی در مجلس هشتم شورای اسلامی در پاسخ به سوال مبنی بر احتمال استفاده از پول محصولی به نفع تبلیغات انتخاباتی احمدی‌نژاد نقل شده که در پاسخ گفته است: «اصولگرایان باید یک نفر پولدار داشته باشند تا از آنها حمایت کند تا بتوانند رای بیاورند.[6]»

جالب آنکه بدنبال این قبیل مطالب ابرازی از سوی اصولگرایان و وفاداران به خط رهبری که «سکولار» نیستند و به «گفتمان امام و انقلاب» وفا دارند، از لولوی سی سالة «شرایط ویژه» به تنگ آمده‌اند، سخنان رهبری را در همین آبانماه در مورد اهمیت ندادن به بحث انتخابات و بدگوئی‌هایی مانند «احتمال تقلب» نادیده گرفته‌اند، سایت بیگانه و با سابقة «دشمنی» بسیار برای ایران، یعنی دویچه وله بلافاصله تحت عنوان «سرنوشت انتخابات آیندهی ریاست جمهوری در دستان فرمانده سابق سپاه» نوشت:

"«وزیر کشور لب مرز بود» این اولین جملهی ریاست مجلس به خبرنگاران بعد از پایان جلسهی رأی اعتماد صادق محصولی بود. از ۲۷۵ نمایندهی حاضر در مجلس،

---

6 به نقل از وبگاه کاگزاران

۱۳۸ نفر، یعنی **تنها یک نفر** بیشتر از نصف نمایندگان، به وزیر پیشنهادی احمدی‌نژاد رأی مثبت دادند. ...
صادق محصولی یکبار نیز در مجلس هفتم از سوی احمدی‌نژاد به عنوان وزیر پیشنهادی نفت معرفی شده بود. در آن زمان جنجال زیادی بر سر ثروت میلیاردی وی در مجلس درگرفت تا بدانجا که وی یک روز قبل از حضور در مجلس برای گرفتن رأی اعتماد، از احراز پست وزرات نفت انصراف داد. روزنامه‌ی کیهان نیز در آن زمان حملات تندی علیه محصولی کرد و حتی وی را به فساد مالی متهم نمود. *اما این‌بار، یعنی زمانی که تنها شش ماه به برگزاری دور دهم انتخابات ریاست‌جمهوری باقی مانده، مجلس هشتم و نیز روزنامه‌ی کیهان از طرح این مسایل در زمان گرفتن رأی اعتماد وزیر کشور خودداری کردند.*
فاطمه امیرانی، همسر حمید باکری، بعد از شنیدن خبر پیشنهاد پست وزارت کشور برای صادق محصولی، طی نامه‌ای به نمایندگان مجلس ... نوشته است: «افرادی همچون محصولی، فتاح و احمدی‌نژاد در سالهای ابتدایی انقلاب، هم‌زمان فرماندار شهرهای استان آذربایجان بودند که تاب تحمل پذیرش افرادی غیر از خودشان را نداشتند». وی همچنین سندی را ضمیمه‌ی نامه‌ی خود کرد که حاوی نامه‌ی صادق محصولی بود. وی در این نامه مدعی شده بود که «شهید مهدی

باکری فرمانده لشگر عاشورا نیست».
همچنین به گفته‌ی خانم امیرانی، چون جنازه‌ی این دو برادر هیچگاه پیدا نشد، محصولی اعلام کرده بود که اینها شهید نشده اند.
اما شروع ثروت‌اندوزی صادق محصولی از پایان جنگ ایران و عراق و از زمانی آغاز شد که محمود احمدی‌نژاد در دهه‌ی هفتاد استاندار اردبیل شد. محصولی در همان زمان در یک مزایده برنده‌ی قرارداد نفتی نخجوان شد و ثروتش تا بدانجا رسید که امروز به گفته‌ی خود وی «بالغ بر۱۶۰میلیارد تومان» است.
در سال ۱۳۷۸ صادق محصولی باغی به وسعت ده هزار متر را در نیاوران تهران خریداری کرد. حدود هفت هزار متر از این باغ می‌بایست به علت تغییر کاربری از زمین زراعی به زمین مسکونی، به شهرداری تعلق می‌گرفت، اما محصولی متهم است که با شهرداری منطقه تبانی کرده و کل زمین را مالک شده و در آن به برج‌سازی پرداخته است. این رویداد هم‌زمان با ریاست محمود احمدی‌نژاد بر شهرداری تهران روی داده است.
بعد از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نیز، صادق محصولی وامی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد تومان از دولت گرفته و نام او نیز در لیست ۲۰۰ نفره‌ی وزیر اقتصاد از وام‌گیرندگان کلان دولت قرار دارد.

اینها موضوعاتی بودند که انتظار می‌رفت در جلسه‌ی رأی اعتماد محصولی از نمایندگان مجلس مورد بحث قرار گیرد، اما چنین نشد. ... صادق محصولی یک بار در زمان پیشنهاد وی برای پست وزرات نفت در پاسخ به چگونگی انباشت ثروت ۱۶۰ میلیاردی‌اش ظرف ده سال، این ثروت را «متعلق به امام زمان» دانسته و گفته بود: «این امانتی است که پس از ظهور حضرت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد». وی همچنین مدعی شده بود که ثروتش از «راه حلال» کسب شده است. اگر صادق محصولی به واقع ۱۶۰ میلیارد تومان را در عرض ده سال به دست آورده باشد، بدان معناست که وی در عرض این ده سال، ماهیانه بیش از یک میلیارد تومان درآمد داشته است.

با کسب پست وزارت کشور توسط صادق محصولی، وی اکنون بالاترین مقام اجرایی و نیز نظارتی در انتخابات دهمین دور ریاستجمهوری در خرداد ماه آینده است."

ملاحظه کنید که این رادیو و سایت آن، همان سخناني را گفته است که دوستداران راه ولایت در داخل مي‌گفتند. آیا به خاطر اینکه بیگانگان سخنان نماینده یا سیاستمداري را منعکس خواهند کرد، نباید انتقادي مطرح شود؟ این حساسیت مبناي امنیتي کردن فضاي سیاسي کشور است.

اخیراً در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوري، سیاستمداران حکومتي جمهوری اسلامی مسألة تازه‌ای را پیش کشیدند، اگر بیگانه‌ای آنچه را که ببیند بنویسد، حتماً خودش خط اجرای آن را به عواملش در داخل کشور داده است، این فشرده ترین مطلبی است که می‌تواند ادعانامة هفتاد من کاغذ دادستان دادگاه‌های فرمایشی اسرای انتخاباتی را بیان کند. بیگانه اطلاعات سری خودش را در سایت و روزنامه بیان نمی‌کند، آنها همین سخنان و رفتار و کردار دولت و حاکمیت را بر اساس مبانی نظام تحلیل کرده و از آن انتقاد می‌کنند.
چرا ایشان توانست در این فضای سنگین مجلس که بخصوص بتازگی از طرفداری‌های نامربوط آقای احمدی‌نژاد از کردان و نوشته‌های توهین‌آمیز آقای جوانفکر مشاور رئیس جمهور در سایت شخصی‌اش نسبت به مجلس دلزده بود، رأی اعتماد بگیرد؟! گفته می‌شود اینبار بیش از گذشته آقای محصولی در فراکسیون های مختلف وقت گذاشت تا نمایندگان را قانع کند. اما به هر حال آقاي احمدی‌نژاد و وزیر کشورش نتوانستند از خوردن بر چسب اتهام زمینه چینی برای تقلب انتخاباتی در امان بمانند. همانطور که ملاحظه می-کنید، جناح ولایت پذیر و ولایتمدار سیاست در ایران این همه گزک دست بیگانه دادند و کسی خم به ابرو

نیاورد. هنوز از انتقادات آن خط داخلی خبری نیست و آنها تازه پس از بزرگترها وارد معرکه می‌شوند. از آنجا که ماجرای نه چندان آبرومندانة رأی‌گیری برای وزارت محصولی در مجلس با شائبة تقلب همراه شد و از سوی برخی هم عنوان گردید، مرور بخش کوتاهی از این ماجرا برای بحث حاضر مفید به نظر می‌رسد.

"در حالی که علی لاریجانی رئیس مجلس اعلام کرد 275 کارت به منظور دادن رای اعتماد به صادق محصولی در بین نمایندگان توزیع شده است، اما هنگام قرائت آن گفت: «273 نماینده رای داده اند که 138 کارت سفید (موافق)، 12 کارت کبود (ممتنع)، و 20 کارت زرد (مخالف) وجود دارد. پس صادق محصولی توانسته است رای اعتماد مجلس را برای مسند وزارت کشور کسب کند.» زمانی که رئیس مجلس اعلام کرد 275 کارت بین نمایندگان توزیع شده است به وی اشاره کردند که 273 نفر است و سپس وی رای نمایندگان مجلس را بر مبنای 273 نفر قرائت کرد. در حالی که مجموع کارت‌های سفید و کبود و زرد نمایندگان 270 رای داده شده را نشان می داد.[7]"

ملاحظه می‌کنید که هیچیک از اعداد قابل استناد نیستند و در جلسة آن روز مجلس

---

7 سایت روزنامه سرمایه: شماره 885 چهارشنبه 87/8/29

شوراي اسلامي وضعيت مغشوشی حاکم بوده است. مراد از نیم رأی اضافی در این بحثها آن است که بموجب قانون اساسی باید وزیر از موافقت نصف بعلاوه یک برخوردار باشد، اما اگر عدد کل فرد بود، نصف آدمها مانند این مورد برابر 137/5 می شود، پس اگر کسی که 138 رأی آورده است قبول گردد در این صورت با نیم رأی قبول شده است. اما از سوی دیگر، نصف آدم معنا ندارد، اصولاً بموجب قوانین حساب، 137/5 را باید معادل 138 محسوب کنیم که در این صورت اگر آقای محصولی 138 موافق داشته باشد، واجد شرایط قبولی نخواهدبود. به هر حال، ظاهراً نمایندگان موافق با ازدحام در محل شمارش گلدان رأی موجب این اغتشاش شده اند، البته برخی هم خود داور یا شمارنده یعنی آقای باهنر را که موافق رأي آوردن محصولی بوده مقصر می‌دانند. گزارش روزنامة اعتماد از این صحنه را بخوانید:

"... در حالي كه از 275 نماينده راي دهنده، 138 نفر به جام محصولي برگ سفيد موافق ريختند، علي لاريجاني رئيس مجلس هشتم نپذيرفت كه «اكثريت» آرا به معني «نصف» به علاوه «يک» از مجموع آراي ماخوذه است و با اعلام اينكه به نظر وي «اكثريت» مجلس به محصولي راي دادند، وزير شدن محصولي را اعلام رسمي

کرد. البته نزدیک به 20 نماینده با مشکوک خواندن آراي محصولي خواستار بازشماري آرا شدند چرا که معترض بودند در قانون اساسي راي اکثریت به معني «نصف به علاوه یک» راي است که بر این اساس محصولي باید 139 راي کسب کند. «یک راي سرنوشت ساز» آنچنان سایه‌یي بر انتخاب پرحاشیه محصولي انداخت که علي لاریجاني مجبور شد براي خواباندن غائله اعلام کند از نظر او نه تنها محصولي وزیر است بلکه حاضر نیست در پاسخ به درخواست معترضان فیلم لحظات پرحاشیه راي گیري و شمارش آرا از طریق صدا و سیما پخش شود. اعتراض در حالي اوج گرفت که لاریجاني در سه ساعت اداره جلسه با دو اعتراض جدي دیگر مواجه شد؛ از یک سو محمدرضا باهنر براي شمارش آرا انتخاب شد تا اعتراض جمع وسیعي از نمایندگان را مبني بر بي طرف نبودن «امین مجلس» براي شمردن آرا برانگیزد. از سویي دیروز دو مخالف از مخالفان صادق محصولي موافقان جدي او بودند و باز هم اعتراض از مجلس بلند شد که چرا لاریجاني بدون قرعه کشي به حامیان محصولي اجازه داده به اسم مخالف تریبون را در دست بگیرند و سبب شوند مخالفاني مانند علي مطهري و داریوش قنبري مجال نطق مخالفت نیابند. بدین ترتیب پس از حاشیه‌هاي کردان دیروز اصولگرایان مجلس با پاشنه آشیل قرار

دادن موقعیت لاریجاني، وساطت باهنر در شمارش آرا، نطق موافقان به جاي مخالفان، راي‌گیري محصولي را هم با صدها اما و اگر مواجه کردند با این تفاوت که این بار لاریجاني به عنوان رئیس مجلس اظهار داشت هیچ اعتراضي را نمي‌پذیرد چون «توهین به وي و دوستان هیات رئیسه» محسوب شده و محصولي، قانوناً رئیس وزارت کشور است. اما با این حال مخالفان محصولي گرچه در صحن علني به دست تقدیر مجبور به اتخاذ سکوت اجباري شدند اما تا اواخر دیروز در گفت وگوهاي پیاپي اعلام کردند کوتاه نمي‌آیند و محصولي را به عنوان وزیر کشور قبول ندارند و مصر هستند تا آنچه بر آن شبهه دارند، بررسي مجدد شده و راي وزارت باطل شود. بدین ترتیب درحالي که علي لاریجاني صحن مجلس را ترک کرد و برخلاف وعده قبلي از جلوي تریبون مصاحبه با خبرنگاران گذشت و بیان کرد باید به کار مهمي بپردازد، این خبر به سرعت در راهروهاي مجلس پخش شد که لاریجاني به اتاق فرمان مجلس رفته تا فیلم‌ها را بازبیني کند. در این فاصله نمایندگان معترض با بیان اینکه مگر «0/5 نماینده داریم» که 138 راي را معادل راي اکثریت گرفتند، خواستار بازشماري آرا از یک سو و همچنین تفسیر قانون اساسي مبني بر راي اکثریت به معناي نصف به علاوه یک راي

شدند. اما لاريجاني پس از دقايقي تأخير پشت تريبون آمد و گفت؛ «به نظر من محصولي راي اكثريت را كسب كرده است.» از او سوال شد نظر شما مهم است يا نظر قانون و پاسخ داد كه به نظر من اكثريت راي داده و قبول ندارم اكثريت مجلس به معني نصف به علاوه يک راي است. حاشيه-هاي شمارش آراي محصولي سبب شد ديگر بحثي در مورد ثروت محصولي و بي پاسخ ماندن سوالات نمايندگان در مورد اين حواشي مطرح نشود. محصولي تنها چند دقيقه در نطق دفاعيه‌اش اعلام كرد ثروتش مشروع است چون نه تنها «يک دانه رانت و يک ريال وام دريافت نكرده كه حتي از دولت هاشمي بيش از 300 ميليون هم طلبكار است». از سويي لاريجاني در ابتداي جلسه علني برخلاف رويه معمول براي انتخاب مخالفان وزير پيشنهادي حاضر نشد قرعه كشي كند. بدين ترتيب به قول نمايندگان در يک اقدام «بي نظير» نمايندگاني كه تا دقيقه90 در موافقت با محصولي در رسانه‌ها مصاحبه كرده بودند، به عنوان مخالف پشت تريبون مجلس فراخوانده شدند گرچه اين اقدام آنچنان اعتراض را در مجلس برانگيخت كه لاريجاني اذعان كرد اشتباه شده و «موافق» محصولي به اسم «مخالف» پشت تريبون رفته و تلويحاً موافق وي صحبت كرده است. در لحظه رايگيري هم اين «محمدرضا باهنر» نايب رئيس دوم مجلس

بود که اقدام به شمارش آرا کرد. انتخاب با هنر دومین موج اعتراض‌ها را بلند کرد. لاریجاني از نایب رئیس دفاع کرد که از او امین‌تر چه کسي است و هیچ شکي به شمارش آراي محصولي با محوریت محمدرضا با هنر نیست. علي مطهري، احمد توکلي، علیرضا زاکاني و الیاس نادران از اصولگرایان مخالف که به مصلحت سکوت کرده بودند نه تنها با این شبهات سکوت را شکستند بلکه اعتراض‌هایشان را به جایي رساندند که علي مطهري به صراحت اعلام کرد نباید با هنر آرا را شمارش کند چون ایشان «سابقه خوبي» در این زمینه ندارند. همچنین علیرضا زاکاني اعلام کرد که «بهتر است سکوت کند و لب به گفتن ناگفته‌ها نگشاید». احمد توکلي با خنده پاسخ داد وزارت وزیري که با تفاوت 0/5 راي وزیر شده مبارک اما روح الله حسینیان نماینده اصولگراي مدافع دولت از خبرنگاران پرسید مگر معني دموکراسي را نمي‌دانند. آقا تهراني معلم اخلاق دولت طرح شبهه‌داربودن آراي محصولي وزیر شده را غیراخلاقي نامید و البته پاسخ نداد چرا مجلس در برابر فرمایشات امام خمیني مبني بر اینکه در کنار هر کاخي، کوخي است، سکوت کرد. احمدي نژاد هم نه تنها از وزیرش دفاع کرد که ثروتمند بودن منافاتي با اسلام ندارد بلکه مجلسي‌ها را خطاب قرار داد به جاي این میزان اتهام افکني طرحي

بیاورند یا دولت لایحه‌اي بیاورد تا ثروت تمام مدیران نظام از فرماندار به بالا در تاریخ 30 ساله پس از انقلاب بررسي شود تا یک بار براي همیشه به این حواشي پایان داده شود. وي حتي مجلسي‌ها را مورد عتاب قرار داد که چرا با دولت این گونه رفتار مي‌کنند از یک طرف «از بالا تا پایین دولت را پشت تریبون مجلس شستند» و دولت نهم یک بار هم نگفت چرا. اما به مشاور او اعتراض مي‌کنید که چرا در وبلاگ شخصي‌اش نظر شخصي داده است. دیروز تنها مخالفي که بحق در مقام مخالفت با محصولي سخن گفت، فلاحت پیشه بود. در حالي که احمدي‌نژاد در نطقش به صراحت گفت مخالفان محصولی **از بیرون مرزها** تحریک مي‌شوند فلاحت پیشه پرسید این چه اتهامي است حال آنکه مخالفان تنها یک سوال دارند که چطور توجیه کنند در رابطه قدرت - ثروت محصولي ثروتش را بدون هیچ شائبه‌اي به دست آورده است. نماینده اسلام‌آباد غرب پرسید یک نفر را احمدي‌نژاد اسم بیاورد که توانسته باشد امتیاز سوآپ بگیرد حال آنکه «ممنوع است». یک فرد این امتیاز را بگیرد و طبق قانون فقط وزارت نفت حق عقد چنین قراردادي را دارد. فلاحت پیشه پرسید اگر این امتیاز «رانت نیست» پس آن را چه بنامند و چطور ممکن است محصولي حرف از درآمد 500 میلیون تومانی در سال 72

بزند و حتي ادعا كند 365 ميليون تومان را در آن موقع به عنوان سود كارش در سرعين هزينه كرده است. حال آنكه چه كسي را سراغ داريم كه در سال 72 چنين ثروتي داشته باشد. محصولي هم در پاسخ گفت آمار را درست بگويند چون او سال 76 تازه از سود كارش چشم‌پوشي كرده و آن را به دولت وقت بخشيده، با اين حال باز هم 365 ميليون تومان از دولت كارگزاران طلبكار است چون اين رقم هزينه كار او بوده است؛ «تازه اين 10 درصد سود پروژه بود. حتي به من پيشنهاد دادند 2/5 برابر اين رقم سود را به تو مي‌دهيم و چون كارت براي كشور مفيد بوده دوباره آن را تكرار كن.» البته او نپذيرفته و تا الان هم طلبش را به نوعي به نظام بخشيده است. محصولي پرسيد چطور به سابقه مديريت او بعضي‌ها ايراد مي‌گيرند حال آنكه او «22 ساله» فرماندار ارومیه بوده است. البته فلاحت پيشه به كنايه خطاب به محصولي گفت كه از موضوع زمين‌هاي سپاه مي‌گذرد اما او همين سه سال كه با اين ميزان ابهام و شبهه در كارنامه‌اش همراه دولت نهم بوده، سكوت كرده و پاسخ نداده، نه تنها لطف نكرده كه به اصولگرايي ظلم هم كرده است. البته احمدي‌نژاد موضوع را از محصولي به سمت دعواي مجلس - دولت بر سر حاشيه‌هايي

مانند راه ندادن نمایندگان به جلسه هیات دولت در مازندران کشاند اما فلاحت پیشه پرسید این چه حرفي است. آنها دغدغه اصولگرایي دارند چرا که اگر احمدي‌نژاد سال آینده راي صادقانه هم آورد، چه کسي است که نگوید «محصولي، احمدي‌نژاد را رئیس جمهور کرد.» جدا از اینکه محصولي عنوان کرد که هیچ حکمي به اسم او به عنوان رئیس ستاد انتخابات احمدي‌نژاد نخورده است اما فلاحت پیشه پس از جلسه علني تصریح کرد نیاز به زدن حکم نیست چرا که حداقل اصولگرایان به خوبي واقف بودند که محصولي در دوره قبل چه نقش کلیدي در ستادهاي احمدي‌نژاد داشته است. البته رئیس جمهور باز هم از دوستان اصولگرایش گله‌مند شد که شرایط کشور خاص است و «ویژه» و نباید به دست دشمنان بهانه داد. البته فلاحت پیشه باز هم پرسید مگر 30 سال شرایط کشور ویژه نبود و دنیا علیه ایران نبوده اما در همین شرایط ویژه باید حواس اصولگرایان بیشتر جمع باشد و بهترین تصمیم، اتخاذ عاقلانه‌ترین تصمیم در شرایط ویژه است. احمدي‌نژاد باز هم این طور پاسخ داد؛ «حرف‌هاي جزیي نباید رابطه دولت - مجلس را خراب کند و اهل گلایه نیست وگرنه جاي گلایه بسیار هست.» فلاحت پیشه پرسید چه گلایه‌اي که نماینده‌ها و حتي لاریجاني هم از طریق

رسانه‌ها فهميدند محصولي وزير است؛ توهين به نمايندگان در جلسه هيات دولت در مازندران و نپذيرفتن اين واقعيت كه اصولگرايان به او راي ندادند؛ «اما چرا شما توجه نكرديد؟ شما وزير خودتان را گرفتيد تا شكاف بماند براي اصولگرايان.» اما احمدي‌نژاد پاسخ داد؛ «چهارپنجم جلسه‌هاي دولت را به نمايندگان اختصاص مي‌دهد و ديگر جاي اين نوع گلايه‌ها نيست. حالا ممكن است اتفاقي جزيي در سفرهاي استاني پيش بيايد اما نبايد اين ميزان حاشيه‌سازي شود.» از طرفي احمدي‌نژاد پرسيد؛ «چه عيبي دارد وزير پولدار باشد. در رابطه ثروت - قدرت بايد ديد مديري به واسطه حضورش در قدرت ثروتمند شده، يا برعكس.» اما ونايي و فاطمه آجرلو دو نماينده مخالفي بودند كه در مقام مخالف هر دو به دفاع از محصولي پرداختند. نمايندگان چندين بار اعتراض كردند و لاريجاني هر بار تنها به تذكري به آجرلو بسنده كرد كه در مقام مخالف صحبت كند. آجرلو هم پاسخ داد با محصولي رابطه خانوادگي دارد اما سوالاتي در مورد برنامه كاري او دارد. احمد توكلي هم كه تا آن لحظه سكوت كرده بود، سرانجام با شكست سكوت با لحن تندي معترض شد كه آجرلو وقت مخالفان را هدر مي‌دهد و به جاي اينكه علت مخالفت را تشريح كند، مدام از

محصولي سوال مي‌كند. آجرلو نماينده‌اي است كه همراه ونايي يک روز قبل از جلسه راي اعتماد در حمايت محصولي مصاحبه‌هاي متعددي با خبرگزاري‌ها انجام داده بودند. توكلي هم به استناد اين مصاحبه‌ها خطاب به لاريجاني گفت؛ «اين كار سوءاستفاده سياسي است.» لاريجاني پذيرفت و باز هم به آجرلو تذكر داد اما بي‌فايده بود و آجرلو 13 دقيقه در مقام مخالف صحبت كرد. دو دقيقه از وقت آخرين مخالف مانده بود و هيچ مخالف جدي به جز فلاحت پيشه مجال استفاده از تريبون را پيدا نكرده بود. نمايندگان به شدت معترض بودند و جو مجلس آنچنان متشنج شد كه لاريجاني از آجرلو كه تريبون مجلس را ترک كرده بود خواست همين «دو دقيقه طلايي» را به داريوش قنبري يا علي مطهري بدهد. دوربين‌هاي مجلس، فاطمه آجرلو را در حالي كه در وسط مجلس دست راستش را مكرراً به سمت بالا مي‌برد و فرياد مي‌زد وقت باقي مانده را به كسي نمي‌دهد، نشان مي‌داد. با اين حال باز هم لاريجاني اصرار كرد اما آجرلو با اين سماجت بر ندادن وقتش به يک مخالف نشان داد به جد در قامت يک مدافع، بهترين امتياز را به جام محصولي ريخته است. البته لاريجاني از قنبري نماينده اقليت خواست پشت تريبون برود اما قنبري نيمه راه با سد چند ده نفره اصولگرايان مواجه شد. اين

نمایندگان مانع رفتن قنبري به پشت تریبون شدند و درگیري لفظی همراه با هل دادن در وسط صحن علنی، مجلس را آنچنان به هم ریخت که نمایندگان اقلیت هم مجبور شدند به میدان آمده و قنبري را آرام کنند. لاریجاني از مطهري خواست پشت تریبون بیاید و ناگفته‌هاي مخالفان را بگوید اما به دلایلي که معلوم نشد مطهري هم از صندلي‌اش برنخاست و به این ترتیب مخالفان بدون طرح مخالفت سرنوشت محصولي را به آراي سفید و کبودي سپردند که نیم ساعت بعد باید به گلدان‌ها ریخته مي‌شد. محصولي هر چند مخالف جدي را پیش رو ندید تا مجبور شود در مورد ثروتش پاسخ دهد اما موافقان قدري از او حمایت کردند. اسماعیل کوثري از سرداران جنگ و حامیان احمدي‌نژاد که او را با رزمندگان بدر و احد مقایسه کرد و شهاب الدین صدر از دیگر اصولگرایان آنچنان نطق موافقي از تریبون مجلس قرائت کرد که محصولي او را در راهروهاي مجلس پس از صحنه راي‌گیري بارها در برابر خبرنگاران و فلاش دوربین‌ها در آغوش گرفت و بوسید. بدین ترتیب محصولي رفت تا بر صندلي طبقه 19 فاطمي تکیه کند."

سایت روزنامه سرمایه در ادامة خبری که در بالا نقل شد می‌نویسد:

"داریوش قنبری نماینده ایلام که یکی از مخالفان وزیر پیشنهادی کشور و از

فراکسیون اقلیت مجلس است در حاشیه مجلس به «سرمایه» گفت: «در بحث شمارش آراء، پنج رای نبود. با توجه به حضور گسترده حامیان محصولی هنگام شمارش آراء، این رای‌گیری مشکوک است.» علی مطهری نماینده تهران پس از یک هفته سکوت به «سرمایه» گفت: «در رای مجلس تشکیک و در شمارش آراء تخلف صورت گرفته است و آراء موافق 135 بوده است.» همچنین وی در گفت وگو با ایلنا گفت: «به نظر من آقای باهنر نباید آراء را می‌شمردند. چون ایشان سابقه خوبی در این زمینه ندارند.» بهمن اخوان نماینده تفرش و آشتیان نیز در این خصوص گفت: «در شمارش آراء ابهام وجود دارد. بهتر بود رئیس جلسه از تمام گروه‌ها درخواست می‌کردند به صورت داوری شمارش آراء انجام شود. اینگونه شمارش کردن برای اکثریت نمایندگان مجلس و مردم ابهام دارد.» وی در ادامه افزود: «در گذشته از تمام گروه‌ها می‌آمدند و به صورت داوری این کار انجام می‌شد. ما در بحث شمارش ابهام داریم. الان اعتراض خودمان را به هیات رئیسه ارائه می‌دهیم تا بررسی روی این مساله صورت گیرد.» علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پس از خاتمه رای‌گیری صادق محصولی در جمع خبرنگاران ... تصریح کرد: «رای اعتماد ایشان لب مرز بود، اما ایشان وزیر کشور هستند.» وی

سپس در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه آقای باهنر کار شمارش آراء را انجام داده‌اند و ابهامی از نظر برخی نمایندگان در مورد ایشان وجود دارد گفت: «نه شبهه‌ای نیست. اینقدر جمعیت آنجا زیاد بود که تنفس من هم مشکل بود. ...» ... اما پس از اعلام دوباره رای اعتماد وزیر کشور، نمایندگان مخالف همچنان بر سر اعتراض خود بودند. چنانچه بهمن اخوان، تاکید کرد: «آقای محصولی با 2 ،3 رای اختلاف، رای نمی‌آورد.»"

لکن به این ترتیب در برابر چشمان ملت، با همة افشاگری‌ها، مدیر ستاد انتخاباتی آقای احمدی‌نژاد وزیر کشور و چرخانندة گردونة انتخابات گردید، در حالی که دوستان اصولگرای او در مجلس همراه با اقلیت، درست از همان نوع تقلبی در این رأی‌گیری سخن راندند که در مورد انتخابات ریاست جمهوری مطرح است. هم داوران زیر سؤالند و هم مجریان. جا دارد اگر این روایت وزیر شدن محصولی را دوباره بخوانید، خواهید دید در انتخابات ریاست جمهوری هیچ اتفاقی نیافتاده که در این رأی اعتماد پیش نیامده باشد. آنجا که رئیس به یک مخالف اجازة صحبت چند دقیقه‌ای مرحمت می‌کند، عده ای او را با کتک برمی‌گردانند، همانطور که عوامل سپاه و بسیاری نیروهای ناشناختة مسلح با

رقبای آقای احمدی‌نژاد و هواداران بی-گناه آنها کردند!!
شما خوانندة گرامي به راحتی با مراجعه به حافظة خودتان این صحنه را با صحنه‌های انتخابات مقایسه کنید و ببینید همة این تقلب‌ها تکرار شده‌اند. از طریق موافق مخالف نما وقت مخالفان را هدر دادند، رأی مشکوکی گرفتند و در برابر معترضین شرایط «ویژة» کشور، دشمن خارجی و خط برانداز داخلی را جهت بخش این مخالفت‌ها خواندند. رئیس مجلس هم در قضیة آقاي محصولي مشابه صحبت‌های شورای نگهبان را گفته است. چه تاریخ پر رمز و رازی که همة حرکات و سخنان تکرار می‌شوند. همة این صحبت‌های آقای احمدی‌نژاد دربارة آقای محصولی و ثروتش را باید به خاطر سپرد تا در جریان خواندن گزارش مناظره‌ها بتوان با صحبت‌هایش در همین مورد مقایسه نمود. ما این رفتار را جز دورویی چه باید بنامیم که در خط خارجی و در دنباله روی از آن دشمن سکولار داخلی نباشیم. حجت الاسلام ابراهیمی نمایندة مردم بیرجند که تا چندی پیش به عنوان مدیر امور مساجد تهران از وی نامبرده می‌شد و اخیراً در جریان رأی اعتماد مجلس به دولت دهم با عنوان آیت الله ابراهیمی مدیر مساجد کشور مخاطب قرار گرفته است، در مصاحبه‌ای با ایلنا ضمن اظهار نظر دربارة پاک بودن ثروت آقای محصولی

می‌گوید: «نکات مثبتي در شخصیت و سوابق کاري محصولي دیده مي‌شود، افزود: اصالت، تدین، ولایت مداري و حضور ایشان در جبهه‌هاي جنگ از جمله موارد مثبتي بود که مورد توجه نمایندگان قرار گرفته بود به ویژه آنکه ایشان یکی از عناصر انقلابي و خط امام و رهبري هستند[8].»

آقای احمدی‌نژاد که از آقاي محصولی و دولتش به عنوان دولت «پاکدست» یاد می‌کند، در مناظره با آقای موسوی در مورد ثروت آقای محصولی با بی‌خیالی تمام ادعا کرد که این هم از عوارض دولت رفسنجانی است!!

چه باید کرد اگر رئیس دولت در تعقیب خط همان سخنرانی شهریور رهبری انقلاب، نمایندة اصولگرا و غیر اصولگرا را به هنگام مخالفت با وزیر یا برنامه‌ای که مطابق قانون اساسی حق و وظیفة اوست، خط گرفته از خارجی بنامد، یا یك منتقد دلسوز را کسی بداند که شرایط «ویژه» را نادیده گرفته است، سخنان خط برانداز ولایت فقیه در داخل را تکرار می‌کند. هر کس هر چه می‌گوید، بلافاصله ایشان می‌گوید سر تا پای دولت مرا شستید و هر چه خواستید گفتید، آنها چه بگویند که چنین نشنوند. تازه برخی از این عده مانند آقای ابراهیمی و لیستی

---

8 نقل از تابناک، کد خبر 25167 مورخ 87/8/23

که ایشان خبر دارند، تحت عنوان کمک به مساجد روستاها پول‌هایی را بدفعات دریافت کرده‌اند و اکنون نمک ناشناسی می‌کنند. اسناد این ادعا را همگان دیده‌اند و در جای خود ارائه می‌کنیم.
سایت کارگزاران در مصاحبه با افراد شاخص اصولگرای مجلس و حامیان دو آتشه احمدی‌نژاد علت رأی اعتماد مجلس به محصولی را باز می‌کند:
"به گزارش خبرنگار پارلمانی کارگزاران، گرچه در دولت‌های گذشته عرف بوده که روسای جمهوری همواره معرفی‌نامه وزرای پیشنهادی خود را توسط معاون پارلمانی خود تقدیم رئیس‌مجلس می‌کردند، اما محمود احمدی‌نژاد گویا ترجیح داده نامه معرفی صادق محصولی را برای رئیس‌مجلس فکس کند. حمیدرضا حاجی‌بابایی روز گذشته با اعلام اینکه «معرفی‌نامه آقای محصولی روز شنبه برای ما فکس شده»، گفت: «در دست نداشتن زندگینامه و اصل معرفی‌نامه محصولی باعث شد که هیات‌رئیسه نامه معرفی محصولی را اعلام وصول نکند. به گفته این عضو هیات‌رئیسه مجلس، هر زمان که زندگینامه و اصل معرفی‌نامه محصولی به هیات‌رئیسه برسد، در همان روز نامه معرفی وی به عنوان وزیر پیشنهادی اعلام وصول خواهد شد. با این حال نمایندگان مجلس منتظر اعلام وصول معرفی‌نامه محصولی نماندند و بررسی‌ها درباره گزینه احمدی‌نژاد برای وزارت کشور آغاز شد. بنابر اظهارات نمایندگان، هیچ یك از مجلسیان از جمله علی

لاریجانی، محمدرضا باهنر و سایر چهره‌های شاخص پارلمان در جریان معرفی محصولی به‌عنوان گزینه وزارت کشور نبوده‌اند و احمدی‌نژاد بدون رایزنی با مجلس گزینه خود را معرفی کرده است. با وجود این برخی از نمایندگان طیف حامی دولت در مجلس از جمله حمید رسایی نماینده تهران که پیش از این خود را در صحن علنی «وکیل‌الدوله» معرفی کرده بود رایزنی گسترده‌ای را برای موافقت نمایندگان با رای اعتماد به محصولی آغاز کرد. در این میان، انتقادات شدید نمایندگان مجلس هفتم به صادق محصولی به هنگام معرفی او از سوی احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت نفت برخی از نمایندگان مجلس هشتم را نسبت به معرفی محصولی حساس کرده است. برخی از نمایندگان روز گذشته از پیگیری علت مخالفت مجلس قبلی با تصدی محصولی بر وزارت نفت و پیگیری پرونده او در کمیسیون اصل نود خبر دادند. با این حال، از فضای حاکم بر پارلمان می‌شد نتیجه گرفت پس از انتقادات شدید مقام معظم رهبری درباره برخی «بی‌بند و باری‌ها در حرف زدن علیه دولت» و برکناری علی کردان به‌رغم مخالفت محمود احمدی‌نژاد نمایندگان قصد تقابل جدی با گزینه پیشنهادی او برای وزارت کشور را ندارند. این موضوع موجب شده تا به گفته یکی از نمایندگان به‌رغم مخالفت طیف احمد توکلی با صادق محصولی این جریان تصمیم به سکوت در بررسی رای اعتماد به وزیر کشور بگیرند. در این میان، روح‌الله

حسینیان نماینده تهران که از مخالفان جدی علی کردان و پیگیر استیضاح و برکناری او بود، با حمایت قاطع از صادق محصولی عنوان کرد: «به احتمال قوی محصولی برای وزارت کشور رای می‌آورد.» فضای حاکم بر مجلس به گونه‌ای است که حتی برخی از اصولگرایان تلاش کردند ابهامات درباره ثروت شخصی و پرونده قضایی محصولی در کمیسیون اصل نود را به نقاط قوت او تعبیر کنند. در همین رابطه، روح‌الله حسینیان در مورد وضعیت مالی بسیار خوب محصولی به خبرنگاران گفت: «اجازه دهید که یك وزیر پولدار هم در کشور باشد.» حسینیان تعارض میان شعارهای احمدی‌نژاد مبنی بر ساده‌زیستی و تعبیر خبرنگاران «نان و پنیر خوردن رئیس دولت نهم» با معرفی صادق محصولی متمول را اینگونه توجیه کرد: «ساده‌زیستی با پولداری مغایرت ندارد ممکن است فردی پولدار باشد اما در عین حال ساده‌زیست هم باشد و از پولش در مسیر انقلاب و اسلام و مردم استفاده کند.»

خبرنگار پارلمانی کارگزاران از حسینیان پرسید: «از این پول به نفع احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری هم استفاده می‌شود؟ که او پاسخ داد: «اصولگرایان باید یك نفر پولدار داشته باشند تا از آنها حمایت کند تا بتوانند رای بیاورند.» حمید رسایی نیز درخصوص انتقادات نمایندگان مجلس هفتم به صادق محصولی و ابهامات درباره وضعیت مالی محصولی گفت که «نمایندگان مجلس درباره حضور ایشان در وزارت نفت حرف داشتند اما

برای وزارت کشور مشکلی ندارند.» رسایی همچنین معتقد است بعد از استیضاح کردان و سخنان رهبری که به نوعی عتاب‌آلود بود، برداشت مجلس این است که در رای به صادق محصولی همراهی و تعامل نشان دهد. روز گذشته حامیان دولت در مجلس در حالی از صادق محصولی حمایت کردند که مخالفان جدی او در مجلس هفتم همچون الیاس نادران، احمد توکلی، غلامرضا مصباحی مقدم و... ترجیح دادند در جمع خبرنگاران حاضر نشوند.
محصولی از دوستان نزدیك محمود احمدی‌نژاد بوده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری محصولی یکی از مسوولان ارشد ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد بود که به گفته برخی از نمایندگان ساپورت مالی و تبلیغات احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری با او بوده است. چندی پیش سایت الف که مسوولیت اداره آن با احمد توکلی از چهره‌های شاخص اصولگرای مجلس است، در خبری اعلام کرد محصولی رئیس ستاد انتخابات احمدی‌نژاد برای انتخابات آینده شده و از هم‌اکنون ستاد تبلیغاتی را راه‌اندازی کرده است. این خبر البته از سوی مشاور احمدی‌نژاد تکذیب شد."
اشارة آقای رسایی به سخنان عتاب آلود رهبری به گفتار ایشان در دیدار با کارگزاران حج بتاریخ 87/8/15 بر می گردد، درست همان روزهائی که نام آقای محصولی به عنوان وزیر کشور مطرح شده بود:
"در گوشه و کنار افرادي، جريان‌هائي، مجموعه‌هائي به اسم‌هاي مختلفِ نخبگان سياسي

و غیر این‌ها، فضاي جامعه را مشوش می‌کنند، فضاي جامعه را از صفا و صداقت تهي می‌کنند، مردم را دچار اغتشاش ذهني، دچار تردید می‌کنند. ... این دستاوردها که مفت به دست نمي‌آید. ... تا ما بیائیم به خاطر دشمني با زید و عمرو و این دولت و آن دولت و مسئولین اجرائي یا مسئولین کذا و کذا، اصل نظام را زیر سؤال ببریم؛ سیاه‌نمائي کنیم! کاري که متأسفانه بعضي از نخبگان سیاسي مي‌کنند. فضاي تبلیغاتي کشور، فضاي مطبوعاتي کشور، فضاي تبلیغات سیاسي کشور به هیچ وجه فضاي خرسندکننده‌اي نیست. ... وقتي رحمت الهي براي ما پیش خواهد آمد که مواظب و مراقب خودمان باشیم؛ مراقب حرف زدنمان، مراقب اقدام کردنمان، مراقب تبلیغاتمان. این فضاي بي بند و باري در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کي به خاطر اغراض، اینها چیزهائي نیست که خداي متعال از اینها به‌آساني بگذرد.[9]"

وجود فردی از جنس کردان یا محصولی در وزارت کشور برای آقاي احمدی‌نژاد و جریان فکري حامي وي بسیار مهم بود. به همین دلیل تا می توانست کوشیدند از رفتن کردان جلوگیری کرده و موضوع مدرک قلابی ایشان را بی‌اهمیت جلوه دهد، او می‌گفت این مدرک‌ها کاغذ پاره‌ای بیش نیستند. در واقع آقای کردان تدارکات لازم را به نحوی که مطلوب

[9] نقل از سایت حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

احمدی‌نژاد باشد، در وزارت کشور چیده بود. بعدها هم فاش شد که او پس از عزل در کنار دولت، یعنی آقای محصولی باقی ماند تا مسیر مطلوبشان بدرستی طی شود. اما چرا آقای لاریجانی وآقای باهنر این رفتار پیش بینی‌نشده را داشتند؟ آیا با توجه به شرایط «حساس» کشور از آنها خواسته شده بود که کاری کنند آقای محصولی رأی بیاورد و دولت در آستانة انتخابات بدون وزیر کشور نباشد؟ این بدان معناست که پشت پردة هدایت امور و مسلماً خود آقای احمدی‌نژاد هم یا کردان یا محصولی را می‌خواستند و راضی نبودند که کس دیگری را به این سمت بگمارند.

یک پرسش مقدر و پاسخ آن

در اینجا و پیش از ادامة بحث مقدمات عمومی انتخابات و عملکرد دولت و رئیس جمهور در این رابطه، لازم است به یک پرسش مقدر پاسخ روشنی داده شود. بر فرض اگر آقای فلاحت پیشه نامزد ریاست جمهوری می‌شد و مانند آقایان کروبی، موسوی و رضائی در برابر یک تقلب آشکار و گسترده قرار می‌گرفت و ادعای **بطلان** انتخابات را مطرح می‌نمود، آیا جا داشت که به ایشان گفته شود: شما که مدعی قانونمداری هستی یا باید نتیجه را بپذیری و یا از پیش می‌بایست با علم و اطلاع از اینکه تقلب خواهد شد در انتخابات شرکت نمی‌کردی؟ بخصوص با این مطالبی که دربارة احتمال تقلب در مجلس

گفته است، بویژه به موضوع مهمی اشاره کرده مبنی بر اینکه: هنوز ایشان وزیر نشده در وزارت کشور ستاد انتخابات تشکیل داده است. به عبارت دیگر آیا درست است که کسی احتمال تقلب را بسیار بالا ببیند و از این رو پیشاپیش با طرح این احتمال از نامزدی منصرف شود؟ پرسش را به نوع دیگری هم مطرح می‌کنیم: فرض کنید نامزدی پس از اعلام صلاحیتش از سوی شورای نگهبان متوجه شود که از فضای انتخابات کشور به خاطر حضور رئیس جمهور فعلی بوی تقلب به مشام می‌رسد، براي این ظن قرائن صارفه و یا دلایل محکمی هم بدست آورد، در این فرض، کدام کار درست است، ادامة مبارزه و افزودن بر هوشیاری هواداران یا کنار کشیدن و طرح یک اعتراض؟

مسلم است که اگر نامزدی با این عناوین از میدان کنار برود، در کشوری که همة امکانات تبلیغی در دست دولت مورد تأیید آنچنانی رهبری است، جز دشنام چیزی عایدش نخواهد شد و نزد عقلا هم محکوم است؛ زیرا او قصاص قبل از جنایت کرده است. از سوی دیگر، قانون انتخابات ما اجازه می‌دهد که نامزدها ناظرینی را برای نظارت بر عملکرد هیئت‌های اجرائی تعیین کنند، همچنین بر سر صندوق‌ها و مراکز شمارش آرا بگذارند و تخلفات را پیگیری کنند، بنا بر این نامزد انتخاباتی تنها می‌تواند با

اهرمهای مختلفی که دارد و از طریق این نظارت، مانع از تقلب شود. اما اگر بطور پیش‌بینی نشده‌ای ناگهان به هزار ترفند از حضور نمایندگان نامزد جلوگیری شود، تلفن‌های ارتباطی قطع گردد، نه تنها موبایل بلکه خطوط شهری را هم قطع نمایند، اسناد و مدارک رسیده را هم غارت کنند، به اصطلاح با یك كودتاي تمام عیار روبرو گردد چه باید بکند؟ قانون انتخابات، زمانی معيني را برای رسیدگی به **جرایم** ناظرین و مجریان در انتخابات تعیین نکرده است. ظاهراً می‌توان همواره در مراجع ذیصلاح اقامة دعوی نمود. در مورد تخلفات ناظرین، رسیدگی از حیث صلاحیت ادامة نظارت شخص به عهدة شورای نگهبان گذاشته شده است، در مورد مجریان هم اختیار کار را بدست وزارت کشور داده اند. اما مفاد مادة 78 و 79 (قا) رسیدگی به شکایات انتخاباتی را به عهدة شورای نگهبان گذاشته و زمان رسیدگی را در مدت یک هفته الی ده روز پس از دریافت نتیجة قطعی انتخابات از وزارت کشور تعیین نموده است. بخصوص مادة 81 مقرر می‌دارد: «شكاياتي كه در جريان انتخابات به هيأت اجرايي تسليم مي‌شود مانع از ادامه كار انتخابات نبوده و در موعد رسيدگي به شكايات مورد بررسي قرار خواهد گرفت.» بنا بر این نامزدها ناگزیرند با مشاهدة

هرگونه تخلفی موارد را گزارش نمایند و منتظر رسیدگی بعدی و پس از پایان انتخابات بمانند. در بحث از تقلب سخنی از قول آقای کدخدائی نقل کردیم که مؤید این نظر است. ایشان روز 88/3/13 که قرار بود ساعت ده شب مناظرة مهم میان آقای مهندس میرحسین موسوی و آقای حمدی نژاد برگزار شود پیشاپیش مطالبی را ایراد کرد که استناد هر عاقلی نزد هر منصفی به این اظهارات رسمی برای باطل بودن انتخابات در کشور بجا و غیر قابل اغماض است. آقای کدخدائی در این مصاحبه می‌گوید: "اگر تخریب، توهین و افترا در روند تبلیغات انتخابات باشد طبعاً مجری انتخابات، دستگاه انتظامی‌و قوه قضائیه به شکایات و اعتراضات رسیدگی خواهد کرد، اما اگر تخریبها به گونه‌ای باشد که سرنوشت انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد شورای نگهبان وارد عمل می‌شود و ممکن است در مرحله تائید نهایی، صحت انتخابات را تجدیدنظر و تصمیماتی برای ابطال حوزه‌های انتخابیه اتخاذ کند."

با اینحال، شورای نگهبان بموجب مادة 5 پیش گفته می تواند در هر زمان تصمیم به متوقف ساختن انتخابات بگیرد، که اگر خواهان توقف در کل کشور باشد به معنای ابطال است. اما سخن آقای کدخدائی هم بدین معناست که شورای نگهبان اگر رفتارهای تبلیغاتی را مؤثر

در نتیجه بیابد، به هنگام رسیدگی نهائی می‌تواند انتخابات را ابطال نماید. بنا بر این، نامزدها یا نمایندگانشان حق دارند این موضوع را پس از انتخابات نزد شورای نگهبانی که خودش دخیل در این تبلیغات نبوده مطرح کنند، زیرا مجرم نمی‌تواند مرجع رسیدگی به جرم خود باشد. مراد ما در اینجا اعضایی از شورای نگهبان هستند که در تبلیغات نقش داشته‌اند و موضوع در بحث از ابطال به روشنی بیان شده است.

حال اگر شورای نگهبان از نظر نامزدها و مردم به خاطر عدم بی‌طرفی مقرر در قانون وقعی به فریادها نگذارد و هر اعتراضی را به بهانهٔ همنوائی با «دشمن» یا آن خط داخلی برانداز محکوم نماید، چه باید کرد؟ این پرسشی است که امروز همهٔ ملت ایران با آن مواجهند. همانطور که در جریان رأی اعتماد آقای محصولی از نظر عده‌ای از نمایندگان داور شمارش آرا فردی بی‌طرف نبود، در اینجا هم درست همان مشکل در برابر مردم قرار گرفته است.

بسیاری از افراد پس از انتخابات شاید برای مطرح کردن خودشان، با نوشتن نامه‌های سرگشاده یا تحلیل در سایتشان یا در مصاحبه تلویزیونی به طرح این شبهه اقدام کردند که این سه نامزد اگر قاعدهٔ بازی را قبول نداشتند، چرا وارد میدان شدند؟ اگر می دانستند تقلب

خواهد شد، چرا اعتراضاً کنار نرفتند؟ اما واقعیت این است که در مبارزة انتخاباتی تا زمانی که همة راهها با یک کودتا مسدود نشده باشد، همیشه امیدی به طرح موضوع نزد یک داور بی‌طرف وجود دارد. از این گذشته نظامی که مدعی مردم‌سالاری و پایبند به قانون اساسی به مثابه عهدنامة میان ملت و حکومت است، طبق همین قانون اساسی در مواردی که راه داوری هم به دلیلی مسدود باشد یا توسط حکومت پذیرفته نشود، راه مراجعه به داوری مردم برایش باز است. آنچه که این منتقدین غالباً از روی عمد پوشیده می دارند این است که علی رغم اطلاع نامزدهای اخیر از مشکلات فراراهشان در این انتخابات و مواضع افراد بالادستی، از آنجا که هیچ دلیلی دستکم برای نشان دادن به مردم بر مسدود بودن همة منافذ حکومت مردم سالارانه، در دست نداشتند، ناگزیر بودند که وارد بازی شده و با همة توان از وقوع این فاجعه جلوگیری نمایند. برای مثال در این میان آقای مهدی کروبی که به ادعای خودش تجربة تلخ یک خواب شبانه و تغییر در آرا را در دورة نهم داشته است، چرا باید دوباره وارد این میدان می‌شد؟ پاسخ روشن است، یا اینبار بطور مستند نشان می‌داد که واقعاً مسیر امور بر ناراستی است، یا اگر با توجه به اطمینان‌بخشی سران نظام

بر تعهد در حفظ امانت طبق روالی قانونی پیروز می‌شد یا شکست می‌خورد، امیدوار می‌گشت که از راه همین مسیر مردم سالارانة پیش‌بینی شده در قانون اساسی، از جمله همه پرسی، معضلات گذشته را می‌تواند بر طرف نماید.
حکومتی که با یک انتقاد ساده سر درد بگیرد، دولتی که هر نقدی را تخریب خودش بداند تب و لرز کرده و گریة کودکانه کند، مسلماً در یک مبارزة دوشادوش دوام نیاورده و به راههای دیگری هم خواهد اندیشید.
به هر حال در مسیر آماده شدن مقدمات انتخابات، آقای محصولی بلافاصله وزارت کشور را از آقای کامران دانشجو که در اواخر دورة آقای کردان و درست زمانی که موضوع استیضاح ایشان مطرح بود بتاریخ 87/8/16 عهده دار قائم مقامی و معاونت سیاسی شده بود و در دورة عزل ایشان سرپرستی وزارتخانه را هم از سوی آقای احمدی‌نژاد به عهده داشت، در سمت معاونت سیاسی ابقا نمود.
موضوع تصدی معاونت سیاسی وزارت کشور، که مسؤلیت تشکیل ستاد انتخابات را هم بر عهده دارد، در دولت آقای احمدی‌نژاد مسأله‌ساز شده بود. این موضوع بقدری برای احمدی‌نژاد مهم بود که موجب برکناری آقای پور محمدی از سمت وزارت کشور گردید. ایشان که هم اکنون در سمت بازرسی کل کشور فعالیت می‌کنند، تاکنون

صحبت زیادی در مورد اختلافاتش با احمدی‌نژاد نکرده است؛ اما موضع‌گیری ایشان در جریان برگزاری انتخابات و صدور دستور بازرسی از جریان انتخابات به ابواب جمعی خودش که موجب تنش‌هایی میان قوة قضائیه و دولت گردید، نشانه‌هایی از اختلاف پیشین را آشکار می‌کند. آقای پورمحمدی شاید اطلاعاتی داشته باشد که تاکنون بیان آنها را به مصلحت ندیده است. روزنامة سرمایه در شمارة 920 بتاریخ 87/10/14 به بهانة بازگشت مجدد آقای افشار به وزارت کشور نوشت:

"در مهرماه 1386 مصطفی پورمحمدی نخستین وزیر کشور دولت نهم، علیرضا افشار را به عنوان معاون سیاسی آن وزارتخانه، که ریاست ستاد انتخابات را در ایران بر عهده دارد، منصوب کرد. علیرضا افشار 56 ساله از سال 58 تا 61 عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بود و طی سال‌های 61 تا 67 جانشینی و سخنگویی ستاد مرکزی سپاه پاسداران را بر عهده داشت. وی از سال 68 تا 76 بیش از هشت سال فرماندهی بسیج و سه سال نیز ریاست دانشگاه امام حسین را بر عهده داشت. وی از سال 83 تا زمان انتصاب به معاونت سیاسی وزارت کشور، معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح بود.

افشار سومین معاون سیاسی وزیر کشور دولت نهم بود که در مدت سه سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از مقام خود کناره‌گیری یا تغییر می‌کرد. پیش از او علی جنتی و مجتبی ثمره هاشمی هم از این سمت برکنار شده بودند. علی جنتی فرزند آیت الله احمد جنتی، اولین معاون سیاسی وزارت کشور در دولت محمود احمدی‌نژاد بود که پس از مدت کوتاهی و به دنبال بروز اعتراض‌هایی نسبت به انتصاب او، از مقام خود کنار گذاشته شد. در آن هنگام برخی رسانه‌های نزدیک به دولت خبر دادند که رئیس جمهوری از چنین انتصابی ناراضی است و مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور وقت بدون مشورت با محمود احمدی‌نژاد، جنتی را به این سمت منصوب کرده است. برخی از کارشناسان سیاسی، دلیل اصلی انتقاد از انتصاب علی جنتی را عضویت وی در «حزب اعتدال و توسعه»، برادرخوانده «حزب کارگزاران سازندگی»، عنوان کردند که از احزاب نزدیک به هاشمی رفسنجانی است. پس از برکناری علی جنتی، مجتبی ثمره هاشمی، از مشاوران اصلی رئیس جمهوری به این سمت منصوب شد که وی نیز در شهریورماه سال گذشته از سمت خود استعفا داد و جای خود را به افشار سپرد. یک سال پس از آن و با برکناری مصطفی پورمحمدی و روی کار آمدن دومین وزیر کشور دولت نهم در ششم مهرماه سال

جاری علیرضا افشار با حکم علی کردان، وزیر کشور وقت از سمت معاونت سیاسی این وزارتخانه برکنار و به سمت مشاور فرهنگی وزیر کشور منصوب شد. کردان، کامران دانشجو استاندار وقت تهران را به عنوان قائم مقام، معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور منصوب کرد. ... افشار در کنار محمدباقر ذوالقدر و محمدرضا نقدی شماری از اعضای سرشناس سپاه پاسداران بودند که با روی کار آمدن دولت نهم به سمت‌های معاونت سیاسی وزارت کشور، معاونت امنیتی وزارت کشور و ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیدند؛ اما اندکی بعد به ترتیب از دولت محمود احمدی‌نژاد کنار گذاشته شدند. از میان فرماندهان سابق، علیرضا افشار آخرین کسی بود که سمت دولتی خود را از دست داد و اکنون اولین کسی است که با حکم صادق محصولی، وزیر کشوری که خود سابقه سال‌ها فرماندهی در سپاه پاسداران را دارد، به وزارت کشور بازگشته است." امروز شاید بتوان تحلیل کرد که به همان اندازه که وجود علی جنتی به عنوان یک عنصر سیاسی نه چندان موافق با مشی سیاسی احمدی‌نژاد در این سمت قابل تحمل نبود، حضور فرماندهان ارشد سپاهی در صف اول هدایت انتخاباتی که آقای کردان یا دوست صمیمی وی آقای محصولی در پی اجرای آن بودند به هیچ وجه به مصلحت نبود؛ استعفای هاشمی

ثمره که یار غار آقای احمدی‌نژاد و رئیس ستاد انتخاباتی وی شد در این سمت درست به همین دلایل موجه نمی‌نمود. باید اشخاص مؤثر در پشت صحنه می‌ماندند و کار در ظاهر بدست افرادی مانند آقای کامران دانشجو سپرده می‌شد که کاملاً مطیع آقای احمدی‌نژاد هستند. اما تدارک برنامة کامپیوتری انتخابات در همین دورة هاشمی ثمره صورت گرفته بود؛ امری که همگان از آن غافل بودند. آقای افشار در معاونت امنیتی وزارت کشور خدمات بهتری را با توجه به سوابقش که در بالا اشاره شد، به دولت احمدی‌نژاد ارائه کرد. کسی چه می‌داند شاید روزی در یک دادگاه عادل به جرائم سرکوبگران رسیدگی شود، آنگاه نقش ایشان و زندان موقت در ساختمان استانداری تهران و ساختمان وزارت کشور بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد.

در هر صورت، آقای دانشجو پیش از ورود آقای محصولی، به گفتة نمایندگان مجلس و اقرار خود آقای محصولی ستاد انتخابات را به راه انداخته بود؛ کسی که بسیار مورد اعتماد آقای احمدی‌نژاد و از دلباختگان وی است: "سیدصادق محصولي در حاشیه پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللي مطبوعات و خبرگزاري‌ها در بازدید از غرفه جام‌جم در گفتگو با خبرنگار ما اظهار داشت: با توجه به زمان کمي که تا انتخابات داریم قصد داریم امنیتي

فراگیر از نظر اجتماعي، سیاسي و رواني فراهم کنیم تا مقدمات براي برگزاري انتخابات فراهم شود. محصولي همچنین افزود: کلید انتخابات پیش از آمدن من به وزارت کشور خورده است."

نه تنها به ادعای آقای محصولی پیش از او دروزارت کشور انتخابات کلید خورده بود، بلکه همانطور که پیشتر اشاره شد، شورای نگهبان هم پیش از او با تشکیل هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات و هیئت‌های استانی کار خود را آغاز کرده بود. هرچند، قانون وزارت کشور را به شروع تهیة مقدمات از سه ماه مانده به پایان ریاست جمهوری مکلف می‌کند، اما محدودیت قانونی برای شورای نگهبان در این امر وجود ندارد. *صرف اعلام تشکیل هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان را وارد فاز انتخابات می کند که بموجب نص قانون باید بی طرف باشد. بنا بر این، از این تاریخ هرگونه رفتار جانبدارانة شورای نگهبان یک عمل خلاف شرع و قانون محسوب می‌شود.*

موضوع کمیتة صیانت از آرا و موضع گیری مقامات رسمی

با این وضعی که از یکسو رهبری اجازة حرف زدن علیه دولت را نمی‌داد و از سویی آقای احمدی‌نژاد توانسته بود در سایة این حمایت، حتی به ادعای دوستانش، آقای محصولی را روانة وزارت

کشور کند و بدین ترتیب حضور نامرئی آقای کردان و آقای هاشمی ثمره را هم در آنجا تثبیت کرده و ستاد مرکزی انتخابات کشور را به ستاد خصوصی خود تبدیل نماید، نگرانی از سرنوشت انتخابات آتی ریاست جمهوری هر روز بیشتر می‌شد. مسألة امکان تقلب را خود این‌ها در اذهان کاشتند و با رفتارهایشان جامعه را هم ملتهب کردند. ما داوری در مورد این مصاحبة آقای محصولی را که در اولین روزهای حضورش در وزارت کشور، یعنی 87/9/10 انجام داده است به خواننده وا می‌گذاریم:

"وزارت کشور در فرآیند برگزاري انتخابات رياست جمهوري، با مصاديق تخريب‌هايي كه مقام معظم رهبري از آن سخن گفتند، برخورد مي‌كند. صادق محصولي وزير كشور ضمن بيان مطلب فوق و در پاسخ به سوالي مبني بر زمان آغاز به كار ستاد انتخابات گفت: قبل از انتخاب من به عنوان وزير كشور، كارها، هماهنگي‌ها و جلسات در زمينه انتخابات شروع شده است . به گزارش فارس، محصولي اظهار كرد: هماهنگ كردن و مقدمات را فراهم ساختن لازمه كار ستاد انتخابات است كه در حال حاضر انجام مي‌شود اما زمان دقيق آغاز به كار ستاد انتخابات را بعد از فراهم شدن شرايط، رسما اعلام خواهيم كرد. وي در ادامه با بيان اينكه جريانات سياسي مي‌توانند به جاي

تخریب رقبا، با معرفي هر چه بیشتر کاندیداي خود شرایط را براي شناخت هرچه بیشتر فرد مورد نظرشان فراهم کنند، تصریح کرد: متاسفانه برخي رسانه‌ها و مطبوعات، تخریب‌ها و دروغ‌هاي زیادي را منتشر می‌کنند و اینها برازنده جریان‌هاي سیاسي نیست. همچنین به گزارش ایلنا، وزیر کشور در موردتبلیغات زودهنگام و موارد احتمالي برخورد وزارت کشور با این مسئله اظهار داشت: اینکه کار تبلیغاتي براي کاندیداي خاصي صورت گرفته باشد تا وزارت کشور بخواهد با آن برخورد کند، وجود نداشته است. بیشتر مواردي بوده که مقام معظم رهبري به آن اشاره کرده‌اند و تخریب‌هایی است که در رابطه با برخي جریان‌ها و شخصیت‌ها صورت گرفته است که کار پسندیده‌اي نیست."

البته در این روزها بجز نام آقای احمدی‌نژاد که همه روزه از همة تریبون‌ها برایش به عنوان دولتمدار مردمی و خاکی تبلیغ می‌شد و هر سخن مخالفی به لجن پراکنی تعبیر می‌گردید، هیچ نام دیگری در میان نبود. اصولاً هنوز نامزد دیگری خود را مطرح نکرده بود یا از سوی شورای نگهبان در این موقع معین نشده بود، این کار تازه قرار بود در آخر اردیبهشت سال بعد انجام پذیرد. اما وزیر کشور هنوز از راه نرسیده به نفع کسی وارد ماجرا شده

است. نعل وارونه زدن با استفاده از این حربه‌های توخالی تبلیغاتی و بستن دهان منتقدین با هتاکی و افترائات هر روز به بحوی ادامه داشت. در آن روزها که هنوز پای نامزدی در میدان معرکه پیدا نبود، انتقاد از عملکرد دولت، حتی از سوی دوستانش یک تخریب محسوب می‌شود. در ایام قانونی انتخابات، استفادة دولت به بهانة ادامة سفرهای استانی در کرج و اسلامشهر و استان سمنان از امکانات تبلیغاتی ملی، کاری در جهت امور جاری کشور تلقی می‌گردد. رقبا نه در امور جاری کشور جا دارند و نه در تبلیغات انتخاباتی حقی متناسب پیدا می‌کنند.

از گذشته اصولاً در چنین مواقعی، آیت الله هاشمی رفسنجانی نقش تعدیل‌کننده و هشدار دهنده‌ای داشتند. با همین رویکرد در تاریخ 87/10/5 و پس از ابراز نگرانی جناح‌های گوناگون در عدم صداقت باند حاکم بر وزارت کشور، در جهت نصیحت به همه و پائین آوردن تب ناشی از دلهرة مردم در خصوص امکان تقلب سخنانی ایراد کردند که عمدة جهت این گفته‌ها تذکر به همگان بود. در این زمان تنها آقایان کروبی و احمدی‌نژاد مطرح بودند و کسانی هم موضوع وارد شدن آقای خاتمی را طرح می‌کردند، اما هنوز در میان رقبا تصمیم مشخصی از سوی کسی بجز آقای کروبی گرفته نشده بود. رئیس مجمع تشخیص

مصلحت نظام پس از بیان مفصلی دربارة سیرة پیامبرو امیرالمؤمنین و امام خمینی و روش جاری جمهوری اسلامی در برگزاری انتخابات در گذشته "تصریح کردند: اگر بخواهیم جامعه اسلامي داشته باشیم، ناگزیریم مردم را به راهي که انتخاب کردیم دعوت کنیم و آنها نیز باید در صحنه باشند و راي بدهند. ... اساس نظام مبتني بر راي مردم است. ... این راي مردم همان چیزي است که اسلام خواسته و هیچ کس این را از خودش بدعتگذاري نکرده است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه یادآور شد: مردم باید همان چیز را که مي‌خواهند اعلام کنند و نباید ابزار فریبکاري در اختیار افراد قرار گیرد و البته شخص کاندیدا نیز نباید فریبکاري کند. وي تاکید کرد: اگر بخواهیم اسلامي عمل کنیم، در اولین گام باید به خواست مردم احترام بگذاریم. ... باید مردم نظر خود را بگویند و نظام هم باید همه چیز را فراهم کند تا انتخابات واقعي باشد و کوتاهی در این میدان، بدون مجازات الهي نخواهد ماند. وي تاکید کرد: اگر مردم کوتاهي کنند، خیلي زود نتیجه این کوتاهي خود را مي بینند که همان منتهي شدن به استبداد است. باید انتخابات خوب و سالم برگزار شود. ... اگر ناظران و مسوولان برگزاري انتخابات راي مردم را ضایع کنند و اعلام قیمومیت

کنند و نگذارند آنچه که مردم می‌خواهند اعلام شود، این کار خیانت است و مستوجب عذاب الهي است. وي افزود: حتي اگر بر اساس مصلحت برخي بگويند اين فرد نبايد انتخاب شود، اشتباه است و منتهي به استبداد مي‌شود و اين اتفاق شومي خواهد بود. ... اگر رقيب بي‌تقوايي مي‌كند، آنها (نامزدها و هوادارانشان) بي‌تقوايي نكنند ... مردم، نامزدها و مسوولان بايد طبق قانون عمل كنند. اگر قانون هم اشكالاتي داشته باشد بايد طبق قانون عمل كرد و زيبنده ما نيست كه حضور مردم در انتخابات به زير 50 درصد برسد. وي تاكيد كرد: به هر اندازه كه وفاداري به سلامت انتخابات كم شود، به همان اندازه از اسلام فاصله گرفته ايم.[10]"

عنوان «كميتة صيانت از آراء» شايد نخستين بار از سوی برخی از احزاب قانونی كشور مطرح گرديد كه خواهان نظارت بر صحت روند انتخابات بودند، كسانی هم با عنوان «كميتة نظارت بر سلامت انتخابات» آن را مطرح كردند. حزب اعتماد ملی در جريان انتخابات مجلس هشتم «كميتة صيانت از آراء» تشكيل داده بود و اين نوع عكس‌العمل‌ها را هم نداشت. ساير احزاب هم «كميتة حقوق و سلامت انتخابات» تشكيل داده بودند. آن

[10] روزنامة آفرينش به نقل از ايلنا.

زمان چنین حساسیتی از سوی حکومت دیده نشد، اما همین کار در این مقطع جرم محسومب می‌گردید.
آقای محصولی در چند مورد سخن از تمهید وزارت کشور برای ایجاد امکان نظارت احزاب یا خانة احزاب بر اجرای انتخابات به میان آورده است. با اینحال، به محض طرح این موضوع کل حاکمیت با تمام توان تبلیغاتی در برابر آن موضع منفی اتخاذ کرده و آن را اندیشه‌ای دشمن‌پسند قلمداد کردند. مطمئناً خواننده محترم بخوبی قانون نظارت نامزدها ونمایندگان آن‌ها را به خاطر دارد. از این جالبتر، با اینکه هنوز هیچکس در هیچجا از محتوای کار «کمیتة صیانت از آراء» و روش کار مورد نظر در این کمیته سخنی نگفته بود با توپخانة تبلیغاتی کل حکومت روبرو گردید و مردم را در مورد آیندة انتخابات نگران ساخت. اگر کسی مثلاً ادعا می‌کرد که این کمیته می‌خواهد کنار دست هیئت مرکزی نظارت بنشیند و بر کار آنها نظارت کند، یا بخشنامه‌های شورای نگهبان و وزارت کشور را قبل از انتشار از حیث مطابقت با قانون کنترل نماید و یا هر کار دیگری از این دست که ممکن است به ذهنتان بیاید، شاید می‌شد به نحوی چنین ادعائی را غیر قانونی دانست. اما در اینجا کسانی گفته بودند که ما با استفاده از حق قانونی و حقوق

شهروندی مصرح در قانون اساسی بر رفتار ناظر و مجری نظارت خواهیم کرد، اعلام این تصمیم همه را برآشفته ساخته بود. اکنون دیگر، سخن از هشیاری هواداران یا آموزش نحوة رأی دادن و یا آموزش نحوة قانونی نظارت به نظار نامزدها کاری دشمن‌پسند و سرچشمه گرفته از طرح‌های براندازندة آن خط داخلی شده بود!!

نامزدها در ستادهایشان «کمیتة تبلیغات» داشتند و وجود آن را اعلام کرده بودند اما کسی متعرض نشد، شاید بدین جهت بود که رقیب کلید تبلیغات را از همه جهت در اختیار داشت، فقط باید از سازمان‌دهی دیگر نامزدها برای گردآوری تخلفات و شکایت بهنگام در فرصت قانونی یا شکایت به مراجع قانونی درهنگام وقوع جرم باز داشته شوند. دست حریف را به اصطلاح با ترفندهای نظامی می بستند تا بموقع اقدام نکنند یا بموقع سند گردآوری نکنند یا بموقع فریاد نزنند یا سندش را از دستش بگیرند. در واقع هر سه نامزد بخوبی دریافته بودند که اوضاع کشور به سمت امنیتی شدن سوق داده می‌شود. رقیب جز پیروزی ساختگی چیزی را نمی‌دید، گمان می کرد که می‌تواند پس از پیروزی همه چیز را مهار بزند، در این سو، عدة بیشماری از وفاداران به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تعریف شده از سوی امام

فقید انقلاب دلهرة عواقب این بی‌توجهی به حقوق مردم را داشتند که نظام را از جمهوری اسلامی به «حکومت اسلامی»، آنهم با اسلامیتی شخصی شده، مبدل می‌ساخت.

آقای محصولی وزیر کشور که به فکر تأمین نظارت احزاب هم بود، بتاریخ 87/10/9 تشکیل کمیتة وحشتناک صیانت از آراء را غیر قانونی خواند:

"به گزارش ایسنا، صادق محصولي كه در حاشيه گردهمايي معاونان برنامه‌ريزي استانداري‌هاي كشور در جمع خبرنگاران سخن مي گفت، در پاسخ به اين پرسش كه «از سوي برخي احزاب پيشنهاد تشكيل ستادي براي صيانت از آرا اعلام شده است» گفت: ما قانون را در همه حال اجرا و اقدام غيرقانوني را نكوهش مي‌كنيم. قانون اساسي و قوانين مربوط به انتخابات خوشبختانه ابزار و وسايل و راهكارهاي لازم را براي نظارت كامل بر انتخابات پيش‌بيني كرده است و هيچ نقصي در اين جهت نداريم; بنابراين حتي دوستان خود افرادي كه اين مطالب را مطرح كرده‌اند كه بيشتر جنبه تبليغي و انتخاباتي دارد تا راهكار اجرايي، اعلام كرده‌اند، خوشبختانه اين راهكارها قانوني نيست و اگر بخواهيم كاري انجام دهيم بايد از همان قوانين موجود كه كامل هم هست و اگر نقايصي دارد تحت

عنوان قانون انتخابات رفع شود، استفاده کنیم.[11]"

البته ایشان در همین مصاحبه اصل نظارت نامزدها توسط نظارشان را قانونی دانسته بود که با این اظهارات متناقض است: "سرمایه: صادق محصولی، وزیر کشور با تاکید بر اینکه «وزارت کشور هیچ مشکلی در رابطه با صیانت از آرا ندارد. این اطمینان خاطر را به همه مردم می‌دهیم که آرای آنها امانتی در دست مسوولان است و از آرای آنها صیانت خواهیم کرد. براساس قانون، شورای نگهبان بر امر انتخابات نظارت می‌کند و حتی نماینده کاندیداها نیز طبق روال قانونی می‌توانند نماینده در سر صندوق‌ها داشته باشند و بنای ما این است که از ظرفیت احزاب نیز در چارچوب قانون استفاده کنیم تا ان شاءالله انتخاباتی با شکوه با مشارکت حداکثری مردم و قانونمند داشته باشیم.»

تأکید وزیر کشور به برگزاری انتخاباتی عاری از هرگونه شبهه و دخل و تصرف در حالی مطرح شد که طی روزهای اخیر برخی مقامات ذی نفوذ کشور نسبت به سلامت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری هشدار داده بودند که در این میان تذکرات رئیس مجلس خبرگان رهبری به

---

11 به نقل از سایت روزنامة مردمسالاری. اغلاط انشائی در متن خبر بوده است.

عنوان یکی از با سابقه ترین مردان نظام جای تامل دارد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی نسبت به صیانت از آرای مردم هشدار می‌دهد که کشور از نظر اقتصادی در شرایطی نامناسبی به سر می‌برد و انتخابات دهم ریاست جمهوری نیز در پیش است. ... از اسلام آموختیم که مردم باید قانع شوند و انتخاب کنند و من دینی را سراغ ندارم که با سلطه و زور شمشیر بر مردم مسلط شده باشد.» هاشمی رفسنجانی با تاکید دوباره بر سلامت انتخابات خطاب به ناظران و مسوولان برگزارکننده انتخابات گفته بود: «اگر ناظران و مسوولان برگزاری انتخابات، رای مردم را ضایع و اعلام قیمومیت کنند و نگذارند آنچه مردم می خواهند، اعلام شود، این کار خیانت است و مستوجب عذاب الهی است. حتی اگر براساس مصلحت برخی بگویند این فرد نباید انتخاب شود، اشتباه است و منتهی به استبداد می‌شود و این اتفاق شومی خواهد بود.» این سخنان رئیس مجلس خبرگان رهبری حاکی از نگرانی شدید او نسبت به صیانت از آرای مردم است، یعنی چیزی که پشتوانه اصلی **مشروعیت** در نظام جمهوری اسلامی است. همچنین حسن روحانی برای رفع نگرانی‌ها در این خصوص و تضمین سلامت انتخابات یک پیشنهاد کاربردی را مطرح کرد البته به مذاق برخی از جریان‌های سیاسی خوش نیامد.

حسن روحانی طی سخنانی در جمع فعالان سیاسی استان گلستان از مسوولان برگزاری انتخابات خواست زمینه‌ای را فراهم کنند تا تمام نامزدها و احزاب بتوانند ناظرانی را در پای صندوق‌های رای از جمله هنگام شمارش آرا داشته باشند. وی در این مورد گفته بود: «حتی می‌توان در سالن‌های برگزاری انتخابات و شمارش آرا دوربین نصب کرد و ناظران احزاب و نامزدهای انتخاباتی از اتاق دیگری و از طریق دوربین مداربسته بر فرآیند انتخابات نظارت کنند.» صادق محصولی در پاسخ به سوالی درخصوص تشکیل ستاد صیانت از انتخابات گفت: «قانون اساسی و قوانین مربوط به انتخابات ابزار و راهکارهای لازم را برای نظارت کامل به انتخابات پیش‌بینی کرده و هیچ نقصی در این خصوص وجود ندارد.» وزیر کشور ادامه داد: «کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند بیشتر روی جنبه تبلیغی و انتخاباتی آن برای خود تاکید دارند تا راهکارهای اجرایی.» وی با اشاره به نظارت کامل شورای نگهبان گفت: «کاندیداها طبق روالی که قبلاً وجود داشته می‌توانند نماینده‌ای را بر سر صندوق‌ها داشته باشند.»"

مجری مسؤل انتخابات فکر نظارتی مردم را علی رغم صراحت قانون و قانون اساسی، با اینکه خودش هم در این مصاحبه اقرار می‌کند، غیر قانونی به حساب می‌آورد. این نوع

برخوردها عامل فریادهایی است که مردم در مورد ناسالم بودن انتخابات سر داده‌اند. آنها از مردم خواستند که نگران نباشند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، هر خواستی را غیر قانونی دانستند، سپس نتیجه‌ای را پیش روی مردم گذاشتند که باورشان نشد. جالب آنکه همین وزیر در جریان برگزاری انتخابات بارها اعلام کرد که در ستاد مرکزی انتخابات امکان نظارت نمایندگان احزاب را از طریق دوربین مداربسته فراهم کرده است.

نکتهٔ ظریفی در سخنان آقای محصولی بود که چون هنوز نامزدها بدرستی وارد عرصه نشده بودند و ستادی نداشتند، حتی همین گروه‌های خواهان تشکیل کمیتهٔ صیانت از آرا، بدرستی پی به ماهیت این حرفها نبردند؛ تنها در جریانات پس از عید، یعنی در سال 88 بود که کم کم بدرستی فهمیده شد. منتها زمانی این قصد شوم بر ملا گردید که دیگر دیر بود، ستاد مخفی آقای احمدی‌نژاد در وزارت کشور و هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان با سیاست غوغاسالاری همه را مشغول کرده و کار خود را بر خلاف قانون پیش برده بود. این نکتهٔ مهم عبارت از این است که آقای محصولی و بعدها آقای دانشجو در مواقعی بتندی اشاره‌ای گذار به جواز حضور نمایندگان نامزدها بر سر صندوق‌ها می‌کردند تا متهم به قانون شکنی آشکار نشوند، اما از تأکید قانونگذار بر حضور نمایندگان ناظر نامزدها در هیئت‌های اجرایی سخنی نمی‌گفتند و از این کار بشدت هراس داشتند. همهٔ جنجال دولت و شورای

نگهبان بر سر این بود که هیئت‌های اجرائی بدون نظارت دیگران تشکیل شود و موفق هم شدند، اقدامی که با نص صریح قانون در تضاد است و باید به این جرایم در دادگاهی عادل رسیدگی شود. رهبری که تا این اندازه در مورد هر سخنی نسبت به دولت حساسیت نشان می‌داد، با توجه به مسؤلیت شرعی و قانونی شان هیچ سخنی نگفتند و ازقم هم صدایی بلند نشد، همه صبر کردند تا این مصیبتی که الان دچار هستیم بوقوع پیوست و آنگاه تازه صدای اعتراض بلند گردید. دانشگاه ها هم نسبت به این مسأله حساسیتی درخور نشان ندادند.

در پیروی از ایشان، آقای تمدن استاندار تهران که نقش عمده‌ای در حوادث انتخابات و پس از آن داشته است، سخنی می‌گوید که با هیچ معیاری سازگار نیست:

"به گزارش خبرنگار سیاسي خبرگزاري فارس، مرتضي تمدن استاندار تهران ... افزود: این جدیت در رویکرد عدالت محورانه دولت نشان مي‌دهد که ارزش‌هاي انقلاب و امام(ره) که همواره مد نظر مقام معظم رهبري نیز هست از سوي دولت بدون پرداختن به حاشیه‌ها و بهانه‌جویي‌ها به صورت جدي دنبال مي‌شود و عزم دولت در رویکرد عدالت محورانه خود یك عزم جدي است. ... تمدن با بیان اینکه مقام معظم رهبري در ملاقات با مسئولان نظام تصریح فرمودند این دولت دولت اقدام کار و تلاش است، افزود: دولت نهم با استفاده از همین پشتوانه‌هاي معنوي سعي کرده تا مسیر خود را در جهت خدمت هر چه بیشتر به مردم به درستي

بپیماید و این عزم تا پایان کار دولت ادامه خواهد داشت. ... تمدن همچنین یکي از وظایف استانداري را برگزار انتخابات سالم و حفاظت از آراء مردم عنوان کرد و افزود: این موضوع همواره به صورت جدي مد نظر دولت و شخص رئیس جمهور قرار دارد. وي خاطر نشان کرد: برخي از مسائل حاشیه‌ساز مانند تشکیل ستاد سلامت انتخابات و یا ستاد صیانت از آراي مردم می‌تواند توهین به شعور ملت باشد و معتقدیم طرح این دست مسائل که چیزي جز خالي کردن دل ملت را به همراه ندارد یك گناه نابخشودني است. وي گفت: برگزاري انتخابات سال 76 و نیز انتخابات سال 84 و نتیجه آنها نشان داد که همواره انتخابات با تصمیم و اراده ملت صورت مي‌گیرد.[12]"

نقطه چین‌ها بخش‌های دیگری از تبلیغات آقای تمدن به نفع آقای احمدی‌نژاد از تریبون نماز جمعه است که بعداً در مورد صحت این ادعاها سخن خواهیم گفت. مهم آن است که استاندار، یعنی فرد مسؤل در برگزاری انتخابات سالم با شرکت رئیس دولتش، پس از کلی سخنرانی در وصف این دولت به رقبا و هوادارانشان می‌گوید، خواست شما برای نظارت منسجم و قانونی بر انتخابات عملی غیر قانونی است. عملکرد ایشان را در خصوص کشتار معترضین بی‌دفاع پس از این خواهیم نگاشت. این چه مبارزة مشروع انتخاباتی در نظامی مدعی مردم‌سالاری است که رقیب آشکارا

---

[12] خبرگزاری فارس، شماره: 8712090384 ، 87/12/9

در مقام مسؤلیت مستقیم اجرائی انتخابات، از نامزدها و هوادارانشان می‌خواهد که ادعای نظارت بر کار را مطرح نکنند و به او اعتماد نمایند؟!

در 88/1/1 رهبر انقلاب در مشهد سخنانی گفتند که بعدها مخالفین و موافقین کمیتة صیانت از آن بهره‌برداری کردند:

"به گزارش خبرگزاري فارس به نقل از پايگاه اطلاع رساني دفتر مقام معظم رهبري، حضرت آيت ا... خامنه‌اي رهبر معظم انقلاب اسلامي در اولين روز سال جديد در اجتماع عظيم زائران حرم رضوي و مردم مشهد در بيانات بسيار مهمي، ضمن تشريح "زمينه‌ها و ضرورتهاي پيشرفت و عدالت " ... تاكيد كردند: ... حضور ميليونها جوان "دانا، پرنشاط و تحصيل كرده "، تجربيات بسيار ذيقيمت "نخبگان ، مسئولان و مديران " در روبرو شدن با مسايل سه دهه اخير كه منجر به تصميمات مهمي همچون اجراي اصل 44 قانون اساسي، تلاش براي هدفمند كردن يارانه‌ها و سفر مسئولان به استانها و مناطق دور و نزديك كشور شده است و نيز آماده شدن زير ساختهاي اساسي در زمينه‌هاي گوناگون "علمي، شبكه‌هاي ارتباطاتي و مواصلاتي " از جمله عواملي است كه آمادگيهاي بسيار وسيعي، براي حركت پر شتابتر كشور بوجود آورده تا دهه چهارم كه از امسال آغاز شده در پرتو برنامه‌ريزي و كار و تلاش مجدانه، حقيقتاً به دهه پيشرفت و عدالت تبديل شود. ... مردم‌سالاري ديني با حرف ايجاد نمي‌شود بلكه

نيازمند شركت و حضور و اراده ملت و ارتباط "فكري ، عقلاني و عاطفي مردم " با تحولات كشور است و تحقق اين مسئله جز با انتخابات صحيح، همگاني و مشاركت وسيع مردم ممكن نيست. ... ايشان خطاب به نامزدهاي فعلي وآتي انتخابات افزودند: توجه كنيد كه انتخابات فقط ابزاري براي در دست گرفتن قدرت نيست بلكه وسيله‌اي است براي ارتقاي توان كشور، افزايش اقتدار ملي و آبرومند كردن ملت، بنابراين در تبليغات و رفتار خود به اين مسائل اهميت دهيد و مبادا كسي در فعاليت انتخاباتي خود به گونه‌اي حرف بزند و رفتار كند كه دشمن را به طمع بيندازد. رقابت و نقد منصفانه از ديگر نكاتي بود كه رهبر انقلاب به نامزدهاي دهمين انتخابات رياست جمهوري توصيه كردند و افزودند: هر يك از شما حتماً حرفي داريد و طبعاً حرف فرد مقابل را رد مي‌كنيد اما دراين روند از جاده انصاف خارج نشويد وبه كتمان حقايق نپردازيد. ... تاكنون حدود 30 انتخابات در كشور برگزار شده و مسئولان وقت رسماً سلامت و صحت انتخابات را تضمين كرده‌اند و به همين علت مردم تحت تاثير حرفهايي كه تلاش مي‌كنند انتخابات رياست جمهوري را از هم اكنون متزلزل و خدشه دار جلوه دهند قرار نمي‌گيرند.
حضرت آيت الله خامنه‌اي افزودند: بنده نيز به مسئولان تاكيد مي‌كنم كه حتماً انتخابات را سالم و با امانت داري كامل برگزار كنند و بگونه‌اي عمل شود كه دست نامزدها باز باشد

و مردم نیز با حضور پر شور خود، هر که را خواستند آزادانه انتخاب کنند."
بسیاری از هواداران آقای احمدی‌نژاد از حمایت علنی ایشان از دولت وی بدون توجه به اعلام مخفی بودن رأیشان این سخنرانی را صریحاً در جهت حمایت از انتخاب شدن آقای احمدی‌نژاد تلقی نمودند. بخش‌هایی از این سخنرانی چند پهلو مطالبة بحق مردم برای استفاده از نظارت قانونی خود را زیر سؤال می‌برد، اما آقای دکتر علیرضا بهشتی از همراهان کمیتة صیانت از آرای آقای موسوی چنین برداشتی نداشت:
"به گزارش سرویس سیاسی آفتاب، سید علیرضا حسینی بهشتی در گفتگویی با پایگاه خبری "کلمه" در پاسخ به سخنان کامران دانشجو رییس ستاد انتخابات وزارت کشور که تشکیل کمیته صیانت از آراء را غیر قانونی خوانده بود با اشاره به مثل معروف "آنکه حساب پاک است از محاسبه چه باک است" گفت: «واکنش سخنگوی شورای نگهبان و رییس ستاد اتخابات کشور در مقابل خبر تشکیل کمیته صیانت از آرا و اخلاق انتخاباتی تعجب برانگیز است». بهشتی تاکید کرد: «همانگونه که پیش از این هم بارها بیان شده، شکل‌گیری این کمیته برای افزایش اطمینان رأی دهندگان از کاهش تخلفات اخلاقی و انتخاباتی است نه تقابل با مراجع نظارتی ذیربط». وی ادامه داد: «برای تشکیل کمیته به صورت مشترک با جناب آقای کروبی هماهنگی‌های لازم صورت گرفته و از برخی چهره‌های فعال که در

این زمینه دارای تجربه هستند برای اداره این کمیته دعوت به عمل آمده است». سید علیرضا بهشتی با اشاره به بروز برخی بداخلاقی‌ها در انتخابات سال 84 و نگرانی‌هایی که بخشی از مردم در مورد شمارش آرا دارند اضافه کرد: «خوشبختانه بیانات روشن و مدبرانه مقام معظم رهبری در صحن مقدس آستان رضوی که ناشی از روشن‌بینی و جامع‌نگری ایشان در این عرصه است باعث اطمینان خاطر مردم شده است و این کمیته نیز در همان راستا و با بهره‌بردن از ابزارهای اطلاع‌رسانی عمومی و مراجعه و مذاکره با مراجع قانونی در قبال اعمال غیراخلاقی، هم در حوزه تبلیغات انتخاباتی و هم در زمینه اعمال دقت کافی در مراحل رأی‌گیری تلاش خواهد کرد». وی با اشاره به اینکه رییس ستاد انتخاباتی کشور فرزند یکی از قضات بسیار با سابقه کشور و بدون شک آگاه به قانون است اضافه کرد: «تشکیل این کمیته با نص صریح قانون اساسی در مورد وظیفه شهروندان در قبال امر به معروف و نهی از منکر و نیز قانون انتخابات در زمینة حق نظارت بر شمارش آرا توسط ناظران اعزامی کاندیداها موافقت دارد».[13]"

اما جناح پشتیبان آقای احمدی‌نژاد با برداشتی متفاوت از فرمایشات رهبری پیگیر مخالفت با صیانت از آرا شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، که از مدتها پیش در

---

[13] روزنامة آفتاب 88/1/23

نقش ارگان تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد عمل می‌کرد و آقای کدخدائی و سایر اعضای هیئت مرکزی نظارت هرگز هیچ عکس‌العملی به آن نشان ندادند، طی گزارشی از این مجادله در همان روز 88/1/22 می‌نویسد:

"عباسعلي كدخدايي روز شنبه در نخستين نشست خبري خود در سال جديد در پاسخ به سوالي مبني بر اين كه برخي احزاب بر تشكيل كميته‌هاي صيانت از آرا تأكيد دارند تصريح كرد: ايجاد هر نهادي براي تشكيل نياز به قانون دارد و تشكيل چنين كميته‌هايي خلاف قانون و مقررات است. گفتني است رهبر معظم انقلاب در نخستين روز سال جديد در اجتماع عظيم زائران حرم رضوي و مردم مشهد، با انتقاد از برخي كه بيهوده تلاش مي‌كنند از هم اكنون انتخابات 22 خرداد رياست جمهوري را در ذهن مردم خدشه‌دار كنند، افزودند: تاكنون حدود 30 انتخابات در كشور برگزار شده و مسئولان وقت رسماً سلامت و صحت انتخابات را تضمين كرده‌اند و به همين علت مردم تحت تاثير حرفهايي كه تلاش مي‌كنند انتخابات رياست جمهوري را از هم اكنون متزلزل و خدشه‌دار جلوه دهند قرار نمي‌گيرند. به رغم تاكيد ايشان اخيرا برخي از اصلاح طلبان خواستار تشكيل كميته صيانت از آرا در انتخابات رياست جمهوري شدند كه اين خواسته با مخالفت صاحبنظران و نمايندگان مجلس مواجه شد.

(محمدرضا ميرتاج الديني) عضو هيات رييسه مجلس شوراي اسلامي در اين زمينه با تاكيد

بر روند سالم انتخابات گفت: نيازي به تشكيل كميته صيانت از آرا وجود ندارد زيرا شوراي نگهبان دولت و نيروهاي اجرائي مورد اعتماد مردم هستند و امكان بروز هيچ مشكلي وجود ندارد. "محمدرضا ميرتاج الديني"روز شنبه در گفت وگو با خبرنگار سياسي ايرنا با اشاره به اينكه هيچ اختلالي در روند انتخابات وجود ندارد و سيستم صيانت از آرا كاملا رعايت مي‌شود، تاكيد كرد: امكان ندارد هيچ اختلالي در سيستم انتخابات به وجود آيد و مطمئنا اين انتخابات نيز مانند دوره نهم انتخابات سالمي خواهد بود. ميرتاج الديني تصريح كرد: هم اكنون روند انتخابات به خوبي پيش مي‌رود و هيچ مشكلي در آن وجود ندارد و تاكنون هم در هيچ دوره‌اي مشكلي براي آراي انتخابات رياست جمهوري پيش نيامده و بعد از اين هم نخواهد آمد. وي اظهار داشت: اين درست نيست كه برخي از جريانات روند انتخابات را به ناسالم بودن متهم مي‌كنند. ميرتاج الديني تاكيد كرد: مردم هيچ نگراني نداشته باشند و بدانند كه نيروهاي اجرايي به وظايف خود آگاه هستند و اجازه نمي‌دهند تخلفي در روند انتخابات رخ دهد. او اظهار داشت: روند و سيستم فعلي بسيار مناسب است و هيچ دليلي بر تشكيل كميته صيانت از آرا وجود ندارد چون آرا مردم با وجود دولت و شوراي نگهبان به خوبي محافظت مي‌شود. او با اشاره به اينكه سلامت كلي انتخابات هميشه يک اصل بوده كه رهبر معظم انقلاب به آن توجه و تاكيد ويژه

داشته اند، افزود: انتخابات این دوره هم مانند دوره‌هاي قبل به نحو احسن برگزار مي‌شود و هيچ خللي در آن به وجود نمي‌آيد.
سخنگوي شوراي نگهبان تشكيل كميته صيانت از آرا را خلاف قانون و مقررات دانست و به نامزدهاي احتمالي انتخابات رياست جمهوري و نيز همه گروه‌هاي سياسي اطمينان داد كه اين شورا همچون سي سال گذشته با بي طرفي وظايف خود را نسبت به اجراي قانون انتخابات به انجام خواهد رساند. به گزارش خبرنگار سياسي ايرنا، وي تأكيد كرد: شوراي نگهبان در سي سال گذشته نشان داده است كه با بي‌طرفي و غيرجانبدارانه عمل مي‌كند و اسناد و مدارک موجود در خصوص انتخابات مخالف و رسيدگي به شكايات افراد مؤيد آن است.
سخنگوي شوراي نگهبان تصريح كرد: اين كه در همه انتخابات در حوزه‌هايي ابطال و تأييد انتخابات ديده مي‌شود به معني آن است كه شورا به وظايف خود عمل مي‌كند. كدخدايي تأكيد كرد: هيچ نيازي به ابراز نگراني به اين گونه موارد نيست و شوراي نگهبان با رعايت بي‌طرفي نسبت به اجراي قانون انتخابات، وظايف خود را به انجام خواهد رساند.
ساعتي پس از مصاحبه كدخدايي، عليرضا بهشتي عضو شوراي راهبردي ستاد ميرحسين موسوي و از مدافعان تشكيل كميته صيانت از آرا، در گفت و گو با قلم نيوز مدعي شد كه تشكيل كميته صيانت از آرا نه تنها برخلاف قانون نيست بلكه در حمايت از قانون است.

(حميد رسايي) نماينده مردم تهران در مجلس شوراي اسلامي نيز در اظهار نظر جالبي گفت: شوراي نگهبان همان كميته صيانت از آرا است و به خوبي از آرا مردم صيانت مي‌كند. "حميد رسايي" روز شنبه در گفت و گو با خبرنگار سياسي ايرنا در خصوص اينكه برخي اصلاح طلبان بر تشكيل كميته صيانت از آرا تاكيد كرده اند، گفت: 6 نفر از فقهاي جامع الشرايط، 6 حقوقدان خبره در شوراي نگهبان كار صيانت از آرا را بر عهده دارند و سخنان اينچنيني توهين به مردم، مسوولين، قواي مختلف و شوراي نگهبان است. رسايي با تاكيد بر اينكه بين اصلاح‌طلبان اختلاف وجود دارد، افزود: اين دوستان بايد كميته صيانت از آرا را در جناح خود تشكيل دهند، به دليل اينكه آنها با درگيري دروني مواجه اند و برخي از ميرحسين موسوي و برخي از كروبي حمايت مي‌كنند به همين سبب بين آنان اختلاف ايجاد شده است. نماينده مردم تهران در مجلس ادامه داد: اصلاح طلبان بايد سعي كنند، مانند دولت نهم مقبوليت اجتماعي پيدا كنند نه اينكه با اين اظهارات خود را زير سوال ببرند. رسايي گفت: قبلا، ملي مذهبي‌ها هم چنين موضوعي را در خصوص اينكه بايد نظارت‌هايي بر انتخابات صورت بگيرد، مطرح كرده بودند كه رهبر معظم انقلاب در اين خصوص موضع‌گيري كردند. اين نماينده مجلس برخي اظهارات در اين زمينه را بي‌احترامي به نظام جمهوري اسلامي دانست و

تاکید کرد: نظام جمهوري اسلامي طي 30 سال گذشته تقريبا هر سال يک انتخابات برگزار کرده و هيچ وقت شرايط به گونه‌اي نبوده که نيازمند تشکيل کميته‌هاي صيانت از آرا باشد[14]."

در آن سخنرانی ایشان فرمودند: «بگونه‌اي عمل شود که دست نامزدها باز باشد»، اما کسی از دولتی‌ها و شورای نگهبان این فراز را نشنید. همیشه این پرسش برای مردم مطرح است که آیا رهبری فقط باید راهمائی کنند، یا در چنین مواقع و موارد مهم برای کشور کسی بیرون از دعوا را برای پیگیری اجرائی هم معین نمایند؟

از جمله کسانی که در توجیه کارشان به این سخنرانی استناد کردند، اعضای شورای نگهبان بودند. آیت الله جنتی در دیدار 5 فروردین با ناظران شورای نگهبان در بوشهر از آقای احمدی‌نژاد با شدت و حدت زیادی پشتیبانی کرد. آقای مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی نیز طی نامة سرگشاده‌ای به این رفتار وی اعتراض نمود و شورای نگهبان هم متعاقباً طی اطلاعیه‌ای از کار آقای جنتی جانبداری کرد. در زیر بخش‌های مهم این دو نامه را جهت تأمل بیشتر خوانندگان نقل می‌کنیم. آنچه در این ماجرا گم شده و اعضای شورای نگهبان و خود آقای جنتی و سخنگوی شورا آقای کدخدائی به عمد از کنار آن گذشته‌اند، این است که آقای جنتی در جمع کسانی سخن

[14] ایرنا کد خبر 430054

می‌گفت که قرار بود بر انتخابات بعدی نظارت کنند، در عین حال آقای جنتی در این زمان به علت آغاز فعالیت نظارتی شورای نگهبان و همان سخنانی که از آقای کدخدائی در مورد مراقبت پیوستة این شورا نقل کردیم، در حال انجام وظیفه بوده است. ایشان «هرکسی» نبودند که این سخنان را می‌گفتند، بلکه رئیس شورا و رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان بودند و در حال تذکر رعایت بی‌طرفی به ناظرانشان بودند!! ما داوری را به خود خواننده واگذاشته و به ارائة بخش‌هایی از این مکاتبات می‌پردازیم. نامه دبیرکل حزب اعتماد ملی و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم:

اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی ... جایگاه قانونی آن نهاد محترم در پاسداری از دین و قانون همواره به شورای نگهبان موقعیتی منحصربفرد داده است. این شورا در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادی فرادست نهادهای دیگر تعریف شده که متناسب با شرایط علمی و دینی و اخلاقی لازم برای تصدی عضویت در شورا دارای قدرتی قانونی و نظارتی عالی به‌ویژه در انتخابات است. انتخابات به عنوان مجرای جمهوریت نظام از این حیث تحت نظارت شورای نگهبان قرار گرفته که این شورا به علت جایگاه فراجناحی و بی‌طرفی سیاسی برآمده از قانون و مختصات اعضای خود به سلامت برگزار شود و در معرض دیدگاه فردی و جناحی قرار نگیرد. این نقش به‌خصوص در انتخابات ریاستجمهوری

برجسته‌تر می‌شود چراکه اگرچه براساس قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس به شورای نگهبان سپرده شده اما کیفیت آن را قانون مصوب مجلس تعیین می‌کند. این در حالی است که نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری و ضمانت قانونیت آن کاملا برعهده شورای نگهبان است. بدیهی است نقش شورای نگهبان در این مورد حساس‌تر خواهد بود و از این رو ناظران این شورا باید کاملا بی‌طرف باشند و از جایگاه قانونی آن پاسداری کنند. ... ناظر جانبدار اصولا ناظر نیست، بازیگر است. اکنون در شرایطی که دو ماه و اندی به انتخابات مانده است و در موقعیتی که فضای جامعه ایران به شدت سیاسی و تحت تاثیر انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ است متاسفانه از برخی اعضای شورای نگهبان رفتاری دیده می‌شود که ناقض جایگاه قانونی این نهاد است. قدیمی‌ترین عضو شورای نگهبان که در جایگاه دبیری آن هم نشسته است در جلسه‌ای که اخیرا برای ناظران این شورا در انتخابات ۲۲ خرداد برگزار شده است به ستایش یکی از نامزدهای انتخابات (شخصی که هم‌اکنون رئیس‌دولت است) می‌پردازد و از سیاست‌های او در محو فقر و تبعیض و محرومیت‌زدایی تجلیل می‌کند گرچه حتی در مضمون سخنان جناب آیت‌الله جنتی درباره آقای محمود احمدی‌نژاد اختلاف‌نظر وجود دارد اما مهمتر از آن، اصل و نفس جانبداری دبیر شورای نگهبان از یکی از نامزدها آن هم در جلسه ناظران شورای نگهبان است که طبق

قانون باید بی‌طرف باشند. این تخلف آشکار از جایگاه قانون شورای نگهبان درست در زمانی رخ می‌دهد که مقام معظم رهبری در سخنرانی مهم خود در آغاز سال جدید در مشهد مقدس بر بی‌طرفی همه نهادهای حکومتی در انتخابات ۲۲ خرداد تاکید کرده‌اند و میان رای شخصی و وظیفه قانونی نهادهای حکومتی تفکیک قائل شده‌اند. ... اگر جناب آقای جنتی از مقام عضویت در شورای نگهبان استعفا می‌دادند و در نقش رهبر یک حزب یا جناح سیاسی این‌گونه از نامزدی خاص تجلیل می‌کردند نه‌تنها از مواضع ایشان انتقاد نمی‌کردیم بلکه از اینکه به رفتاری شفاف دست زده‌اند از ایشان تقدیر می‌کردیم اما اکنون که قصد دارند شورای نگهبان را از نهادی قانونی به حزبی سیاسی تغییر دهند این حق را برای خود قائل هستیم که از سلامت انتخابات نگران باشیم. در واقع هنگامی که پیر شورای نگهبان از نامزدی خاص در جمع ناظران دفاع می‌کند از ناظران جوان آن چه انتظاری می‌توان داشت که جز این دریابند که باید همان فرد خاص برنده انتخابات ۲۲ خرداد باشد؟

شورای نگهبان برای این تاسیس شده که اگر نهادی یا گروهی تخلفی را در انتخابات انجام داده به آن شکایت ببریم اکنون ما از جناب آقای جنتی دبیر محترم شورای نگهبان به کجا شکایت بریم؟ بدین‌ترتیب چاره‌ای نمی‌ماند جز از آنکه از خود اعضای شورای نگهبان به‌ویژه آیات محترم آقایان مؤمن و

یزدی[15] بخواهم به جناب آقای جنتی تذکر داده شود و تاکید می‌کنم که ورود به انتخابات به‌ویژه این دوره مستلزم سختی‌های بسیاری است که بخشی از آن به رقابت‌های درونی جناح‌ها و بخشی دیگر به جناح‌های سیاسی مقابل باز می‌گردد. اینجانب ... اجازه نمی‌دهم در حق کسانی که از رای خود استفاده می‌کنند اجحاف و ظلم شود. نتیجه انتخابات می‌تواند خلاف رای من تحقق یابد و هر کس که رای مردم را به دست آورد رئیس‌جمهور قانونی کشور است و ما نیز به رای مردم تمکین می‌کنیم اما تسلیم تخلف نخواهیم شد. هشدار فقهای بزرگ و حقوقدانان گرامی شورای نگهبان به اعضایی که از جایگاه و حدود قانونی خود تجاوز می‌کنند پاسداری از جایگاه شورای محترم نگهبان است و پاسداری از جایگاه شورای نگهبان پاسداری از سلامت و آزادی انتخابات است.[16]"

فریادهای آقای کروبی در این نامه که صدایی در چاه ویل بود، نه تنها از سوی ایشان، بلکه توسط همة مردمی که ناظر این جانبداری‌ها بوده اند تا به امروز در فضای کشورمان طنین انداز است و متأسفانه با نفیر نفسگیر گلولة نظامیان درآمیخته است. کسانی به عمد چنین القاء کرده اند که نامزدهای معترض چون وارد این بازی شده اند

---

[15] نام بردن از این دو نفر شاید به عمد بوده چون آنها هم از پشتیبانان آقای احمدی نژاد بوده و هستند.

16 روزنامة آفتاب 18 فروردین 88

باید به نظریة این شورای نگهبان در مورد نتیجة انتخابات تن در دهند. اما واقعیت هدف از ورود به مبارزة انتخاباتی مبارزه با قانونگریزی و عمل به اجتهاد شخصی بدون توجه به قانون اساسی و الزامات شرعی در مورد عدالت بود. هر سه نامزد معترض مکرر اعلام داشتند که می‌خواهند امور را به مجرای قانونی آن بازگردانند و نزاکت سیاسی بر اساس تعالیم دینی را برقرار نمایند. این دسته از توجیه‌گران نتیجة انتخابات و رفتار ناپسند و خلاف قانون شورای نگهبان باید متقابلاً پاسخ بدهند که دست کم آقای کروبی با آن سابقة نامه‌نگاری‌اش با رهبری و شورای نگهبان و با همین آقای جنتی در دور قبل چرا باید تأیید صلاحیت می‌شد. این نامه را ایشان پیش از تأیید صلاحیتش نوشته است، آنها می‌دانستند که ایشان روی حرفش خواهد ایستاد و بر رفتار نکوهیدة شورای نگهبان اعتراض نموده و داوری این چنینی آن را نخواهد پذیرفت. با اینحال چرا آنها او را تأیید صلاحیت کردند؟ آقای موسوی و همکارانش در کمیتة صیانت از آراء هم مواضع مشابهی داشت، چرا تأیید صلاحیت شد؟ دست اندرکاران تقلب و کودتا گمان می‌کردند که با وارد کردن این سه نفر تنور انتخابات داغ می‌شود و می‌توانند از مشارکت مردم سوء استفادة سیاسی بکنند، اما عواقب آن را درست نسنجیده بودند و به هشدارهای دلسوزانی مانند آقای هاشمی رفسنجانی با اهانت پاسخ دادند. در حقیقت آنها بازیی را که تدارک

دیده بودند، بطور کامل باختند. این سه نامزد که داعیة نشان دادن قانونگریزی حاکم بر کشور را داشتند و از حاکمیت تحجر یا تصمیمات کتره ای و فله ای عوام فریبانه در کشور انتقاد و نگراني جدي داشتند، با صبر و متانت وارد این بازی تدارک شده از سوی حریف شدند و نقش تاریخی خود را در افشای ماهیت این تفکر بخوبی ایفا کردند. آقای رضائی که کم حرفترین نامزدها است و خیلی دیرتر از این وقایع وارد عرصة کارزار شد، در آخرین اعلامیه اش در مورد پس گرفتن شکایتش خطاب به شورای نگهبان نکته‌ای را متذکر شد که فقط آنها می‌توانستند معنای این حرف را بفهمند. ایشان با اشاره به اینکه «فضای کشور امنیتی-سیاسی شده است« از پیگیری شکایت صرف نظر کردند. کسانی که فضا را «امنیتی-سیاسی» کرده بودند این اشاره را بخوبی دریافتند و از آقای کدخدائی خواستند که پاسخ وی را با تحقیر بدهد که صد البته نتیجه‌ای جز تحقیر خودشان نداشت. این سخن آقای کدخدائی را بموقع نقل خواهیم کرد.

بدنبال نامة آقای مهدی کروبی شورای نگهبان پاسخ تأسفباری داد که تاریخ در داوری اش در مورد انگیزة پیشین موجود در دستگاه حاکمه برای تقلب و تزویر حتماً به آن استناد خواهد کرد. گزیدة بخشهای مهم این نامه بدین شرح است:

"... متاسفانه در روزهای اخیر به بهانه سخنان اخیر آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای

نگهبان در جمع مردم در حوزه علمیه بوشهر، مجددا مطالبی پیرامون انتخابات از سوی برخی افراد مطرح شده است که ذکر توضیحات زیر ضروری به‌نظر می‌رسد: الف) با توجه به نزدیک شدن به ایام انتخابات، سخن گفتن با هدف تلاش برای جلب توجه افکار عمومی نباید موجبات تخریب برخی نهادها و ارکان نظام را فراهم کند و دشمنان و بدخواهان انقلاب و مردم مسلمان کشورمان را به طمع وادارد. ب) همانگونه که مقام معظم رهبری در سخنان نوروزی خویش ... فرمودند...: «من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.» ج) با رجوع به متن سخنان آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان -که متاسفانه از سوی برخی نشریات به صورت ناقص مورد استفاده قرارگرفته- بیان خدمات دولت‌های پس از انقلاب که همه در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نموده‌اند را نمی‌توان به منزله جانبداری از «فرد خاص» یا «نامزدی خاص» تلقی نمود. ایشان بیان

داشته است: « ... دو سه سال اخیر یک وضع جدیدی پیش آمد که سابقه نداشت و آن، رسیدگی **فوق‌العاده** و بیش از پیش به مردم؛ سرزدن به شهرستان‌ها و احترام قائل شدن برای مردم محروم و قشر مستضعف؛ و همان‌هائی که انقلاب را آنها با رهبری امام(ره) به وجود آوردند و حمایت کردند و دفاع کردند؛ همان قشر فراموش شده تاریخ، و همان‌هائی که امام بزرگوار می فرمودند؛ این انقلاب مال مستضعفین است. انقلاب پابرهنه‌هاست. در این دو سه سال اخیر به این‌ها بهای بیشتری داده شد و این‌ها فهمیدند که مورد عنایت مسئولان نظام هستند و نظام برای اینها ارزش قائل است و به مشکلات این‌ها می‌پردازد و تا جائی که می تواند مشکلاتشان را حل می‌کند. و **یک دولت پرکار و پرتلاشی که ما سابقه این‌جوری نداشته‌ایم** به وجود آمد که زبانزد خاص و عام شد. تلاش و کوشش در حد اعلا...، مبارزه با فساد در حد توان و در حد قدرت. مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، تحقق پیدا کرد در حد امکانات و اجمالا یک وضع جدیدی به وجود آمده. این حالت **اگر تداوم پیدا بکند** می‌تواند واقعاً نظام را به آن هدف اصلی خودش نزدیک بکند.» د) آیت‌الله جنتی بلافاصله پس از این جملات تصریح کرده‌اند که «در این سی سال» دولتها زحمت زیادی کشیده اند و باید در آینده بیش از گذشته تلاش شود: «در عین این که در این سی سال، کار خیلی شده و اجر همه با خدا، و باید واقعا ما تقدیر کنیم از همه کسانی که

در این راه زحمت کشیده اند و کار کرده اند ولی تا مقصد نهائی، فاصله بسیار زیادی هست. خب این فاصله باید کم شود، به تدریج کم بشود...» ه) دبیر محترم شورای نگهبان همانند گذشته در این سخنرانی هم تاکید کردند که بر اساس وظیفه ای که قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان نهاده است، این شورا تمام تلاش خود را برای تضمین سلامت انتخابات به کار خواهد بست و به مردم کشورمان اطمینان می‌دهد از تک تک آرای آنان **صیانت** خواهد کرد. ایشان در این باره می‌گوید: «...ما تاکید می‌کنیم که ناظرین ما باید واقعا پایبند به مسائل دینی شان باشند، تعهد جدی داشته باشند، وجاهت مردمی داشته باشند. همین قدر که مردم بدانند اینها نظارتی‌اند خیالشان راحت باشد. دیگر وسوسه های شیاطین در مردم اثر نکند. همین شیاطینی که دارند مرتب از مدتها شروع کردند به انتقاد کردن. مقام معظم رهبری هم در سخنرانی مشهدشان اشاره کردند که چون تا حدود زیادی می‌دانند که آن خواسته های آنها عملی نمی‌شود، مردم آنها را قبول ندارند و خودبخود جریان آنها به طرف دیگر می رود، وسوسه می‌کنند در سلامت انتخابات، مناقشه. جلوجلو از مدتها قبل، از شاید بیش از شش ماه قبل، این کار شروع شده و آن هم از زبان بعضی کسانی که ازشان انتظار نیست. قبلا هم این حرفها بوده ولی الان یک مقداری بیشتر شده. باید شورای نگهبان کاری بکند و تا حالا هم بحمدالله این موفقیت را داشته، که

مردم اعتمادشان به شورای نگهبان باشد.» و) بدیهی است که همه افراد نسبت به مسائل سیاسی و نامزدهای انتخاباتی نظری خاص دارند، اما چنانکه حضرت آیت‌الله جنتی در این سخنرانی هم تاکید کرده‌اند، مسئولان برگزاری انتخابات و ناظران نباید نظر خود را در روند اجرا و نظارت، دخالت دهند. دبیر شورای نگهبان در این خصوص یادآور می‌شود: «امکان ندارد کسی نظری نداشته باشد... ولی نباید نظر خودش را در اجرا اعمال بکند....بی طرف به معنی اینکه در انجام وظیفه خودش طرفداری از کسی نکند.» ز) آیت‌الله جنتی بر خلاف برداشت نادرست برخی از افراد، تصریح می‌کند که ناظران باید با دقت برای حفظ آرای مردم تلاش کنند و از آنجائی که مجری انتخابات، بخشی از دولت است باید ناظران اهتمام جدی برای انجام وظیفه قانونی خود داشته باشند. ایشان تصریح می‌کند: «مجری انتخابات، دولت و وزارت کشور است. ولی این ناظر است که باید بر کار وزارت کشور هم نظارت کند. هم بر کار رأی‌دهندگان سر صندوق نظارت بکند و هم بر کار وزارت کشور نظارت بکند.

اصلا هنری که قانون اساسی کرد همین بود که در عین اینکه اجرای انتخابات را به عهده وزارت کشور گذاشت ولی چون وزارت کشور یک عضوی از دولت است، اگر بنا باشد تمام این اختیارات دست وزارت کشور باشد، ممکن است دولت به وسیله وزارت کشور، آراء را به نفع خودش تمام کند و آنها دخالت بکنند در آراء

. قانون اساسی، شورای‌نگهبان را گذاشته تا وابستگی به هیچ رکنی از ارکان جمهوری اسلامی نداشته باشد و تحت نفوذ جایی نباشد.... این استقلالی که شورای‌نگهبان دارد، این برای همین است که هیچ کسی درش نفوذ نکند که آراء را این جوری بکن یا آون‌جوری بکن، این‌جا را باطل بکن، آنجا را تائید بکن.» ح) متاسفانه موضع‌گیری این افراد بر مبنای برداشتی ناقص از سخنان دبیر محترم شورای نگهبان اتخاذ شده و دشمنان انقلاب اسلامی و مردم کشورمان را به تلاش برای تضعیف این نهاد مقدس تشویق کرده است. در حالی که این موضع‌گیری برخلاف نص صریح بیانات راهبردی رهبر معظم انقلاب در نوروز امسال است که فرمودند: «مبادا نامزدها در اثنای فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابت‌ها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند، از جاده انصاف خارج نشوند ... انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟» ط) یکی از اهداف **دشمنان** انقلاب تخریب شخصیت‌های خدوم نظام اسلامی است که همواره مورد تایید حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده‌اند. با توجه به نزدیک شدن انتخابات ریاست‌جمهوری و گرم شدن

بازار تبلیغاتی کاندیداهای احتمالی انتخاباتی، از همه فعالان سیاسی، نامزدهای انتخاباتی و احزاب، گروه‌ها و رسانه‌های هوادار آنان انتظار می‌رود مراقب گفتار و نوشتار خود باشند تا خدای ناکرده موضع‌گیری آنان موجب سوءاستفاده **دشمنان** انقلاب درجهت تخریب نهادمقدس شورای نگهبان و شخصیت‌های انقلابی قرار نگیرد.[17]"

شورای نگهبان می‌گوید آقای جنتی همان سخنان رهبری را گفته است، پس اشکالی به او وارد نیست؛ اشکال کننده هم آب به آسیاب **دشمن** می‌ریزد و دوست را **دشمن** می‌گرداند. ملاحظه کنید که همان چماق است و مسیری که همه حتی خودشان را هم آچمز می سازد. کسی را که دشمن شادکن است و دوست را دشمن می‌گرداند پس از این اعلامیه تأیید صلاحیت کردند که از سوی مردم برای ریاست جمهوری انتخاب شود، سمتی که خودشان در اهمیت آن در همین جا داد سخن داده‌اند، او قرار است شخص دوم مملکت و شخص اول سیاسی کشور گردد!! همین دوگانگی است که کشور ما را امروز دچار بحران ساخته است. عدالت شرعی در این شورای نگهبان و سایر سمت‌هایی که باید با اتکاء به آن در جایگاهشان قرار بگیرند به چه معناست؟

شما یکبار دیگر از موضع داوری بی طرف این اعلامیه را که مخصوصاً با هدف تبلیغ مجدد

---

17 روزنامة آفتاب شمارة 20 فروردین. ایرنا در همان تاریخ کد خبر 427532 .

برای آقای احمدی‌نژاد از سوی شورای نگهبان تنظیم شده است، بخوانید. آیا پاسخ آقای کروبی مستلزم تکرار این همه حرف در خصوص برتری آقای احمدی‌نژاد بود؟ هدفشان هرچه بود، سند خوبی برای ما و شما از خود بیادگار نهاده‌اند، ردپائی از بی‌صداقتی و عزم پیشین برای تغییر در آرا که از مصادیق بارز تقلب است. بند ج از این اعلامیه را تکراراً در برابر نگاه شما قرار می‌دهیم: "ج) با رجوع به متن سخنان آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان -که متاسفانه از سوی برخی نشریات به صورت ناقص مورد استفاده قرارگرفته- بیان خدمات دولت‌های پس از انقلاب که همه در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نموده‌اند را نمی‌توان به منزله جانبداری از «فرد خاص» یا «نامزدی خاص» تلقی نمود. ایشان بیان داشته است: « ... دو سه سال اخیر یک وضع جدیدی پیش آمد که سابقه نداشت و آن، رسیدگی **فوق‌العاده** و بیش از پیش به مردم؛ سرزدن به شهرستان‌ها و احترام قائل شدن برای مردم محروم و قشر مستضعف؛ و همان‌هائی که انقلاب را آنها با رهبری امام (ره) به وجود آوردند و حمایت کردند و دفاع کردند؛ همان قشر فراموش شده تاریخ، و همان‌هائی که امام بزرگوار می فرمودند؛ این انقلاب مال مستضعفین است. انقلاب پابرهنه‌هاست. در این دو سه سال اخیر به این‌ها بهای بیشتری داده شد و این‌ها فهمیدند که مورد عنایت مسئولان نظام هستند و نظام برای اینها ارزش قائل است و به

مشکلات این‌ها می‌پردازد و تا جائی که می تواند مشکلاتشان را حل می‌کند. و یک دولت پرکار و پرتلاشی که ما **سابقه** این‌جوری نداشته‌ایم به وجود آمد که زبانزد خاص و عام شد. تلاش و کوشش در حد اعلا...، مبارزه با فساد در حد توان و در حد قدرت. مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، تحقق پیدا کرد در حد امکانات و اجمالا یک وضع جدیدی به وجود آمده. این حالت **اگر تداوم پیدا بکند** می‌تواند واقعاً نظام را به آن هدف اصلی خودش نزدیک بکند.»[18]"

---

18 مردم سابقة آیت الله جنتی را در این حمایت چشم و گوش بسته و شیفته از آقای احمدی نژاد از دورة پیشین بخوبی بیاد دارند. از جمله در نماز جمعة اردیبهشت سال 1385 چنان حرفهای غلوآمیزی درباة آقای احمدی نژاد زد که آقای کروی ابوذروار طی نامه ای شدید اللحن به وی پاسخ داد. در آن خطبه گفته بود: «این نامه **الهام خداوند** است (نامه به یوش) خداوند به مردم و این مملکت عنایت دارد و ما باید قدر این عنایت را بدانیم. این حرکت در تاریخ سابقه نداشته و ادامه‌ي راه امام (ره) در این راستا است. همان‌طور که امام هم در نامه‌ي خود به گورباچف اشاره کرد که قدرت شوروي رو به افول است. حال چه کسي جرأت دارد به آمریکا بگوید که قدرتش رو به افول است. آغازگر این حرکت امام بودند و آن نامه را به گورباچف نوشتند. رییس‌جمهور به همتاي خود نامه نوشتند و این نامه واقعا نامه‌ي عجیب و غریبي است. به نظر من باید این نامه را بچه‌ها همه بخوانند. در مدارس و دانشگاه‌ها خوانده شود، صدا و سیما مکرر بخواند و در آینده نیز در کتاب‌هاي درسي قرار داده شود. این نامه چیز ساده‌اي نیست ... این مرد (آقاي احمدي‌نژاد) واقعا مردي شجاع، متدین و مقتدر است که به حرف خود ایمان دارد. این مرد آبروي مملکت و اسلام است. همان‌طور که گفتم این نامه، الهام است و خداوند لطف دارد و مي‌خواهد قدرت این مملکت را زیاد کند و به این نحو

کجای این گفته‌ها که خودشان اقرار نموده‌اند، طرفداری بی‌طرفانه از کل مدیران ارشد نظام در سی سال گذشته است؟ اگر شما بودید و می‌خواستید از مردم بخواهید که با رأی دادن به احمدی‌نژاد موجبات «تداوم» «این وضع جدید» ادعائی را فراهم کنید، چه چیزی بیش از این داشتید که بر آن بیافزائید. این سخنان در کنار ادعای بی‌طرفی آنهم در برابر نظار انتخاباتی شهرستانها که خودشان را پیرو و ارادتکیش آقای جنتی‌ها می‌انگارند، انسان را بناگزیر یاد رباعی منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی می‌اندازد که در قدح شخصی به نام «نظام» سروده است:

نظام بي نظام ار كافرم خواند --- چراغ كذب را نبود فروغي

مسلمان خوانمش زيرا كه نبود--- مكافات دروغي جز دروغي[19]

آقای جنتی در این سخنرانی هنگامی که به نظار خودش بی‌طرفی را آموزش می‌دهد، به آنها می‌گوید: «بگونه‌اي عمل شود كه دست نامزدها

الهام مي‌كند. در داخل و خارج كجا چنين نامه‌اي نوشته شده است كه اين‌گونه همه را مبهوت كرده باشد.»

آقای مهدی کروبی در پاسخی دندان شکن نوشتند: "از سخنان اخير شما به راستي براي حفظ جمهوريت نظام و حرمت روحانيت و حفظ باورهاي ديني مردم احساس خطر مي‌كنم."

19 اتفاقاً بیت دوم این شعر که در ابدع البدایع نیز آمده است، توسط یکی از زخم خوردگان شمشیر کور و بی عدالت نظارت استصوابی در شکوائیه ای قبلاً در جریان انتخابات مجلس هشتم خطاب به آقای جنتی نوشته بود.

باز باشد»، این در حالی است که همة ناظران حاضر در آنجا می‌دانند آقای جنتی در همین زمان ایراد سخنرانی مشغول انجام وظیفه است، او به عنوان دبیر شورای نگهبان و رئیس هیئت مرکزی نظارت دربارة انتخاباتی با آنها صحبت می‌کند که در زمان ایراد این سخنرانی شورای نگهبان در حال انجام وظیفة مهم نظارتی و همان تکلیف صیانتی‌اش از آرا است.

شما مردمی که در انتخابات اخیر شرکت کرده اید، صرف نظر از اینکه به چه کسی رأی داده اید، بین خود و خدایتان داوری فرمایید که چنانچه یکی از هواداران آقای میرحسین موسوی روز انتخابات یا روز قبل آن در یک کیلومتری ستاد آقای احمدی‌نژاد یا محل اخذ رأی نوشته‌ای به این مضمون بدستش می‌گرفت که: «با وجود نخست وزیر زمان دشوار جنگ که دولتش را امام دولت خدمتگزار می‌نامید، مسئله اجرای عدالت، هم در شعار و هم در عمل، موضوع محوری سی سال گذشته، تحقق پیدا می‌کند و با فساد مبارزه می‌شود،» یا با این مضمون که «با وجود نخست وزیر دورة امام راحل خدمت سی ساله به مستضعفان تداوم پیدا می‌کند،» آیا داد و فریاد شورای نگهبان و نظار آن و ستادهای رقیب به آسمان بلند نمی‌شد؟ آیا استدلالی مشابه برهان شورای نگهبان از این شخص پذیرفته می‌شد؟ اگر کسی پاسخ مثبت بدهد، باید قانون انتخابات را لغو بداند؛ اتفاقاً این شورا

قانون را مطلقاً لغو می‌داند و این گزارش آن را نشان می‌دهد.
پس از انتخابات که بازار اتهام از همة بوقهای رسمی حکومتی داغتر گردید تا صدای اعتراض مردم را خفه کند، پیوسته آقای جنتی و سایر سخنگویان حکومتی مکرر نامزدهای معترض و بویژه جناب آقای موسوی را بی‌دلیل متهم کردند که ایشان مردم را برای اعتراض به خیابانها کشانید و تظاهرات بدون مجوز راه انداخت و در نتیجه ما عدة زیادی را کشتیم و زندانی کردیم و دست شکنجه‌گران سپردیم، بنا بر این، موسوی محکوم است. این در حالی است که دستکم شخص آقای موسوی در هیچ جایی و هیچ موقع از مردم تقاضای شرکت در تظاهرات بدون مجوز نکرده‌اند و تنها اعلام نموده‌اند که از وزارت کشور برای فلان روز تقاضای مجوز شده است و بمحض معلوم شدن عدم موافقت وزارت کشور به مردم اطلاع داده‌اند که چون مجوز صادر نشده است از حضور در محل مقرر خودداری فرمایند. مردم معترض در اعتراض به رأی پامال شدة خودشان این حرکت عظیم را براه انداختند و آن چوب باتوم و گلولة زهرآگین را بجان خریدند تا چهرة ننگین خشونت را محکوم نمایند. اینها می‌گویند چون مردم هوادار موسوی تظاهرات کرده‌اند و از اعتراض او پشتیبانی کرده‌اند، پس موسوی محکوم است، حتی اگر با اعلان قبلی برای باز گرداندن مردم به خانه‌هایشان به میان آنها رفته باشد. بله، آقای موسوی و دو نامزد دیگر، از مردم خواسته‌اند که

اعتراضشان را فراموش نکنند و به آنها یاری کنند تا این اعتراض پیگیری شود. آیا این دسته نباید با همین استدلال که متکی به سندی نیست و افتراست، شورای نگهبان و سخنگوی آن و دولت و وزارت کشور را مستنداً محکوم نمایند که با بیان چنین سخنانی نظار و مجریان را به خلافکاری با هدف نجات کشور از دست «سکولار» و وابستگان اجنبی یا افراد ترسو در برابر «دشمن» و یا افراد ناپایبند به راه امام راحل تشویق کرده‌اند؟ مگر عمرو عاص در حکمیت صفین چه خدعه‌ای بکار برده واشعری را گول زده بود که مانند آن در این ادعای بی‌طرفی مشاهده نمی‌شود؟ آنهم درست زمانی که شورای نگهبان رسماً در کار نظارت بر مقدمات انتخابات بوده است!

باز در 88/1/22 آقای کدخدائی هجمة دیگری را آغاز کرد:

"آفتاب: سخنگوی شورای نگهبان قانون اساسی گفت: «این شورا در انتخابات ریاست جمهوری همچون همه انتخابات دیگر، بر اساس رعایت بی‌طرفی، رعایت اخلاق انتخاباتی و به صورت غیرجانبدارانه عمل خواهد کرد».

خبرنگاری درباره نامه آقای کروبی به شورای نگهبان و شائبه‌هایی مبنی بر اینکه سخنان اخیر آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان طرفداری از محمود احمدی‌نژاد، بوده است پرسید، که سخنگوی شورای نگهبان گفت: ... «آنچه آیت‌الله جنتی گفته بود به هیچ وجه طرفداری از شخص خاصی نبوده بلکه بر روند کلی که در سی سال گذشته در نظام بوده، تاکید کرده است». ...

وی افزود: «ما از این نامه تعجب کردیم و در روزهای آینده متن کامل سخنان آیت الله جنتی برای اطلاع افکار عمومی منتشر خواهد شد»[20]. خبرنگار دیگری درباره پیشنهاد برخی احزاب برای تشکیل کمیته صیانت از آرا پرسید که کدخدایی گفت: «تشکیل هر نهاد جدیدی نیازمند قانون است و بنابراین ایجاد چنین کمیته ای، خلاف قانون و مقررات است». وی افزود: «شورای نگهبان در سی سال گذشته کاملا بی طرف بوده و اسناد هم نشان می‌دهد که در همه ادوار، انتخابات، سالم برگزار شده است». وی افزود: «هیچ نیازی به ابراز نگرانی نیست و شورای نگهبان با رعایت بی‌طرفی بر اجرای انتخابات نظارت قانونی خواهد کرد.[21]»

مثلی است مشهور که خانمی بچه‌اش را به غلام سیاه زشترویی سپرده و دنبال کاری رفته بود. بچه جیغ می‌زد و بی‌تابی می‌کرد و غلام مکرر می‌گفت نترس من اینجام. بچه دست آخر داد زده بود که اصلاً ترس من از خود توست!

آیا شما می‌توانید این تصور را نزد خودتان هموار کنید که دستگاه‌های نظارت و اجرا با وجود ادعای سلامت کاری چرا باید از تصمیم مردم بر نظارت در کار بترسند و این همه جنجال‌آفریني کنند؟ غالب احزابی که این مسأله را مطرح می‌کردند، تقاضای معینی از این دستگاه نظارت «بی‌طرف» نداشتند، شاید

---

20 این متن منتشر نشد!

21 روزنامة آفتاب 88/1/22.

اینها می‌خواستند که شورای نگهبان برای ایجاد اطمینان از نیروهای آنها هم در نظارت بهره بگیرد و از یکدست کردن نظار و مجریان از هواداران احمدی‌نژاد خودداری نماید، که خواست بجایی بود. اما ترسی در عکس‌العمل‌های شورا و وزارت کشور دیده می‌شد که موجب دلهره در هواداران نامزدهای دیگر می‌گردید؛ دلهره‌ای که برای حکومت هیچ ارزشی نداشت و عاقبت به یک انفجار انجامید.

آیا آقای کدخدائی متن سخنان آقای جنتی را درست نقل کرده بود؟ آیا با عبور از آن بخش از سخنان ایشان که دولت را شاهکار تاریخ قلمداد می‌کرد، ناخواسته تأیید کرده بود که آنگونه سخنان کار رئیس دستگاه نظارت نیست؟ داور این نوشته شما خوانندة عزیز هستید، تا چه داوری فرمائید! اقاي کدخدائي آن بخش از سخنان آقاي جنتي را که تبليغ صريح بنفع آقاي احمدي‌نژاده حذف کرده است چون مي‌دانسته که آن جملات از زبان دبير شوراي نگهبان در قضاوت هر شنونده منصفي در حکم يك «فاجعه» براي انتخابات آتي است! و ديديم که آن نوع سخنان و عملکردها سرانجام به فاجعه‌اي اثرگذار جدي در تاريخ ما انجاميد.

بدنبال این تبلیغات و بیانات نادرست، آقای کامران دانشجو رئیس ستاد مرکزی انتخابات هم در 88/1/25 بار دیگر به مخالفت با این خواست عرفی و اخلاقی و قانونی برخاست و در نشست خبری طی سخنانی که به سختی می‌توان سر و ته آن را جمع کرد ادعا نمود:

"امانتداري آراي مردم را وظيفه خود مي‌دانيم. وي يكي ديگر از وظايف وزارت كشور را ايجاد فضاي رقابت سالم براي ارائه ديدگاههاي متفاوت كانديداهاي رياست جمهوري دانست و افزود: براي تحقق اين وظيفه، راهبرد وزارت‌كشور، حضور و مشاركت حداكثري مردم است، علت انتخاب اين راهبرد هم اين است كه حضورنمادين مردم در راهپيمايي‌ها به حضور كمي آن‌ها در پاي صندوق‌هاي راي تبديل مي‌شود كه اين حضور قابل استناد است و با نوع انتخاباتي كه در اين دوره خواهيم داشت، نمي‌توان به آن شبهه‌اي وارد كرد."
توگویی دولت‌های پیشین در پی جذب حد اکثری مردم بپای صندوق‌های رأی نبودند.
"به هرحال حكومت‌هاي طاغوتي با موفقيت‌هايي كه نظام در عرصه‌هاي مختلف از جمله فناوري صلح‌آميز هسته‌اي، هوا فضا و علوم پزشكي داشته است، ضربات بسياري به ويژه از دولت نهم خورده‌اند و با وجود اين‌كه زماني علم را تحريم مي‌كردند و مي‌گفتند حتي حق تدريس فيزيک اتمي را در دانشگاه‌هايتان نداريد، امروزبه جايي رسيده‌اند كه براي مذاكره با ما التماس مي‌كنند."
شاید شما بتوانید میان آن مقدمه و این مؤخره رابطه ای برقرار کنید!
"وي افزود: به همين دليل با هجمه‌هاي تبليغاتي مي‌خواهند مردم را از حضور در انتخابات دلسرد كنند، اما خوشبختانه مردم هميشه اين حساسيت زماني را درک و با حضور پرشور و با شكوه خود در انتخابات چشم فتنه

را کور خواهند کرد. از نظر درصد حضور مردم در انتخابات این دوره یک رکورد ثبت خواهیم کرد و این کار محقق نمي‌شود مگر با کمک رسانه‌ها؛ رسانه‌ها باید یاري‌گر ما در این عرصه باشند، چرا که رسانه‌ها به دنبال منافع ملي و مصالح عمومي کشور هستند."
شاید ایشان در 88/1/25 از مشارکت ادعائی 85% مطلع بود.
"رییس ستاد انتخابات در ادامه در پاسخ به پرسشي درباره مطرح کردن تشکیل کمیته صیانت از آراء از سوي برخي گروه‌هاي سیاسي افزود: قانون، وظایف را مشخص کرده است که طبق قانون، اجراي انتخابات و صیانت از آرا بر عهده وزارت کشور و نظارت بر صیانت از آرا به عهده شوراي نگهبان است.
... قانون از ابتدا تا انتهاي اجراي انتخابات، شوراي نگهبان را ناظر دانسته است. اینکه عده‌اي این موضوع را مطرح مي‌کنند که چنین کمیته‌اي تشکیل شود، من درآوردي است و به درد خودشان مي‌خورد و بعضا از جایي هم قلقلک مي‌شوند که این حرف‌ها را بزنند، اما آن‌ها مي‌گویند و ما هم مي خندیم، چرا که مردم، قانون‌مدار و قانون‌گرا هستند و به برگزارکنندگان انتخابات اعتماد دارند. این حرف‌ها تبلیغات منفي است که با منافع ملي سازگاري ندارد و خوب است که به این گونه حرف‌ها پایان داده شود.
وي در ادامه درباره حضور نمایندگان احزاب بر سر صندوق‌هاي راي گفت: قانون چنین چیزي را پیش‌بیني نکرده است، اما براي اطمینان

قلبي بيشتر، تعاملي را با احزاب آغاز كرده ايم كه اگر نسبت به دوره هاي گذشته بيشتر نباشد قطعا كمتر نيست و پيش‌بيني شده است كه كانديداها بتوانند نماينده داشته باشند.

دانشجو ادامه داد: در حال حاضر 260 حزب داراي مجوز در كشور در حال فعاليت هستند كه هر يک از كانديداها مورد حمايت اين احزاب قرار خواهند گرفت؛ بنابراين كانديداها بايد با تعامل با احزابي كه از آن‌ها حمايت مي‌كنند اين كار را انجام دهند تا احزاب‌نيز بتوانند پاي صندوق‌ها حضور داشته باشند؛ چرا كه معتقديم احزاب در ايجاد شور و نشاط انتخاباتي نقش بسزايي دارند.[22]" باز دقت كنيد كه ايشان هم تنها از حضور در سر صندوق ها سخن می‌گويد و نه در جلسات هيئت های اجرائی كه قانون به آن تصريح كرده است.

براستی اگر به گفتة ايشان آنهم طبق قانون «پيش بينی شده است كه كانديداها در سر صندوق‌ها و در ساير مراحل نماينده داشته باشند،»دليل اين همه هياهو بر سر اين موضوع چه بود؟ برای چه با آن مخالف بودند و سرانجام هم تسليم شدند؛ اگرچه از همان روز انتخابات نخست سراغ احزاب فعال دركميته های صيانت رفتند و سران آن ها را دستگير و با آن وضع موهن در تلويزيون وادار به اعترافات پوچ و سخيف نمودند. در

[22] سايت فرمانداری تهران، كد خبر : IRN- 11722

حقیقت چیزی پشت این مخالفت بود که پس از انتخابات روشن گردید. آن‌ها با عزم پیشین برای تقلب از هرگونه درخواست مشارکت عامه در تمهید مقدمات و آموزش رأی دهندگان و شرکت در جمع معتمدین محلی هراس داشتند. آنها از حضور نظار نامزدها چنانکه خواهیم دید، برخلاف این ادعای خونسردانة آقای دانشجو ممانعت به عمل آوردند و در سر صندوق‌های مشخصی جمع مجریان و ناظرین را از میان افراد خود چیدند. علی رغم اینکه آقای دانشجو در همین مصاحبه خودش پاسخ خود و آقای کدخدائی را داده بود، روزنامة سرمایه نیز در مصاحبه با آقای مرتضی حاجی (وزیر آموزش و پرورش دولت اصلاحات) نوشت: "«اظهارات سخنگوی شورای نگهبان درباره غیرقانونی خواندن کمیته صیانت از آرای انتخابات مبنای قانونی ندارد.» حاجی ادامه می‌دهد: «این اظهارنظر منبع حقوقی ندارد زیرا طبق ماده واحده‌ای که با عنوان قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری برای نظارت بر انتخابات به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، هریک از کاندیداها به طور انفرادی یا با همکاری سایر کاندیداها حق دارند نمایندگانی را به محل‌های اخذ رای، شورای نظارت بر انتخابات و دستگاه شمارش آرا اعزام کنند.» به اعتقاد حاجی در تحلیل نهایی اساساً تشکیل

کمیته‌های غیردولتی نیازی به اخذ مجوز از شورای نگهبان ندارد."[23]
بعلاوه حقوقدانها به استناد اصل چهلم قانون اساسی که می‌گوید: "هیچ شخص و نهادی نمی‌تواند اختیارات و حقوق خودش را عامل تضعیف و نادیده انگاشتن حقوق دیگران قرار بدهد." معتقد بودند ادعای غیرقانونی بودن کمیتة صیانت از آرا واهی است. در 88/2/14، یعنی یک روز پیش از آغاز زمان تبلیغات نامزدها، آقای دکتر سید محمدرضا بهشتی طی سخنانی در همایش ستاد نسیم 88 در اصفهان کوشید فضا را تلطیف و به قانونی بودن این خواسته تأکید نماید:
"به گزارش قلم نیوز، محمدرضا بهشتي، در همایش ستاد نسیم 88 استان اصفهان، در پاسخ به یکي از پرسش‌ها درباره وضعیت کمیته صیانت از آراي مردم در انتخابات تاکید کرد: به گمان من تشکیل چنین کمیته‌اي به منزله کم اعتمادي به دستگاه‌هاي مجري و برگزارکننده انتخابات نیست و یا ابهاماتي در باره نحوه برگزاري انتخابات و توانمندي کساني ندارد که مي خواهند در عرصه انتخابات مسئولیتي را برعهده بگیرند. وي تصریح کرد: پر واضح است که دستگاه هاي رسمي و مجري انتخابات به وظایف خودشان باید به نحو احسن عمل کنند اما

[23] روزنامه سرمایه روز 88/1/25

در مورد نظارت مردمي بايد گفت نه تنها در كشور ما بلكه در همه جاي دنيا به عنوان عاملي كه پشتيبانيكننده از قوت انتخابات است، چنين كاري مرسوم است.
بهشتي گفت: در اين راستا كميته صيانت از آرا نياز به تبيين خوبي دارد و بايد متذكر شوم كه هدف از اين كميته به هيچ وجه ايجاد ابهام و ايهام نيست كه آيا انتخابات خوب و آن طوري كه شايسته است برگزار ميشود يا نه، بلكه هدف نظام مند كردن نظارت عمومي در قانون انتخابات است.
دكتر امير ارجمند استاد حقوق دانشگاه و مسوول كميته حقوقي ستاد انتخاباتي مهندس موسوي نيز عنوان كرد: فعاليتهاي كميته صيانت از آرا كاملا قانوني و مسالمت آميز است و به هيچ وجه به معناي مداخله در جريان راي گيري نيست.
انتخابات، حق تعيين سرنوشت و تجلي كرامت انساني است و اساسا مفهوم شهروندي ارتباط تنگاتنگي با حق انتخاب شدن و انتخاب كردن دارد. يعني بدون اعمال صحيح اين حق، شهروندي مفهوم واقعي نخواهد داشت و شهروند به مرتبه رعيتي تنزل پيدا خواهد كرد كه در پي آن حاكميت قانون نيز با مشكل اساسي مواجه خواهد شد. ... برگزاري اين چنين انتخاباتي موجب تقويت و ايجاد تفاهم و احساس امنيت و هويت براي جامعه، مردم و نهايتا ارتقاي مشروعيت ميگردد. اين

در حالي است كه فقدان ويژگي‌هاي برشمرده شده نيز موجب تقويت كانون‌هاي خشونت، عدم تفاهم، احساس عدم امنيت و تضعيف مشروعيت خواهد بود. بنابراين مي‌توان ادعا كرد كه حفاظت و صيانت از آرا، حفاظت و صيانت از ناموس شهروندان و ملت است. امير ارجمند شركت در انتخابات را حق شهروندان و صيانت از آراي آنها را تكليف دولت دانست و تاكيد كرد: طبق قانون، شوراي نگهبان و هيات هاي اجرايي مكلف به صيانت از آراي شهروندان مي‌باشند اما شهروندان و نهادهاي مدني نيز در اين رابطه داراي حقوق و تكاليفي هستند. وي با استناد به اصل هشتم قانون اساسي كه تكليف الهي امر به معروف و نهي از منكر را ميان مردم و دولت دو طرفه دانسته افزود: بر اين اساس در حالي كه صيانت از آرا تكليف شوراي نگهبان و وزارت كشور است، اما از سويي ديگر حق و تكليف هر شهروند و نهاد مدني در جامعه نيز هست. اگرچه هدف نهادهاي حكومتي و مردمي در صيانت از آرا مشترک است اما مكانيزم هاي مورد استفاده متفاوت است. به اعتقاد اين كارشناس حقوق، نامزدهاي قانوني طبق موازين قانوني مي‌توانند نمايندگاني در مراحل مختلف اخذ راي داشته و بر رعايت موازين انتخاباتي سالم نظارت داشته باشند; اما نظارت بر سلامت انتخابات تنها محدود به

نمایندگان نامزدها نیست بلکه حق همه شهروندان و نهادهاي مدني است که باید نسبت به مسئله حساس بوده و در فرهنگ سازي مشارکت کرده تا بتوانند از حقوق شهروندي خود دفاع کنند. این یک فعالیت مدني است که نیاز به مجوز ندارد، کاملا قانوني و مسالمت آمیز است و به هیچ وجه به معناي مداخله در جریان رایگیري نیست. از شهروندان نمي توان انتظار داشت نسبت به سرنوشت خود و اتفاقاتي که تاثیر اساسي در آزادي، معیشت و زندگي آنان دارد بي تفاوت باشند و همه امور را واگذار به حکومت کنند. آنچه نهادهاي حکومتي و رسمي انجام مي‌دهند با فعالیت شهروندان و مردم متفاوت بوده و مکمل یکدیگرند.[24]"

مبناي استدلال حقوقي آقاي دکتر ارجمند روشن است، جکومت‌ها و ارگان‌هاي وابسته به جکومت و مسؤلین مربوطه هرکدام بوکالت از طرف ملت و نیز از جانب آحاد مردم وظائفي را انجام مي‌دهند، حال اگر «اصیل=مردم» در کنار وکیل بخواهد ناظر و صائن منافع خود باشد، این حقي است مسلم، قانوني، مقبول و مطابق موازین قطعي حقوقي عرفي و حقوق شرعي.

اما آیا به نظر شما چرا اینهمه داد و بیداد و فریاد در اردوگاه حکومتی و هواداران احمدی‌نژاد و روزنامه‌ها و

---

24 روزنامة مردم سالاری شمارة 2063 روز 88/2/14

سایت‌هایشان به راه افتاده بود؟ نخستین پاسخ ساده را بر اساس بینش و عملکرد این گروه می‌توان چنین مطرح کرد که جناح معتقد به تشریفاتی بودن حضور مردم در صحنه و تبلیغاتی بودن انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق با عناوین «دورة حساس و ویژه»، خطر خارجی، بیم نفوذ بی‌اعتقادهای داخلی و نظایر اینها حضور آگاهانة مردم و مشارکتشان در تدارک مقدمات انتخابات را با استفاده از ظرفیت‌های قانونی مغایر بینش خود می‌بینند. آنها به مردم فقط برای رأی دادن نیاز دارند که به گفتة آقای دانشجو بشود به دیگران نشان داد که نظام تا چه اندازه خوب عمل کرده است، از فردای رأی‌گیری مردم غیر قابل اعتماد می‌شوند. پاسخ دیگر را از ملاحظة نگاه شورای نگهبان و هیئت مرکزی نظارت بر قدرت تشخیص عامة مردم می‌توان اخذ کرد. اصرار بسیاری از حکومتیان و بخصوص شورای نگهبان بر نظارت استصوابی بر این مبنا استوار است که مردم نمی‌توانند افراد مؤمن و خوب را از غیر مؤمن تشخیص بدهند، بنا بر این، شایستگانی مانند شورای نگهبان باید بدقت درون افکار نامزدهای مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری بکاوند و آنگاه با تشخیص خوب از بد، افرادی بالنسبه معتقد به مبانی انقلاب (مبانی بر اساس تفسیر خود آنها) را در معرض انتخاب

مردم قراردهند. اما این روش در حقیقت و بخصوص برای کنترل نمایندگان مجلس است که مراقب باشند اگر از مرزهای تعیین شده توسط این گروه تجاوز کرده و حرفهای زیادی بزنند، در دور بعد صلاحیت شان مردود خواهد شد؛ همانطوری که در مورد بسیاری از نمایندگان دوره های مختلف عمل شده است. آنها را بر خلاف نص صریح قانون اساسی به خاطر حرف هایی که در جهت ایفای وظیفة نمایندگی زده اند، رد صلاحیت کرده اند.

نمونة بارز این نگرش و تأثیر آن در این غوغاسالاری ها، نحوة برخورد شورای نگهبان با مفاد مواد 38 و 39 قانون انتخابات است. این دو ماده از اهم امور مقدماتی انتخابات در قانون است که از زمستان سال قبل محل منازعة گروههایی مانند مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهة مشارکت و سایر اصلاح طلبان تحت عنوان تشکیل کمیتة صیانت از آراء بوده است. با اندکی دقت در متن قانون محل نزاع و دخالت غیر قابل توجیه شورای نگهبان بخوبی روشن می شود:

"ماده 38 ـ بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزیر کشور، فرماندار دستور تشکیل هیأتهاي اجرايي را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف سه روز هیأت اجرايي انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وي و 8 نفر از معتمدین تشکیل دهد.

*تبصره 1 ـ در شهرستان و بخشهايي كه شوراي اسلامي شهرستان يا بخش تشكيل شده است يك نفر از اعضاي شورا به انتخاب شورا ، يكي از 8 نفر معتمدين مذكور خواهد بود.

*تبصره 2 ـ در صورت حضور دادستان در محل، نامبرده مكلف است شخصاً در جلسات هيأت اجرايي شركت نمايد.

ماده 39 ـ سي نفر از معتمدين با تأييد هيأت نظارت و دعوت كتبي فرماندار ظرف دو روز از تاريخ دعوت، تشكيل جلسه داده و پس ازحضور حداقل دو سوم مدعوين (بيست نفر) درحضورهيأت نظارت از بين خود يا خارج ، 8 نفر را (در صورت عدم وجود شورا) به عنوان معتمدين اصلي و پنج نفر را به عنوان معتمدين علي البدل هيأت اجرايي با رأي مخفي و اكثريت نسبي آرا انتخاب مي‌نمايند.

تبصره 1 ـ تعداد اعضاي هيأت هاي اجرايي شهرستان و بخش و كيفيت و مهلت تشكيل آنها يكسان است.

تبصره 2 ـ معتمدين هيأت اجرايي و ناظرين شوراي نگهبان نبايد در انتخابات قبل مرتكب تخلفي شده باشند كه در يكي از محاكم صالحه اثبات شده باشد.

تبصره 3 ـ معتمدين اين ماده بايد داراي ايمان و التزام عملي به اسلام وقانون اساسي و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحكيم رژيم سابق و وابسته به گروههاي غيرقانوني نباشند.

این قانون به هنگام تصویب پس از چندین نکته‌گیری شورای نگهبان سرانجام به تأیید این شورا رسیده و جنبة رسمی یافته است. اما در اجرا شورای نگهبان به همین مصوبة خود پایبند نماند و موجب نگرانی‌هایی شد که احزاب را به طرح تشکیل کمیتة صیانت از آراء –آنهم در چارچوب ظرفیت های قانونی- کشاند؛ طرحی که شورای نگهبان بدون دلیل موجه بسان یک کفرگوئی با آن برخورد کرد و به مردم اهانت نمود.

تبصرة یک مادة 38 صریحاً و به روشنی کامل نمایندة منتخب شورای شهر یا بخش را یکی از اعضای هشت نفرة معتمدین محلی شرکت‌کننده در هیئت اجرائی می‌داند. طبق این ماده، هیئت اجرائی که مسؤلیت برگزاری انتخابات در محل خود را به عهده دارد مرکب است از: فرماندار (عنصر دولتی)، رئیس ادارة ثبت احوال محل (عنصر دولتی) و نمایندة دادستان محل یا نمایندة او (این شخص هم به نحوی دولتی محسوب می شود) و هشت نفر از معتمدین محلی. بدین ترتیب قانون افراد حکومتی را در این ترکیب در اقلیت قرار داده است، سه نفر در برابر 8 نفر.

در خصوص ترکیب این هشت نفر هم نکته ای را مراعات کرده است که هرچند بسیار تنگنظرانه است اما روزنه‌ای است برای یک نظارت نسبتاً مستقل از همة عوامل اجرائی دولتی یا دولت گزیده یا نظارتی شورای نگهبان. این روزنه در تبصرة یک مادة سی و هشت گشوده شده است که می گوید: در شهرستان و شهر و بخشی که

شورای اسلامی دارد، یکی از این هشت نفر را اعضای همان شورا از میان خود انتخاب و به فرماندار یا بخشدار معرفی می‌کنند. این امکان حتی برای شورای نگهبانی که خودش قانون را تأیید کرده است، قابل تحمل نیست. مادة 39 نیز تصریح می‌کند فرماندار یا بخشدار 30 نفر از معتمدین محلی را که به تأیید هیئت نظارت شهرستان رسیده‌اند دعوت می‌کند تا چنانچه شورا در آن محل نباشد از میان خودشان هشت نفر و اگر شورا در محل باشد هفت را از میان خودشان برای عضویت در هیئت اجرائی انتخاب کنند. این روش به روشنی تصریح دارد که اگر در محلی شورا باشد از میان سی نفر «تأیید شده توسط هیئت نظارت شورای نگهبان» فقط هفت نفر برگزیده می‌شوند؛ نفر هشتم را شورای شهرستان یا بخش از میان خودشان انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر این فرد لازم نیست مورد تأیید هیئت نظارت شورای نگهبان باشد چون مورد تأیید مردم محل خودش است و دارای سمت قانونی است، همانطور که دادستان و رئیس ثبت احوال و فرماندار یا بخشدار دارای سمت قانونی هستند. اما در عمل شوای نگهبان به این دلیل که بر انتخابات شوراهای شهر و شهرستان و بخش «نظارت استصوابی» ندارد، یعنی درون قلب آن افراد را نشکافته از دیانت مورد تفسیر خودش در این قلب مطمئن گردد، لذا مدعی است که باید نمایندة شورای شهرستان هم از سوی شورای نگهبان یا هیئت نظارت آن شورا به تأیید دوباره برسد. به

عبارت دیگر، شورای نگهبان تأیید صلاحیت فرماندار و رئیس ثبت احوال و دادستان را لازم نمی‌داند در حالی که در انتخاب آنها هم نظارت استصوابی نداشته است، اما کشف صلاحیت ذاتي و دروني اين يکی را به اصطلاح از نماز يوميه واجبتر می‌داند.
فهم عميق اين مسأله چهرة بيمار مردم‌سالاری در کشور ما را که همگان آن را موهبت انقلاب اسلامی و آموزة امام فقيد انقلاب می‌دانند، بهتر نمايان خواهد ساخت. مصاحبة آقای محتشمی پور در 88/2/29 ماهيت اين ويروس خطرناک را نشان می‌دهد:
"ما در پيگيري دغدغه‌هايي که براي بسياري از نيروهاي دلسوز انقلاب وجود دارد جدي هستيم. مردم نيز بايد نسبت به آن حساس و جدي باشند و بيشتر توجه ما نيز روي نظارت عمومي مردم است. همان طور که اشاره کرديد برخي مي‌گويند که کميته صيانت از آرا جنبه قانوني ندارد. من تعجب مي‌کنم که اين جريان‌ها (از شوراي نگهبان يا از وزارت کشور) چه چيزي باعث شده که بيايند و اين حرف را بزنند. اين سخن براي شوراي نگهبان، وزارت کشور و اصل نظام بار منفي دارد. همه بايد استقبال کنند از جرياني که در جهت صيانت از آراي مردم فعاليت کند. چه نامزدهاي انتخاباتي،چه دستگاه‌هاي اجرايي و چه دستگاه‌هاي نظارتي.منشوري پس از گذر زمان و مطالعات فراوان تمام دستگاه‌هاي سياسي نظارتي و اجرايي کشور منتشر شده با عنوان منشور اخلاق انتخاباتي؛که اخيرا

وزارت كشور در دفترچه اي آنرا منتشر كرده و در اختيار گذاشته است. در همين جزوه اي كه براي تدوين آن تمام دستگاه ها از جمله وزارت ارشاد، شوراي نگهبان، وزارت كشور و همه دستگاه ها بر آن نظارت داشتند و منشوري قوي و مهم مفيد است بحث صيانت از آرا مطرح شده و آمده است:«صيانت از آرا بر عهده همه مردم و دستگاه ها است». بسيار خوب! اگر چنانچه صيانت از آرا بر عهده همه مردم است پس براي چه مي‌گويد اين كميته جنبه قانوني ندارد؟ خودتان گفته ايد صيانت از آرا بر عهده تمام مردم است. بالاخره نامزد انتخاباتي كه ممكن است رييس جمهور شود و راي مردم را بگيرد به عنوان نماينده مردم نمي‌تواند از آرا مردم صيانت كند؟ و به عنوان يك شهروند نيز حق دارد جمعي را به عنوان نماينده انتخاب كند تا از آرا مردم صيانت كند. اينكه عده اي به طور وحشت‌زده اصل تشكيل كميته صيانت از آرا را رد مي‌كنند اين شبهه ايجاد مي‌شود كه چرا از اينكه مردم از آرايشان صيانت كنند وحشت دارند؟ چه چيز عامل اين وحشت است؟ ما كه معتقديم بايد صيانت از آراي مردم به اندازه اي بالا رود كه مراجعه كنندگان به صندوق،خود،ناظر باشند و جلو ي تخلف را بگيرند. نكته ديگر اينكه انتخابات در ايران مردمي است و پايه هاي زيربنايي تشكيل كميته صيانت از آرا نيز همين است. در انتخابات، انتخاب كننده و انتخاب شونده مردم هستند و اينگونه نيست كه شوراي

نگهبان ذي نفع باشد. بلكه مردم ذينفع هستند و مردم بايد راي دهند. بر اين اساس قانون،مكانيزم هايي را تعيين كرده است كه بر اساس آن معتمدين محل بايد جمع شوند و هيات‌هاي اجرايي نيز بايد به انتخاب معتمدين محل تشكيل شود. اكنون سوال من از مردم اين است كه آيا هيچيك از شما تاكنون در سطح كشور شنيده ايد كه معتمدين محل شما در هيات‌هاي اجرايي انتخابات چه كساني بوده اند؟ در گذشته روال بر اين بود كه در وزارت كشور چهره هاي برجسته ديني، دانشگاهي، كارگري و حتي آموزشي كه مورد اعتماد مردم بودند اعلام مي‌شدند و مردم نيز آن‌ها را مي‌شناختند. بنابراين بر اين اساس دغدغه تشكيل كميته برخي برخوردهاي شوراي نگهبان بود كه البته از دور سوم نيز ما با برخوردهاي اين شوراي نگهبان مساله داشتيم. آن‌ها معتمدين را قبول نداشتند و حتي مي گفتند كه صلاحيت معتمدين را نيز ما بايد تشخيص دهيم و ما مي‌گفتيم كه اين مردم هستند كه بايد معتمدين خود را تشخيص بدهند. بنابراين عدم اعلام و معرفي معتمدين جاي سوال دارد. چرا آن‌ها معتمدين را معرفي نكردند كه مردم پيش از شكل‌گيري هيات‌هاي اجرايي معتمدين خود را بشناسند؟ حتي هيات‌هاي اجرايي نيز بايد اعلام شوند تا مردم بدانند اعضاي اين هيات‌ها چه كساني هستند؟ ما مي‌گوييم اين اشخاص را به مردم معرفي كنيد تا آن‌ها بدانند كه چه جرياني انتخابات را برگزار مي‌كند؟ اين‌ها همان

دغدغه‌هايي است كه ما نيز به عنوان بخشي از مردم اقدامات جدي در راستاي تحقق آن براي برگزاري سالم انتخابات صورت مي‌دهيم.
آيا افكار عمومي نيز از اقدامات كميته صيانت از آراي مردم آگاه خواهد شد؟
البته كه به مرور زمان با مردم سخن خواهيم گفت و افكار عمومي را در جريان ريز مسايل قرار خواهيم داد. ولي يكي از موضوعات مهمي كه وجود دارد بخشنامه‌اي است كه از سوي شوراي نگهبان و به امضاي آقاي كدخدايي ارسال شده و سوالاتي را مطرح كرده و خود نيز به آن پاسخ گفته است. يكي از سوالاتي كه در بخشنامه آمده و آقاي كدخدايي خودش به آن پاسخ گفته اين است كه:« آيا افراد معرفي شده از شوراهاي اسلامي شهر، روستا يا بخش به منظور عضويت در هيات اجرايي كه خود عضوي از شورا هستند بايد به تاييد هيات‌هاي نظارت نيز برسند يا نه؟» اينها سوال و جواب براي خودشان درست كرده‌اند و خودشان هم بدون توجه به قانون به سوالات پاسخ گفته‌اند. در پاسخ به همين سوال هم گفته‌اند:«بله بايد به تاييد برسند«. شما بايد توجه كنيد افراد معرفي شده كساني هستند كه ميليون‌ها نفر در شهرها و روستاها به آن‌ها راي داده‌اند .بنابراين بياييد و رسما و صريحا بگوييد اين افراد معتمدين شوراي نگهبان هستند نه معتمدين مردم! من اينجا به آقاي كدخدايي مي‌گويم كه شما حق نداريد بگوييد شوراي نگهبان بايد صلاحيت آن‌ها را تاييد يا رد كند كه اگر اين اقدام

صورت بگیرد و شوراي نگهبان حتي اين افراد را بخواهد ردصلاحيت كند صلاحيت خود را زير سوال برده است.بنابراين ساختن اين سوال و جوابها و اصلا اعلام اين بخشنامه عملي غيرقانوني است و هيچ سيستم حقوقي نيز نمي‌تواند اين موضوع را قبول كند. سوال دومي كه آقايان در بخشنامه خود آورده‌اند اين است كه:« آيا نماينده نامزدهاي انتخابات مي‌توانند در جلسات هيات‌هاي اجرايي شركت كنند؟» و خود پاسخ داده‌اند:« كه خير نمي‌توانند.» طرح اين سوال و جوابها واقعا خنده‌دار است. ما مي‌گوييم اينها نماينده نامزدها هستند و بر اساس قانون بايد از زماني كه نامزدها وارد عرصه مي‌شوند در تمام جلسات هيات‌هاي اجرايي شركت كنند و به جلسات نيز دعوت شوند. براساس بخشنامه‌اي كه شوراي نگهبان صادر كرده نماينده نامزدها تنها مي‌توانند در روز اخذ راي تا پايان شمارش آرا بدون دخالت در اجرا و نظارت حضور داشته باشند. براساس برنامه زمانبندي وزارت كشور نماينده نامزدها به منظور حضور در هيات‌هاي اجرايي و شعب اخذ راي شهر، شهرستان‌ها و بخش‌ها بايد معرفي شوند ولي آقاي كدخدايي نامه نوشته و بخشنامه كرده كه نماينده نامزدها حق شركت در هيات‌هاي اجرايي را ندارند. من همين جا به آقاي كدخدايي مي‌گويم كه شما با اين اقدام خود قانون را نقض كرده‌ايد. مملكت ديكتاتوري نيست و مردم اصلا انقلاب كردند براي حاكميت قانون. ما قاطعانه و با

پشتوانه مردم مي‌گوييم كه اجازه نخواهيم داد با راي مردم بازي كنند. ممانعت از حضور نمايندگان نامزدها در روند انتخابات كه سخنگوي شوراي نگهبان اعلام كرده به نظر ما نقض رسمي قانون مصوب است و هركس قانون را نقض كند صلاحيت حضور در شوراي نگهبان را ندارد. اگر نظر شوراي نگهبان هم اين است من از مقام معظم رهبري مي‌خواهم كه اين رويه را اصلاح فرمايند.بر اين اساس ما نيز در كميته صيانت از آرا و با پشتوانه مردم در چارچوب قانون اجازه هيچگونه دخالت و تخلف در انتخابات را به هيچ جرياني نخواهيم داد[25]."

شورای نگهبان منتخبین یک شهر را که غالباً، دستکم تا به امروز، نسبت رأیشان برای مثال در مقایسه با رأی نمایندگان مجلس خبرگان در آن شهر بمراتب بیشتر است، معتمد مردم نمی شناسد، از نظر این شورا برگزیدگان این شورا معتمد «مردمند». فهم این گونه نگاه به «مردم» می‌تواند به روشنی اکثر تبلیغات حکومتی را در رابطه با مردمی بودن نشان دهد؛ آگاهی مردم از این تقسیم شهروندان به مردم و «مردم» موجب اعتراضاتی است که امروز مملکت را دچار بن بستهایی ساخته است.

در جهت پیگیری هدف جنگ روانی و رسانه‌ای برای مشغول نگهداشتن نامزدها و احزاب و ستادها، آتش برخورد با این خواسته را

[25] سایت کلمه در تاریخ 88/2/2

ناگهان تندتر کردند تا جائی که خبرگزاری فارس و سایر خبرگزاری‌های دولتی و وابسته به دستگاه حکومت از اصطلاحات خشن‌تری هم استفاده کردند. در واقع همین تبلیغات نادرست رسانه‌های دولتی به تنهائی سند محکمی برای ادعای مردمی بود که از رفتار حکومت نگران بودند و می‌خواستند با استفاده از ظرفیت‌های قانونی از حقوق خود دفاع نمایند. آیا قانون برای این عده بکلی فراموش شده بود؟ تمامی هشدارها در این زمینه هم مورد توجه شورای نگهبان قرار نگرفت. ما حرفی از این دستگاه که خود را ناظر بر همة فعالیت‌های انتخابات می‌دانست و صیانت را وظیفة شرعی خود قلمداد می‌کرد نشنیدیم؛ در گزارش تفصیلی دربارة انتخابات هم رندانه از کنار این هشدارها و شکایات گذشتند-متن این گزارش بعداً بطور تحلیلی عرضه می‌شود.

در 20 اردیبهشت ماه که انتخابات رسماً آغاز شده بود، خبرگزاری فارس از قول حجت الاسلام ابراهیم کلانتری مسؤل نهاد نمایدگی ولی فقیه در دانشگاه تهران، جائی که این همه دانشجو با حساسیت تمام انتخابات را تعقیب می‌کرد، سخنی تحریک‌کننده و توهین‌آمیز در خروجی خود قرار داد: "خبرگزاري فارس: حجت‌الاسلام ابراهيم كلانتري گفت: تشكيل كميته‌اي با عنوان صيانت از آرا تكرار حرف دشمنان و به نوعي ريختن آب در آسياب دشمن است. ضمن اظهار تعجب از تشكيل كميته‌اي با عنوان صيانت از آرا توسط برخي از نامزدهاي

انتخابات رياست جمهوري ، اظهار داشت: عنوان كميته صيانت از آرا به طور غير مستقيم ذهن را به اين سمت سوق مي‌دهد كه گويا تاكنون آرا در نظام مقدس جمهوري اسلامي مخدوش مي‌شده و اين كميته به اين جهت پي‌ريزي شده تا از آرا مردم حفظ و حراست بعمل آورد واين امر بسيار جاي تعجب و شگفتي دارد." اين تاخت و تاز در تاريخ 88/3/9 با نظری که یکی دیگر از فقهای حامی تند احمدی‌نژاد داد رنگ تازه‌ای بخود گرفت. خبرگزاری دولتی فارس در این تاریخ مصاحبه‌ای با آقای شیخ محمد یزدی پخش کرد که در آن ادعا شده بود:

"خبرگزاري فارس: عضو فقهاي شوراي نگهبان، تشكيل نهادي موازي با شوراي نگهبان براي نظارت بر انتخابات را كه در قالب عناوين مختلف مطرح مي‌شود را غير قانوني، غير شرعي و غير عقلائي دانست. اظهار داشت: انجام اين كار، خلاف شرع و قانون و در حقيقت يك خلاف عقل است. ... يزدي نظارت استصوابي را نظارتي موثر و كارآمد توصيف كرد و گفت: نظارت استصوابي شوراي نگهبان از اولين مرحله تا آخرين مرحله انتخابات، ساري و جاري است. پس مسئوليت نظارت بر حسن اجراي قانون انتخابات به عهده شوراي نگهبان گذاشته شده است. ... وي در ادامه با اشاره به پيشنهاد كميته صيانت از آراء، تصريح كرد: بنابراين، مسئله‌اي كه اين روزها برخي افراد مطرح مي‌كنند يك كار سياسي و كار غلطي است. ... عضو فقهاي شوراي نگهبان اين

پیشنهاد را یك طرح سیاسي براي توجیه شکست احتمالي افرادي خاص در انتخابات دانست و گفت: این در واقع، پیش بیني براي یك اتهام است. آنها این کار را میکنند تا در آینده اگر نامزد مطلوبشان راي نیاورد بگویند آراء، تقلبي است! ... یزدي تصریح کرد: بنابراین به نظر من تشکیل این کمیته اصولا یك کار خلاف قانون است و براي کساني که قانون را میدانند، خلاف شرع هم هست. چون مخالفت با قانون، شرعا اشکال دارد و کسي که با قانون مصوب مجلس شوراي اسلامي و مورد تائید شوراي نگهبان، دانسته مخالفت میکند خلاف شرع عمل مینماید. ... عضو فقهاي شوراي نگهبان در پاسخ به ادعاي برخي افراد که میگویند ما اعتماد کافي به امر نظارت و اجرا نداریم، گفت: شوراي نگهبان موظف نیست تك تك افراد را راضي کند. وظیفه شوراي نگهبان این است که قانون را درست اجرا کند. اگر کسي بر حسن اجراي قانون از سوي یك نهاد اعتماد ندارد باید از مجاري قانوني، بگوید اینجا مجري انتخابات یا ناظر، خلاف قانون عمل کرده است. اما حق دخالت در کار کسي را ندارد.[26]"

تقارن زماني این قتواي آیت الله یزدي با اعلامیه اي که به نام کارکنان وزارت کشور دو روز پس از آن منتشر گردید و حاکي از سخنان یکي دیگر از روحانیان شاخص در مورد جلوگیري از انتخاب کسي جز از آقاي

[26] شماره خبر: 8803091310

احمدي‌نژاد بود، در كنار ساير قرائن مشهود، ذهن را به تصديق درستي اين ادعا سوق مي‌دهد. نامه كاركنان وزارت كشور كه همان زمان در روزنامه آفتاب نيوز منعكس گرديد، بسياري از مردم را از آنچه از فضاي سياسي كشور استشمام مي‌كردند مطمئن مي‌ساخت.
"آفتاب نيوز: چمعي از كاركنان وزارت كشور با انتشار نامه‌اي سرگشاده نسبت به تغيير و دستكاري آرا مردم در ستاد انتخابات كشور هشدار دادند.
در اين نامه كه رونوشت آن به رياست مجلس خبرگان رهبري، رياست مجلس شوراي اسلامي، رياست قوه قضائيه، رياست كميته صيانت ار آرا مردم، مسئول بازرسي دفتر مقام معظم رهبري، رياست سازمان بازرسي كل كشور و كانديداهاي دهمين دوره انتخابات رياست جمهوري ارسال شده آمده است:
اينجانبان از كاركنان متعهد، متخصص و ايثارگر وزارت كشور، با سابقه كارشناسي و مديريتي در برگزاري انتخابات متعدد، بعضا از دوره‌هاي آيت الله خامنه‌اي، آيت‌الله هاشمي رفسنجاني و حجت الاسلام و المسلمين خاتمي اعلام مي‌نماييم؛ از سلامت انتخابات كنوني به دلايلي كه شرح خواهيم داد، احساس خطر مي-كنيم. اهداف و برنامه ريزي در ستاد انتخابات كشور، به طور آشكار و متقني به سمت صيانت و سلامت از آراء مردم در انتخابات 22 خرداد 88 پيش نمي‌رود. ...
اينجانبان دوستداران نظام، انقلاب، رهبري و ميهن عزيزمان، مصرانه اعلام مي‌نماييم، قبل

از آن که خداي ناخواسته حادثه‌اي فراگير را در کشور شاهد باشيم و موقعيت نظام جمهوري اسلامي، وحدت مردم، انسجام و يکپارچگي کشور به خطر افتد که در آن صورت مهار آن مشکل، چه بسا غير ممکن باشد، به نجات وضع موجود در ستاد انتخابات کشور بشتابند ... و از همين جا مصرانه و عاجزانه تاکيد مي‌کنيم : ناظراني از کميته صيانت از آراء مردم به اتفاق نمايندگاني از دفتر بازرسي بيت مقام معظم رهبري و سازمان بازرسي کل کشور را درون "اتاق تجمبع آمار" در ستاد انتخابات کشور ... بفرستيد تا با حضور مستمر و آني، نگهبان آراء مردم باشند " انشاءالله. ...

2- بعد از ريزش شديد آراء يکي از کانديداها و نا اميدي يارانش و نيز کاهش درصد آراي مشاراليه در نظر سنجي‌هاي معتبر دولتي در اوايل ارديبهشت ماه سال جاري، يکي از آقايان اساتيد حوزه و رئيس موسسه آموزشي در قم که اتفاقاً زماني مباحث فلسفه سياسي را در نماز جمعه تهران مطرح مي‌کردند، در جلسه محرمانه‌اي ... خواهان تغيير آرا به نفع کانديداي اقليت مي‌شود و مي‌گويد: «اگر کسي رئيس جمهور شود و ارزش‌هاي اسلامي که اکنون در لبنان، فلسطين و ونزوئلا و ديگر نقاط جهان منتشر شده آسيب ببيند، رأي دادن به او جايز نيست و حرام است؛ هم خودمان نبايد راي بدهيم و هم بايد مردم را هوشيار کنيم که راي ندهند، ولا غير. بر شما مسئولين انتخابات، هر امري واجب است»

3- ايشان ضمن گلايه شديد از برخي نامزدها ادامه داد: «كساني كه اصلاً صلاحيت اخلاقي و قانوني ندارد را بريزيد دور» و تاكيد مي‌كند : «بالاترين وظيفه آن است كه آنچه را درحال از دست دادن هستيد برگردانيد.» [بدين ترتيب] حكم شرعي" تغيير آراء" در انتخابات صادر شده است. در اين شرايط سرانجام انتخابات رياست جمهوري 88 چه خواهد شد؟! ...

5- بعد از اين جلسه مهم بود كه ... ابتدا آن مسوول درس خوانده مكتب چرچيل دكتراي هوا و فضا [آقاي دانشجو]، ...، دست به‌كار شد و تعداد شعب اخذ آرا را كه در روز 24 فروردين 88 اعلام كرده بود : "بيش از 48 هزار عدد است" در روز 23 ارديبهشت ماه به "45 هزار و 758 مورد" تقليل داد، همچنين تعداد واجدان شرايط در انتخابات رياست جمهوري را 46 ميليون و 200 هزار نفر اعلام كرد. اين آمار در حالي بيان شد كه قبلا جداول مركز آمار ايران حدود 51 ميليون و 300 هزار نفر را واجد شرايط راي دادن دانسته بود.

6- ... سپس تشكيل كميته صيانت از آراء مردم كه ازسوي ياران و معتمدان نزديك حضرت امام (ره) و دلسوزان و معتقدان به نظام مقدس جمهوري اسلامي پيشنهاد شده بود را داراي وجهه قانوني ندانستند، فقط در خصوص حضور نمايندگان كانديداها يا احزاب در شعب آراء، رييس ستاد انتخابات با منت و تهديد گفت: «اين موضوع پيش‌بيني نشده، اما اين

افراد فقط ناظرند و حق هيچگونه دخالت جز گزارش دادن به هيئت نظارت يا اجرايي ندارند وگرنه از پاي صندوقهاي رأي بيرون رانده مي-شوند.» ...

9- چاپ 12 ميليون تعرفه اضافي قابل تامل است. بنا به رويت صورتجلسه اي ديگر، اكنون بيش از 58 ميليون تعرفه براي 46 ميليون و 200 هزار واجد شرايط چاپ رسيده است، در حالي كه رييس ستاد انتخابات كشور در گفت و گو با رسانه هاي جمعي در تاريخ 6 خرداد 88 اعلام كرد: حدود 57 ميليون برگ راي براي برگزاري انتخابات رياست جمهوري چاپ شده است»، براين اساس، اگر اسناد موجود را ملاك قرار دهيم، در اين بخش از نامبرده (مجري و امانتدار انتخابات) براي بيش از يك ميليون تعرفه دورغ گفته شده است. بدين ترتيب براي معادل 38/5 درصد از كل واجدين شرايط تعرفه اضافي چاپ شده است.

10- فرمول " تغيير آراء" آقايان از فرمول مشاركت حداقلي مردم تبعيت مي‌كند، اما اگر سطح مشاركت مردم افزايش يابد ان شاءالله چنين است و يا شاهد حضور نمايندگان كانديداها يا دستگاههاي نظارتي هم چون سازمان بازرسي كل كشور در ستاد انتخابات كشور خصوصاً "اتاق تجميع آمار" باشيم، نقشه آنان كارساز نخواهد شد.

... اين نيز از وعده هاي خداوند قادر است كه مي‌فرمايند: " و مكروا و مكرالله و الله خيرالماكرين"

يكي از دلايل گرايش انسان به قبول درستي مطالب اين نامه، موضوع تعرفة چاپشده در قبل از انتخابات است كه عدد داده شده در اينجا با عددي كه شوراي نگهبان و آقاي محصولي پس از انتخابات در 88/4/4 دادند، سازگاري دارد، در حالي كه تا آن زمان شوراي نگهبان و وزارت كشور، بويژه آقايان محصولي و دانشجو تأكيد داشتند كه قبل از انتخابات حدود 57 ميليون تعرفه چاپ شده است. مستندات اين موضوع در مبحث تعرفه به آگاهي خواهد رسيد.

آیا شورای نگهبان در اصرار بر تأیید صلاحیت نمایندة شورای شهرستان که در متن قانون است، در قانونی که خودش تأیید کرده است، خلاف قانون و در نتیجه خلاف شرع عمل نمی‌کند؟ آیا شورای نگهبانی که قانون نظارت نمایندگان نامزدها را در هیئت های اجرائی و سایر مراحل تأیید کرده است با مشاهدة رفتار وزارت کشور در نادیده گرفتن و حذف نظارت آنان متوجه عمل خلاف شرع نشد؟ تنها طرح تقاضای قانونی احزاب و نامزدها خلاف شرع است؟ تفسیر شما از شرع چگونه است که کاری بکار شما ندارد و بي مجوز محروميت ديگران را از حقوق حقة خويش صادر مي‌كنيد؟ اینکه عضو شورای نگهبان در حال انجام وظیفه به طرف مقابل دولت اتهام می‌زند که آنها قصد زمینه چینی برای ادعای تقلب را دارند، کار خلاف شرع نمی‌کند؟ آیا سخنان رهبری در عید را نشنیده اند؟

خوانندة محترم! آیا به نظر شما این شخص در شورای نگهبان می تواند به شکایات ما و شما از عملکرد خودش رسیدگی نماید؟ آیا این کار عاقلانه است که از دست چنین کسی که با بیان همین مطالب مرتکب خلاف شرع می‌شود، به خودش شکایت ببریم؟!

بدنبال این تکفیر تازه، در 88/3/11 خبرگزاری حکومتی فارس همین ادعا را که مکرر از پائیز گذشته به اصطلاح اصولگرایان به تهمت بیان می‌کردند، بار دیگر از زبان گروهی با عنوان زنان ایثارگر روی خروجی خود گذاشت: "کمیته صیانت از آرا چاره جويي زودهنگام براي توجيه شکست در انتخابات است."[27]

اگر آن‌ها تا این اندازه از پیروزی خودشان مطمئن بودند، چرا از نظارت مشروع دیگران بر کار «درستشان» هراسان بودند؟ به گفتة خودشان آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک؟ اگر سنگ ترازوي بارتان کم نبود، از نظارت محتسب چه بیم داشتید؟

هنگامي که در جريان دادگاه‌هاي فرمايشي با آن هياهوي تلويزيوني براي محاکمة دستگيرشدگان به اصطلاح تظاهرات خياباني پس از انتخابات از سخنان وکلاي مدافع آشکار گرديد که برخي از احکام دستگيري‌ها از 10 خرداد صادر شده و در اختيار عوامل نظامي بوده و از روز 88/3/21 شروع به دستگيري کرده‌اند، معلوم گرديد که اين روزها براي

---

27 شماره خبر: 8803110621

دست‌اندکاران کودات بسیار تعیین کننده بوده و در همین ایام آخرین تصمیم‌ها را براي تغییر وضعیت حاکم بر صندوق‌ها گرفته‌اند و روز 88/3/22 رأي مردم خوانده نخواهدشد. تشویش در گفتار و رفتار دولتیان به اندازه‌اي بود که علي رغم پرده‌پوشي‌ها و پنهان‌کاري‌ها، مردم بخوبي بوي کودتاي انتخاباتي را استشمام مي‌کردند.

در این تاریخ که عملاً دیگر هیئت‌های جرائی و نظار بطور یکدست از میان حامیان این جناح چیده شده و بدون حضور نامزدها و اطلاعشان از دلایل افزایش صندوق‌ها و مخصوصاً صندوق‌های سیار، یا سایر تصمیمات مرتبط، کارها را پیش برده بودند، جز یک اظهار تردید در روند جاری و آگاهی دادن به عموم چارة دیگری برای نامزدها نمانده بود. از این رو، در همین روز، یعنی 88/3/11 اعلامیه‌ای که حاکی از این نومیدی است از سوی ستاد صیانت از آرای آقای موسوی صادر گردید:

"بسمه تعالی

هموطنان عزیز ، شهروندان گرامی

... در این راستا ، با اعلام اینکه به منظور افزایش ضریب اعتماد عمومی بر صحت انتخابات و در چارچوب اصل اساسی جلب مشارکت مردم در همه امور ، مبتنی بر ظرفیت‌های قانونی موجود ، کمیته‌ای با عنوان صیانت از آرا تشکیل گردیده تا به این منظور اسباب حضور نمایندگان نامزدها در جریان برگزاری

انتخابات تا پایان شمارش آرا فراهم آید ، توجه شما سروران گرامی به نکاتی چند در این خصوص جلب می‌گردد:

1- انتخابات در کشور ما نه تنها صورتگر وجهه مردم سالارانه نظام و برآمدن همه مناصب عالی از خلال صندوق‌های رای است، بلکه برگزاری انتخابات آزاد و قانونی، مشروعیت‌آفرین بوده و به همبستگی ملی، تحکیم پیوند بین حاکمیت و مردم و تضمین امنیت ملی کشور می‌انجامد.

2- با توجه به اهمیت انتخابات آزاد و قانونی، به منظور تامین سلامت انتخابات و پاسداری از رای مردم و ممانعت از سوء استفاده احتمالی، خبرگان قانون اساسی شورای نگهبان را به عنوان مرجع نظارت بر انتخابات قرار دادند. لذا گرچه در پرتو حاکمیت شرع و اسلامیت نظام و با توجه به ساختار برگزاری انتخابات در ایران و محول شدن اجرای انتخابات به هیات های اجرایی متشکل از معتمدین اقشار مختلف مردم و با وجود نهاد ناظری با جایگاهی خاص و بهره مند از اختیاراتی موسع

علی القاعده شرایط لازم جهت تضمین سلامت انتخابات مهیا و اسباب آرامش خاطر مردم از باب عدم خدشه به آرا آنان فراهم است، لیکن سابقه عملکرد جهتدار نهاد ناظر در جریان برخی انتخابات مهم در سنوات گذشته همراه با همسویی معنادار متولیان اجرا و نظارت در این دوره و نوع سوگیری‌های آنان در خصوص برخی اقدامات خلاف و غیر قانونی موجب بروز برخی تردیدها و دغدغه خاطرها در میان افکار عمومی، گروهها و فعالان سیاسی و داوطلبان انتخابات در خصوص صحت و سلامت انتخابات شده است.

3- ...

4- نظر به وجود این دل نگرانی‌ها به منظور تمهید راهکار مناسب و قانونی معطوف به افزایش اطمینان مردم نسبت به بیطرفی عوامل اجرا و نظارت و انطباق کامل روند انتخابات با قانون، مستند به قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رای مصوب 1379/5/30 مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن ، ایجاد ساختاری به نام کمیته صیانت

از آرا پیش‌بینی شد تا در لوای این سامانه مدنی اقدام به شناسایی افراد و آموزش آنها شده و امکان حضور نمایندگان نامزد در هیات اجرایی و محل‌های اخذ و شمارش آرا تا پایان فرایند شمارش آرا و تنظیم صورتجلسات مربوطه را فراهم شود و در پرتو این حضور ، اطمینان کافی نسبت به صحت فرایند انتخابات و تضمین سلامت انتخابات تقویت گردد.

5- گرچه با توجه به پیش‌بینی حدود 47 هزار صندوق اخذ رای در سراسر کشور فرایند جذب، آموزش و حضور این تعداد نماینده داوطلبان چنین سامانه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما بدیهی است این راهبرد نه از جهت دل نگرانی کاندیدای خاص نسبت به آراء خود، بلکه از باب مسئولیت و دغدغه نسبت به آرا مردم صرف نظر از اینکه این آرا متعلق به کدامین کاندیدا باشد پیگیری و دنبال می‌گردد.

6- با وجودی که ابتکار استفاده از این ظرفیت قانونی از نظر ایجاد اطمینان خاطر برای شهروندان نسبت به صحت

انتخابات و تشویق آنها به مشارکت بیشتر ، می بایست مورد توجه و عنایت مسئولین اجرایی و نظارت قرار می‌گرفت، اما متأسفانه در رویکردی مغایر با قانون ، مواضع منفی این مقامات در این خصوص، خود موجب تشدید دغدغه های پیش گفته گردیده است. تاسفبرانگیزتر اینکه به‌رغم تصریح قانون برخی مسئولان نظارتی طی دستورالعملی رسمی در مقام تفسیر قانون با تحریف آن دامنه حضور نمایندگان را محدود کرده و مدعی عدم امکان حضور نمایندگان آنها در هیات‌های اجرایی می‌گردند.

7- ... در خاتمه، با تاکید بر اینکه در ایفای پیمان خویش با مردم استوار و باصلابت ایستاده‌ایم و در راستای پاسداشت آرا و تحقق خواست و انتخاب واقعی آنان از هیچ تلاشی فروگذاری نخواهیم کرد، همه هموطنان عزیز را به حضور هوشیارانه و آگاهانه در صحنه انتخابات که رافع دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و متضمن برون‌رفت از وضع موجود و رقم‌زدن فردایی

بهتر برای ایران اسلامی است فرا می خوانیم.
کمیته صیانت از آرای ستاد انتخاباتی مهندس میر حسین موسوی"

این اعلامیه برخلاف ظاهر آن، حاکی از پیروزی جنگ روانی حریف برای از بین‌بردن فرصت ستاد انتخاباتی مطرح‌ترین نامزد در این دوره است. اعلامیه در 88/3/11، یعنی 10 روز مانده به انتخابات صادر شده و اعتراف می‌کند که ستاد نتوانسته در جریان کار هیئت‌های اجرائی باشد. در حقیقت، این اعلامیه شکایتی است از سنگاندازی‌های دستگاه نظارت و اجرا و قانون‌شکنی‌های آنها به پیشگاه ملت. شواهد نشان می دهد که کمیتة صیانت از آراء که در این زمان تصمیم گرفت دستکم از امکان حضور ناظران در سر صندوق‌ها استفاده کند، به‌خاطر از دست‌دادن فرصت زمانی نتوانست در سرتاسر کشور به تعداد صندوق‌ها نماینده معرفی کند. خود این ضعف از یکسو، میدانی بود برای آن دسته از متولیان که صحت ادعای خود را در امانتداری نشان دهند و از سوی دیگر، عرصه را برای عوامل رقیب که دارای روحیة نظامی بودند، بازگذاشت تا دستکم در صندوق‌هایی که نماینده‌ای از این‌سو نبود، فعال مایشاء بشوند. اگر روزی کسانی بخواهند ستادهای آقایان موسوی و کروبی و رضائی را ملامت کنند، باید روی این ضعف آنها انگشت بگذارند. تازه در روز 88/3/11، یعنی ده روز مانده به انتخابات، این کمیته در اعلامیة

خودش توجیهات شش ماه پیش برای تشکیل کمیته را تکرار می‌کند، هیچ درخواستی از احزاب همراه برای شرکت در این سازماندهی دیده نمی‌شود، سرانجام پس از انتخابات معلوم می‌گردد که آنها توانسته بودند نزدیک به سی و پنجهزار نفر را به فرمانداری‌ها معرفی کنند، از این میان برای کمتر از سی هزار نفر کارت شناسایی حضور در سر صندوق‌ها صادر شد. تازه بخش مهمی از این کارت‌ها ناقص بوده و یا عکس مردها را روی کارت زنها چسبانده بودند یا نشانی ناشناس برای ناظر تعیین کرده بودند که مدتی طول می‌کشید در آنجا حاضر شود و بنابراین، شاهد بازکردن صندوق‌ها نباشند.

البته در دنبالة مطلب نشان خواهیم داد که چگونه از حضور همین تعداد نمایندة معرفی‌شده هم در بسیاری از جاها جلوگیری شده است. اصل قضیه این است که شورای نگهبان و دستگاه نظارت نه‌تنها هیچ عکس‌العملی در جهت حل قضیه از خود نشان نداد، بلکه بر تأیید رفتار وزارت کشور ادامه می‌داد و در گزارشات خود به این تخلف هماهنگ‌شده و آشکار هیچ‌گونه اشاره نکرد؛ در عوض، در گزارش تفصیلی بدون اشاره به این همه درگیری‌ها مدعی شد که آقای موسوی بیش از چهل هزار نماینده داشته، درحالی‌که هم این عدد صحیح نیست و هم ادعای حضور بسیاری از معرفی‌شده‌ها درست نیست و هم موضوع عدم حضور یک نفر در ستادهای اجرائی محلی مورد توجه قرار نگرفته است.

جالب است که آقای دانشجو، رئیس اصولگرا و مکتبی و متعهد ستاد مرکزی انتخابات علی‌رغم فتوای آقای یزدی به حرمت توقع صیانت از آرا، در 88/3/16 در نشست خبری خود با خبرنگاران می‌گوید: "وزارت کشور و ستاد انتخابات با فعالیت کمیته‌ای با نام صیانت از آرا در ستاد انتخاباتی نامزدها مخالفتی ندارد، اما «نمی‌شود در ستاد یک نامزد خاص کمیته‌ای تشکیل شود و بعد بگویند ما می‌خواهیم از آرای هر چهار نامزد دفاع کنیم.»[28] جملة اخیر اشاره‌ای سفسطه‌آمیز به فرازی از اعلامیة حجت‌الاسلام محتشمی‌پور است که در بالا نقل شد. در این اعلامیه به «دغدغه نسبت به آرا مردم صرف نظر از اینکه این آرا متعلق به کدامین کاندیدا باشد» اشاره شده بود؛ این در واقع، توصیة شرع و همچنین الزام قانون نظارت نامزدهاست. گفتن اینکه ما به دنبال نظارت بر روند درست کارها هستیم، ناظر نامزدها باید ناظر درستکاری باشند و حتی ظلم در حق نامزد دیگر را برنتابند، گناهی نابخشودنی در نظر رئیس ستاد انتخابات کشور است. این کنه

[28] جالب است بدانید که هم اکنون سایت وزارت کشور و آرشیو درگاه آن خیلی از اعلامیه ها و کنفرانس های آقای محصولی و آقای دانشجو را از حافظة خود پاک کرده است. خبرگزاری ایرنا، فارس، ... و بسیاری دیگر از سایتهای حامی دولت انبوهی از نوشته های توهین آمیز یا مطالب مرتبط و قابل استناد انتخاباتی را از آرشیوهایشان برداشته اند. خبر بالا در سایت بی بی سی فارسی در دسترس مانده است.

معنای مجادله‌ای بود که بر سر صیانت درگرفته بود. عملاً جناح حاکم معتقد بود، جز خودش کس دیگری حق دعوی صداقت ندارد. لذا می‌بینیم که در جناح حاکم حتی التزام مردم به‌درستی جرم محسوی می‌شود! این است خطری که مردم باید از آن بیم داشته باشند.
مواقعت عوام‌فریبانة آقای کامران دانشجو در 16 خرداد با صیانت از آرا، یعنی چهار روز پیش از مهلت قانونی عملاً بدین‌معنا بود که آنها توانسته بودند دور از چشم مردم کار خودشان را سامان بدهند و اکنون دور تازة فریب کمیتة صیانت از آرا بود. آنها می‌دانستند که در این فرصت این کمیته دیگر قادر به سازمان‌دهی نیست. طبق قانون نظارت نمایندگان نامزدها حداکثر باید 48 ساعت پیش از انتخابات کارت نظارت صادر شده باشد. با این‌حال، ما معتقدیم که کمیتة صیانت نامزدها در این کار اهمال کردند و یا در اثر جوی که ساخته شده بود، زمان لازم را از دست دادند و به مجادلات بیهودة حریف تن دادند. آنها باید از مدتها پیش و در کنار کار تبلیغاتی به سازماندهی می‌پرداختند. همین نکته از سوی دیگر نشان می دهد که اتهامات دستگاه حاکمه به معترضان پس از انتخابات تا چه اندازه بی‌اساس بوده است که مدام ادعا کرده‌اند آنها با سازمان‌دهی قبلی جریان اعتراض را پیش برده‌اند.
حتی روز انتخابات نیز علی‌رغم اینکه آقای موسوی از یک هفته پیش در جریان توطئة

امنیتی‌کردن فضای کشور و قطع تلفن و اس‌ام‌اس بود - و این نکته توسط آقای محتشمی‌پور اعلام شده بود - با این‌حال، برای پیشگیری از حرکت‌های حساب‌نشدة مردمی که خود را در محاصرة یک برنامة نظامی از پیش‌طراحی‌شده می‌دیدند، در فضایی که دیگر همة امکانات ارتباطی از او و هوادارانش سلب شده بود، با هشیاری پیام داد که:

"بسم‌الله الرحمن الرحیم
ملت شریف ایران
پیام‌های بیشماری از سوی اقشار مختلف شما مبنی بر ابراز نگرانی نسبت به شیوة برگزاری انتخابات و سلامت آن واصل می‌شود. تمامی شما را به حسن ظن نسبت به برگزارکنندگان انتخابات دعوت می‌کنم. ناظران کمیته صیانت از آراء ستاد اینجانب با دقت کامل روند انتخابات را زیر نظر دارند و مستمرا نتایج گزارش این کمیته را به اطلاع آنان خواهند رساند.
مردم عزیز اطمینان داشته باشند که کوچکترین تنازلی از حق آنان برای برگزاری انتخابات سالم نخواهم داشت.
میرحسین موسوی[29]"
رأی‌دهندگان امروز حق دارند که از آقای موسوی و کمیتة صیانت از آرای وی و حتی از احزاب حامی که سابقة بیشتری در این مسأله داشتند، مانند سازمان مجاهدین انقلاب و

[29] سایت روزنامه آفتاب نیوز، 88/3/22

جبهة مشارکت، حزب اعتماد ملی که در این مصیبت شریک هواداران موسوی بود، بازخواست نمایند و بپرسند که علی‌رغم اطلاعشان از توطئة طراحی شده چرا تدابیر لازم را نیاندیشیدند؟! اگر خوب دقت کنید، ملاحظه خواهید کرد که نخستین دستگیری‌ها از میان اعضای با تجربه و فعال احزاب حامی دو نامزد مشهور و بویژه پشتیبانان آقای موسوی بوده است. طراحان کودتا نیک می دانستند که شخص آقای موسوی دارای تشکیلات منسجم و باتجربه‌ای در ستاد خودش نیست و برای سازماندهی به امکانات احزاب موافق و قدرت مدیریتی آنها نیاز دارد. از این‌رو، در نخستین گام برای فلج‌کردن ایشان و سلب هرگونه تحرک در پیشگیری از کودتا این احزاب را نشانه رفته و پیشاپیش سران آنها را دستگیر کردند؛ مؤکداً باید به یاد داشته باشیم که آغاز دستگیری‌ها 24 ساعت پیش از انتخابات بوده است!! مسأله فقط به دخالت عده‌ای نظامی در انتخابات و تخطی از قانون مربوط نیست، اینکار بدون هماهنگی یا اطمینان از تبعیت بی‌چون و چرای قوة قضائیه و نهادهای اطلاعاتی کشور نمی‌توانست صورت گیرد. هرگاه مسؤلین بالاتر در امور نظامی منکر اطلاعات پیشینشان از تصمیمات برای دخالتی در این سطح باشند، اعترافی سنگین به از هم پاشیدگی امور دارند، تا آنجا که سلسله مراتب مقرر در قانون اساسی نادیده گرفته شده است و اگر معترف به آگاهی باشند، باید در برابر قانون پاسخگوی این

تصمیم باشند. *آقای محصولی که از دیماه گذشته طی حکم رهبری به عنوان جانشین ایشان در امور انتظامی تعیین شده است، شریک کلیة این جرائم و از آمران به کشتار و دستگیری و شکنجه است*. ما دخالت های آشکار ستاد مبارزه با قاچاق را که از امکانات تسلیحاتی و فنی و پرسنلی و حتی قضائی برخوردار بوده و زیر نظر آقای الهام – سخنگوی دولت احمدی نژاد و یار غار او، عضو شورای نگهبان و وزیر دادگستری دولت نهم– اداره می شد، مستنداً به عرض شما خواهیم رساند. دولت با در اختیار داشتن فرماندهی نیروی انتظامی، وزارت طلاعات، ستاد مبارزه با قرماندهی نیروی انتظامی، وزارت طلاعات، ستاد مبارزه با قاچاق و دادستان تهران (آقای سعید مرتضوی) همة امکانات را برای کودتا در اختیار داشته است.

روز جمعه 88/3/15 ناگهان شایع شد که دولت درصدد قطع اینترنت و اس ام اس و تلفن‌های شهری در روز 21 و 22 خرداد است و آقای محتشمی‌پور هم از امکان چنین رویدادی ابراز نگرانی کرد، روز 88/3/16 آقای کامران دانشجو در این رابطه در جمع خبرنگاران گفت: "می‌گویند مجریان انتخابات قصد از کار انداختن سامانه پیامک و قطع اینترنت را دارند، باید به آنها بگویم باور کنید دروغ گفتن مصیبت است." حوادث بعدی نشان داد که راستگفتن در این زمانه و در این فضا «مصیبت دارد»! مصیبتی که هنوز نالة خانواده های اسرا در کنار دیوار بستة زندان

اوین بر سر سفرة خون‌آلود افطار غریبانه برای آزادی عزیزانشان فضای جامعه را تیره ساخته است.
همانطور که اشاره شد با مصاحبة آقای دانشجو در 88/3/16 تاکتیک دولتیان و نظامیان بظاهر تغییر کرد، اما بنا بر شواهد موجود، هیچیک از سه نامزد و ستادهایشان بجز امید به حضور پرشور مردم و مراقبت خود آنها هیچ تدبیر ملموسی نتوانستند بینایشند و بکار بگیرند.
آقای کعبی عضو حقوقدان شورای نگهبان که به همراه آقایان جنتی و علیزاده از اعضای شورا و کدخدائی سحنگوی آن، عضو هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بود در 88/3/15 در جهت تکمیل حملات دستگاه نظارت در یک سخنرانی می‌گوید:
"تهران- خبرگزاری ایسکانیوز به‌نقل از اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان: عضو حقوقدان شورای نگهبان با اشاره به حمایت دشمنان خارجی و گروه‌های غیر قانونی از برخی کاندیداها تاکید کرد: این نامزدها باید صف خود را از دشمنان ملت جدا کرده و از آنها اعلام برائت کنند.
... کعبی با اشاره به جنبه‌های فقهی و حقوقی انتخابات نیز گفت: از آنجائی که انتخابات از لحاظ فقهی، تاکید بر بیعت مجدد امت با امام(ره) است، دارای همه ثوابهای بیعت نیز هست و به آن دلیل که نمایانگر پشتیبانی از نظام است و موجب حفظ و تداوم نظام می‌شود، واجب است؛ به همین

دلیل شرکت در انتخابات یک واجب سیاسی می‌شود.
عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه به جنبه قانونی انتخابات‌نیز اشاره کرد و گفت: از سوی دیگر چون شرکت در انتخابات طبق قانون اساسی در نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان یک حق برای مردم تلقی شده است، بنابراین شرکت در انتخابات هم یک تکلیف سیاسی و هم یک حق همگانی است. ... اگر چه مبنای قدرت در جمهوری اسلامی ایران، الهی است اما سرچشمه جوشان قدرت سیاسی، مردم هستند. ... شورای نگهبان به عنوان ناظر بر انتخابات در ادوار گوناگون ثابت کرده است که در انتخابات نام کسانی از صندوق بیرون می‌آید که مردم به آنها رای داده‌اند. ... ما به مردم کشورمان اطمینان می‌دهیم که شورای نگهبان مراقب اوضاع هست و جریان‌های انتخابات را رصد می‌کند. ... ضمن اینکه به برخی از تخلفات انتخاباتی و بداخلاقی‌ها تذکر داده‌ایم یادآوری می‌کنیم که تخریب و تخلف از قانون در روند انتخابات، جرم است. ... شورای نگهبان اگر تشخیص بدهد که در روند برگزاری انتخابات در برخی شعب اقدامات غیر قانونی و یا اخلالی ایجاد شده است انتخابات آن شعب را ابطال می‌کند. وی ایجاد التهاب و اغتشاش در روند برگزاری انتخابات را توطئه دشمنان دانست و افزود: پروژه دشمن در این انتخابات نیز مانند ادوار گذشته ایجاد التهاب سیاسی، اجتماعی، اغتشاش و حتی آشوب است. ... وی ایجاد ناامنی، اختلاف‌افکنی‌های

قومی و مذهبی، القای تقلب و تشکیک در سلامت انتخابات را از جمله برنامه های دشمن‌خواند و گفت: دشمنان همواره در یک جنگ روانی تلاش می‌کنند با تهییج احساسات مردم و عواطف عمومی یک التهاب سیاسی ایجاد کنند و اذهان جامعه را نسبت به سلامت انتخابات ونتیجه آن دچار تردید کنند. ... در دوره‌های گذشته، پروژه دشمن، تحریم انتخابات بود تا با حضور اندک مردم به اهدافش برسد. اکنون چون آنها حضور پررنگ مردم را می‌بینند، از تحقق این پروژه مایوس شده‌اند و از طرفی هم می‌بینند این پروژه ممکن است طرفدارانشان را از صحنه سیاسی کشور حذف کند. بنابراین در این دوره از انتخابات دشمنان نظام اسلامی می‌کوشند از خود انتخابات استفاده ابزاری کنند و سعی دارند پروژه حمایت از برخی کاندیداها را اجرا کنند. به همین دلیل به شکل بسیار گسترده‌ای کسانی را که در جبهه اپوزیسیون و مخالفان نظام بودند به حمایت از بعضی کاندیداها فراخوانده‌اند. البته نه دشمنان نظام و نه گروه‌های اپوزیسیون دوستدار هیچ یک از نامزدها نیستند. ... بنابراین هم اکنون می‌خواهند پشت سر بعضی ازکاندیداها سنگر بگیرند شاید بتوانند از آنها استفاده‌ابزاری داشته باشند و پروژه اغتشاش و آشوب را از طریق اعتراض به نتیجه انتخابات و ناامن کردن فضای عمومی را پیگیری می‌کنند.

وی بحث تشکیل کمیته صیانت از آراء را هم در این راستا ارزیابی کرد و گفت: متاسفانه

بعضی در داخل در اثر این القائات به تشکیل کمیته صیانت از آراء دست زدند. حال آنکه چنین نهادی در هیچ جای قانون انتخابات پیش بینی نشده است و حفظ سلامت انتخابات و صیانت از آرا برعهده شورای نگهبان است. البته حضور نمایندگان نامزدها، در روز اخذ رای در پای صندوق‌ها بلامانع است. عضو حقوقدان شورای نگهبان افزود: شورای نگهبان بارها اعلام کرده است که تشکیل چنین کمیته‌ای غیرقانونی است و اگر با شورای نگهبان عملکرد موازی داشته باشد، معقول هم نیست. وی تصریح کرد: این کمیته به جزالقای احتمال تقلب و تشکیک در سلامت انتخابات، هیچ کارکرد دیگری نمی‌تواند داشته باشد. باید متوجه باشیم که پروژه این جنگ روانی را دشمن تدارک دیده است؛ بنابراین القای تشکیک در سلامت انتخابات، افتادن در دام جنگ روانی دشمن است و باید مراقب بود کسی ناخواسته در این دام نیفتد. فضای انتخابات باید امن، سالم، با متانت و با وقار و همراه با رعایت اخلاق و قانون انتخاباتی باشد. بدیهی است که رعایت وفاق و وحدت علیرغم اختلاف سلیقه در انتخابات یک اصل بسیار مهم در انتخابات است."

اینها سخنان یک حجت الاسلام و یک حقوقدان در کشور اسلامی و در حال انجام وظیفة انتخاباتی است. از یکسو، برخی نامزدها را آلت دست بیگانه می داند، تشکیل کمیته صیانت را تن دادن به خواست دشمن و القای تقلب می نامد، از سوی دیگر مدعی است که

شورای نگهبان همیشه مواظب آراء مردم است. آنجا که ایشان مدعی است: «شورای نگهبان مراقب اوضاع هست و جریان‌های انتخابات را رصد می‌کند»، ما نمی دانیم که باید قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را. ایشان به عنوان یک عضو شورا و هیئت نظارت، اگر مدعی رصد کردن همة امور است، چرا همین سخنان خود را به عنوان کاری غیرقانونی رصد نکرده است، همچنین کارهای همکارانش و رفتار وزارت کشور را. از یکسو با اتخاذ موضعی دینی، نامزدهای رقیب احمدی نژاد را با شاره ای صریحتر از تصریح آلت دست می نامد، از سوی دیگر مدعی رصد کردن رفتارهای خلاف قانون است. متأسفانه مرزها آنچنان مخدوش شده است که، هرکس درموضع قدرت حکومتی هرچه می گوید، یک انتقاد سازنده و کاری درست است و اصلاً مغایر قانون نیست، و هرکس بیرون از دایرة قدرت حکومتی است، هرچه گوید تخریب و در جهت حمایت از دشمن خارجی و وابستگی به یک خط برانداز داخلی است.

این جناب حجت الاسلام و حقودان نیک می داند که شرعاً، عقلاً و قانوناً رضایت امام در اقتدای مأموم شرط نیست، یعنی کسی نمی تواند به هیچ کس دیگر بگوید که به من رأی نده، این کار خودش اگر جرم نباشد امری قبیح و برخلاف اصول قانون اساسی است. اینکه افرادی که مواضع سیاسی آنها موافق طبع آقای کعبی نیست، از یک نامزد حمایت می کنند، دلیلی بر بد بودن نامزد یا آلت دست

بودنش نیست. اگر یک بهائی یا یک کمونیست ایرانی، چه در داخل و چه در خارج، به آقای احمدی نژی رأی داده باشد، آیا معقول است که کسی این را بهانه برای تخطئة ایشان قراردهد؟ آیا در زمان انتخابات از موضع عضویت در شورای نگهبان، که قانوناً عدم بی طرفی جرم است، می شود این حرفها را زد؟آیا کسی که به ادعای خودش باید ضامن صحت انتخابات باشد، وقتی به افرادی که خواهان این صحت هستند، این همه بد و بیراه بار می کند، می تواند مورد اعتماد واقع شود؟ آیا آقای احمدی نژاد که در فیلم تبلیغاتی خودش از گریة مشتاق و صمیمی یک دختر تنیس باز ارمنی هموطن در ابراز احساسات نسبت به خودش بهرة تبلیغاتی می برد، ما و آین آقای کعبی حق داریم که ایشان را به خاطر توجه و احترام به احساسات یک هموطن، هرچند بدحجاب یا بی حجاب، مورد شماتت قرار دهیم؟ در بخش گزارش مسائل تبلیغات، عکس هایی از دختران بد حجابی را که سایت های دولتی حامی آقای احمدی نژاد منتشر کرده اند، نشان خواهیم داد، ما ضمن احترام به این افراد، آیا حق داریم که این نوع ظاهر شدن آنها را به حساب احمدی نژاد بگذاریم؟

آقای کعبی، در اینجا می پذیرد که نامزدها می توانند سر صندوق ها ناظر داشته باشند، ضمن اینکه نمی گوید در زمان سخنرانی دستکم همه از همین روزنه با عنوان کمیته صیانت یاد می کردند، اشاره ای به کوتاهی عمدی شورای نگهبان و وزارت کشور در راه ندادن

عوامل نظارتی نامزدها در هیئت های اجرائی و جلسات تصمیم گیری در مورد شمار صندوق های ثابت و سیار و جلسات مربوط به تعیین میزان تعرفه و نحوة چاپ آنها نمی کند، اما تا می تواند با سخنانی کلی خودشان را صدیق و دیگران را هواخواه ارادة «دشمن» معرفی می نماید!!

از نظر ما این سخنرانی آقای کعبی بر اساس گفته های خودش و با نظر به صریح قانون جرم بوده است، اما هرگز دیدگان به اصطلاح خودشان تیزبین و عادل شورای نگهبان این جررم را رصد نکرد؛ نه تنها در مورد ایشان بلکه در مورد دیگر اعضاء هم عکس العملی نشان نداد. بارها ادعا کرده اند که ما به شکایات مستند رسیدگی می کنیم، بعلاوه به مشاهدات خودمان هم رسیدگی می کنیم، اما در این موارد نه مشاهده ای داشتند و نه به شکایات مستند کمیتة صیانت از آرء آقای موسوی رسیدگی کردند. نه تنها باید در همان زمان این افراد به قوة قضائیه معرفی می شدند بلکه لازم بود بلافاصله از کار برکنار گردند، اما متأسفانه:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر نالة من**
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است.

لازم به یادآوری است که آقای کعبی در جریان ملاقات مشهور آقای احمدی نژاد با آیت الله جوادی آملی حضور داشته و بنا بر این از ادعای دروغ او در مناظره با آقای موسوی کاملاً مطلع بوده است، اما با سکوت خودش به عنوان یک عضو مسؤل در انتخابات به

تبلیغاتی کمک نمود که در «آراء» اثر گذار است؛ شرح ماجرا در بخش تبلیغات خواهد آمد.
همانطور که متذکر شدیم، با این دلیل واهی که هرکس خواهان نظارت بر رفتار حکومت خود باشد، بی دین، دشمن شادکن، القاء کنندة مشکوک بودن رفتار دیگران، مخرب سلامت انتخابات، عامل تشویش اذهان و ... است، عواملی به این نتیجه رسیدند که ریاست جمهور هیچ نامزدی بجز نامزد حاکمیت به «مصلحت نظام» نیست و بر این اساس هم تصمیم گرفتند با یک صحنه سازی سست بنیان مدعیان نظارت قانونی را دستگیر و فضای انتخابات را برای اعمال تقلبی بزرگتر امنیتی و مشوش گردانند و شد آنچه شد.
در اجرای این تصمیم که کسانی آن را برای خود واجب شرعی می دانستند، از روز شانزدهم، با یک عقب نشینی تاکتیکی و حساب شده، از یکسو همة ما خوش باورانی را که هرگز بدل خود شکی با این عظمت برای مبادرت به تقلبی به این آشکاری راه نمی دادیم، خواب کردند، تا جائیکه روز 19 خرداد که دو روز مانده به پایان کار است، آقای محتشمی پور و حتی آقای موسوی و دیگران از این تغییر موضع اظهار خوشحالی کرده و چنان نسبت به آینده امیدوارند که تکذیب خبر تصمیم دولت برای قطع ارتباطات در روز21 و 22 را باور کردند، بی آنکه تدابیر جایگزینی را بکار بسته باشند.
از این به بعد به شرعت فضا را امنیتی کرده و حضور سپاه و بسیج را به بهانة تکلیف

شرعی مقابله با نظارتی که خواست دسمنان است، وارد عرصه کرده بودند، به گزارش کیهان روز 88/3/20 از مصاحبة آقای کدخدائی توجه کنید:
"عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان نیز دیروز در حاشیه بازدید از ستاد نظارت بر انتخابات کشور تاکید کرد: «برای ایجاد اطمینان بیشتر و اینکه مردم ببینند شورای نگهبان وظیفه نظارتی خود را به نحو مطلوب انجام می دهد علی رغم اینکه در قانون چیزی برای بازدید نامزدها و نمایندگان آنها از ستاد نظارت بر انتخابات وجود ندارد ما این امکانات را فراهم کرده ایم و در روز رای گیری نمایندگان نامزدها می توانند به طور مستقیم در ستاد نظارت بر انتخابات حضور داشته باشند.»" پس می شد، در چارچوب قانون و خیلی زودتر از این، پیش از آنهمه خلاف گوئی و افترا و دشنام، حق قانونی مردم را محترم شمرده و حضور نمایندگان نامزدها را در کلیة مراحل پیشین که قانون معین کرده است، فراهم نمایند. متعاقباً در روز 88/3/22 نیز هیئت مرکزی نظارتی که با هرگونه نظارت دیگران مخالف بود، در اجرای یک طرح هماهنگ اعلامیه داد و از نمایندگان نامزدها برای حضور در این هیئت دعوت کرد:
"به گزار ش خبرنگار مهر، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از ساعت 6 صبح امروز در محل شورای نگهبان

حضور یافته و آمادگی خود را جهت دریافت گزارش‌های مردمی اعلام کرد.
در اطلاعیه هیئت مرکزی نظارت برانتخابات آمده است: با توجه به اهمیت نظارت بر انتخابات و نقش تعیین کننده گزارش‌های مردمی در حفظ سلامت انتخابات و صیانت از آرای ملت، بدین وسیله هیئت مرکزی نظارت بر دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمادگی خود را جهت دریافت گزارش‌ها، نظرات، پیشنهادها و انتقادات عموم مردم از طرق زیر اعلام می‌نماید: ...
در این دوره از انتخابات برای نخستین بار هر یک از چهار کاندیدای ریاست جمهوری نماینده ای در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات کشور دارند.
... سه تن از نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نمایندگان خود را جهت استقرار در هیئت مرکزی نظارت معرفی و اکنون نمایندگان آنها در این محل مستقر شده اند.
به گزارش مهر، زارعی، آخوندی و ساداتیان به عنوان نمایندگان نامزد های دهمین دوره انتخابات ریاست به ترتیب محمود احمدی نژاد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی جهت استقرار درهیئت مرکزی نظارت معرفی وآنها هم اکنون دراین محل حاضر شده اند. این در حالی است که نماینده محسن رضایی کاندیدای دیگر ریاست جمهوری تا کنون در محل هیئت مرکزی نظارت حضور نیافته است."

هرچند همین نماینده ها پس از مدتی نشستن و معطلی بی ثمر با صدور اطلاعیه ای خداحافظی کردند. نمایندگان نامزدها که مي خواستند در روز انتخابات در اتاق تجمیع ناظر کار تجمیع باشند، به این اتاق راه داده نشدند و وزارت کشور را هم پس از معطلي با صدور اطلاعیه‌اي ترك کردند:

"جناب آقای محصولی، وزیر محترم کشور
23/3/88
ساعت 2:15 بامداد

دقایقی پیش آماری توسط ستاد انتخابات کشور و آقای دانشجو در مقابل رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر گردید که اینجانبان نمایندگان نامزدها در سایت شمارش آراء وزارت کشور هیچگونه اطلاعی از چگونگی دریافت و تجمیع و انتشار آن نداریم و از آنجا که طبق مواد 28 و 32 قانون انتخابات ریاست جمهوری، وزارت کشور پس از دریافت صورتجلسات (فرم 28) و روال قبل بایستی آمار را اعلام نماید به نظر می‌رسد اعلام نتایج فعلی مطابقتی با قانون ندارد.

ضمناً فضایی که برای استقرار نمایندگان کاندیدها در نظر گرفته شده دور از سایت شمارش آرا بوده و هیچگونه ارتباطی با این سایت ندارد. لذا در صورت استمرار این وضعیت حضور اینجانبان با عدم آن تفاوتی ندارد.

نماینده میرحسین موسوی
نماینده محسن رضایی
نماینده مهدی کروبی
رونوشت: دفتر مقام معظم رهبری
هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات
ریاست محترم ستاد انتخابات
کشور"

عملاً براي تبليغات و با اطمينان از اينكه فرياد نمايندگان نمازمدها يا خود آنها داراي برد راديو و تلويزيون دولتي نيست، اين‌گونه اطلاعيه‌ها را مسؤلين انتخبات صادر مي‌كردند، بي‌آنكه به محتواي آن عمل نمايند. همة اين بازي‌هاي تبليغاتي بخوبي نشان مي‌داد كه طرحي از پيش تدارك شده در حال اجراست.

در این میان، علي رغم تلاش های ستاد آقای موسوی برای امیدوار و خوشبین نگه داشتن مردم، ناگهان سردار یدالله جوانی، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از فرماندهان ارشد سپاه، با این که هرگونه دخالت نظامیان بموجب قانون انتخابات ممنوع است، با اظهار نظری صریح و خارج از انتظار دربارة صیانت از آراء و هواداران آقای موسوی آب پاکی را روی دست هر فرد خوشبینی ریخت و بدین ترتیب شیپور حمله ای را که کیهان و فارس و ایرنا و هیئت نطارت و ستاد مرکزی انتخابات مدتها برای اجرای آن زمینه سازی کرده بودند، با صدایی گوش خراش به صدا درآورد:

"یدالله جوانی در مورد بحث صیانت از آرا به «صبح صادق» گفت: تشکیل کمیته صیانت از آرا توسط دو نامزد اصلاح‌طلب و تشکیل جلسات و آموزش دادن به نیروها و اختصاص پول کلان برای فعالیت این کمیته، حکایت از برنامه‌هایی خاص دارد."

او در ادامه استفاده هواداران میر حسین موسوی، از «رنگ سبز» را «تلاش برای به راه انداختن یک انقلاب مخملی»، توصیف کرد. ما در بخش گزارش دخالت نظامیان به اتهامهای برخی دیگر از مقام‌های سپاه و نیروی مقاومت بسیج و بعضی از روحانیان اشاره خواهیم کرد. سردار جوانی در این مصاحبه هشدار داد که سپاه، انقلاب مخملی در ایران را در نطفه خفه خواهد کرد. به نوشته هفته‌نامه «صبح صادق»، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «پروژه براندازی خاموش در ایران در سال ۱۳۷۶کلید خورد.» در این میان، یدالله جوانی در ادامه این مصاحبه، کسانی را که به گفته او، «پشت صحنه رنگ سبز قرار دارند، افرادی توصیف کرد که « در پیشینه خود، طراحی و اجرای سناریوی کوی دانشگاه در ۱۸ تیر و تحصن در مجلس ششم را داشته و معتقد به پیروزی اصلاحات از طریق جنبش اجتماعی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها هستند.» وی در همین خصوص مدعی شد که اصلاح‌طلبان درصدد هستند با تکرار حوادث گرجستان که دولت حاکم را مجبور به عقب‌نشینی کردند، و اضافه کرد که اگر آنها رأی نیاورند، می‌خواهند «با توجه به موضوع

ضرورت تضمین آرا و تشکیل کمیته صیانت از آرا که مطرح شد، به راحتی، سلامت انتخابات را زیر سؤال ببرند.»
آنها با همین بهانه ها روز 21 خرداد تمامی ارتباط را قطع کرده و با حمله به ستادها انتقام این دشمنی موهوم را با استفاده از غیرت دینی جوانان بسیجی یا برخی هواداران مداحان تندرو از دانشجویان ساکن کوی و از سران مجاهدین انقلاب و جبهة مشارکت گرفتند.
در حالی آقایان بهزاد نبوی و امین زاده و بسیاري دیگر که در ساختمان مشهور قیطریه حضور داشتند، غروب روز جمعه دستگیر و به زندانهای مخفی برده شدند که هنوز انتخابات جریان داشت و برخی از آنها شاید تا ماهی بعد از نتیجة انتخابات با خبر نبودند، تا چه رسد به اینکه مردم برای تظاهرات خیابانی دعوت کرده باشند.
چرا باید تشکیل کمیتة صیانت مساوی طراحی آشوب بعد از انتخابات باشد؟ چرا باید اعتراض به نتیجه، ولو ناحق، آشوب تلقی شود؟ چرا یک نظام مبتنی بر عدالت شرعیه، قصاص قبل از جنایت کرد؟
مصاحبة آقای علیرضا بهشتی، فرزند شهید مظلوم، با روزنامة اعتماد در 88/5/15، فشرده‌ای از ماوقع را روشن می کند. ملاحظه کنید که ستاد آقای موسوی در حد توان یک ستاد انتخاباتی مردمی و در مسیر قانون همة کاری را که می توانست در برابر احتمال کودتا انجام دهد، بکار بسته است؛ فراروی از این حدود مستلزم اقداماتی نابهنجار و

خروج از دایرة قانون و نظام بوده است. باید متولیان امر توضیح بدهند که آیا با این کودتا چگونه در چارچوب های نظام حرکت کرده اند:

"دو ماهي كه ايران از خرداد ماه پشت سر گذاشت بيش از 20 سالي كه ميرحسين موسوي سكوت كرده بود، خبر داشت؛ خبرهايي كه امروز ثبت و ضبط و فردا در حافظه جمعي ايرانيان ماندگار خواهد شد، درست بسان حوادث 20 سال پيش. ميرحسين موسوي كه آمد همه، همه چيز در او يافتند الا سخني تازه. چون 20 سال جانب سكوت گزيده بود و وقتي اين سكوت شكست، علاوه بر آن همه چيز، سخني به قدمت يكصد سال دموكراسي خواهي از حنجره او به گوش ها رسيد، براي همين منحني اقبال جامعه از موسوي از روز اعلام نامزدي تا روز انتخابات چنان رشدي داشت كه اگر همه چيز به روال عادي مي گذشت شايد امروز جلوي نام ميرحسين موسوي مي نوشتيم؛ آقاي رئيس جمهور. تا روز انتخابات مردم در جريان هستند اما از روز انتخابات به اين طرف حجم و سرعت حوادث به گونه‌يي پيش رفت كه بسياري از اتفاقات مهم در خبرها و نظرها نيامد. از جمله اين اخبار تكاپوي ستاد موسوي از روز راي گيري به اين طرف است.

دكتر سيدعليرضا حسيني بهشتي از مشاوران نزديک موسوي در گفت وگو با «اعتماد» همه آنچه را كه در ستاد اتفاق افتاده نمي گويد اما در لابه لاي سخنانش به بيان آنچه ناگفته مانده، اشاره مي كند. بهشتي از تدوين آنچه

در انتخابات گذشته خبر مي دهد؛ تدوين آنچه فصل مهمي از تاريخ اين سرزمين نازنين است.
- شما از نزديک ترين افراد به مهندس موسوي هستيد. روز انتخابات در ستاد مرکزي چه خبر بود، ميرحسين موسوي چه کاري انجام مي داد؟
ستاد در روز انتخابات در قسمت هاي مختلف فعال بود اما مهم ترين قسمت ستاد کميته صيانت از آرا بود که اين قسمت سيستمي را راه اندازي کرده بود براي ارتباط آنلاين با ناظران صندوق ها؛ البته آن قسمت از ناظراني که اجازه حضور پاي صندوق ها را گرفته بودند. اين مساله که مطرح مي کنند مبني بر حضور 40 هزار نماينده مهندس موسوي بر سر صندوق ها اندکي با واقعيت تفاوت دارد. ما نزديک به 40 هزار داوطلب داشتيم و براي آنها درخواست صدور کارت نظارت داده بوديم که از اين تعداد 25 هزار نفر بيشتر نتوانستند به عنوان ناظر پاي صندوق حضور داشته باشند. دوستان به مابقي افراد اجازه حضور ندادند و کارت نظارت شان را صادر نکردند.
در عين حال از همان تعداد نيز عده زيادي زمان شمارش آرا از صندوق ها اخراج شدند. خيلي موانع درست کردند تا نظارت صورت نگيرد. قبل از آن پيش بيني کرديم اس ام اس ها را قطع کنند و با آنکه وزارت ارتباطات به ما اطمينان داده بود مبني بر قطع نشدن سيستم پيامک ها براي اطمينان بيشتر خطوط تلفني نيز براي ستاد در نظر گرفته شد. شب انتخابات با قطع شدن سيستم پيامک ها قرار

بود از خطوط تلفن استفاده کنیم که در روز انتخابات بیش از 300 خط تلفن ستاد صیانت از آرا را نیز قطع کردند. آقاي موسوي هم نزدیک ستاد کمیته صیانت از آرا بودند که در جریان کار باشند.

- شما در جریان قطع شدن پیامک ها و بعد از آن تلفن هاي ستاد یا راه ندادن ناظران به صندوق ها با مراجع قانوني رایزني داشتید؟

هم اعضاي اصلي ستاد و هم مهندس موسوي در روز انتخابات و حتي قبل از آن رایزني هاي زیادي براي حل مشکلات انجام دادند.

-با چه افراد یا مراجعي؟

با وزارت کشور هم تماس گرفته شد افرادي نیز به عنوان نماینده ستاد به وزارت رفتند. با شوراي نگهبان، قوه قضائیه و حتي بیت رهبري نیز رایزني هاي زیادي انجام دادیم. هر کاري که مي توانستیم انجام دادیم اما اراده یي مبني بر حل اختلافات دیده نمی شد. در عین حال با همان اخباري که نمایندگان توانستند به ستاد برسانند یا مراجع رسمي خبر مي دادند، نشان مي داد اقبال خیلي گسترده یي درباره انتخابات وجود دارد و اکثر افرادي که مي آمدند به عنواني ابراز تمایل به سمت موسوي داشتند. نزدیک ساعت دو بعدازظهر بود که ما حس کردیم مساله دیگري مطرح است. تا آن زمان بیشترین دغدغه نبودن تعرفه انتخاباتي در شهرها بود که البته بعد از آن نیز این مساله ادامه پیدا کرد مانند شهرهاي تبریز یا شیراز. البته مساله تمدید ساعت راي

گيري نيز وجود داشت. در اكثر انتخابات دولت خود زمان راي گيري را تمديد مي كرد كه تعداد بيشتري در انتخابات شركت كنند اما در اين انتخابات مساله كاملاً تفاوت داشت؛ در بسياري از حوزه ها بعد از ساعت 7/30 بعدازظهر ديگر اجازه دادن راي نمي دادند و اين مساله بسيار عجيب بود.

-ساعت **دو** بعدازظهر (روز انتخابات) چه اتفاقي افتاد؟

به نظر مي رسيد اساساً مساله شمارش آراي حقيقي منتفي شده است و بيشترين زوم روي شمارش كامپيوتري است كه قرار بود به صورت آزمايشي مورد استفاده قرار بگيرد.

-بحثي مطرح شده است مبني بر آنكه علي لاريجاني روز انتخابات به ميرحسين موسوي تبريک گفته است، شما اين گفته را تصديق مي كنيد؟

من چنين امري را به خاطر ندارم اما از بعضي موسسات رسمي و بعضي خبرگزاري هاي رسمي بعدازظهر همان روز تماس گرفتند و تبريک گفتند. آنقدر اختلاف زياد بود كه به نظر نمي رسيد حتي بين مهندس موسوي و احمدي نژاد رقابت به دور دوم كشيده شود.

-از طرف مقامات رسمي فردي تبريک گفت؟

الان حضور ذهن ندارم.

-چه شد مهندس موسوي ساعت 11 شب اعلام پيروزي بكنند؟ چون اين اتفاق مورد انتقاد شديد جريان رقيب قرار گرفت. (لازم به يادآوری و تصحيح است كه اعلام پيروزی دقيقاً ساعت 11 و 45 دقيقه بوده است.)

خبرگزاري هاي حامي دولت در ابتداي شب خبر پيروزي احمدي نژاد را روي خروجي خودشان قرار دادند حتي اطلاعاتي كه ما داريم نشان دهنده آن است كه روزنامه هاي حامي دولت پنجشنبه تيتر خودشان را انتخاب كرده بودند و در بعضي موارد مجبور شدند تيتر خودشان را براي آنكه مساله يي به دست رقيب اش نيفتد عوض كنند. معلوم بود روند انتخابات آنچنان كه طبق قانون است طي نمی شود. ما آماري داشتيم و همچنين تماس هايي كه خبر از پيروزي موسوي در انتخابات مي دادند و بر همين اساس ميرحسين موسوي خبر پيروزي خود را اعلام كرد.

-در روز انتخابات شاهد پلمب شدن ستاد هاي انتخاباتی مهندس موسوي بوديم. در رايزني هايي كه انجام داديد علت كار را چطور توضيح دادند؟

يكي از مسائلي كه بسيار مشكوک بود حمله ور شدن به ستاد هاي مهندس موسوي در روز انتخابات و پلمپ بدون مجوز آنها بود. به عنوان مثال بعدازظهر همان روز ستاد قيطريه و بعد از آن ستاد مركزي موسوي در ميرهادي بدون حكم مشخصي پلمب شد. مراجع رسمي هم در اين مورد هيچ دليلي را بيان نكردند به اين صورت كه در بسياري از موارد ارتباط و رايزني ما يک طرفه بود؛ ما نامه مي نوشتيم و گزارش مي داديم اما هيچ عملكرد مشخصي از جانب طرف مقابل صورت نمي گرفت. نه تنها كاري نمي كردند حتي گاه جوابي نيز نمي دادند.

-اعلام نتایج انتخابات از ساعت 12 شب شروع شد تا ساعت 9 و بعد از آن در یک سکوت خبري رفت تا ظهر شنبه. در این زمان وضعیت ستاد و مهندس موسوي چطور بود؟
ما آن روز تا ساعت پنج صبح بیدار بودیم. استراحت اندکي کردیم و دوباره به آن اخباري که منتشر مي کردند گوش مي دادیم چون داستان انتخابات و عملکرد جناح مقابل را از ساعت دو بعدازظهر مي دانستیم به همین خاطر آنچنان از اخبار منتشر شده متعجب نبودیم اما از بعضي از حرف ها و گفته هایي که زودتر از زمان رسمي شوراي نگهبان زده مي شد غافلگیر شدیم.
-میرحسین موسوي روز شنبه بعد از اعلام نتایج انتخابات با توجه به آمارهایي که در دست داشت چه عملکردي را در پیش گرفت؟
ما کار خاصي نمي توانستیم انجام دهیم چرا که یکسري رابط داشتیم با موارد اخذ راي که بسیاري از آنها همان روز انتخابات دستگیر شدند. اعضاي ستاد هم تا دو روز بعد از انتخابات همه به زندان افتادند و بنا به دلایل بي اساس آنها را در زندان نگه داشتند. روز شنبه بیشتر درگیر آن بودیم که چه کسي را دستگیر کردند، چرا آنجا را بستند و چراهاي زیاد دیگري که مجبور بودیم به آنها رسیدگي کنیم.
-اما همان روز مردم معترض به خیابان آمدند و هزینه بسیاري هم دادند. تیم اولیه مهندس موسوي و خود ایشان آن روز کجا بودند، چه کاري انجام مي دادند؟

ما آن روز جلساتي داشتيم، چرا كه براي مهندس موسوي اصل بوده و هست كه كمترين هزينه يي نيز بر مردم وارد نشود به همين خاطر روز شنبه جلساتي بود كه با يک برنامه ريزي دقيق و مشخص كه مردم نيز در آن هزينه يي ندهند به نتيجه برسيم. از طرف ديگر مساله اين بود كه ما قصد براندازي نداشتيم و نداريم. در چارچوب نظام آمده و در انتخابات شركت كرده بوديم. قصد اين بود كه اعتراضي خارج از ساختار رخ ندهد.

-طبيعتاً از انتخابات تا روز 25 خرداد يكسري غافلگيري اجتماعي داشتيم. براي راهپيمايي روز 25 خرداد آقاي موسوي و آقاي كروبي هر دو تقاضاي مجوز كرده بودند و مجوز داده نشد اما مردم به خيابان آمدند. چنين راهپيمايي را با چنين عظمتي تصور مي كرديد؟

خير، مطمئناً ما تصور نمي كرديم چنين جمعيتي به خيابان بيايد. همان طور كه اشاره كرديد مهندس موسوي و آقاي كروبي هر دو تقاضاي مجوز كرده بودند و تا ظهر همان روز معلوم نبود كه مجوز صادر مي شود يا نه. ظهر خبر رسيد كه مطمئناً مجوز صادر نمي شود. به دليل آنكه ما هيچ رسانه يي نداشتيم تا به مردم اين اتفاق را خبر دهيم و بگوييم براي ندادن هزينه به خيابان نياييد درخواست گفت وگو در صدا و سيما را داشتيم اما آنها اجازه ندادند به همين خاطر قرار بر اين شد كه آقايان موسوي و كروبي به راهپيمايي بيايند تا از شدت

برخوردهاي احتمالي نيروهاي امنيتي با مردم كم شود. ما براي اعتراضات و راهپيمايي سه راه داشتيم؛ يک مساله برخوردهاي خارج از ساختار و خشن از جانب مردم شكل بگيرد. راه دوم نيز چنين بود اما راه سوم يک اعتراض مسالمت آميز مدني بود كه مردم در 25 خرداد چنين برخورد كردند و اين همان خواست ما بود. ديگر اينكه اعضاي اصلي ستاد نيز به خيابان بياييم و اگر مردم در جاهايي تجمع كرده بودند با آنها حرف بزنيم تا بروند اما وقتي با آن موج عظيم جمعيتي روبه رو شديم خودمان نيز در كنار ديگران به جمعيت پيوستيم. چون راهپيمايي مجوز نگرفت هيچ انتظاماتي نيز در نظر نگرفته بوديم اما شاهد بوديم مردم بدون هيچ چالش و برخوردي توانستند در راهپيمايي مسالمت آميز 25 خرداد حضور پيدا كنند. حتي تعداد اندكي از افراد كه شعارهاي خارج از ساختار مي دادند توسط خود مردم كنترل مي شدند. البته اين اتفاقات آنچنان دور از ذهن نبود چرا كه قبل از انتخابات در خيابان هاي اصلي شهر كه دو دسته طرفداران مهندس موسوي و احمدي نژاد جلوي يكديگر قرار مي گرفتند بدون هيچ برخورد خشني به طرفداري از كانديداي مورد نظر خود مشغول بودند. من همان زمان به يكي از دوستان در روزنامه كلمه سبز گفتم اگر اين مساله در اوايل انتخابات بود حتماً درگيري هاي خونيني شكل مي گرفت. اين مساله نشان داد مردم به سطح بالايي از فهم و شعور سياسي رسيده اند و اگر برخوردهاي تندي بعد

از انتخابات شکل گرفت به خاطر اشتباه مردم یا اعتراضات نبود.
-با توجه به حضور پرشور مردم در راهپیمایي 25 خرداد به نظر مي رسید باید روش ها و نوع نگاه حاکم بر انتخابات از طرف جریان حاکم عوض شود اما چنین اتفاقي رخ نداد، براي این خواست مردم که آنچنان ابراز کردند شما کاري انجام دادید؟
ما پیگیري هاي زیادي کردیم. جلسات زیادي با مراجع مختلف قانوني انجام دادیم که یک تجدید نظر کلي نسبت به انتخابات شکل بگیرد چراکه خواست مردم نه تغییر نظام بود و نه تغییر ساختارهاي کلي قدرت، بلکه تنها خواست شان تغییر نهاد اجرایي نظام یعني دولت بود. البته جریان حاکم از این خواست برداشت اشتباهي داشت چرا که از دید آنان این جریان یک جریان برانداز بود که به دنبال تغییر نظام است. این نوع تحلیل در گفتارها و برخوردهایشان نمود داشت اما خواست مردم این نبود. این اشتباه تحلیلي باعث شد معضلاتي پیش بیاید که براي آینده نظام نیز خطرآفرین است. تصور مي شد از ابزارهاي قانوني بتوانیم به خواست مردم جامه عمل بپوشانیم اما چنین نشد. البته ما به شوراي نگهبان که قبل از انتخابات بسیاري از اعضایش موضع گیري رسمي به نفع احمدي نژاد کرده بودند امیدي نداشتیم.
-شنیده مي شد آقاي موسوي گفته بودند اگر انتخابات باطل شود در دور بعدي انتخابات

به عنوان کاندیدا حضور پیدا نمي کنند، این مساله حقیقت داشت؟
مساله یي که مطرح بود مشکل شخصي بعضي افراد با آقاي موسوي بود، به همین خاطر آقاي موسوي گفتند شما انتخابات را دوباره برگزار کنید و اگر مشکل شما با شخص من است من در این دور انتخابات کاندیدا نخواهم شد.
-سه روز بعد از انتخابات نمایندگان کاندیداها با مقام رهبري دیدار کردند، چه اتفاقاتي در آن جلسه رخ داد؟
آن چیزي که منتشر شد صحبت هاي مقام رهبري بود و صحبت هاي نمایندگان کاندیداها پخش نشد. در آن جلسه نمایندگان سه کاندیداي معترض هر سه به انتخابات اعتراضات جدي داشتند و خواستار ابطال آن بودند و نمونه هاي تخلفات و تقلبات مطرح شده را نیز بیان کردند؛ خواسته هاي نمایندگان مطرح شد.
-صحبت هاي مقام رهبري در آن دیدار بسیار امیدوارکننده بود. برخوردهاي امنیتي با راهپیمایي بعدي نیز نوید از یک حرکت مسالمت آمیز مي داد.
-چه اتفاقي افتاد که در روز جمعه آن اتفاقات رخ داد و بعد از آن شنبه برخوردها به شدت افزایش یافت و هزینه هاي مردمي بسیار گسترده تر شد؟
همان طور که اشاره کردم برداشت از اعتراضات مردمي نادرست بود. مردم به نظام اعتراضي نداشتند، تنها به انتخاباتي که درون-نظامي نیز بود، اعتراض مي کردند.

آنها خواستار براندازي نبودند، نه مردم بلکه مطمئناً کاندیداهایي که در انتخابات ریاست جمهوري اسلامي ایران شرکت کرده بودند خواستار براندازي نبودند. اما برداشت درست در تضاد با این واقعیت بود. برداشت جناح حاکم و القاي آنان به دیگران این بود که مردم مي خواهند نظام را به سمت براندازي ببرند و خواست ساختارشکني است، به همین خاطر در آن شنبه چنین رخ داد و برخوردها به شدت امنیتي تر از گذشته شد.

-در این مدت نامي از آقاي هاشمي در میان نبود، آیا مهندس موسوي با آقاي هاشمي دیداري انجام داد؟

نه، چراکه مساله، مساله کاندیداها بود نه مساله آقاي هاشمي و حتي آقاي خاتمي، چراکه مساله در راستاي انتخابات دیده مي شد و دلیلي نداشت این دو بزرگوار بخواهند خود را درگیر کنند.

-اما از یک زماني به بعد ما شاهد بودیم این افراد نیز وارد اعتراضات شدند.

بله از زماني که برخوردهاي امنیتي شدت یافت و مساله آینده نظام مطرح شد، آقاي هاشمي به عنوان یکي از پشتوانه هاي نظام و آقاي خاتمي وارد میدان شدند. نوع برخوردي که با مردم شده بود، بسیار ناپسند بود. برخوردهایي که ما نمي خواستیم شاهد آن باشیم که متاسفانه رخ داد. ما نیز مي دانستیم اگر فضا امنیتي تر بشود جایي براي روش هاي مدني نخواهد ماند.

-هر سال به واسطه تبليغات مراسم هفتم تير به شکل رسمي برگزار مي شد اما امسال ما شاهد بوديم در مراسم مسجد قبا ازدحام جمعيت تا شريعتي نيز رسيد. علت اين امر را چه مي دانيد؟

البته ما هر سال خودمان نيز مراسمي برگزار مي کرديم. در اين مراسم مهندس موسوي حضور پيدا مي کردند اما مطمئناً ازدحام جمعيت امسال بسيار بيشتر بود. ما به هيچ وجه انتظار چنين جمعيتي را نداشتيم به همين خاطر مراسمي که قرار بود برگزار شود، تنها در داخل مسجد خلاصه مي شد اما با آمدن اين ميزان جمعيت نتوانستيم مراسم را به صورت کامل برگزار کنيم. آقاي کروبي در اين مراسم حضور داشتند، آقاي موسوي هم قرار بود بيايند که نتوانستند از خيابان ها رد شوند البته مساله دو دليل داشت؛ يکي از آنها به خاطر ازدحام جمعيت بود و ديگري به خاطر مانع شدن بعضي از ماموران امنيتي. در اين مراسم تنها کاري که توانستم بکنم گرفتن يک بلندگوي دستي از پليس بود تا به مردم اطلاع بدهم مهندس موسوي نمي توانند در مراسم حضور پيدا کنند.

-قبل از مراسم از مراکز امنيتي با شما تماسي گرفتند؟

بله مراکز امنيتي بعد از تعطيل کردن روزنامه کلمه سبز با ما بسيار نزديک شده بودند. به همين خاطر هرچند روز يک بار تماس مي گرفتند. قبل از برگزاري مراسم در مسجد قبا همچنين تماسي گرفتند و گفتند

مواظب جمعیت و اعتراضات آنها باشید. مراسم مسجد قبا تا انتها درگیر خشونت نشد. متاسفانه در انتهاي مراسم با حرکت مردم به سمت خیابان شریعتي برخوردها خشن شد.

-روزنامه کلمه سبز به چه دلیلي بسته شد؟

از روزنامه با من تماس گرفتند و گفتند نیروهاي امنیتي به داخل روزنامه آمده اند و تحریریه را در اتاق ها حبس کرده اند به سرعت خودم را به روزنامه رساندم. نوع برخورد نیروهاي امنیتي مانند برخورد با یک خانه تیمي منافقین بود. همه جا را مي گشتند. وقتي علت کارشان را پرسیدم گفتند در تظاهرات هفت تیر چند نفر به این ساختمان پناه آورده اند و در پشت بام نیز عده یي دیگر مشغول عکاسي بودند. بعدها فهمیدم گفته آنها واقعیت نداشت اما اگر هم واقعیت داشت در یک روزنامه و یک نهاد خبري از اتفاقات مهم عکس مي گیرند. اگر خبرنگاري از چنین اتفاقي عکس نگیرد باید پرسید آن عکاس کجا بوده که عکس نگرفته؟ عکس گرفتن از یک تظاهرات چه مشکلي دارد. در همان جا مسوول یکي از تیم هاي امنیتي که آمده بود برگه یي را آورد که آن را امضا کنم. در آن برگه نوشته بود در ستاد مخفي تعدادي سي دي خلاف پیدا کرده و تعدادي دختر و پسر را دستگیر کردیم. من برگه را امضا نکردم، گفتم کي اینجا چنین اتفاقاتي رخ داده است؟ در عین حال آن چند روز روزنامه تعطیل بود و روزنامه نگاران آمده بودند حقوق شان را بگیرند.

-اعضاي تحريريه چند روز در بازداشت ماندند؟
زمانش فرق مي كرد بعضي از دوستان تا 16 روز در بازداشت بودند.
-حضور مهندس موسوي در نماز جمعه چطور رخ داد؟ آيا اين اتفاق با هماهنگي هاشمي بود؟
بله با هماهنگي آقاي هاشمي اين اتفاق رخ داد. آقاي هاشمي خواسته بودند آقاي موسوي و آقاي كروبي در نماز جمعه حضور يابند و چنين شد البته آقاي موسوي بسيار شک داشتند براي حضور در نماز جمعه در عين حالي كه نيروهاي امنيتي مي خواستند مانع حضور ايشان شوند خودشان نيز نمي خواستند جو ملتهب شود اما ايشان آمدند و واكنش هاي مردمي بسيار مثبت بود.
-احتمال دستگيري مهندس موسوي يا نزديكان ايشان وجود دارد؟
خير فكر نمي كنم چنين كاري بكنند كه منجر به ملتهب شدن دوباره فضا شود.
-اگر بخواهند شما را دستگير كنند، شما چنين آمادگي داريد؟
هم من و هم تمام اعضاي خانواده ام آمادگي چنين اتفاقي را داريم."
خوانندگان همگی آگاهند كه علی رغم اين خوشبينی آقای بهشتی، ايشان در شهريورماه با حكمی نامشخص و به وضعی بسيار زشت در منزلشان بازداشت و به زندان منتقل شدند كه شرح آن خواهدآمد!!

فشردة اين مقال:

تابدینجا کوشیدیم که یکی از مسائل حاد و عمدة تمهید مقدمات انتخابات را بر اساس قوانین موجود برای شما ترسیم نموده و تخلفات آشکاری را نشان بدهیم که مشاهدات و تجربه های خود شما بهترین سند ما بر وقوع این تخلفات بوده و هست.

1- با جار و جنجال از اجرای کامل قانون نظارت نمایندگان نامزدها در مراحل کار انتخابات جلوگیری کردند.
2- با تبلیغات سوء نامزد ریاست جمهوری و هوادارانش را وابسته به بیگانه و برانداز و خارج از دین معرفی کردند.
3- بدون توجه به قانون اساسی و قانون انتخابات، میدان را برای تاخت و تاز نظامیان باز گذاشتند.
4- حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی را نادیده گرفتند، حق اعتراض و شکایت و التجای رأی دهنده را زیر پا نهاده و شاکی را خائن نامیدند.
5- هر روز حرف هایشان را عوض کردند و از دروغ و تغییر تعمدی عباراتشان ابائی نداشتند.
6- با دستاویز اصطلاحات مجعولی مانند جنگ نرم و انقلاب مخملی حق حرف زدن را هم از ما و شما گرفتند.
7- شورای نگهبان مدعی تعهد در قبال صحت انتخابات و صیانت از آرا بر همة این تخلفات قلم عفو کشید.
8- ظلم و ظالم را در مسند حق نشاند.

9- از متخلف جانبداری نمود و مظلوم را با چوب هماهنگی با خط برانداز داخلی و دشمن خون آشام خارجی بشدت کوبید.

10- عوامل حکومتی زمینه ای یافتند تا جوانان برومند و هوادار عزت ملی را در زندانهایی مانند کهریزک و ... به صلابه بکشند.

11- در برابر خونخواهی بر حق ملت با آتش کینه ایستادگی کردند.

12- کوی دانشجویان را تخریب و آنان را بدست چاقوکشان روزمزد لت و پار کردند.

13- خيلي از آزادمردان متدين و بسياي از شيرزنان شجاع را (از اهل قلم، روزنامه‌نگاران، اساتيد دانشگاه‌ها يا روحانيان و ...) به زندان افكنده و آنان را مورد شكنجه‌هاي جسمي-رواني قرون وسطايي قرار دادند.

14- جوانان و افرادي را كه فقط اعتراض به يك (دزدي آراء) داشتند از كنار خيابانهاي شهر و حتي از گورستان بهشت زهرا ربودند و مودر شكنجه و آزار جنسي قرار دادند.

15- دهها جوان (اعم از پسر و يا دختر) را ربودند و جنازة آنها را پس از عجز و لابه‌ها و التماس‌هاي مادران آنها تحويل خانواده آنان دادند.

16- در مقابل تحویل جسد عزیزان این ملت به خانواده‌هایشان میلیونها تومان پول طلب کردند.
17- خانواده کشته شدگان و بستگان آنها را از عزاداري در مرگ عزیزانشان منع کردند.
18- وقیحانه از آن خانواده‌ها تعهد رضایت و سند نداشتن شکایت گرفتند.
19- 19- قرائت قران کریم و پخش نوار کلام الله مجید را از عزاداران دریغ داشتند.
20- در روز انتخابات یعني 22 خرداد 1388 و حتي قبل از آن همه مردم را با بستن تلفن‌هاي موبایل و تلفن‌هاي معمولي و قطع ارسال پیام و پیامك از طبیعي‌ترین حقوق خود محروم کردند.
21- با تشکیل بیدادگري‌هاي شرم‌آور بدون رعایت حداقل اصول حقوقي - کیفري و آئین دادرسي، قضاء اسلامي را در معرض تمسخر جهانیان قرار دادند.
22- با کشاندن بعضي روحانیون صاحب مقام در این نظام اسلامي بر روي کرسي اتهام مقام روحاني و روحانیت را هتك کردند.
23- با اینکه در هیچ کتابي آئین اسلام (ترور) وسیله‌اي براي حذف فیزکي فرد و یا افراد مخالف شناخت نشده است، معلول بعلت ترور را بازداشت و زنداني کردند و با شکنجه‌هاي رواني از او

اقرار به گناهي را گرفتند كه هرگز مرتكب آن نشده بود و...

24- اين اعمال وحشتناك و محيرالعقول كه به نام خدا - اسلام، انقلاب اسلامي، امام عصر عج - امام‌خميني (ره) و حفظ نظام اسلامي تمهيد و اجرا شد، چكاندن تير خلاص از مخزن طپانچه بيداد بود بر قلب و جان آنچه نامش را (ايمان اسلامي و انقلاب نجات‌بخش و عدالت اسلامي) نهاده بوديم يا... و سرانجام، جوانان ناآگاه نسل سوم انقلاب را (نيروهاي انتظامي- سپاه پاسداران - بسيج) در مقابل (مردم) قرار دادند/نشسته است.

25- ... و همة اين ملت را در رثای ديانت و آزادی انسانی به ماتم نشاندند، باشد كه تاريخ پاسخ دندان شكن محتوم خود را در روز موعود به ظالمان بدهد: **إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ** (اعراف، 159)... **إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ** (قصص، 4)... **وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ** (قصص، 39) **فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ** (قصص 40)... **سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا** (فتح، 23)[30]. صدق الله العلي العظيم.

---

[30] فرعون در سرزمين [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه (پاره پاره) ساخت طبقه‌ای از آنان

اینک در ادامة گزارش خود به موضوع مهم «چاپ و توزیع تعرفه» می‌پردازیم که از حادترین مسائل مقدمات انتخابات اخیر بود و به اندازة کافی در اظهارات خود مسؤلین دلایل کوتاهی‌ها و عزم پیشین برای تقلب وجود دارد.

***

معمای تعداد تعرفة چاپ شده برای انتخابات ریاست جمهوری دهم

به هنگام بحث از تقلب، به استناد تعاریف متخذه در منابع معتبر، نشان دادیم که هر اقدام ارادی سوء در خصوص «تعرفة انتخاباتی» از مصادیق تقلب است. موضوع تعرفه‌ها از دوجهت در سرنوشت هر انتخاباتي اهمیت دارد: یکی در اقدامات مجری و ناظر پیش از انتخابات و چاپ و توزیع آنها و دیگری در عملیات رأی‌گیری مجری و نظارت ناظر مدعی صیانت این کار.

از آنجا که، دستکم در ایران، امکانات فنی چاپی مخصوص و نوین تعرفه در

را زبون می‌داشت پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت که وی از فسادکاران بود ... و او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند. تا او و سپاهیانش را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود ... سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

اختیار مراکز دولتی است، اقدامات بزهکارانه برای تقلب در تعرفه ها و دست بردن در شمارگان آنها، جرمی است که عوامل اجرایی و نظارتی یا عواملی که با این دو دسته هم‌پیمان اند، مانند ستاد آقای احمدی نژاد در این دوره، آسان‌تر از دیگران می‌توانند مرتکب آن بشوند.

تخلف در امانت تعرفه و طراحی توزیع نامناسب آن، جرمی است که فساد دستگاه اجرا و نظارت را آشکار مي سازد و علاوه بر اینکه باید مرتکبان آن تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند، قهرا بطلان انتخابات را در پي دارد. بنا بر این، چنین نیست که اگر ثابت شود چند برگ تعرفه توسط خود دستگاه اجرا و نظارت بر انتخابات جابجا شده، صرفا فلان صندوق یا شعبه فاسد است، بلکه اصل عمل مجرمانة مجریان و ناظران دست‌اندرکار چاپ و توزیع تعرفه موجب فساد در کل انتخابات می‌شود. احراز سوء نیت دستگاه اصلی نظارت و اجرا با این عمل مجرمانه و قرائن دیگر صرفا موجب تشکیک در اصل صحت انتخابات نمی‌شود، بلکه ثابت شدن دخل و تصرف در تعرفه‌ها، که در انتخابات اخیر بطور گسترده اي بوقوع پیوسته است، به تنهایی برای بطلان چنین انتخاباتی کافی است. از این گذشته، اگر ثابت شود که متولیان انتخابات، اعم از متولیان نظارت و اجرا، در

گزارش خود نسبت به موضوع تعرفه یا هر مورد دیگری از مقدمات انتخابات، دروغ گفته و پنهان‌کاري کرده اند، این تنها شائبه اي برای تقلب محسوب نمی‌شود، بلکه داشتن قصد مجرمانه و به اصطلاح سبق تصمیم و سپس انجام و ارتکاب تقلب را اثبات مي‌کند که علاوه بر بطلان نتیجة بدست آمده، از عوامل تشدید کنندة جرم براي مرتکبان آن مي‌باشد. اصل صداقت و امانتداری اگر در رفتار مجری و ناظر مخدوش شود، عزم پیشین برای تقلب را اثبات مي کند وموجب آن مي شود که انتخابات باطل گردد.

مصاحبة یکی از دست اندرکاران چاپخانة بانک ملی، علاوه بر اینکه اهمیت نحوة چاپ تعرفه را روشن می کند، یکی از سندهای مهم برای گزارش حاضر است. ما با ارائة این مصاحبه بخشی از گزارش تفصیلی شورای نگهبان را بررسی و جرایم مربوط به آن را بیان خواهیم کرد.

(عکس از فرج صمدی، ایرنا، گزارش بازشماری 10% صندوق ها)

گزارش تفصیلی شورای نگهبان حاوی آخرین ادعاها و اقرارها دربارة اعداد و ارقام و مسائل راجع به تعرفه‌هاست که امروز، پس از گذشت این مدت از انتخابات، دیگرهیچ مرجعی نمی‌تواند آن اعداد را تغییر دهد و یا انکار نماید؛ بخصوص از این جهت که احتمالاً وزارت کشور به منظور پاک کردن آثار کار، تاکنون اقدام به امحاي تعرفه‌ها کرده است. به موجب مادة 17 قانون انتخابات رياست جمهوري: «وزارت کشور پس از وصول نظرية شوراي نگهبان مبني بر خاتمة انتخابات و امضاي حکم رياست جمهوري توسط مقام رهبري دستور امحاي تعرفه و اوراق رأي را صادر خواهد نمود.» با مراجعه به سایت وزارت کشور و شورای نگهبان می‌توان بسادگی ملاحظه کردکه آن-ها بخش‌های مهمی از این سایت‌ها را خالی کرده اند و آرشیوشان پاسخ شما را نمی-دهد، چرا که بسیاری از گفته‌هایشان با این آخرین گزارش تفصیلی متناقض بوده است.

مصاحبة مدیر چاپخانة بانک ملی در 88/5/1 که خبرگزاری ها مخابره کرده اند، به نوشتة سایت بانک ملی ایران به شرح زیر بوده است[31]:

[31] این مصاحبه در اغلب سایت‌ها و روزنامه‌هاي آن روز منعکس شده است، از جمله در سایت فارس نیوز و ایرنا.

"مهندس رضا منصوری با اعلام این مطلب که در 10 سال گذشته ، طراحی و چاپ تمامی تعرفه های رای‌گیری انتخابات مختلف در شرکت چاپ و نشر بانک ملی صورت گرفته است، ... گفت: در طول این 10 ساله به دلیل پارامترهای امنیتی در هیچ تعرفه ای امکان جعل وجود نداشته و بدون تأخیر زمانی در بهترین کیفیت به دست چاپ سپرده شده است.
طراحی، چاپ، بسته‌بندی، نگهداری و ارسال به ستاد انتخابات جزو مراحل تولید تعرفه های انتخاباتی است. در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، تعرفه ها ظرف مدت یک ماه با دراختیار گرفتن 260 نیرو و 22 ماشین آماده شد.
مدیر عامل شرکت چاپ و نشر بانک ملی با اشاره به حضور **60 نفر** ناظر از مراکز مختلف نظیر **شورای نگهبان، قوه قضائیه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، حراست کل کشور و ستاد انتخابات** در طول فرایند تولید تعرفه ابراز داشت: تمامی مراحل با حضور ناظران **ثبت و ضبط** شد، در عین حال که 260 نفر نیروی شرکت که دارای لباس مخصوص و آرم شناسایی بودند، به نوعی در قرنطینه قرار داشتند بدین معنی که از زمان ورود به محل کار تا پایان وقت، امکان خروج نداشتند و در زمان ورود و خروج بازرسی بدنی می‌شدند. با حضور ناظران ، پلمپ دستگاه ها باز و پس

از انجام کار روزانه دوباره بسته می-
شد. ... تعرفه‌های چاپ شده تا زمان
تحویل در محلی امن و مجهز به سیستم‌های
الکترونیک در این شرکت نگهداری شد که
ناظران نیز بر آن نظارت ویژه داشتند."
البته مدارکی وجود دارد که دولت نهم
از همان ابتدا در پی تغییر محل چاپ
تعرفه بوده و چند بار کوشیده است این
کار را توسط چاپخانه‌های خصوصی انجام
دهد. به هر حال، علاوه بر اینکه مصاحبة
بالا اهمیت چاپ و توزیع تعرفه را باز
می‌نمایاند، حاوي این نکتة مهم نیز هست
که کار چاپ و تحویل آنها طی صورتجلسه
و با حضور 60 ناظر، از جمله ناظران
شورای نگهبان به عمل می‌آید و بنا بر
این، ادعای شورای نگهبان در متن زیر
مبنی بر اینکه از وزارت کشور در مورد
تعرفه سؤال کرده و سپس از طریق
بازرسانش گزارش را بررسی نموده است،
سخن بی‌پایه‌ای است. این ادعا در اصطلاح
براي دفع دخل مقدر و نمایشی است از
دقتي که هرگز وجود نداشته است. شورای
نگهبان به اقرار خود در این گزارش و
در موارد متعددی که خواهید خواند،
باید در همة مراحل حاضر و ناظر بوده
باشد و باید صورتجلسه‌ها را امضاء می-
کرد. بنا بر این، ادعای بازرسی مجدد،
ادعایي بی جاست!! در واقع این شورا با
آن دفع دخل مقدر در گزارش تفصیلي و
کوشش براي نشان دادن دقت بیشتر خودشان

به صراحت اقرار و اذعان نموده است که پیش از آن از روند عملیات چاپ و توزیع تعرفه و شمارگان آن‌ها آگاهي درستي نداشته است. این، یعني عدم رعایت قانون و انجام ندادن وظائف محوله و مهمل گزاردن تکلیف، در حالی که پیوسته داعیة هوشیاری کامل و صیانت از همه چیز را داشته است.

آقایان از یکسو می‌گویند، در جریان انتخابات همه چیز زیر دید شاهین وار و تیزبین ما بوده است و بر همه چیز ناظر بوده و همة صورتجلسات را امضاء کرده-ایم و از سوی دیگر از وزارت کشور در مورد میزان تعرفه‌های چاپ شده استفسار کرده ایم!!

و اما شورای نگهبان در گزارش تفصیلی خودش دربارة مسألة شمارگان تعرفه‌ها می‌گوید:

"الف) شکایت از کمبود تعرفه در برخي از شعب اخذ رأي

... الف-3) در خصوص میزان تعرفه‌هاي چاپ شده و مسائل مربوط به آن باید گفت: در پي وصول شکایت‌هاي نامزدهاي محترم، شوراي نگهبان بازرسین ویژه‌اي به ستاد انتخابات کشور و چاپخانه بانك‌ملي جمهوري اسلامي ایران (محل چاپ تعرفه‌هاي انتخابات) اعزام نمود. بازرسین اعزامي پس از بررسي همه‌جانبه و اخذ صورتجلسه‌هاي مختلف، طي نامه شماره 88/11/33583 مورخ 88/4/9 اعلام

نمودند وزارتکشور قبل از انتخابات اقدام به چاپ پنجاه و هشت میلیون و هشتصد و هفتاد و پنج هزار (58875000) برگ تعرفه نموده است. همچنین در روز اخذ رأي مورخ 88/3/22 نیز پس از هماهنگي با این شورا بمنظور جلوگیري از کمبود احتمالي تعرفه و امکان توزیع مناسب آن در سراسر کشور، تعداد دو میلیون (2000000) برگ تعرفه دیگر نیز به چاپ رسید.

توضیح این نکته ضروري است در تمامي انتخابات قبلي نیز به دلیل سیال بودن جمعیت رأي دهنده در سطح کشور، وزارتکشور اقدام به چاپ تعرفه به میزان قابل توجهي بیش از شمار واجدین شرایط مي‌نمود. در این دوره نیز علاوه بر اتخاذ همین تدبیر، تعرفه‌هاي هر استان با کد خاص چاپ شد تا امکان جابجایي تعرفه‌ها بین استان‌ها وجود نداشته باشد. این امر هرچند که به سلامت و دقت انتخابات کمك نمود مع‌الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم و نیاز بسیاري از حوزه‌هاي اخذ رأي به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان‌ها را غیرممکن ساخت. به همین دلیل تعرفه‌هاي چاپ شده در روز اخذ رأي بدون کد استان به چاپ رسید. (قابل ذکر است کل تعرفه‌هاي چاپ شده در قبل از انتخابات و روز اخذ رأي داراي شماره سریال مي‌باشد)

لازم به ذکر است مجموعاً در روز 22 خرداد، تعداد سي و نه ميليون و سيصد و هفتاد و يك هزار و دويست و چهارده (39371214) برگ تعرفه در سراسر كشور به مصرف رسيد و تعداد ششصد و پنجاه هزار (650000) برگ تعرفه نيز در چاپخانه بانك ملي موجود است و صورتجلسه پلمپ آن كه به امضاء نمايندگان ستاد انتخابات كشور، حراست وزارت كشور، حراست چاپخانه بانك ملي، شوراي نگهبان و نماينده بانك ملي رسيده است در اين شورا موجود ميباشد. از مجموع تعرفه‌هاي باقي‌مانده در قرنطينه چاپخانه، استانداري‌ها و فرمانداري‌هاي تابعه كشور وكسر از تعرفه‌هاي چاپ شده، تعداد بيست ميليون و هشتصد و پنجاه و سه هزار و هفتصد و هشتاد و شش (20853786) برگ تعرفه باقي ماند كه براساس قانون انتخابات و آئين نامه مربوطه، تعرفه-هاي باقي‌مانده هر حوزه اخذ رأي به ستاد انتخابات تحويل ميگردد. در اين راستا از سراسر كشور تعداد بيست ميليون و هفتصد و نوزده هزار و يكصد و شصت و دو (20719162) برگ تعرفه به **هيات‌هاي اجرايي در سراسر استانها** تحويل و باقي‌مانده آندسته از تعرفه‌هاي انتخاباتي‌كه در بسته‌هاي يكصدتايي بخشي از آن مصرف شده نيز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ

رأي قرار داده شده و پلمپ گرديد. هم اكنون اين تعرفه‌ها نيز در صندوق‌ها موجود مي‌باشد. *لازم به ذكر است كه تعداد پانصد و هفتاد هزار (570000) تعرفه نيز براي ايرانيان مقيم خارج از كشور ارسال شده است.* (پيوست شماره 49)

از اين رو و با عنايت به بررسي همه‌جانبه و گستردة كارشناسان و ناظران و بازرسان ويژه شوراي نگهبان، چاپ تعرفه‌هاي اخذ رأي براساس روال معمول بوده و هيچ تعرفه‌اي برخلاف روال قانوني توزيع نشده است. در عين حال در خصوص توزيع نامناسب تعرفه‌ها و عدم اتخاذ تدابير مناسب جهت رفع اين مشكل كه منجر به كمبود تعرفه در بعضي شعب و توقف كوتاه مدت اخذ رأي گرديد، در روز اخذ رأي وزارت كشور با دريافت تذكر از شوراي‌نگهبان در كنار اهتمام احسن به انجام وظايف اجرايي، نسبت به توزيع صحيح و سريع تعرفه‌ها اقدام نمود. هرچند در پي استقبال بي‌سابقه مردم و نيز عدم توزيع مناسب تعرفه‌ها در معدودي از شعب اخذ رأي مشكلاتي پديد آمد، اما با پيگيري‌هاي شوراي‌نگهبان و تلاش وزارت كشور، اين مشكل بلافاصله برطرف شد، بگونه‌اي‌كه اندك تعلل و قصور پيش آمده كه معمول در هر انتخابات است هيچ‌گونه تأثيري در روند انتخابات از خود به جا ننهاد."

ملاحظه می‌کنید که شورای نگهبان در این گزارش به رفع و رجوع اشتباهات وزارت کشور می‌پردازد و از آنها ستایش هم می‌کند. اما موضوع چگونگی اخذ مجوز از شورا برای چاپ تعرفة اضافی در روز انتخابات را ناگفته می‌گذارد و می‌گذرد. مصاحبة مدیر چاپخانه بخوبی نشان می‌دهد که برای هر بار چاپ باید ناظرانی باشند و قراردادی هم بسته شود. مصاحبه‌های متعدد آقایان دانشجو، محصولی و کدخدایی که در زیر خواهید خواند همگی حاکی اند که برای هر بار چاپ باید از شورای نگهبان اجازه یا تأییدیه گرفته شود و صورتمجلس گردد. اینك پرسش مهم و قابل توجه این است که برای چاپ دو میلیون تعرفه در روز جمعه با کدام شورا هماهنگی شده بود؟

موضوع چاپ تعرفه در روز جمعه، یعنی روز انتخابات، که به گوش نامزدها رسیده بود، علاوه بر بسیاری خبرهای دیگر که بعدها درستی آنها ثابت شد، مانند خبر پیشاپیش قطع ارتباطات در 21 خرداد، در صبح روز شنبه 88/3/23 در جلسة مجمع تشخیص مصلحت مطرح می‌شود و آقای جنتی با دستپاچگی می‌گوید، بله من خبر دارم و دیروز چون عجله بود شخصاً تصمیم گرفتم و اجازه دادم، هرچند باید موضوع در شورا به تصویب می‌رسید!! ایشان در همین جلسه به دو و نیم میلیون تعرفه اشاره کرده است (اعلامیة

شماره 16 کمیتة صیانت از آراء آقاي مهندس موسوي را در همین گزارش ملاحظه فرمایید).

مي‌دانیم که شوراي نگهبان مسؤل نظارت بر انتخابات است و این امر قابل واگذاري به غیر نیست. کمك گرفتن از ناظران نیز به مسؤلیت خود این شوراست، هرچند این نافي مسئولیت خود ناظران نیست.

حساب و کتابی که این گزارش از شمارگان تعرفه های چاپ شده و تعداد برگه های مصرف شده می‌دهد، بطور خلاصه به شرح زیر است:

وزارتکشور قبل از انتخابات:

58875000 برگ چاپ کرده است

وزارتکشور در روز انتخابات:

2000000 برگ چاپ کرده است

مجموع قطعی تعرفة چاپ شده:

60875000 برگ است.

بر اساس همین گزارش:

تعداد برگ تعرفة مصرف شده در روز انتخابات کلاً: 39371214 برگ

تعداد تعرفه دست نخوردة موجود در چاپخانه بانک ملی: 650000 برگ

تعداد تعرفة باقیمانده از دسته های دست نخورده که از *سراسر کشور* به هیئت های اجرائی تحویل شده است: 20719162 برگ

مجموع تعرفه‌هاي مصرف شده، باقيمانده در قرنطينه
چاپخانه، استانداري‌ها و فرمانداري‌هاي تابعه كشور: 60746376 برگ

اختلاف ميزان چاپ شده و عدد بالا برابر است با: 134624 برگ
اين تعداد برگ تعرفه بنا بر ادعاى همين گزارش: «در بسته‌هاي يكصدتايي بخشي از آن مصرف شده نيز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأي قرار داده شده و پلمپ گرديد. هم اكنون اين تعرفه‌ها نيز در صندوق‌ها موجود مي‌باشد.» عدد 20853786 در آن گزارش فوق حاصل جمع دو عدد (134624+20719162) است.
شوراى نگهبان، با آن همه سر و صدا دربارة صيانت از آراء و ادعاى اينكه كسى جز اين شورا حق صيانت ندارد و اين كه آن‌ها خودشان از همه بيشتر پايبند ديانت و صداقت و امانتند و اگر كسى اين را انكار كند، در حقيقت منكر خدا و رسول و ائمه و ولى فقيه و همة اوليا و اوصياست و در خط دشمن براى انقلاب مخملى و كتانى و رنگى و نرم فعاليت مى‌كند، در پايان اين بخش، عددى را اعلام كرده است كه با هيچ حساب و كتابى سازگارى ندارد.

گزارش شورای نگهبان که به ادعای آقای کدخدایی برای هرگونه زدودن شبهه‌ای از دل ملت رأی دهندة غیور و فهیم و خداجوی و مؤمن به ... منتشر شده است، در پایان این بخش می‌گوید: «لازم به ذکر است که تعداد پانصد و هفتاد هزار (570000) تعرفه نیز براي ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است.» شما حق دارید از خودتان بپرسید که چرا این عدد را ذکر کرده اند و چه ربطی با حساب و کتاب تعرفه‌ها دارد؟

همانطور که از متن گزارش شورای نگهبان آشکار است، آن‌ها مدارکی را پیوست گزارش کرده و این مدارك را شماره گذاری نموده‌اند. در بخشی از آن که اینک مورد بررسی ماست، پبوست شماره 49 به گزارش بازرسان مورد اشاره در متن اختصاص دارد که در تفاهم با وزارت کشور تهیه شده است. در زیر پیوست شماره 49 درج و تقریر می‌شود. لطفا مندرجات این پیوست را با متن گزارش و اعداد فوق مقایسه فرمایید:

باسمه تعالی

1- کل تعرفه چاپ شده در مرحله قبل از انتخابات (الف) 58/875/000 برگ

2- کل تعرفه چاپ شده در روز انتخابات (ب) 2/000/000 برگ

3- جمع تعرفه چاپ شده (ج) 60/875/000 برگ

1- کل تعرفه توزیع شده قبل از انتخابات (د) 58/775/000 برگ

2- کل تعرفه توزیع شده در روز انتخابات (هـ)

1/450/000 برگ

3- جمع تعرفه توزیع شده (و)

60/225/000 برگ

از مقدار تعرفه توزیع شده پانصد و هفتاد هزار (570/000) برگ به خارج کشور داده شده و مقدار پنجاه و نه میلیون و ششصد و پنجاه هزار (59/650/000) برگ آن در داخل کشور توزیع شده است. (ز)

1- کل تعرفه مصرف شده در داخل و خارج از کشور (ح) 39/371/214 برگ

2- کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری ها و خارج از کشور و موجود در مخزن بانک ملی (ط)

20/719/162 برگ

3- جمع کل تعرفه های مصرف شده و نشده باقیمانده (ي) 60/090/376 برگ

4- کل تعرفه موجود در مخزن بانک ملی (ك) 650/000 برگ

5- جمع کل (ل)

60/740/376 برگ

1- تعرفه چاپ شده (م)
60/875/000 برگ
2- تعرفه مصرف شده و باقیمانده (ن)
60/740/376 برگ
3- باقیمانده موجود در صندوق ها (س)
134/624 برگ

1- کل تعرفه مصرف شده خارج از کشور (ع) 200/392 برگ
2- کل تعرفه مصرف نشده خارج از کشور (ف) 396/608 برگ
3- جمع کل (ص)
570/000 برگ

از مقایسة بند (ز) بالا با متن گزارش شوراي نگهبان و تجدید محاسبة اعداد در هر دو بیلان روشن مي‌شود که چون همة این محاسبات سر انگشتي است دچار اشتباه شده‌اند و 5000 برگ ظاهراً گم شده است. در بند (ف) عدد 396608 غلط تایپ شده و بایدصحیح آن 369608 بوده باشد.
کاش امضاء کنندگان این گزارش پیش از امضاء تأملی در عاقبت خود نموده و آیه‌ای را که در صدر گزارش زینت‌بخش نامک خود کرده‌اند بدقت مورد تعمق قرار می‌دادند. بجاست آیه مزبور را برای یادآوری به همین نویسندگان و نیز خودمان به عنوان دستور الهی دوباره قرائت کنیم: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ**

شُـهَدَاءَ بِالْقِسْـطِ وَلا يَجْـرِمَنَّكُمْ شَـنَآنُ قَـوْمٍ عَلَـى أَلاّ تَعْـدِلُوا، اعْـدِلُوا هُـوَ أَقْـرَبُ لِلتَّقْـوَى، وَاتَّقُـوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِـيرٌ بِمَـا تَعْمَلُـونَ (مائـده ٨)[32]»

امـا بـراي هـر منصـفي روشـن اسـت كـه آن بـزرگـواران! مشمول ايـن سـخن هشـدار دهنـدة الـهـي انـد كـه: «**يَقُولُونَ بِأَفْواهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران ١٦٧)[33]**».

همچنين مشمول ايـن آيـات شـريفه انـد كـه بـه عتـاب مـي‌پـرسـد: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لا تَفْعَلُونَ (٢) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لا تَفْعَلُونَ (صفّ ٣)[34]**».

گـزارش شـوراي نـگهبـان و بـيلان تـعرفـه‌هـاي مصـرفي در پـيوسـت 49 كـه بـه تـصـريح همـان گـزارش، تـوسـط بـازرسـان آن شـورا و وزارت كشور تـهيـه شـده اسـت، سـند قـانـوني مهمـي است كه آن‌ها بـراي تـوجيـه بـخشـي از مسـائـل مطـرح دربـارة انـتخابـات ريـاسـت جمهـوري

---

32 اى مؤمنان به خاطر خدا و با تكيه بر او با عدالت و دادگرى شهادت بدهيد، مبادا دشمنى با قومى و كسى شما را بر آن دارد كه از دايرة عدالت بيرون برويد، هشيارانه به عدالت برخيزيد كه اين به تقوى نزديكتر است، حريم خدا را حفظ كنيد و در برابرش خاشع باشيد، چرا كه خداوند به همة رفتار و كردار شما آگاه است.

33 آن‌ها چيزي را به زبان مي‌آورند كه در دل‌هايشان نيست و خداوند به آنچه كتمان مي‌كنند داناست.

34 چرا ادعايي مي‌كنيد كه به آن عمل نمي‌كنيد؟ نزد خداوند گناه بزرگي محسوب مي‌شود سخني بگويد كه بدان عامل نيستيد.

دورة دهم تهیه و منتشر نموده اند. در زیر بندهاي مختلف این بیلان با استناد به سخنان مسؤلان انتخابات در وزارت کشور و شوراي نگهبان بررسي و صحت و وسقم آن به داوري خوانندگان محترم گذاشته خواهدشد. سطر سطر این پیوست 49 نشان از شدت فساد حاکم بر کار است بطوریکه آنهمه کارشناس در مدت بیست روز نتوانسته اند همه را رفع و رجوع کنند. متن گزارش شورا و مصاحبه هاي بعدي مسؤلان وزارت کشور به همه اطمینان خاطر مي‌دهند که همه چیز درست بوده و هیچ تعرفه اي جابجا نشده است و بازرسان ویژه همة صورتجلسه ها را بررسي کرده-اند.

حروف ابجد داخل ابروها در هر سطر از سوی ما اضافه شده است. این کار براي آساني ارجاعات بعدي به بندهاي مختلف این سند پیوستي و متمایز کردن آن‌ها صورت گرفته است. در این نوشته براي ارجاع به «گزارش تفصیلي شوراي نگهبان» از این پس تنها «گزارش شورا» خواهد آمد.

1. بررسي بند (س) از بیلان پیوست 49 گزارش شورا:

در بند (س) از پیوست 49، شوراي نگهبان و وزرات کشور حساب تعرفه هاي سالم مانده از دسته هاي نیمه‌مصرفي را بیان مي‌کند: "3 - باقیماندة موجود در صندوق

ها (س) 134/624 برگ،" و شوراي نگهبان در متن گزارش خود در توضيح اين عدد مي‌گويد: "در اين راستا از سراسر كشور (و نه از داخل و خارج) تعداد بيست ميليون و هفتصد و نوزده هزار و يكصد و شصت و دو (20719162) برگ تعرفه به هيات‌هاي اجرايي در سراسر استانها تحويل و باقي‌مانده آندسته از تعرفه‌هاي انتخاباتي‌كه در بسته‌هاي يكصدتايي بخشي از آن مصرف شده نيز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأي قرار داده شده و پلمپ گرديد. هم اكنون اين تعرفه‌ها نيز در صندوق‌ها موجود مي‌باشد."

بيلان پيوست 49 در بند (ط) كل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از كشور و موجود در مخزن بانك ملی (ط) را برابر 20.719.162 برگ نشان مي‌دهد. از آنجا كه در بند (س) مدعي مي‌شود كه دسته‌هاي نيمه مصرفي در صندوق‌ها همراه آراء قرارداده‌شده و پلمپ گرديده است، پس اين عدد بايد به آن دسته از تعرفه‌هاي مصرف نشده‌اي مربوط باشد كه برگي از آن‌ها كنده نشده و به علت اضافه بودن عيناً به فرمانداري‌ها عودت داده شده‌اند. نمي‌شود تصور كرد كه مسؤلان صندوق‌ها دسته‌هاي نيمه مصرفي را طبق دستور العمل در صندوق نهاده و پلمپ كرده و در عين حال آن‌ها را

«جداگانه» در ضمن دسته‌هاي دست‌نخورده تحويل فرمانداري‌ها داده‌باشند. اما چطور ممكن است مجموع «تعداد تعرفة باقيمانده از دسته‌های دست‌نخورده كه از سراسر كشور به هيئت‌های اجرائی تحويل شده است،» و همگی صدتايی هستند عدد 20.719.162 برگ در بند (ط) باشد؟!! عدد (62) در سمت راست نشان می‌دهد كه اين گزارش نادرست بوده است.

آن‌ها در بند (س) ادعا مي‌كنند كه 134.624 برگ تعرفه از دسته‌هاي دست‌خورده درون صندوق‌ها بوده و پلمپ شده است، بنا بر اين بايد جمع اين تعداد و كل آراء مأخوذه (باطله و درست)، يعني عدد 39371214 برگ مختوم به دو صفر باشد كه نيست؛ همچنين بايد كل «تعداد تعرفة باقيمانده از دسته‌های دست نخورده كه از سراسر كشور به هيئت های اجرائی تحويل شده است» مختوم به دو صفر باشد، كه نيست. بدين ترتيب، گزارش بالا يك حسابسازي روشن و آشكار بوده است، زيرا جمع تعرفه‌هاي موجود در صندوق‌ها و آراء مأخوذه (39.505.838=39.371214+134.624) برگ بوده كه مختوم به دو صفر نيست، همچنين عدد 20.719.162 كه شمار كل تعرفه‌هاي دست نخورده است، مختوم به دو صفر نمي‌باشد!

به عنوان كمك به نويسندگان اين متن، مي‌توان فرض كرد كه عدد مندرج در بند (ط) مجموع دسته‌تعرفه‌هاي دست‌نخورده در

داخل کشور و کل تعرفة مصرفنشده در خارج از کشور بوده‌باشد، اما در این صورت باید دو رقم آخر بند (ط) بجاي عدد (62) عدد (08)، يعني دو رقم آخر تعرفة مصرف نشده در خارج از کشور مندرج در بند (ف) مي‌بود که نيست!

از سوي ديگر، بند (س) مبين نکتة جالبي است، مبني بر اينکه تنها 134624 برگ تعرفه از دسته‌های مصرف‌شده در کل کشور باقی مانده است، يعنی از 46 هزار و 780 هزار صندوق فقط اين تعداد ته‌برگ باقی مانده است که بطور متوسط برای هر صندوق کمتر از 3 برگ بوده است. در اين صورت نه تنها 1473 صندوقی که در آن فهرست بطور شگفتی زا و بی‌سابقه‌ای مختوم به دو صفر هستند، شمار آراء بسياری از صندوق‌های ديگر نيز می‌بايد مختوم به دو صفر باشد!! اين در حالی است که بسياری از صندوق‌ها شمارة آرائشان مختوم به يک عدد غير از صفر است، يعنی دسته های ناقص تعرفه می-بايست خيلی بيش از آني بوده باشد که در صندوق‌ها گذاشته اند.

ما سند مهم ديگري از وزارت کشور و شوراي نگهبان در اختيار داريم که صحت اين ادعا را در رابطه با بندهاي (س) و (ط) روشن مي‌کند.

فهرست آراء تفکيکي صندوق‌ها که پس از اصرار يکي از نامزدها و فشار افکار

عمومي منتشر گرديد، در حالي كه از حقوق همين مردم بود و بايد زودتر اعلام مي‌شد، گواه نادرستي اين گزارش است. گويي از آنجا كه پس از اعلام اين فهرست، بارها آن را تغيير داده‌اند، مسؤلان وزارت كشور و آن بازرسان ويژه اعتمادي به فهرست تفكيكي صندق‌ها- كه بايد قانوناً متكي به فرم‌هاي 22 باشد- نداشته‌اند. عدد بند (س) بايد از جمع مانده‌هاي مندرج در فرم‌هاي 22 بدست آمده باشد، كه بايد مسئولان صندوق و ناظراني از نامزدها كه امكان حضور يافته‌بودند آن را امضاء كرده‌باشند.
اين فهرست هم اينك در پورتال وزارت كشور و در سايت‌هاي خبرگزاري‌ها از جمله خبرگزاري فارس موجود است.
اين در حالي است كه آقاي كامران دانشجو در مكتوبي كه هم اينك در سايت دولت هم قابل رؤيت است، در پاسخ به روزنامة همشهري و اعلامية آقاي موسوي مي‌نويسد: "6- تعداد تعرفه‌های تحويلی به هر استان و هر شهرستان با حضور نمايندگان وزارت كشور و شورای نگهبان ، با ذكر ميزان تعرفة تحويلی و ذكر شمارة سريال آنها صورتجلسه شده و نيز ميزان تعرفه تحويلی به هر شعبه اخذ رای و شماره سريال آنها، با حضور و امضاء نماينده هيات اجرايی و نماينده هيات نظارت شورای نگهبان صورتجلسه شده است. ضمناً تعرفه های مصرف نشده هر

شعبه اخذ رای، در فرم 22 (فرم شمارش آراء هر صندوق) ذکر گردیده و در حضور نمایندگان نامزدها و بوسیله اعضای اجرایی، ناظرین شورای نگهبان، بازرسان ، نماینده فرمانداری و محافظان صندوق ، امضاء و گواهی گردیده است."

اگر این نویسندگان از روي فرم‌هاي 22 حساب تعرفة باقیمانده در دسته‌هاي نیمه مصرفي را محاسبه مي‌کردند، باید براي داخل کشور به عدد 2.189.617 مي‌رسیدند و نه عدد 134.624 برگ.

اگر دو رقم سمت راست تعداد آراء اعلام شده در رابطه با هر صندوق را از عدد 100، یعني تعداد دسته‌تعرفه‌ها کم کنید، شمار برگ‌هاي سالم از آخرین دسته‌اي که بخشی از آن مصرف شده است، بدست مي‌آید. در زیر جدولي از صندوق‌هاي مختلف را برگزیده و روش کار را نشان مي‌دهیم.

استان	شهرستان	بخش	ش. ص.	کل آرا	مانده ازصد	دسته تعرفه
اردبیل	خلخال	مرکزی	63	32	68	100
تهران	ری	مرکزی	269	173	27	200
اردبیل	خلخال	خورش رستم	5	414	86	500
خوزستان	باغملک	صیدون	79	905	95	1000
گیلان	رشت	سنگر	7	1462	38	1500
خراسان	بینالود	شاندیز	2	1946	54	2000

						رضوی
2500	57	2443	9	کیش	بندرلنگه	هرمزگان
2800	78	2722	107	مرکزی	ارومیه	آذربایجان غربی

جدول نمونه نقل از فهرست تفکیکی صندوق ها

بموجب این جدول صندوق شماره 63 در خلخال باید 68 برگ تعرفة مصرف نشده از یک دستة نیمه مصرفی داشته باشد و برای مثال در صندوق شماره 5 همان شهر 95 برگ تعرفه از یک دستة نیمه مصرفی نهاده و پلمپ شده باشد.

طبق این فهرست، جمع کل ماندة صندوق‌های داخل کشور از دسته تعرفه‌های نیمه مصرفی که به گفتة گزارش شورا و بموجب مقررات باید همراه با ته‌برگ‌ها در صندوق‌ها نهاده و پلمپ کرده باشند، بالغ بر 2.189.617 برگ تعرفه می‌شود در حالی که پیوست 49 آن را بدون قید داخل کشور 134.624 برگ اعلام می نماید.

هدف از نشان دادن این مغایرت، در نخستین گام نشان دادن مستدل بي‌پايگي و سستي حساب و كتابي است كه در مورد آرا و تعرفه ها داده شده است. اگر اصل بر درستي جمع كل تعرفة چاپ شده و مصرف شده قرارداده شود، از اين بيلان بخوبي روشن است كه حساب رفت و برگشت را بدرستي در اختيار نداشته‌اند و يا اصولاً آراء اعلام شده با آنچه در متن مكتوبات وجود دارد ناسازگار بوده و به علت در

هم ریختگي امور، تنظیم همة جهات ممکن نبوده است! با وجود فرم‌هاي 22 و رایانه‌اي بودن کارها چگونه چنین مغایرت‌هایي پدید آمده است؟ تنها فرض معقول آن است که بیلان مزبور پس از انجام کار براي دفع دخل هاي مقدر ناشي از اظهارات متناقض تنظیم گردیده است.

2. بررسي بند (ص) از بیلان پیوست 49 گزارش شورا:

بار دیگر به عبارات گزارش توجه کنیم:

"در این راستا از **سراسر کشور** تعداد بیست میلیون و هفتصد و نوزده هزار و یکصد و شصت و دو (20719162) برگ تعرفه به **هیات‌هاي اجرایي در سراسر استانها** تحویل و باقي‌مانده آندسته از تعرفه‌هاي انتخاباتي‌که در بسته‌هاي یکصدتایي بخشي از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آراء به همراه آراء مأخوذه در صندوق اخذ رأي قرار داده شده و پلمپ گردید. هم اکنون این تعرفه‌ها نیز در صندوق‌ها موجود مي‌باشد. *لازم به ذکر است که تعداد پانصد و هفتاد هزار (570000) تعرفه نیز براي ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است.* (پیوست شماره 49)"

در گزارش شورا و در بیلان پیوست 49 براي تعرفه‌هاي خارج از کشور سرفصل جداگانه‌اي باز شده است. این اقدام بروشني آشکار مي سازد که منظور از

«سراسر کشور» در عبارت فوق اینست که عدد بند (ط) مربوط به داخل کشور است. بنا بر این، باید جمع آن با تعداد کل آراء در داخل مختوم به دو صفر گردد، که چنین نیست!

این در حالي است که، شرح بند (ط) در پیوست 49 **آن را** به «کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از کشور و موجود در مخزن بانک ملی» مربوط مي‌داند. حال کدامیك از این دو درست است؟

در نتیجه، ماندة تعرفه‌های خارج از کشور در عدد مزبور لحاظ نشده است، پس باید عبارت «سراسر کشور» در این گزارش را صحیح بدانیم؛ در این صورت نزدیک به 370000 تعرفة مصرف نشده در خارج از کشور در حساب‌های شورای نگهبان و وزارت کشور نامعلوم بوده و اصل حسابشان درست نیست. زیرا در غیر این صورت هیچ دلیلی برای ذکر جداگانة حساب تعرفة خارج از کشور در گزارش و در پیوست نبود. با این حساب آیا شورای نگهبان آنجا که می‌نویسد:

"لازم به ذکر است که تعداد پانصد و هفتاد هزار (570000) تعرفه نیز براي ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است. (پیوست شماره 49) از این رو و با عنایت به بررسی همه‌جانبه و گستردة کارشناسان و ناظران و بازرسان ویژه

شوراي نگهبان، چاپ تعرفه هاي اخذ رأي براساس روال معمول بوده و هيچ تعرفه اي برخلاف روال قانوني توزيع نشده است."

واقعاً راست مي گويد؟ آيا وزارت كشور حساب درستي تحويل داده است؟ آيا نظارت درست انجام گرفته است؟ آيا ادعاي ما درست نيست كه واقعاً شوراي نگهبان بدون نظارت بر كار وزارت كشور هرچه آنها داده اند، بي توجه امضاء نموده است؟

از سوي ديگر، به موجب سطر (ح) از اين نامه كه پس از جلسه با وزارت كشور به شوراي نگهبان ارسال شده، و بنا به گفتة آقاي كدخدايي كارشناسان متعددي گزارش مزبور را تهيه كرده اند، «كل تعرفة مصرف شده در داخل و خارج كشور: 39371214 برگه يعني مساوي كل آراء مأخوذه در گزارش شورا ست. در سطر (ط) از اين قسمت مي‌نويسد: «كل تعرفة مصرف نشده موجود در فرمانداري‌ها و خارج از كشور و **موجود در مخزن چاپخانة بانك ملي** برابر است با 20719162» برگ كه با عدد متن گزارش شورا يكي است. اما اين نامه در سطر بعدي (سطر ي) 650000 برگ تعرفة موجود در مخزن بانك ملي را دوباره به اين جمع مي‌افزايد.

آيا عدد 20719162 به تعرفه هاي صدتايي برگشتي از داخل كشور مربوط است يا شامل تعرفه هاي برگشتي از خارج هم مي-شود و بعلاوه آيا اين عدد شامل موجودي

مخزن بانک ملی هم هست یا جدای از آن باید بحساب بیاید؟ نمی‌توان در شرایط حساسی که کشور ما در زمان این گزارش داشت، نسبت به این اختلاف مجموعاً یک میلیونی (396000+650000) بی‌تفاوت ماند؛ آن هم درگزارشی که ده ها کارشناس و پس از مدتها اتلاف وقت آن را تهیه کرده-اند. اگر همین یک اشتباه در ارائة آمارها بود می‌شد به نحوی از آن چشم پوشي کرد. اما چنانکه خواهیم دید هیچ عددی نیست که دوباره آن را اصلاح نکرده باشند.

اگر 570.000 برگه به خارج داده باشند (که نداده اند) باید 59.655.000 در داخل توزیع کرده‌باشند. تازه معلوم نیست چرا باید 100.000 برگ در خزانه ته‌مانده داشته‌باشند. اگر این تعرفه‌ها داراي کد استاني بوده است، چرا آنها را به همان استان مربوطه تحویل نداده اند؟ براي خوانندگان محترم روشن خواهدشد که این یکصدهزار برگ در خزانه نمانده و وجود چنین نعدادي از تعرفه در اینجا ناشي از اختلال در حسابسازي است.

میزان تعرفة ارسالی به خارج از کشور

یکی از نکات ابهامی که در پیوست 49 مشاهده گردید و بموقع ایراد شد، مسألة ذکر 570/000 برگ تعرفة ارسالی به خارج از کشور بود. داخل کردن این عدد در

پیوست 49 که موجب اختلال در محاسبات گردیده برای توجیه آن یکصد هزار برگ اختلافی است. گرچه، در نتیجة جمع، بي آنکه متوجه باشند، اختلافي بیش از یک میلیوني را در سند خود وارد کرده اند.
اینك بجاست شمار تعرفة ارسالي به خارج از کشور را از زبان مسؤلان مربوط بررسي کنیم.
آقای دانشجو بارها و از جمله روز 3/23 در مصاحبة تلویزیونی ادعا کرده است که:
"(خبرگزاري جمهوري اسلامي): رییس ستاد انتخابات کشور با بیان اینکه مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات به مراتب بیشتر از دوره هاي قبل بوده است، گفت: مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوري، ۳ برابر دوره هاي قبل بوده است. به گزارش خبرنگار سیاسي ایرنا، مستقر در ستاد انتخابات کشور، کامران دانشجو دقایقي پیش در گفت و گوي زنده تلویزیوني افزود: مشارکت ایرانیان خارج از کشور، در انتخابات قبل، حدود ۵۰ تا ۱۴۰هزار نفر بوده است"
اکنون پرسش این است که: چگونه سه برابر حدود 50 تا 140 هزار را می توان برآورد کرد؟ آیا باید گفت که مشارکت این دوره حدود 150 هزار تا 420 هزار بوده است؟ این یعنی چه؟ در مصاحبه هایی

که نامبرده از ابتدای کار داشته پیوسته این عددها را تکرار کرده است و در نهایت آمار منتشره دویست هزار شرکتکننده را نشان میدهد. تازه این سخنان فردای انتخابات و در حال ارائة گزارش نتایج انتخابات خارج از کشور بیان شده است.

فرمانداري تهران در سایت خود گزارشي از مصاحبة آقای دانشجو در 88/2/1 منتشر کرده است:

"کامران دانشجو با بیان اینکه «از مجموع جمعیت کشور، 46 میلیون و 200 هزار نفر براي شرکت در پاي صندوقهاي راي واجد شرایط هستند» از اینکه این رقم توسط برخي افراد و رسانهها مورد سوال و انتقاد قرار ميگيرد، انتقاد کرد.

رییس ستاد انتخابات کشور درباره تمهیدات لازم براي اخذ آراي ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز گفت: در این خصوص مذاکرات و رایزنيهاي لازم با وزارت امور خارجه انجام شده و آنها نیز تقاضاي 350 تا 400 هزار تعرفه راي براي کشورهاي مختلف کرده اند.

وي یادآور شد: تاکنون در انتخابات گذشته ایرانیان مقیم خارج از کشور آرایي بین 60 تا 160 هزار راي به صندوقهاي راي ریختهاند که در مقایسه با داخل کشور رقم قابلتوجهي به شمار

نمـــيرود. وزارت كشـــور بـــا همكـــاري وزارت امور خارجـه تـعـداد 280 تـا 290 شـعبه اخـذ راي بـــراي جمـــعآوري آراي ايـرانـيـان مقـيم خـــارج از كشـــور در نظـــر گرفتـــه اســـت. بيشـــــترين تعـــــداد آراي مـــــاخوذه از ايرانيـــان مقـــيم خـــارج از كشـــور بـــه دوره هفـــتم انـتخابـات ريـاسـت جمهـوري برمـيگـردد كـه در آن محمد خاتمي پيروز شد.[35]"

در اينجـا حـدود 60 الـــى 160 هـــزار نفـــر مشاركت قبلی ذكـر مـیشـود. او بـاردیگر در 88/2/7 مـیگـويـد:

"رئـــيس ســـتاد انـتخابـــات كشـــور ... شـــمار شـعبه‌های اخـذ رای در خـارج از كشـور را حـدود 290 شـعبه اعـلام و اضـافه كـرد: وزارت امـور خارجـه، رئـيس سـتاد انـتخابـات خـارج از كشـور را معرفـی كـرده اسـت و امـور انـتخابـات ريـاسـت جمهـوری دهـم را پـيگـيـری مـیكـنـد. وی افـزود: حـدود 400 هـزار تعرفـه بـرای ايـن شـعبه‌ها درخواسـت شده است.[36]"

آقـای دانـشجو بـاردیگر در مصاحبة روز 88/2/14 مـیگـويـد:

"بـــه گـــزارش خبرنگـــار ايلنـــا، كـــامران دانـشجو در نـشست خبـري صـبح امـروز در جمـع خبرنگـــاران بـــا بيـــان اينكـــه چهـــار انـتخابـات در 22 خـرداد سـال جـاري پـيش رو

35 سايت فرمانداری تهران، كد خبر: 11820، تاريخ 88/2/1.

36 روزنامة حيات نو و روزی نامة كيهان بتاريخ 88/2/7.

داريم، اظهار داشت: ... در كليه انتخابات رياستجمهوري گذشته از كل ايرانيان خارج از كشور بالاترين رقم شركت در انتخابات حدود 160 هزار نفر بوده است در بقيه دوره‌ها بين 60 تا 70 هزار نفر بوده است. وزارت امور خارجه در اين ارتباط رئيس ستاد انتخاباتي را به ما معرفي كرده كه بناست امكاناتي را كه براي برگزاري انتخابات رياستجمهوي دهم در خارج از كشور نياز دارند، به ما اعلام كند."

ملاحظه مي‌كنيد كه چگونه آقاي كامران دانشجو پيوسته گنگ و مبهم سخن مي‌گويد و از دادن اطلاعات خودداري مي‌كند. اعداد را با تقريب بالا بيان كرده و هميشه عددي را روي ميزان درخواستي وزارت امور خارجه مي‌افزايد. اگر ستاد انتخابات وزارت خارجه بايد برآوردها را انجام دهد و اگر از پيش 400 هزار برگ تقاضا نموده است، چطور بعدها وزارت كشور و شورای نگهبان اين عدد را به 570 هزار برگ افزايش داده‌اند؟ آنها روز 7 ارديبهست هم شمار صندوق‌ها را معين كرده‌اند و هم شمار تعرفه را، اما آقای دانشجو يک هفته بعد از اعلام اين خبر تازه مي‌گويد: قرار است اظهار نمايند؟!!

در گزارش آفتاب نيوز از اين مصاحبه آمده است:

"«وزارت امور خارجه یک رییس ستاد انتخابات به ما معرفی می‌کند و از ما امکانات می‌خواهد و هماهنگی با ما انجام می‌دهد. در مورد هیات‌های اجرایی نیز سه نفر اعضای باسابقه، پنج نفر ایرانی معتمد و سفیر یا سرکنسول در آن هیات اجرایی عضو هستند، ۲۹۰ صندوق برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که بتوانیم در اختیارشان قرار دهیم، ۳۵۰ هزار تعرفه از ما خواستند و **ما ٤٠٠ هزار** تعرفه برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که در اختیارشان می‌گذاریم. تعرفه‌ها **معمولا ١٥ درصد** بیشتر از تعداد واجدین شرایط چاپ می‌شود. جمع آراء نیز در فرمانداری‌ها صورت می‌گیرد که در آن‌جا نماینده کاندیدا حضور دارد»."

بیاد داشته باشیم که رئیس ستاد انتخابات می گوید: [آنها] «۳۵۰ هزار تعرفه از ما خواستند و ما ٤٠٠ هزار تعرفه برای آن‌ها پیش‌بینی کردیم که در اختیارشان می‌گذاریم.» اما نامبرده بعدها علی رغم تصریحات آقای متکی وزیر تبلیغات احمدی نژاد بر عدد 450 هزار، هر بار شماری متفاوت اعلام کرده است. اگر سابقة شرکت ایرانیان حد اکثر در زمان جناب آقای خاتمی رئیس جمهور سابق ایران 160 هزار یا 130 هزار یا 140 هزار نفر بوده است، و اگر 15% بیشتر تعرفه تخصیص می‌یابد، چرا 400 هزار یا

450 هزار یا 500 هزار یا 550 هزار یا 570 هزار برگ داده اید؟ این تعرفه های اضافی را کی و چگونه داده اید؟
سایت خبر آنلاین روز 88/2/23 در گزارشی خبری با عنوان «توجه ویژه چهار نامزد به رای خارج‌نشینان» که سایت فرارو و سایت انتخابات نیز آن را منعکس کرده اند، یک جمع‌بندی تا این تاریخ از مجموع گفته های مسؤلان دو وزارتخانه در اینباره را ارائه کرده است:
"به همین سبب منوچهر متکی، وزیر امور خارجه کشورمان در 29 فروردین سید محمدجواد رسولی را به عنوان رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری منصوب کرد. نحوه شرکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات جزو سؤالاتی بود که خبرنگاران در نشست مطبوعاتی این هفته سخنگوی وزارت امور خارجه از او پرسیدند. قشقاوی در این زمینه گفت حضور ایرانیان خارج کشور در انتخابات‌های چند دوره اخیر روند بسیار صعودی داشته است و از هم اینک نیز درخواست‌هایی از هموطنانمان به ویژه جاهایی که دسترسی به مراکز اخذ رأی سخت‌تر است، به سفارت و سرکنسولگری‌های ما اعلام شده و لذا علاقمندی به مشارکت‌جویی زیاد است و وزارت خارجه هم تمهیدات خاصی را برای آن‌ها تدارک

می‌بیند. وی گفت مذاکراتی از سوی ما با شورای نگهبان، وزارت کشور و حوزه معاونت کنسولی وزارت خارجه صورت می‌گیرد تا هموطنان‌مان حضور فعال‌تری در انتخابات داشته باشند. کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور هم با اشاره به اینکه در خارج از کشور 248 صندوق تاکنون اعلام نیاز شده، گفته است که آمادگی داریم تا 290 صندوق نیز شعبه اخذ رأی داشته باشیم و در همین راستا 400هزار تعرفه نیز **تحویل** ستاد انتخابات خارج از کشور **شده** و ایرانیان دارای تابعیت ایرانی در خارج از کشور می‌توانند در سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌هایی که در آنها صندوق اخذ رأی قرار دارد، اقدام به رأی دادن کنند و برای تبلیغات داوطلبان نیز شبکه جهانی جام‌جم به گونه‌ای فرایند تبلیغات را برای کاندیدا مشخص کرده است.

جلسه دوشنبه اعضای هیأت نظارت و اجرایی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خارج از کشور به منظور بررسی آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات در خارج کشور با وزیر امور خارجه و سخنگوی شورای نگهبان عملاً زنگ انتخابات در خارج از کشور را نواخت.

منوچهر متکی در این دیدار پیش‌بینی کرد که «امسال با استقبال پرشور ایرانیان خارج از کشور در انتخابات مواجه خواهیم بود؛ بر همین اساس تعداد مراکز

اخذ رأی و صندوق‌ها در خارج از کشور افزایش یافته است.» کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان هم در این نشست آخرین برنامه‌های شورای نگهبان پیرامون نحوه نظارت را تشریح کرد و گفت: هیأت نظارت بر انتخابات در چارچوب قانونی آماده همکاری با نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در هرچه باشکوه‌تر برگزار کردن انتخابات را دارد."

به گزارش کیهان در شمارة روز یکشنبه 88/3/10 آقای متکی وزیر امور خارجه و بلندگوي ستاد تبلیغاتی آقاي احمدی‌نژاد در کرمانشاه، دربارة برگزاری انتخابات در خارج از کشور می‌گوید:

"مسئولان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری در امارات اعلام کردند که با استقرار 18 صندوق در پنج امیرنشین این کشور آرای ایرانیان جمع‌آوری می‌شود. به گزارش ایرنا استقرار این تعداد صندوق در امارات به علت حضور شمار زیادی از ایرانیان در این کشور عربی حاشیه خلیج فارس است. گفتنی است بیش از 500 هزار ایرانی در امارات اقامت دارند. ... به گزارش ایسنا، منوچهر متکي، پس از بازدید از ستاد انتخابات ایرانیان خارج از کشور در محل ساختمان کنسولي وزارت امور خارجه با اشاره به آمادگي‌هاي صورت گرفته براي برگزاري

انتخابات در خارج از کشور ... با بیان این که در هر جایی که حداقلی از هموطنان‌مان حضور داشتند صندوق‌هایی برای اخذ رای ایجاد شده است افزود: بر این اساس در 130 کشور انتخابات برگزار می‌شود که 304 صندوق براي اخذ آرا در نظر گرفته شده است. وزیر امورخارجه درباره وضعیت اخذ آرا نیز گفت: بر سر هر صندوق نیز 9 نفر به انجام وظیفه می‌پردازند و حدود 450 هزار برگه تعرفه راي نیز به حوزه‌هاي اخذ راي و سفارتخانه‌ها و نمایندگي‌هاي جمهوري اسلامي ایران در خارج از کشور **ارسال شده** است.[37]"

روزنامة کیهان و خبرگزاري ایرنا همراه با وزیر امور خارجه تأیید می‌کنند که 450 هزار برگ تعرفه تحویل گرفته و علت این مقدار زیاد تعرفه را هم پیش‌بینی مشارکت بیشتر مردم می دانند. خبرگزاری ایلنا در گزارش همین خبر به روز 88/3/9 می نویسد:

"به گزارش خبرنگار ایلنا، منوچهر متکی با اشاره به اینکه 450 هزار تعرفه آماده شده و به سفارتخانه های ایران ارسال گردیده، افزود: پیش بینی می‌کنیم امسال از سوی هموطنان خارج از کشور، مشارکت بیشتری نسبت به دوره های قبل

37 به علت تکرار زیاد در متن گزارش خبری بخش های اضافی کوتاه گردیده است.

داشته باشیم. ... به گفته وزیر امور خارجه، تاکنون بالاترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات ریاست جمهوري، 130 هزار نفر بوده است."
در مورد آمار مشارکت خارج از کشور آیا ما باید به سخنان وزیر امور خارجه تکیه کنیم یا رئیس ستاد انتخابات که مي‌گوید برنامة کار خارج از کشور با وزارت امور خارجه است و ما تنها کار تدارکات را انجام مي‌دهیم؟
در این غوغای ناشی از اظهارات متناقض اطلاعاتی که در مورد شمارگان تعرفة ارسالي به خارج از سوي ستاد انتخابات خارج از کشور در اختیارکمیتة ایرانیان خارج از کشور آقاي مهندس موسوی قرارداده شده بود، مؤید ارسال 450.000 برگه است که در اطلاعیة این کمیته منعکس شده و هرگز از سوی آقاي دانشجو رد نشده است. این اطلاعیة در تاریخ 88/3/21 صادر شده و در سایت خبری آفتاب نیوز هم منعکس کرده است:
" بسمه تعالی
بیانیه مشترک کمیته ایرانیان خارج از کشور، حقوقی و صیانت از آراء ستاد مهندس موسوی
هموطنان عزیز و شریف مقیم خارج از کشور؛
در پاسخ به تماس‌ها و پیگیری‌ها مکرر شما عزیزان خارج از کشور در خصوص شرکت در

انتخابات و صیانت از آراء، مطالب زیر را به استحضار می‌رساند:

1- ...

2- حسب اطلاعات حاصل از تماس‌های مکرر با وزارت امور خارجه و ستاد انتخابات خارج از کشور مستقر در آن وزارتخانه، روز جمعه 88/3/22 ، 314 حوزه اخذ رأی در 131 کشور جهان مستقر خواهد شد که بنا بر اظهار مسئولان ذیربط، اطلاعات و نشانی آنها برای ایالات متحده آمریکا در سایت www.election88.org و برای تمامی نقاط جهان در سایت www.mfa.gov.ir قابل دسترسی است. بنا به اظهارات شفاهی مسئولان ستاد انتخابات خارج از کشور، حسب اعلام نیاز سفارتخانه‌ها، مجموعاً تعداد 461.600 تعرفه اخذ رأی برای حوزه‌های خارج از کشور ارسال گردیده است. ..."

بدینسان روشن است که اختلال در بیلان پیوست 49 ناشي از همین اختلال در نوشته-ها و گفته‌هاي متناقض بوده و براي توجیه نتایج اعلام شده تهیه گردیده و با واقعیت مطابقتي نداشته است.

اکنون با توجه به اینکه عددهاي اعلام شده براي میزان تعرفة ارسالي به خارج از کشور غالباً 450.000 الي 470.000 برگ بوده، باید نتیجه بگیریم که آن یکصد هزار برگ مانده در خزانه، از تعرفه‌هاي چاپ قبل از انتخابات در ادعاهاي شوراي

نگهبان و وزارت کشور، نادرست بوده و مانده واقعي ناشي از تعرفه هاي چاپ روز جمعه 550.000 برگ بوده است؛ چنانکه خودشان هم اعتراف کرده اند، البته اگر این اظهارات اساساً درست تلقي شوند. مداركي در زیر بر نادرستي همین ادعاها هم ارائه خواهد شد.

3. بررسي بند الف از پیوست 49 گزارش شورا

شوراي نگهبان و وزارت کشور در بند الف مي‌گویند: کل تعرفه چاپ شده در مرحله قبل از انتخابات (الف) 58/875/000 برگ بوده است و در بند (ك) تعرفة موجود در مخزن بانك ملي را 650.000 برگ اعلام مي-کنند. این عدد حاصل جمع تفاوت دو بدوي چهار بند از این بیلان است. در واقع تفاوت میان بند (د)، یعني کل تعرفة توزیع شده قبل از انتخابات که برابر 58.775.000 اعلام شده و کل تعرفة چاپ شدة ادعائي در بند الف، یعني 58.875.000 برگ را که یکصدهزار برگ مي‌شود با تفاوت بند (ب) و بند (هـ) جمع مي‌زند. بند (ب) مي‌گوید کل تعرفة چاپ شده در روز انتخابات 2.000.000 برگ بوده و تعداد توزیع شده از آن، در بند (هـ) 1.450.000 برگ اعلام مي‌شود. بنا بر این، تفاوتشان برابر 550.000 برگ است که در جمع با آن 100.000 برگ، مجموعاً 650.000

برگي است كه ادعا مي‌شود در مخزن بانك ملي مانده است!!
اما در مورد آن 100/000 تعرفه كه از ظاهر پيوست 49 برمی‌آيد كه در مخزن بانک مانده بوده، بايد بگوييم كه همة اوراق چاپ شدة قبلی پيش از انتخابات توزيع شده بود و اين را صريحاً خود آقاي دانشجو اعلام كرده است؛ عملاً هم نگه داشتن اين تعداد كم در مخزن معنايی ندارد. در بحث پيشين هم نشان داديم كه اين مانده درست نيست.
اعدادی كه در مورد تعرفه‌های بجا مانده در مخزن بانک ملي در مصاحبه‌های مكرر ستاد مركزی انتخابات و وزارت كشور و آقای كدخدايی گزارش گرديده است با آنچه در اين گزارش مشاهده می‌كنيم متناقض است، از جمله در دو مكاتبه‌ای كه آقای دانشجو رئيس ستاد انتخابات با روزنامة همشهری داشته و متن آن در سايت «پايگاه اطلاع رسانی دولت» هنوز ديده می‌شود (اين نامه در زير منعكس شده است). همچنين آقاي محصولي در مصاحبة روز 88/4/4 خود همين ادعاي آقاي دانشجو را تأييد كرده و مي‌گويد 550.000 برگ در مخزن بانك ملي باقي مانده است.
برای پرهيز از پراكندگی ذهن خوانندة محترم بهتر است پيش از بررسی عدد كل تعرفه‌های چاپ شده از زبان مسئولان مربوط و بيان اطلاعات خودمان در اين

زمینه، تا بدینجای کار را با توجه به اقاریر شورای نگهبان و وزارت کشور صادق و مقید به صیانت از آراي مردم جمع بندی و بیلان تازه‌ای را تهیه کنیم.

برای اینکار فرض را بر صحت ادعای آقای محصولی و شورای نگهبان می‌گذاریم که می‌گویند جمع تعرفه‌های چاپ قبلی و روز جمعه برابر 60/875/000 برگ بوده است.

با تکیه بر داده‌های پیوست 49 و بخشی از مصاحبه‌های مسئولان وزارت کشور (فقط بخشی از این مصاحبه ها)، حساب تعرفة توزیع شده در «سراسر کشور»، یعنی بدون احتساب تعرفه های ارسالی به خارج از قرار زیر است:

1- کل تعرفه توزیع شده در داخل و خارج کشور قبل از انتخابات بند (د): 58/775/000 برگ اعلام شده که تفاضل کل تعرفة چاپ شده ادعايي، يعني 60.875.000 برگ و بند (ك)، يعني مانده نهايي در بانك ملي است كه همان 650.000 برگ باقيمانده است. توجه كنيد كه از اين به بعد ديگرنبايد ماندة مخزن بانك، نقشي در محاسبات داشته باشد.

2- تعرفه توزیع شده قبلی در سراسر داخل کشور: 58/205/000=58775000-570000 برگ

3- تعرفه توزیع شده در روز جمعه به برخی استانها: <u>1/450/000 برگ</u>

4- جمع تعرفه توزیع شده در سراسر کشور: 59/655/000 برگ[38]

این جمع با آنچه در پیوست 49 آمده 5000 برگ اختلاف دارد که ناشی از اشتباه خود ارائه دهندگان گزارش است[39].

از سطر (ح) هم باید تعرفة مصرف شده در خارج را کم کنیم و در نتیجه:

1- کل تعرفه مصرف شده در داخل باید تفاضل سطر (ح) و (ع) باشد که برابر است با:

39/170/822=39/371/200−214/392 برگ و برابر کل آراء مأخوذه داخل کشور که با جدول موجود در پورتال وزارت کشور همخواني ندارد.

2- کل تعرفة مصرف نشدة موجود در فرمانداری‌ها، یعنی: تفاضل سطر (ط) با جمع سطرهای (ك) و (ف): (369/608 + 650/000) − 20/719/162= 19/699/554 برگ

3- جمع تعرفة مصرف شده و موجود در فرمانداریها (داخل کشور): 58/870/376=39/170/19+822/699/554 برگ تعرفه. تفاوت این عدد با جمع تعرفة

---

38 این عدد به ادعای کمیتة صیانت از آراء آقای موسوی در ایام پیش از انتخابات نزدیک است و همان است که آن شخص متعصب برای دروغگو نشان دادن سخن آقای موسوی به آن استناد کرده است؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از آن طومار.

39 آیا این هم ناشی از حساب سازی است؟ ما نمی خواهیم فعلاً چنین داوری کنیم اما به هر حال بر نادرستی ها می افزاید و قرائن آن را تشدید می کند.

توزیع شده در سراسر کشور برابر می‌شود با: 784.624 برگ که باید در صندوقهای پلمپ شده موجود باشد و شامل دسته های تعرفه ای باشد که بخشی از آنها مصرف شده است. اما این عدد 650000 برگ بیش از عدد سطر (س)، یعنی 134/624 برگ است! (توجه داشته باشید که معماي مختوم به دو صفر بودن همچتان بر سر جاي خود باقي مي‌ماند و با هيچ محاسبه‌اي قابل رفع نيست!!)

4- از سوي ديگر در بالا نشان داديم كه تعرفة ارسالي به خارج از كشور، حد اكثر، 450.000 برگ بوده است، بنا بر اين تفاوت 120.000 برگي اين عدد با بند (ص) كه تعرفة ارسالي به خارج را 570.000 برگ اعلام مي‌كند، يا بايد در بانك ملي باشد و يا در داخل كشور و در صندوق‌ها يا نزد فرمانداري‌ها. به عبارت ديگر، اين 120.000 برگ سبب مي‌شود كه آمار توزيع داخل به هم بخورد. به هر حال اين عدد بايد به 784.624 برگ ما به التفاوت افزوده گردد كه بالغ بر 904.624 برگ مي‌شود.

5- چنانچه گفته‌هاي پيشين آقاي دانشجو و سخنان آقاي محصولي را در 88/4/4 ملاك محاسبه قرار دهيم، مانده در مخزن بانك ملي 550.000 برگ بوده و بايد يكصدهزار

برگ به این ما به التفاوت اضافه گردد که مساوي 1.004.624 برگ مي‌شود!
باید توجه داشت که در سطر (ط) آمده است: «کل تعرفه مصرف نشده موجود در فرمانداری‌ها و خارج از کشور و ...» و این به معنای آن است که در زمان تهیة این گزارش هنوز صندوق‌های خارج از کشور به ایران نرسیده بوده و بنا بر این مانده اشاره شده در سطر (س) تنها به موجودی‌های داخل صندوق‌های سراسر کشور مربوط است. **به عبارت دیگر موجودی مخزن بانک را دوبار حساب کرده‌اند و تازه جمع و تفریقشان هم درست نبوده است.** شما به هر تفسیری این پیوست را محاسبه کنید اعداد با هم سازگار نیستند. این وضع و حال گزارشی است که به ادعای شورای نگهبان و آقای کدخدایی حاصل کار کارشناسان زیادی است که مدت بیست روز روی آن کار کرده‌اند!!
اما بر اساس مصاحبة مورخ 88/3/28 آقای دانشجو در شبکه خبر (متن مصاحبه در زیر مي‌آید) باید دومیلیون از جمع تعرفة توزیع شده کم کنیم که در این صورت صندوق‌ها چیزی هم طلبکار می‌شوند!! یعنی باید ثابت کنند که این تعرفه‌ها را از کجا آورده‌اند و در نتیجه باید کسري را از کل آراء مأخوذه کم کنند و بپذیرند که در اعلام آراء و شمارش دست-برده‌اند و این بسیار روشن است. زیرا برگشتی‌ها به اضافة آراء مأخوذه بیش از

شمار تعرفة توزیع‌شده خواهدبود. به گمان ما این بهترین نمایانگر واقعیت بازی وزارت کشور و عوامل پشت پردة کودتای انتخاباتی اخیر است. شواهدی را نشان خواهیم داد که تعرفه‌های زیادی در دست مردم می‌چرخیده و اصلاً حساب و کتابی در کار نبوده است. هرچند مکرر توسط آقای کدخدایی و آیت الله جنتی ادعا شده که شورای نگهبان بر همه امور نظارت داشته است:

"جام جم شنبه 3/23: سخنگوي شوراي نگهبان در گفتگويي با اشاره به اين‌كه شوراي نگهبان از طريق تشكيل هيات مركزي، هيات‌هاي استاني و شهرستاني بر انتخابات نظارت ويژه دارد، گفت: شوراي نگهبان با اعزام بازرسان ويژه به تمامي مناطق، نظارت ويژه داشته است.

به گزارش ايرنا، كدخدايي با اشاره به اين‌كه در كنار هر شعبه اخذ راي بين 3 تا 5 بازرس شوراي نگهبان حضور داشتند، افزود: در برخي مواقع تعداد اين بازرسان بر اساس جمعيت حاضر در شعب بيشتر مي‌شد. وي تاكيد كرد: بازرسان شوراي نگهبان از زمان چاپ تعرفه‌ها تا استقرار صندوق‌ها حضور فعالي در عرصه انتخابات داشتند."

اگر خواننده محترم توجه کرده باشد، در دو مورد نشان دادیم که پیوست 49 اشتباه تایپي داشته است، یکي مربوط به

بند (ز) است که 5000 برگ کمتر تایپ شده و دیگري مربوط به تعرفه هاي مصرف نشدة خارج از کشور در بند (ف) است که به جاي 69 عدد 96 تایپ شده است. این اشتباه رایجي در حسابداري و ریاضیات است که جاي دو رقم عوض مي‌شود. بعضي از افراد به هنگام سخن گفتن دچار این عارضه مي‌شوند و دو رقم را جابجا مي-گویند. آقاي دانشجو رقم قطعي تعرفة چاپ شده تا قبل از انتخابات را روز 88/3/28 از شبکة خبر 56.775.000 و کل تعرفه چاپ شدة قبل و روز انتخابات را 58.875.000 برگ اعلام کرده است و آقاي محصولي هم این عدد را عیناً در روز 88/4/4 از تلویزیون اعلام و به قبل از انتخابات نسبت داده است!! به نظر مي-رسد که آقاي دانشجو به جاي 56.875.000 عدد 56.775.000 را گفته باشد، سپس آن‌ها روي این عدد دو میلیون (به ادعاي خودشان) تعرفة روز جمعه را اضافه کرده و به عدد 58875000 رسیده‌اند. در نوبت بعدي روز 88/4/1 به هنگام تهیة پیوست 49 بدون اینکه هراسي از فاش شدن دروغ داشته باشند (زیرا امري مرسوم شده و تنها به ضرب تحکم با تکیه بر زور ارقام و آمار آن را به مردم مي‌قبولانند و به قول آقاي منتجب نیا مي‌کوشند به مردم بباورانند که 2+2 مساوي 5 مي‌شود) از این اعداد بیلاني را راست و ریست

کرده اند. اما این کار سبب شده است که **موجودي مخزن را یکصد هزار برگ بیشتر اعلام کنند، عدد ارسالي به خارج از کشور را 120.000 برگ بیشتر بگویند و بعلاوه موجودي مخزن را دوبار به حساب بیاورند.** این حدس ذهن را بدین سمت مي-کشاند که تطبیق وضعیت صندوق‌ها با آراء اعلام شده بسادگي و در مدتي که روي آن کار کرده بودند میسر نبوده است.

آیا به نظر شما خوانندة محترم، مطابقت عدد بند (ز)، یعني 59.600.000 برگ با عددي که کمیتة صیانت از آراء آقاي موسوي مشترکاً با کمیتة صیانت از آراء آقاي کروبي چند روز پیش از انتخابات اعلام کرده بودند، اتفاقي است؟ در این اعلامیه مشترك گفته شده بود که وزارت کشور 59.600.000 برگ تعرفه توزیع کرده است، اما پیوسته آن را حدود 57 میلیون ذکر مي‌کنند و پرسیده بودند که آیا این پنهان‌کاري براي چیست؟ (متن این اعلامیه پس از این خواهد آمد)

آن‌ها این عدد اعلام شده را بهانه قرارداده و با مغلطه‌کاري نسبت ادعاي کذب به آقاي موسوي دادند در حالي که در اینجا همان عدد را ذکر کرده اند، لیکن با قید اینکه آن رقم حاصل قبل و روز انتخابات است! توگویي آقایان مهدي کروبي و میرحسین موسوي و کمیتة صیانت از آراءشان از پیش مي‌دانسته اند که

چنین اتفاقي خواهد افتاد، در حالي که آن‌ها از امر واقع خبر مي‌دادند و این گروه تهیة کنندة گزارش بعدها عدد را پیراسته اند.
برای مثال، یکی از این مغلطه‌گرهای سیاست‌پیشه که در ماجرای انتخابات کوشید از هر فرصتی برای مطرح ساختن خود سخنان ناروایی را در کنار برخی انتقادات به دستگاه حاکم منتشر نماید، اخیراً در سایت خودش مطلبی خارج از نزاکت ، تحت عنوان دروغ های مهندس موسوی، عرضه کرده است و از جمله می نویسد:
"دروغ شماره (17)
« در این دوره ... تعداد 59/600/000 برگه تعرفه رای با شماره سریال چاپ شد[40].»
طبق آمار رسمی وزارت کشور که مورد تأیید شورای نگهبان قرارگرفته و با اسناد موجود در چاپخانه بانك ملی (محل چاپ تعرفه ها) مطابقت دارد، تعداد تعرفه‌های چاپ شده جهت انتخابات در مرحله اول تعرفه با شماره ۵۷/۰۰۰/۰۰۰ سریال بوده و در مرحله دوم به ۸۷۵/۵۸/تعرفه سریال دار افزایش ۰۰۰ یافت . حال جناب موسوی رقم بالا را از کجا آورده خدا میداند.!! ... نوشته

40 مبنای این عدد جمع دو میلیون با 57600000 است که در یکی از ادعاهای وزارت کشور مطرح شده بود و متن آن خواهد آمد.

شده در سه شنبه 17 شهریور1388ساعت 2:3 "... توسط
ملاحظه کنید که در اثر شدت تبلیغات سوء و بمباران حرف های بی ربط توانسته اند ذهن این نویسندة گرامی را مغشوش نمایند، تا آنجا که برای این هتاکی بی‌مورد حتی به گزارش شورای نگهبان هم رجوع نکرده است. این شخص البته به گفته‌های آقای دانشجو اعتماد نموده و این مطالب بي‌پايه را بيان نموده است. همانطور که در بیلان بالا و تصحیح اعداد پیوست 49 با صحیح انگاشتن ادعاهاي آن-ها نشان دادیم برابري عدد مندرج در بند 3 از بیلان توزیع با آنچه کمیتة صیانت خیلي پیش از انتخابات گفته بود، امري تصادفي نیست. کمیتة صیانت از طریق اطلاعات مردمي متوجه شده بود که آن‌ها 59.600.000 برگ تعرفه در حال چاپ دارند در حالي که مي‌گویند «حدود» 57 میلیون چاپ مي‌شود. مسئولان وزارت کشور و شوراي نگهبان در آنموقع ادعا را رد کردند و پس از واقعه به حسابسازي پرداختند؛ اما محاسباتشان درست از آب درنیامده است.
همین نویسنده بدون خواندن تحلیل‌های دیگران از جمله سایت تابناک در مورد جمعیت واجد شرایط می نویسد:
"دروغ شماره (16) موسوی می‌نویسد: «... مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال

جمعیت افراد واجد شرایط رای دادن را حدود 45/200/000 نفر اعلام کرده بودند ... » این دروغ دیگه واقعاً شاهکاره[41] جناب موسوی است. طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال و اعلام ستاد انتخابات کشور جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن بیش از 46 میلیون نفر بوده اند و اینکه چرا جناب موسوی این تعداد را یك میلیون نفر کاهش میدند ، خود از عجایب است!!"

فرض کنیم که حق با این نویسندة احساساتی باشد، که در سایت آن وکیل مجلس جویای نام این مطالب را نوشته است، اگر 46 را 45 نوشتن که تأثیری در استدلال ندارد تا این اندازه دروغ باشد که شاهکار موسوی تلقی شود، در حالی که دسترسی به آماری اینچنینی برای همه میسر بوده و موسوی هم از این واقعیت آگاه است، آیا در برابر دیدگان یک ملت این همه دروغ در مورد شمارگان تعرفه و نحوة چاپ و توزیع و نظارت بر این امور چگونه دروغی خواهد بود؟ این وکیل مجلس که باید امانتدار باورهای ملتش باشد، مسبب چنین غفلتی در دیگران شمرده می-شود. اگر شمارگان تعرفه را دروغ اعلام

---

[41] اصولاً در متن نوشته‌هاي روزنامه‌ها يا سايت‌ها اغلاطي از اين قبيل ديده مي‌شود و ما هم براي پرهيز از دخل و تصرف در متن غالباً از تصحيح خودداري كرده‌ايم.

کنند یک خطاي ساده است؟ اما اگر شمارگان جمعیت را بر اساس تحلیل آماری متکی به شمارگان رأی دهندگان دوره های پیشین یا سهواً یک میلیون کم بگویند که هیچ تأثیری در روند بحث ندارد، یک «شاهکار» است؟!!

به هر حال، همانگونه که مشاهده فرمودید، تحلیل مستند به گفتار خود مسئولان نشان مي‌دهد که نظارتي در کار نبوده و پیوست 49 از جهات متعددی اشکال دارد؛ نه تنها سر و ته مطلب به هم راست نمی‌آید، بلکه بهترین سند براي اثبات بي«صداقتي« نویسندگان آن است!

از جمله مغالطات آقاي کامران دانشجو که آن نویسنده را هم تحت تأثیر قرارداده است، پاسخ مکتوب ایشان به نامة آقاي موسوي است که در سایت دولت هم منعکس است.

در این مکتوب هم ذکر تاریخ 88/3/21 به جای 88/3/22 در نامة آقای موسوی را از آن زمان تاکنون پیوسته به عنوان یک ادعای کذب مطرح می‌کنند، اما با چنان اختلاف حسابی مدعی تقوی هستند:

"جوابیه دوم وزارت کشور به روزنامه همشهری

... 5- علی رغم اطلاعات و آمار کذب در نامه آقای موسوی و تذکره روزنامه همشهری، اولاً : تعداد تعرفه‌های چاپ شده اخیر، در روز 88/3/21 نبوده و در این

تاریخ هیچ تعرفه‌ای چاپ نشده است. صرفاً در روز اخذ رای 88/3/22 به دنبال حضور غیر قابل وصف و پیش‌بینی مردم چاپ تعرفه مذکور انجام شده است. ثانیاً : تعداد تعرفه‌های چاپ شده فقط دو میلیون بوده که همگی دارای شماره سریال می-باشند و استانهای محل توزیع آنها نیز کاملاً مشخص می‌باشد. ثالثاً : از تعرفه های مذکور ، **تعداد550/000 عدد توزیع نشده و در مخزن چاپخانه بانک ملی هم اکنون موجود است** و برای **شبهه افکنان** قابل ملاحظه می‌باشد که همگی دارای شماره سریال می باشند.

6- تعداد تعرفه‌های تحویلی به هر استان و هر شهرستان با حضور نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان ، با ذکر میزان تعرفه تحویلی و ذکر شماره سریال آنها صورتجلسه شده و نیز میزان تعرفه تحویلی به هر شعبه اخذ رای و شماره سریال آنها، با حضور و امضاء نماینده هیات اجرایی و نماینده هیات نظارت شورای نگهبان صورتجلسه شده است. ضمناً تعرفه های مصرف نشده هر شعبه اخذ رای، در فرم 22 (فرم شمارش آراء هر صندوق) ذکر گردیده و در حضور نمایندگان نامزد ها و بوسیله اعضای اجرایی، ناظرین شورای نگهبان، بازرسان ، نماینده فرمانداری و محافظان صندوق ، امضاء و گواهی گردیده است.

7- مجموع تعرفه های مصرف نشده در **سراسر کشور** در روز دوشنبه مورخ 88/4/1 با حضور نماینده شورای نگهبان بررسی شد و معلوم گردید که تعداد تعرفه مصرف نشده **دقیقاً** برابر با تعداد تعرفه های چاپ شده پس از کسر تعرفه های مصرف شده در شعب اخذ رای می‌باشد و در این مورد **هیچ شبهه ای** وجود ندارد.[42]"

ایشان روز 88/3/28 در شبکه خبر سیما اعدادی مغایر داده است در حالی که اینجا می گوید، در 88/4/1، یعنی سه روز بعد با شورای نگهبان بررسی کردیم و دیدیم همه چیز درست است!! آن عدد نامة پیوست 49 را با این عدد در نامه به همشهري و متنی که در زیر می‌آید مقایسه کنید:

کامران دانشجو روز 88/3/28 در برنامه ویژه پاسخگویي به شبهات انتخاباتي از شبکه خبر می‌گوید:

"در این دوره براي 46 میلیون و200 هزار واجد شرایط راي دادن **حدود 57 میلیون تعرفه** به چاپ رسید که بر اساس یك ضریب خاصي از میزان مشارکت در هر یك از مناطق کشورمان تعرفه در اختیار آنها قرار مي‌گرفت، اما در این دوره از انتخابات به واسطه استقبال بسیار

[42] این خبر در ایرنا بتاریخ 88/4/3 منتشر شده و در پایگاه اطلاع رساني دولت یار، مربوط به دولت آقاي احمدي‌نژاد هم موجود است.

گسترده مردم، و به وجود آمدن صف‌هايي طويل در همان ساعات اوليه رايگيري در برخي از شعب با كمبود تعرفه مواجه شديم كه بلافاصله از طريق ستاد فرمانداري‌ها موضوع پيگيري و تعرفه به ميزان مورد نظر به هر يك از شعب ارسال شد. به دليل استقبال گسترده مردم در اين دوره از انتخابات ما مجبور شديم تا به چاپخانه‌اي كه تعرفه‌هاي اين دوره از انتخابات در آن چاپ شده بود اعلام كنيم كه به ميزاني، تعرفه در روز جمعه به چاپ برساند كه بر اين اساس **ميزان كل تعرفه به چاپ رسيده در اين دوره از انتخابات به 58 ميليون 875 هزار رسيد** كه براي برخي از استان‌هايي كه با كمبود تعرفه مواجه شده بودند، ارسال و مقاديري از آن در شهر تهران توزيع شد."[43]

به هر حال، اگر ملاک محاسبه را بر همين گزارش كه سه روز پيش از زمان ادعايی خود آقای دانشجو در نامه به همشهری اظهار نموده است، قرار بدهيم، در اين صورت كل تعرفه‌ها نزديک به 58875000 بوده و اين شامل همان تعرفه‌های مورد ادعاست كه روز جمعه چاپ كرده‌اند. ليكن چون خودشان كتباً به دو ميليون علاوه بر

---

43 فيلم مصاحبه در آرشيو صدا و سيما موجود است، بعلاوه متن مصاحبه توسط خبرگزاري فارس منتشر شده و در روزنامه‌ها _ ايران 30 خرداد 88 صفحه 20 - به چاپ رسيده و غير قابل انكار و اصلاح است!

58875000 اعتراف کرده اند، فرض دیگری را باید صحیح بیانگاریم. آنها، همانطور که در زیر نشان خواهیم داد، قبل از انتخابات نزدیک به 59.6 میلیون چاپ کرده اند و یک روز پیش از انتخابات و روز انتخابات هم حد اقل نزدیک به 4 میلیون برگ چاپ مجدد داشته اند. اما پس از آن جلسة کذائی با شورای نگهبان و تلاش برای راست وریست کردن آمارها و تطبیق جداول آراء با تناقضات در گفته-ها که بارها تغییر داده شده اند، با تردستی متن پیوست 49 را تهیه کرده اند که در آنهم دچار خطای فاحش شده اند.

به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از [سایت] آینده ... ساعتی بعد از پخش این برنامه در شبکه خبر [برنامة آقای دانشجو که در بالا اشاره شد]، برنامه ایران 88 [شبکه سه] نیز با مجری‌گری نویسنده سایت رجانیوز میزبان شریفی‌راد، مدیرکل انتخابات کشور بود[44] ...

در این برنامه که با هدف پاسخگویی به شبهات موجود در خصوص سلامت انتخابات برگزار شده بود، مدیر کل انتخابات وزارت کشور (جانشین آقاي کامران

---

44 عنوان آقای شریفی راد در رابطه با انتخابات «جانشین رئیس ستاد انتخابات»، یعنی جانشین آقای دانشجو است که به پیشنهاد خود وی در 88/1/7 منصوب شده است. [خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)]

دانشجو، یعنی جانشین رئیس ستاد انتخابات کشور) اظهار کرد علاوه بر 57 میلیون تعرفه چاپ شده پیش از انتخابات، حدود نیم میلیون تعرفه نیز در روز انتخابات چاپ و توزیع شده که 200 هزار تای آن‌ها به تبریز، 100 هزار به اصفهان، 100 هزار به خراسان، 50 هزار به قم و... ارسال شده است. ...

شریفی‌راد از ارائه پاسخ مناسب در خصوص ریخته‌شدن 10 میلیون تعرفه اضافه به نام احمدی‌نژاد در صندوق‌ها نیز ناکام ماند و گفت: اولاً باید بگویند این 10 میلیون رأی در کدام صندوق ریخته شده و ثانیاً تعرفه‌ها کجاست؟ چون هر تعرفه یک شماره یونیک دارد و با شماره سریال در استان‌ها توزیع شده است."

حالا ما کدام را باید درست بدانیم و چه کسی راست می گوید؟ طبق این خبر علاوه بر اینکه اصل توزیع 1.450.000 تعرفه در روز انتخابات نادرست است، کل تعرفة چاپ شده که شامل روز انتخابات هم می-شود، تنها 57.207.000 برگ بوده است!!!

در این صورت گزارش پیوست 49 با آن اعداد مربوط به تعرفه‌های مصرفی و برگشتی را چگونه توجیه کنیم؟ براستی کسی هست که سخن راست گفته باشد؟ اگر این عدد را در تراز پیوست 49 لحاظ کنیم باید به نتایج زیر برسیم:

1- تعرفة چاپ شده قبل و روز انتخابات 57.207000 برگه،

کسر مي‌شود:

1- ماندة مصرف نشده در مخزن بانك ملي 650.000 برگه

2- ارسالي به خارج از كشور 570.000 برگه

ماندة توزيع شده در داخل كشور 55.987.000 برگه

كسر مي‌شود:

1- كل تعرفة مصرف نشده در داخل كشور، اعم از تحويلي به فرمانداري-ها و پلمپ شده در داخل صندوقها: 20.853.786 برگه

ماندة مصرف شده در صندوق‌ها (-كل آراء مأخوذه در داخل) 35.133.214 برگ!!

اگر اين عدد را با 369.608، يعني آراء خارج از كشور جمع كنيم قاعدتاً بايد برابر كل آراء مأخوذه باشد: 35.502.822 برگ!! كه با عدد اعلام شده در گزارش شورا و وزارت كشور 3.860392 برگ اختلاف دارند.

در اوايل تيرماه آقاي كدخدايي در مصاحبة تلويزيوني براي رد ادعاي كساني كه به تعداد آراي شهرهايي كه بيش از جمعيتشان رأي در صندوق‌ها ريخته شده، بطور جدلي پذيرفت كه حد اكثر سه ميليون رأي از اين طريق باطل مي‌شود، او گفت اگرچه اين موضوع در دست پيگيري

است اما گمان نمي‌كند كه اين صندوق‌ها ايرادي داشته باشند و باطل نخواهند شد. در 88/4/5 آقاي منتجب نيا، قائم مقام آقاي مهدي كروبي در حزب اعتماد ملي، در وبلاگ شخصي خود تحت عنوان «صحت انتخابات يعني 5=2+2» در اين باره نوشت:

"ما در يادداشت‌هاى پيشين دلائل متعددى را براى اثبات بطلان و عدم صحت انتخابات دهمين دوره رياست جمهورى ارائه كرديم. ولى با توجه به آمار آراء ماخوذه از شهرها وحوزه‌هاى سراسر كشور كه چيزى بالغ بر 350 شهرستان مى‌باشد، معلوم شد كه در بسيارى از شهرستانها تعداد آراء ماخوذه از مردم تا حدود 150% بيش از افراد واجد شرايط راى مى باشد به عبارت ساده تر در آن شهرستانها چيزى تا حدود 50 درصد راى غير واقعى و تقلبى به صندوق‌ها ريخته شده است، البته بين كانديداهاى معترض و سخنگوى شوراى نگهبان در تعداد شهرستانها اختلاف است، آقاى مهدى كروبى مى‌گويد: " تعداد مناطقى كه بيش از حداكثر ممكن راى داده‌اند بالاى 200 منطقه خواهد شد به علاوه به همين نسبت هم در شهرها و مناطق ديگر راى به صندوق ها ريخته شده و برآوردها از راى دادن افراد نيز حاكى از آن است كه امكان نداشته است كه بيش از 30 يا 32

میلیون رای در فرصت موجود با تعداد حوزه‌های تعیین شده از مردم اخذ شود" (روزنامه اعتماد ملی شنبه 2 تیر صفحه اول)

ولی آقای کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان می‌گوید: " تعداد اعلام شده از سوی کاندیداها بین 80 الی 170 شهر بود که نادرست است، این آمار حدوداً مربوط به 50 شهر است که مجموع آراء آن شاید قریب 3 میلیون رای می‌باشد و شاید اگر بنا به درخواست کاندیدائی به صورت تصادفی باز شماری شود تغییر چندانی در سرنوشت انتخابات نداشته باشد" (روزنامه اعتماد ملی شنبه 2 تیر صفحه دوم)

چنانکه ملاحظه می‌کنید سخنگوی شورای نگهبان صریحا به افزایش آراء ماخوذه در 50 شهر و 3 میلیون رای اعتراف کرده است، البته بدلیل تنگ شدن قافیه، در پی این اعتراف ناظر بر انتخابات، روابط عمومی شورای نگهبان طی بیانیه‌ای افزایش آراء را معلول مهاجرت تفریحی به ییلاقها و مناطق خوش آب و هوا دانسته است!! که با توجه به فصل امتحانات دانشگاهها و مدارس و شروع نشدن تعطیلات تابستانی در 22 خرداد، نادرست بودن این توجیه روشن خواهد شد.

... حال می‌گوییم مگر می شود، در میان حدود 350 شهرستان، به روایت کاندیداها

170 تا 200 شهر و به روایت سخنگوی شورای نگهبان تنها 50 شهر، تقلب صورت گرفته باشد و کسی ادعا کند که این انتخابات صحیح و سالم است؟!!
مي توانيم اين وجه از بطلان انتخابات را به زبان عالمان علم اصول چنين بيان كنيم : علمای اصول فقه، علم اجمالی را در منجّر بودن و معذّر بودن چون علم تفصیلی می دانند و نتیجه آن اینست که مثلا اگر در میان یکصد ظرف غذا یکی حرام یا نجس باشد، باید از تمامی صد ظرف (اطراف شبهه علم اجمالی) اجتناب کرد و نمی شود با اصل حلّیت و طهارت از آنها استفاده نمود. براساس این قاعده می گوییم، وقتی برای کاندیداها و شورای نگهبان ثابت شد که حداقل در 50 شهر یعنی حدود یک هفتم حوزه ها معادل 3 میلیون رای تقلب صورت گرفته است، با وجود احتمال تقلب در مابقی حوزه ها، چگونه می شود به این انتخابات در هر حوزه بزرگ و کوچک آن اعتمادکرد؟!! آیا مثل این انتخابات، مثل دیگ بزرگ آش یا برنجی نیست که شیء یا اشیاء نجسي در آن افتاده باشد که باید همه مواد مایع آن دیگ را کنار گذاشت؟!"
مقصود از يادآوري اين موضوع، آن نيست كه اختلاف آراء ناشي از بيلان مربوط به اظهارات آقاي شريفي راد را با آن سه ميليون مقايسه كنيم، بلكه اگر امر

دائر بر اعمال این سه میلیون در نتیجة آن بیلان باشد باید از جمع آراء مأخوذه در بیلان مربوط به آقاي شریفي راد، سه میلیون رأي دیگر هم کسر شود که در این صورت کل آراء مأخوذه 32.133.000 برگ خواهد شد!! این رقم اتفاقاً با خوشبینانه‌ترین پیش‌بینی‌هاي قبل از انتخابات موافقت دارد!!

هدف از نقل سخنان آقاي منتجب نیا، استفاده از این نکتة مهم ایشان بود که با وجود دلیل قطعي (و نه شبهه) یك ظرف آش نجس مي‌شود، چه با یك قطره خون باشد و چه با ده‌ها قطره!

ناگفته نماند که پس از این مصاحبه آقاي شریفي راد را نیز متوجه اشتباه فاحشي که مرتکب شده بود، نمودند و ایشان براي جبران این مطلبي که لو داده بود، با خبرگزاري فارس که همگان از جهت‌گیري آن در تبلیغ براي آقاي احمدي‌نژاد و توجیه رفتار دولتمردان آگاهي دارند، مصاحبه‌اي توجیهي در 88/3/31 انجام داد و این اعداد را تصحیح نمود، یعني به فاصلة دو روز از آن مصاحبة زندة تلویزیوني در شبکة سه برنامه ایران 88!!

این مصاحبه را سایت جهان نیوز که گفته مي‌شود به آقاي زاکاني از نمایندگان محترم مجلس و هوادار آقاي احمدي نژاد وابسته است، در همان تاریخ همراه با تعریف و تمجیدي از سابقة کاري ایشان،

تحت عنوان توجيهي: «دليل مشاركت بالاي 100% برخی حوزه ها» منعکس کرده است:
" ... جانشين رئيس ستاد انتخابات کشور در پاسخ به سوالي در خصوص کمبود تعرفه در برخي شعب، اظهار داشت: ما در آستانه برگزاري انتخابات شاهد ايجاد شبهاتي نظير عدم راي دادن مردم در شعب اخذ راي مستقر در مساجد بوديم که به طبع آن موجب شد در برخي شعب نظير مدارس شاهد ازدحام گسترده مردم باشيم، با اين حال بر اساس دستورالعمل برگزاري انتخابات، شعب به محض کمبود تعرفه و رسيدن به حدي از کمبود که تنها 100 تعرفه در شعبه باقي مانده باشد، بلافاصله درخواست ارسال تعرفه از فرمانداريها ميکنند که در اين شرايط و از شعبي که درخواست تعرفه وجود داشته فرمانداريها بلافاصله نسبت به تامين تعرفه اقدام کرده اند.
وي ادامه داد: براي اين دوره از انتخابات بر مبناي مشي تمامي انتخاباتهاي گذشته معادل 15 تا 20 درصد واجدين شرايط راي دادن برگه تعرفه بيشتر به چاپ ميرسد و در اين دوره از انتخابات نيز 58 ميليون و 875 هزار برگ تعرفه به چاپ رسيد که بخشي از آن پس از اعلام نياز برخي حوزه ها بواسطه مشارکت بسيار بالا نظير اصفهان (100 هزار)، قم (50 هزار)، خراسان (100

هزار) و تهران بيش از يك ميليون تعرفه مجدد ارسال شده است."
توجه فرماييد كه اين مصاحبه دو روز پس از آن صحبت‌هاي زندة تلويزيوني و شب قبل از تهية پيوست 49 است كه قاعدتاً بايد اين شخص جزو گروه تهية پيوست 49 بوده باشد، چرا كه به عنوان جانشين رئيس ستاد مركزي انتخابات مسئول مستقيم اين امور بوده است. او صريحاً در اين مصاحبه كل تعرفة چاپ شده در قبل و روز انتخابات را 58.875.000 اعلام مي‌كند و از اين رقم است كه تعدادي را روز جمعه 88/3/22، روز انتخابات، به شهرهاي مختلف فرستاده است. آقاي شريفي راد هيچ اشاره‌اي به اينكه تعرفه‌هاي ارسالي به قم و تهران و اصفهان و خراسان از محل تعرفة جداگانة چاپ شده در روز جمعه ندارد و از نظر او كل تعرفه همين عدد بوده است كه شامل تعرفة چاپ شده در روز جمعه هم مي‌شود و «بخشي از آن» به خراسان و ... ارسال شده است!! شگفت آنكه ايشان به عنوان كسي كه ده انتخابات ملي را تجربه كرده است مي‌گويد: «براي اين دوره از انتخابات بر مبناي مشي تمامي انتخابات‌هاي گذشته معادل 15 تا 20 درصد واجدين شرايط راي دادن برگه تعرفه بيشتر به چاپ مي‌رسد و در اين دوره از انتخابات نيز 58 ميليون و 875 هزار برگ

تعرفه به چاپ رسيد كه ...»، در حالي كه اگر مبناي گذشته ملاك بود و اگر حتي 20 درصد اضافه چاپ مي‌شد بايد 55.442.000 تعرفه چاپ مي‌كردند ونه 58 ميليون و 875 هزار برگ!! يعني نزديك به 3.435.000 اضافه‌تر از همين مبناي گذشته!! كه برابر 27/5 درصد مازاد است.

در اينجا لازم است به يك اشتباه محاسبة كساني اشاره شود كه در سايت‌هاي داخلي يا خارجي و از جمله در ويكي‌پديا، تحت عنوان «تقلب در انتخابات رياست جمهوري دورة دهم» مقالة تحقيقي مفصلي آورده‌اند، اشاره كنيم. غالب كساني كه پس از انتشار آمار آراء و نيز آمار صندوق‌ها به تحليل اين آمار پرداختند، علي رغم اينكه همگي متوجه فساد اين دسته از مناطق و صندوق‌هاي آن‌ها بودند و مي‌دانستند كه حد اقل شصت و اگر درست محاسبه شود نزديك به دويست و بيست حوزه، داراي صندوق‌هاي آلوده به علت افزوني آراء بر جمعيت بوده‌اند؛ با اينحال، در محاسباتشان درصد آراء كل را كه وزارت كشور اعلام كرده است، دخالت داده‌اند و اين كار اشتباه است. در نوشتة آقاي منتجب نيا از قول آقاي كروبي نكته‌اي نقل شده است كه به نظر مي‌رسد ايشان متوجه چنين موضوعي بوده‌اند.

غالباً گفته مي‌شود كه 85% از مردم در انتخابات شركت كرده‌اند، در حالي كه با كسر حد اقل سه ميليون آراء اين صندوق-ها كه آقاي كدخدايي هم به گونه‌اي قابل بررسي دانسته بود، نسبت شركت‌كنندگان در انتخابات در ساير شهرها كه بايد معياري متوسط براي كل باشد، برابر 78.5% مي‌شود كه تازه نسبتي بسيار تقريبي است. زيرا آمار اين دسته از صندوق‌ها دستكم بالغ بر 5 ميليون است كه اگر اين عدد در تعيين نسبت اعمال شود، نسبت مشاركت به 74.2% مي‌رسد كه معقول مي‌نمايد و با اغلب نظر سنجي‌هاي طرفين سازگاري دارد. حال اگر متوسط 75% ملاك محاسبه قرار بگيرد در اين صورت، بايد تعداد شركت كنندگان بالغ بر 34 ميليون و هشتصد هزار بوده باشد و مازاد آن از طريق آرايش بعدي در صندوق‌ها تزريق شده باشد كه با توجه به حساب نامناسب و ناسازگار تعرفه معقول مي‌نمايد. اين تخمين با آنچه كه از بيلان مبتني بر سخنان آقاي شريفي راد محاسبه شده است، همخواني نزديكي دارد. اما اين بدان معنا نيست كه در ساير صندوق‌ها دستكاري نشده است، بلكه به معناي آن است كه انتخابات از سوي مجري و ناظر به آشفتگي برگزار شده و نتيجه قابل اعتماد نيست. كسي كه از بيست و چهار ميليون رأي خود مطمئن باشد، از

آزمـــايش دوبـــاره هراســي بـــه دل راه نمـــي-
دهد، زيـــرا آنـــرا كـــه حســاب پـــاك اســت، از
محاسبه چه بـــاك اســت؟ امـــا اگـــر مصـــداق آن
آيـــة شـــريفه باشـــد كـــه از ســـورة آل عمـــران
نقل شـــد، يعنـــي بـــه زبـــان چيـــزي را بگويـــد
كه در دلش نيســت و مغـــاير آن اســت، البتـــه
كه از آزمون دوباره هراسان خواهدبود.
بـــرای توجيـــه پيوســـت 49 و رفـــع و رجـــوع
اشتباهات آقـــای شـــريفی‌راد و آقـــای كـــامران
دانشـــجو كـــه بـــر مبنـــاي رشـــتة تحصـــيلي
(فيزيك) بايد رياضـــياتش خـــوب باشـــد، آقـــاي
محصـــولی، وارد عمـــل شـــده و در مصـــاحبه اش
می‌گويد: چـــاپ تعرفـــه در پـــيش از انتخابـــات
طـــی دو مرحلـــه و قـــرارداد بـــوده اســـت.
ظـــاهراً آقـــايـــان دانشـــجو و شـــريفی راد، از
ايـــن دومـــی مطلـــع نبـــوده انـــد!! گرچـــه
هيچكدام ايـــن ســـه نفـــر از حـــرف‌هـــای ديگـــری
آگاهي نداشته اند چـــون هركـــدام ســـخن ديگـــري
را نقض كرده است، آنـــهـــم يـــك هفتـــه بعـــد از
انتخاباتي كه ايـــن همـــه مســـائل پيـــدا كـــرد
و ايـــن همـــه مجريـــان و دســـتگاه نظـــارت
كوشـــيده انـــد مـــردم را متقاعـــد ســـازند كـــه
رفتارشان درست بوده است!
"صـــادق محصـــولي **وزيـــر كشـــور** در برنامـــه
گفتگوي ويژه خبري پنجشنبه 1388/4/4:
و امـــا در رابطـــه بـــا تعـــداد تعرفـــه‌ها،
ابتـــدا در قـــرارداد اول **57 ميليـــون تعرفـــه**

چاپ کردیم[45] ، به خاطر حفاظت و صیانت بالا تعرفه‌ها را بانك ملي چاپ مي‌کند. **بعد این رقم به 58 میلیون و 875 هزار** افزایش پیدا کرد و همه‌ي اینها هم سریال‌دار[46] بود (پس آقای دانشجو که مسؤل این کار بوده روز قبل از این مصاحبه در همین شبکه از چاپ اوراق بعدی در قبل از انتخابات مطلع نبوده است). **این‌ها توزیع شد** برخي گفته‌اند در روز 21 خرداد باز تعرفه چاپ شد که اشتباه گفته بودند. در روز 22 خرداد به درخواست نماینده‌ي یکي از نامزدهایي که الان جزء معترضین است که گفته بود تعرفه کم آمده است و چاپ شود با تأیید شوراي نگهبان 2 میلیون تعرفه‌ي سریال‌دار با پیش‌بیني‌هایي که از قبل شده بود چاپ شد[47]. یعني **جمعا شد 60 میلیون و 875 هزار تعرفه که از اول تا**

---

[45] توجه کنید که ایشان اینبار از لفظ «حدود» هم استفاده نمی کند و می گوید 57 میلیون چاپ کردیم.

46 توجه فرمایید که چگونه از لفظ سریال و کد در این سخنان بیجا استفاده می‌کنند و سپس همین را به دیگران ایراد گرفته‌اند!!

47 گزارش شوراي نگهبان مي‌گوید که به درخواست فرمانداري‌ها و با توجه به سوء مدیریت توزیع تعرفه این کار صورت گرفته است و اشاره‌اي به درخواست هیچ نامزدي ندارد، اصولاً همانطور که در بخش صیانت از آراء نشان داده‌ایم، نامزدها از چاپ تعرفة اضافي به این مقدار و تهیة مهرهاي انتخاباتي به اندازة دو برابر مورد نیاز شاکي بوده‌اند.

آخر انتخابات چاپ شد. ما در روز انتخابات این دو میلیون برگه‌ي تعرفه که چاپ کردیم رقمي حدود یك میلیون و 100 هزار را به تهران، 50 هزار به قم، 100هزار به اصفهان و 200 هزار به آذربایجان شرقي ارسال کردیم، **550 هزار هم از 2 میلیون در مرکز بانك ملي که مخزن چاپ آن بود باقي ماند** که هم اکنون نیز موجود است."

شمار واقعی تعرفة چاپ شده چقدر است؟

پاسخ درست را با همان زبان عامیانه باید چنین داد که: والله چه می دانم؟ خدا عالم است و متصدیان صدیق و پاکدست و راستگوی صیانت از آراء ملت و امانتداران دین و قرآن؛ از آنها بپرسید!!

بخصوص بدین جهت که به گزارش خبرگزاری مهر، آقای کامران دانشجو تحصیل کردة آکسفورد و قائم مقام آقایان کردان و محصولي، در مصاحبة روز 3/16/ می‌گوید:

"عده ای دیگردر تعداد تعرفه‌ها شبهه ایجاد کردند و گفتند چرا به این اندازه تعرفه چاپ کرده اید، حال بهتر است افرادی که این سخنان را بر زبان می-آورند نگاهی هم به گذشته داشته باشند چرا که <u>ریاضی که ما بلدیم</u> جمعیت شناور می‌شناسد و ما می‌دانیم که شما دلسوزید و از سردلسوزی صحبت می‌کنید لذا چند

بار باید توضیح دهیم تا شاید شما قدری به خودتان بیایید.
معاون سیاسی وزیر کشور همچنین تصریح کرد: عده ای دیگر گفتند تعرفه ها را یک موسسه خصوصی چاپ می‌کند در حالی که نحوه چاپ آن را از طریق صدا و سیما به مردم نشان دادیم تا مردم خود قضاوت کنند[48]."
البته کسي جز وزارت کشور ادعا نکرده است که مي‌خواهد تعرفه‌ها را به بخش خصوصي واگذار نمايد؛ آگهي مناقصه را هم داده بودند، اما بعداً منصرف شدند. ادعاي نامزدها بر اساس همين آگهي و مصاحبة رئيس قبلي ستاد انتخابات بوده است.
در اینجا مصاحبه‌های وزارت کشور و شورای نگهبان دربارة شمارگان تعرفه‌ها را از ابتدای کار تمهید مقدمات انتخابات مرور می‌کنیم، شاید شما از ریاضیات آنها سر در بیاورید و بتوانید عددی را استخراج کنید:
آقای دانشجو روز 88/2/7 در مصاحبه‌ای جزییات نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوري دهم را اعلام می‌کند که بخشی از آن چنین است:
"رئیس ستاد انتخابات کشور شمار حائزان شرایط شرکت در انتخابات را 46 میلیون و

[48] اغلب این مصاحبه ها در سایت «دهیمن انتخاب» در دسترس است.

200 هزار نفر در سراسر کشوراعلام کرد و افزود: البته اگر مجلس شورای اسلامی ، مصوبه دولت مبنی بر کاهش سن رای دهندگان از 18 به 15 سال را تصویب می‌کرد از نظر اجرایي، هیچ مشکلی در برگزاری انتخابات وجود نداشت. وی ادامه داد: اکنون که شمار حائزان شرایط شرکت در انتخابات یعنی افراد بالای 18 سال، 46 میلیون و 200 هزار نفر اعلام شده است، **حدود 57 میلیون تعرفه** درحال چاپ داریم. وی شمار شعبه‌های اخذ رای در خارج از کشور را حدود 290 شعبه اعلام و اضافه کرد: وزارت امور خارجه، رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور را معرفی کرده است و امور انتخابات ریاست جمهوری دهم را پیگیری می‌کند. وی افزود: حدود 400 هزار تعرفه برای این شعبه‌ها درخواست شده است.[49]"

آقاي کامران دانشجو به نوشتة روزنامة اعتماد در مصاحبة روز 2/14 در خصوص چاپ تعرفة اضافی می‌گوید:

"البته رئیس ستاد انتخابات سعي کرد به شبهات موجود در مورد چاپ تعرفه اضافه نیز پاسخ دهد. وي اظهار داشت؛ من نمي دانم چرا قبلاً این همه به اضافه چاپ تعرفه شبهه وارد نمي‌کردند اما الان این شبهه وارد مي‌شود، چنان که در سومین

---

49 نقل از سایت انتخاب. این مصاحبه در شماره 2/7 کیهان نیز منعکس است.

دوره شوراي شهر 46 ميليون واجد شرايط وجود داشت اما 55 ميليون تعرفه به چاپ رسيد. همچنين در انتخابات مجلس هشتم 43 ميليون واجد شرايط وجود داشت اما 55 ميليون تعرفه چاپ شد. از سوي ديگر در انتخابات رياست جمهوري نهم مرحله اول 46 ميليون واجد شرايط (با احتساب سن 15 سالگي) وجود داشت اما 54 ميليون تعرفه به چاپ رسيد. حال كجاي اين مساله شک و شبهه دارد؟ هيچ شک و شبهه‌يي وجود ندارد، مگر اينكه شما بخواهيد شک و شبهه وارد كنيد. در همين زمان خبرنگاري پرسيد چرا در سال اصلاح الگوي مصرف تعرفه اضافه چاپ مي‌كنيد كه دانشجو اظهار داشت؛ من منطق و روال موجود را بيان مي‌كنم، گرچه شايد قانون نباشد اما اگر عده‌يي از افراد خواستند در نقطه ديگر كشور راي بدهند، ما ناچار هستيم 15درصد تعرفه اضافه چاپ كنيم و در اختيار محل اخذ راي قرار بدهيم تا اگر فردي خواست جاي ديگري راي بدهد ما تعرفه كم نياوريم چون ما مبنا را بر حضور تمام واجدين شرايط قرار مي‌دهيم. حال اگر فردي خواست راي بدهد و تعرفه وجود نداشت آيا اين مساله نقض حقوق شهروندي نيست؟ به هر حال اين روال در كشور وجود داشته است اما من نمي‌دانم چرا در دوره‌هاي قبل محل سؤال و شبهه

نبود و حال شما به آن شبهه وارد می-کنید؟"
همین آمار مبناي اعتراض کمیتة صیانت از آراء آقاي موسوي بود که میگفتند چرا برخلاف ارقامي که خودتان آعلام کرده اید، نسبت به گذشته این همه تعرفة اضافه چاپ کرده اید. چنانچه در درورة قبل براي 46 میلیون رأيدهنده، 54 میلیون برگ تعرفه چاپ شده که نزدیك به 17%/4 افزون بر تعداد رأي دهندگان بوده است، چرا میخواهید 57 میلیون چاپ کنید که 24% بیش از آمار خودتان در مورد شمار رأيدهندگان است! این در حالي است که بعدها اطلاعات کمیته در مورد چاپ مخفیانة تعرفه افزون بر همین رقم 57 میلیون برگ، یعني 59.6 میلیون برگ مورد تأیید قرارگرفت که نسبتش با جمعیت رايدهنده برابر با 29% است و اگر همان سخن آقاي محصولي و پیوست 49 را مبنا قرار دهیم، باید بپرسیم چرا قبل از انتخابات 27.2% تعرفه اضافه چاپ کرده اید؟
این سخنان شنونده را یاد ضرب المثل معروف «آی دزد» میاندازد. بسیاری از خوانندگان محترم در اقصی نقاط کشور روز جمعه پشت درهای بستة شعب رأیگیری ماندند و وزارت کشور و شورای نگهبان با بیتفاوتی گفتند: چه کنیم، اینها میخواستند زودتر به پای صندوق بروند.

یکجا می‌گویند همه چیز پیش بینی شده است تا مردم از حق خودشان برای انتخاب رئیس جمهورشان استفاده کنند و جای دیگر در برابر هرگونه مطالبه از حساب و کتاب کار توسط مردم داد و فریاد برمی‌آورند که مسلمانی نیست. آقای کدخدایی با بی‌خیالی تمام در روز 88/3/23 در مورد کمبود تعرفه می‌گوید:

"به گزارش ايلنا عباسعلي كدخدايي در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالي در خصوص علت بسته شدن در برخي از حوزه‌هاي راي‌گيري به روي مردم گفت: در تمامي حوزه‌ها و شعب اخذ راي كه پيش‌بيني مي‌شد نياز به تعرفه راي وجود دارد به تعداد كافي تعرفه ارسال شده است ولي در برخي از حوزه‌ها به علت اينكه استقبال مردم را پيش‌بيني نمي‌كرديم و تعرفه هم نداشته‌اند ناچاراً اين كار (بستن در حوزه ها به سوي مردم) صورت گرفت." این همان شخصی است که مکرر به همه اطمینان می‌داد و در گزارش تفصیلی نیز تکرار کرده است که هشدار نمایندگان نامزدها در مورد کمبود تعرفه در شعب اخذ رأی بی‌مورد بوده است! برای مثال در 88/4/10 در مصاحبه‌ای می‌گوید:

"[آقای کدخدایی] تاکید کرد: هيچ يك از ادوار انتخابات رياست‌جمهوري تاكنون دچار انحراف يا تقلب عمده نشده‌اند، خصوصاً انتخابات اخير كه از جمله سالم‌ترين انتخابات در طول دوران گذشته

بوده است. کدخدايي با اشاره به نظارت دقيق شوراي نگهبان بر روند انتخابات، گفت: *شوراي نگهبان از قبل از روز رايگيري بر چگونگي انجام مقدمات انتخابات، نظارت دقيق و کاملي داشته و رايگيري هم تحت نظارت دقيق ناظران شوراي نگهبان انجام شده است*. ... وي با بيان اينکه بر اساس بررسي‌هاي انجام شده مشخص شد که ادعاي برخي کانديداها مبني بر اينکه در برخي حوزه‌ها، تعرفه راي به اندازه کافي توزيع نشده، **نادرست است**، گفت: روند رايگيري، تنها در دو منطقه، آن هم به دليل استقبال گسترده مردم، با تاخير 20 دقيقه و 40 دقيقه‌اي مواجه شد. غير از اين موارد هيچگونه گزارشي مبني بر اينکه برگ تعرفه راي در حوزه‌اي وجود نداشته باشد به ما واصل نشده است. بررسي‌هاي بعد از روز انتخابات هم نشان مي‌دهد که هيچکدام از اين ادعاها درست نبوده است.[50]"

به هر حال هدف اصلي ما از ارائة اين گزارش داوری منصفانة شما خوانندة

---

50 متن اين مصاحبه در خبرگزاری فارس بتاريخ 88/4/5 تحت شمارة 8804050097 با تيتر خبرگزاري فارس: سخنگوي شوراي نگهبان با بيان اينکه تمامي گزارش‌ها و شکايات کانديداهاي معترض، بررسي شده است، از انتشار گزارش جامع شوراي نگهبان، در پايان مهلت رسيدگي به شکايات خبر داد. در روزنامه ها و سايت های ديگر هم منتشر شده است.

گرامي است. در مبحث بعدی با عنوان «مدیریت توزیع تعرفه» خواهیم دید که تا چه اندازه مسئولان انتخابات به حفظ حقوق شهروندی پایبند بوده اند. آیا تقاضای مشارکت در نظارت بر رأی‌گیری از سوی این شهروندان از حقوق شهروندیشان نبود؟ در بحث از مدیریت تعرفه جداولی را تقدیم می‌کنیم که ببینید آیا آنها 15% برگ تعرف اضافه چاپ کرده اند و آیا برنامة توزیع شان بي‌غرضانه بوده است؟

در 88/3/16 رئیس ستاد مرکزی انتخابات وزارت کشور از نظارت کامل شورای نگهبان بر همة امور خبر می‌دهد، در حالی که گزارش تفصیلی شورا تلویحاً این ادعا را نقض می‌کند بی‌آنکه عکس العملی نشان داده باشد:

"رئیس ستاد انتخابات کشور در پاسخ به سئوالی درباره مراحل طراحی، چاپ و توزیع تعرفه های رای نیز، گفت: اگر پیش از این نحوه چاپ، محل چاپ و زمان توزیع تعرفه های رأی را نگفته ایم به دلیل لحاظ کردن مسائل امنیتی در انتقال تعرفه ها بوده است اما حال که این انتقال صورت گرفته است باید اشاره کنم که طراحی تعرفه ها با نظارت و تایید شورای نگهبان صورت گرفت و در برگ تعرفه اسم نامزد و کدی برای نامزدها وجود دارد که البته نوشتن کد الزامی نیست.

وی ادامه داد : تمامی مراحل طراحی و چاپ تعرفه‌های رأی با نظارت و تایید شورای نگهبان و در چاپخانه بانک ملی صورت گرفته است و هم اکنون تعرفه‌های رای به استانها ارسال شده و آماده این است که مردم با حضور خود در پای صندوق‌های رای در روز 22 خرداد از این تعرفه‌ها استفاده نمایند[51]."

فردای آن روز، یعنی 88/3/17 آقای دانشجو باردیگر در مصاحبه‌ای تأکید می-کند:

"ما **57 میلیون تعرفه** براي اين دوره از انتخابات چاپ كرديم كه روند چاپ تعرفه اضافه همواره در انتخابات گذشته از ابتدا تا كنون به صورت 15 تا 20 درصد بيشتر از تعداد واجدان شرايط رأي وجود داشته است.[52]"

آقای کدخدایی هم حتی روز انتخابات این عدد را می پذیرد. جمعه 22 خرداد 1388 خبرگزاری مهر:

"کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان از صدور دستور چاپ مجدد برگه‌های تعرفه رأی برای جبران کمبود تعرفه در برخی حوزه‌های انتخابیه بویژه مراکزی در استان آذربایجان شرقی و فارس خبر داد و در خصوص اعلام نتایج توسط برخی رسانه‌ها

---

[51] خبرگزاری مهر، روز 88/3/16

52 روزنامه ایران، یکشنبه 88/3/17 کد خبر: 7004

گفت: هر گونه اعلام نتایج رسانه‌ها به جز از منابع رسمی صرفا گمانه زنی است. ...
وی در پاسخ به این سوال که با توجه به معلوم بودن واجدین شرایط در حوزه‌های انتخابی و نیز چاپ حدود **11 میلیون برگ** تعرفه اضافی علت کمبود تعرفه چیست ، ادامه داد: توزیع تعرفه‌ها از گذشته توسط وزارت محترم کشور با کدبندی‌ها و مکانیزم خاص منطقه‌ای صورت می‌گیرد و اگر چه به همین دلیل امکان انتقال تعرفه‌ها به نقاط دیگر موجود نبوده ، اما با آمادگی قبلی دستور چاپ و توزیع مجدد برگه‌های تعرفه برای تأمین در مناطق مورد نیاز در طول امروز صورت گرفته است و اکنون مشکلی در این زمینه وجود ندارد."
این مصاحبة سخنگوی شورای نگهبان که در روز جمعه بوده و خبرگزاری مهر آن را منتشر کرده است، اولاً منشأ پرسش صبح شنبه در جلسة مجمع تشخیص مصلحت از آیت الله احمد جنتی در مورد علت و مجوز چاپ تعرفة اضافی در روز جمعه (روز انتخابات) شده است. ثانیاً عدد «11 میلیون برگ تعرفة اضافی» در متن تفاوت میان 46/200/000 نفر واجدین شرایط و حدود 57 میلیون تعرفه‌ای است که پیش و پس از انتخابات مدعی بودند که چاپ شده است! آقای کدخدایی این عدد را در روز انتخابات پذیرفته است. بنا بر این، یا

این عدد دروغ بوده یا عدد درج شده در گزارش تفصیلی، یعنی 58/875/000 برگ چاپ شده قبل از انتخابات.
به لفظ «حدود» دقت فرمایید! شنونده از این لفظ نمی‌فهمد که آیا منظور اندکی کمتر از 57 میلیون بوده یا بیشتر، اما مصاحبة بعدی عدد قطعی را روشن می سازد. به گزارش ایلنا از مصاحبة کامران دانشجو در 21 خردادماه، وی ادعا می کند که 56/757/000 تعرفه قطعی چاپ شده است:
" رئیس ستاد انتخابات کشور گفت: انتخابات از 8 صبح فردا شروع مي‌شود و به مدت 10 ساعت ادامه دارد و در صورتي كه از سوي فرمانداري‌ها درخواست تمديد زمان رأي‌گيري وجود داشته باشد براساس صلاحديد وزارت كشور و حداكثر تا ساعت 24 فردا شب، زمان رأي‌گيري قابل تمديد است.
به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از ایلنا، **دانشجو تعداد تعرفه‌هاي قطعي آماده شده براي انتخابات را 56 ميليون و 757 هزار برگه اعلام كرد.**
دانشجو گفت: برخي رسانه‌ها به نصب غيرقانوني بنرها از سوي حاميان كانديداها اعتراض نمي‌كنند ولي اگر فرمانداري آنها را جمع آوري كند، جوسازي مي‌كنند در حالي كه بايد

فرمانداري را براي جمع آوري اين بنرها تحسين كنند[53]."

با اين مصاحبه، آن هم درست روز پيش از انتخابات، يعنی 88/3/21 مراد وزارت كشور يا شورای نگهبان از لفظ «حدود» مشخص می‌شود. عدد مزبور بسيار تعيين كننده است. از خواننده می‌خواهيم كه اين اعتراف روز 88/3/21 را بخاطر بسپارد. زيرا اگر ادعای آنها مبنی بر اينكه روز جمعه 2000000 برگ تعرفه چاپ كرده اند درست باشد، در اين صورت مجموع تعرفة ادعايی در پيوست 49 بايد بجز اين دو ميليون برگ پيش از انتخابات چاپ شده باشد. آقايان الويری و محتشمی‌پور مسئولان كميتة صيانت دو نامزد انتخاباتي، يعني آقايان كروبي و ميرحسين موسوي، كه بر اساس اطلاعات دريافتی از هواداران در وزرات كشور از مدتی پيش می‌گفتند 59/600/000 برگ تعرفه چاپ كرده اند، با هزاران اتهام و افترا مواجه شدند. روزنامة حيات نو اين نگرانی نامزدها را روز 88/3/18 با تيتر **«نگرانی‌شديد ازاحتمال تخلف‌درانتخابات»** منعكس كرده است:

"گروه داخلی -رئيس كميته صيانت آرا ميرحسين موسوی و كروبی در نامه‌ای به دبير

---

[53] اين خبر در سايت انتخاب و در سايت دهمين انتخاب نيز منعكس است.

شورای نگهبان از تخلفات گسترده در انتخابات ابراز نگرانی کرده و انجام اقدامات مقتضی را خواستار شدند. در این نامه خطاب به آیت‌الله جنتی آمده است: پیرو یادداشت‌های پیشین موارد زیر که می‌تواند زمینه تخلفات آشکار و پنهان را از طرف عناصر مسئول و غیرمسئول فراهم سازد، جهت هرگونه اقدام پیشگیرانه تقدیم می‌شود.

این موارد براساس اطلاعاتی است که به‌رغم پنهان‌کاری وزارت کشور از ستاد انتخابات به دست آمده است.

1- شعب اخذ رای 46294 که از این تعداد 14312 عدد آن سیار، 12857 روستایی و 19125 شهری است.

2ـ تعرفه‌های مرحله اول 59600000 می‌باشد که وزارت کشور تعداد تعرفه‌های چاپ شده را 57000000 (پنجاه و هفت میلیون) اعلام کرده است. اختلاف 2600000 برای چیست و چرا اعلام نمی‌شود!؟

3ـ تعداد مهرها همانطوری که می‌دانید دو برابر تعداد شعب به‌علاوه 10 درصد مازاد می‌باشد که بدون هیچ‌گونه دستورالعملی ارسال شده است و این کار فوق‌العاده خطرناک و نگران کننده است. در جریان باشید که شعب روستایی و شهرهای کوچک تا 10 صبح کارشان تمام می‌شود و تا عصر بیکار هستند و مهر اضافی و تعرفه‌های فراوان وسوسه‌انگیز است.

4ـــ براساس اطلاع در سایت وزارت کشور فقط سه نفر مستقر هستند و اهل فن می‌گویند نیازمند نظارت جدی هستند.
5ـــ برخی از صاحبنظران مدعی هستند نظارت جدی در شعب اخذ رای و به‌خصوص در هنگام شمارش آراء و بالاخص در شهرستان تهران، از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار است، اما معتقدیم اگر قرار باشد تخلف سازماندهی شده‌ای انجام بگیرد ،این کار نه در شعبه و نه در سایت و نه در هنگام شمارش و اخذ رای بلکه در استفاده از تعرفه‌های اضافی و مهرهای اضافی و با استفاده از صندوق‌های اضافی و سیار شدنی است. بخصوص که خبر می‌رسد که شناسنامه‌های سربازان در مراکز نظامی و... جمع آوری شده است.
6ـ بنا به خبر رسیده قراردادی به تعداد 4000000 (چهار میلیون) پیامک بین ستاد انتخابات وزارت کشور و وزارت مخابرات برای روز انتخابات آنهم به صورت محرمانه منعقد شده است که سوال بر انگیز است، چه فرمانی به صورت یکطرفه و به چه کسانی در روز انتخابات قرار است داده شود که مردم نباید بدانند. چرا مثل سابق از طریق صدا و سیما تمام موارد اعلام نمی‌شود. معمولا پیامک از شعب به ستاد انتخابات وزارت کشور برای اعلام اخبار و اطلاعات محرمانه و اعلام

اخبار ضروري، منطقی به نظر می‌آید اما پیامک از ستاد انتخاباتی کشور به عوامل اجرايي،در حالی که مرکز صدا و سیمای سراسری در ستاد انتخابات وزارت کشور مستقر هست آیا شبه‌انگیز نیست؟!

7_ ..."

در **جریان** اعلام آمار فرم های 28 و 22 که مدتی پس از انتخابات و در اثر فشار مردم صورت گرفت، با انتشار آمار صندوق‌ها بسیاری از فرزندان تیزهوش این ملت به سرعت تناقضات متعددی را در این جداول آماری کشف و در سایت‌های گوناگون اعلام می‌کردند؛ از جمله در سایت entekhabatj88 و سایت بالاترین، وزارت کشور و دوستان نظامی حاکم بر اتاق تجمیع ستاد مرکزی انتخابات نیز بلافاصله با ترفندهایی این اغلاط را به اصطلاح ماست مالی مي‌نمودند. این عده بی‌درنگ متوجه شدند که با اعلام خطاهای این متصدیان، بیش از همه به خود آنها کمک می‌شود. این دو سایت در تیتر جالبی نوشتند: «همکاری دوستانه و نزدیک سایت بالاترین با وزارت کشور». با انتشار عکس جداول تغییر یافته در شرح هم نوشتند: "بالاترین و سایتهای دیگر مغایرتها را برای این اعلام می‌کنند که وزارت کشور آنها را اصلاح کرده و فایل جدید بگذارد و تا به حال چندین بار

فایلهای وزارت کشور آپ دیت، اصلاح و دوباره آپلود شده.[54]"

این جوانان دانشور خوب بود بموقع این هشدار را به آقایان محتشمی و الویری هم می‌دادند. زیرا آنها با افشای اطلاعات خودشان، در موارد متعددی عوامل کودتا را هشیارتر کردند، از جمله در مورد قطع پیامك و تلفن ها و اینترنت در روز 3/21 که خبر این تصمیم را آن دو چند روز پیشتر دریافته و اعلام کرده بودند؛ ما این موضوع را در مبحث گزارش مجادلات بر سر صیانت از آراء به آگاهی شما رسانده‌ایم و باردیگر در بررسی طرح کودتا سراغ آن خواهیم رفت.

اصرار آقای دانشجو و دیگران بر اینکه قبل از انتخابات فقط «حدود» 57 میلیون برگ تعرفه چاپ شده بود، همانگونه که مستنداً گزارش گردید، تا روز 88/3/29 ادامه داشت، اما آن روزها و پس از فرصت کافی برای دستکاری تعرفه‌ها و آراء متوجه شدند که ممکن است کمیته‌های صیانت اسنادی از این تقلب در تعرفه داشته باشند، از این رو، به فکر اصلاح افتادند و ناگهان اعتراف کردند که قبل از انتخابات نزدیک به 59 میلیون، یعنی 58875000 برگ تعرفه چاپ کرده اند.

---

[54] ما بموقع خود این جداول را جهت اطلاع شما در همین گزارش درج خواهیم نمود.

بر اساس شنیده‌ها، میزان تعرفة چاپ شده بیش از این اعداد بوده و در مواردی هم ادعا شده است که تعرفه‌های فراوانی را با استفاده از دستگاه‌های چاپ شهرستان-ها و نیز بوسیلة دستگاه‌های مخصوص کپی رنگی که در ایران در اختیار نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران است و معدودی هم در اختیار سایر نهادها قرار دارد تکثیر کرده‌اند. قرائنی هم برای باور به این شایعات در دست است. اگرچه شایع کردن قرارداد 4000000 پیامك توسط وزارت کشور برای گمراه ساختن کمیته‌های صیانت بوده و می‌خواستند نشان بدهند که از برنامة قطع پیامك در 3/21 اطلاعی ندارند، آنها از این بهانه‌ها می-آفریدند تا رقیب را دروغگو یا بی‌اطلاع نشان دهند، چون آنها با در اختیار داشتن سرویس آنلاین رایانه‌ای و تلفن‌های سیاسی امن به راحتی می‌توانستند عوامل خودشان را از میزان آرایی که باید در صندوق‌ها با استفاده از تعرفه‌های اضافی و اعلام نشده «تزریق» کنند، مطلع نمایند.

ما در اینجا تنها به استناد آن جملة قرص و محکم و قسم حضرت عباسی که آقایان کدخدایی، محصولی و گزارش تفصیلی شورای نگهبان خورده‌اند و گفته-اند: همة صورتجلسه‌ها را بررسی کردیم و همة تعرفه‌های مصرف شده و نشده را محاسبة دقیق کردیم، همة فرم‌های 22 را

جمع دوباره زده و تعرفه های برگشتی مندرج در این فرم ها را کنترل نمودیم تا به گزارش پیوست 49 رسیدیم و همه چیز کاملاً درست بود، قطعه عکس زیر را جهت ملاحظة شما ارائه می‌کنیم. این تعرفه ها از کارتن‌های پر از تعرفه که پشت فرمانداری اهواز تلنبار شده بود بدست آمده است. تعداد یک یا هزاران برگ از این اوراق اگر دست دیگران باشد، سندی است بر اینکه دست اندرکاران انتخابات و نامزد حاکم و دار و دستة حامی وی نه تنها ناراست گفته اند بلکه عزم پیشین برای دستکاری در تعرفه داشته اند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۸۸/۳/۲۲
برگه رای
میزان رای ملت است
امام خمینی(ره)
هموطن گرامی: لطفا نام و نام خانوادگی نامزد مورد نظرتان را خوانا، همراه با شماره نامزدی وی در جدول ذیل مرقوم نمایید.
(فقط نام یک نفر درج شود)
نام و نام خانوادگی نامزد
شماره نامزد
محل مهر نظارت
جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۸۸/۳/۲۲
برگه تعرفه مشخصات رای دهنده
نام
نام خانوادگی
نام پدر
شماره شناسنامه
تاریخ تولد
شماره ملی
اثر انگشت رای دهنده
نام و امضای منشی شعبه
شماره سریال ۱۰۹۵۸۷۸ /۳۲
محل مهر نظارت

اسناد دیگری هم همراه با عکس در زیر خواهد آمد.

ملاحظه کردید که اگر ادعای آقاي شريفي-راد ملاك عمل باشد، در این صورت کلاً

57.200.000 برگ تعرفه چاپ و توزیع کرده-اند و اقرار به بیش از آن در واقع اعتراف به تقلب و دستکاري در شمارگان تعرفه است و این تعرفه‌ها بموجب اقاریر مندرج در پیوست 49 براي تغییر وضعیت صندوق‌ها بکار گرفته شده است، زیرا در آمار وزارت کشور نقش دارند. اما چنانچه ادعاي پابرجای آقای دانشجو تا 88/3/29 را بپذیریم که آنها تا روز انتخابات فقط 56/757/000 برگ تعرفه چاپ کرده بودند، با دو میلیون تعرفة روز جمعه جمعاً باید 58/700/000 برگ چاپ شده باشد که مشابه عدد ادعایی آقای محصولی در 88/4/3 برای ایام قبل از انتخابات است (58875000 برگ) و در پیوست 49 هم به عنوان تعرفة چاپ شده در قبل ذکر گردیده است. اختلاف 105000 برگ این دو عدد را هم در گفته‌های قبلی نشان دادیم. در واقع چون همین عدد را قبلاً در اختیار داشته‌اند و حساب هایشان روی این عدد بوده در پیوست 49 ندانسته 5000 برگ را گم کرده‌اند و صدهزار برگ دیگر را روی اوراق مانده در مخزن یا ارسالي به خارج از کشور گذاشته‌اند!! این نتیجه بدان معناست که تعرفة چاپی مازاد، یعنی دو میلیون برگ دیگر، البته اگر به حرف آنها اعتماد کنیم در روز 3/21 یا روز جمعه چاپ شده و در

این صورت باید گفت که 4 میلیون اضافه چاپ کرده اند.
به عبارت دیگر، آقاي محصولي در دادن عدد 58.875.000 در برابر دوربین اشتباهي را مرتکب شده است که تهیه کنندگان گزارش براي رفع و رجوع اختلاف 105.000 برگي آن در سطر (ز) از پیوست 49 ناگهان نسبت به حذف 5000 برگ اقدام کرده اند و در بیلان توزیع هم طوري نشان داده اند که گویي 100.000 برگ توزیع نشده بود و این با تمامي سخنان آن‌ها متناقض است.
اما این تشویش در گفته‌های آنها برای چیست؟ پاسخ را در مبحث بعدی، یعنی موضوع «مدیریت توزیع تعرفه» خواهیم یافت. سایت خبری آفتاب نیوز روز 88/3/20 در تحلیلی از این تناقضات چنین اظهار نظر کرده است: "در حالی که منوچهر متکی – وزیر امور خارجه – چندی پیش بالاترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات گذشته را 130 هزار نفر اعلام کرده بود، رییس ستاد انتخابات کشور از تخصیص 550 هزار برگه تعرفه رای برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور خبر داد. کامران دانشجو صبح پنج‌شنبه در یک نشست خبری گفت: «تا به حال بین 60 هزار تا 160 هزار نفر از

ایرانیان خارج از کشور در دوره‌های قبل در انتخابات شرکت‌کرده‌اند.»
رییس ستاد انتخابات کشور با بیان این که در ابتدا 300 هزار تعرفه برای شعبه‌های اخذ رای در خارج از کشور درخواست شده بود، خاطرنشان کرد: «پس از بررسی‌ها، وزارت امور خارجه 550 هزار تعرفه درخواست کرد و تحویل گرفت. در مورد تعداد صندوق‌ها نیز وزارت کشور دخالتی ندارد.»
این در حالی است که وزیر امور خارجه پیش از این گفته بود حدود 450 هزار برگه تعرفه رای به حوزه‌های اخذ رای و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ارسال شده است.
با مقایسه آمار ارائه شده این سؤال‌ها به ذهن می‌رسد که چرا با وجود این که بیش‌ترین میزان مشارکت ایرانیان خارج از کشور در گذشته160 هزار نفر بوده است (توجه داشته باشید که وزیر امور خارجه این رقم را 130 هزار نفر اعلام کرده است)، 550 هزار برگه تعرفه رای برای ایرانیان خارج از کشور صادر شده است.
سوال دیگر این که اختلاف 100 هزارتایی در تعداد تعرفه ارسال شده به خارج از کشورکه از سوی کامران دانشجو و منوچهر

متکی (450 هزار تا 550 هزار) اعلام شده است درچیست؟
شاید پشتوانه احمدی‌نژاد که در برنامه شب گذشته خود با اطمینان گفت 4 سال دیگر در خدمت مردم ایران است همین تناقض‌گویی‌های آشکار باشد."
علاوه بر تحلیل آفتاب نیوز بهتر است توجه کنیم که دادن آمار غلط آنهم براي چند بار متوالي از سوي رئيس ستاد انتخابات کشور به هيچ وجه ناشي از سهوالسان نيست. در اينجا مي‌گويد: «وزارت امور خارجه 550 هزار تعرفه درخواست کرد و تحويل گرفت،» در حالي که پيوست 49 و اقارير ايشان در مصاحبه-هاي بعد از انتخابات حاکي از تحويل 570.000 برگ است، آبا نبايد فهميد که چرا اين همه اعداد و ارقام را تغيير داده اند؟
آنچه تا بدينجا به استناد مصاحبه‌ها و اظهارات مختلف مسئولان مربوط مي‌توان استنباط و استدلال نمود اين است که:
صرف نظر از جمع تعداد تعرفه‌هاي مورد اختلاف، وزارت کشور و شورای نگهبان شهادت دروغ آشکاری داده‌اند، زيرا در گزارش تفصيلی شوراي نگهبان به سندی استناد شده که بازرسان شورا و وزارت کشور مشترکاً تهيه کرده بودند. اينجا سه فرض قابل تصور است: الف) اصلاً به آن صورتجلسات مورد ادعا رجوع نکرده اند،

ب) این صورتجلسات هم مخدوش بوده است و
ج) اصلاً چنان صورتجلساتی در میان نبوده است. بنا بر این، به استناد مادة 27 و 33 از قانون انتخابات انتساب عنوان مبادرت به تقلب بر عملکرد هر دو نهاد مزبور عنواني است قانوني و حاصل کار عدول و نقض قوانین موضوعه در مسأله مورد بحث، یعني انتخابات ریاست جمهوري دورة دهم.

از سوي دیگر هم وزارت کشور و هم شورا با قاطعیت ادعا می‌کنند که حساب ها درست است و تعرفه های مصرفی به اضافة-تعرفه های بازگشتی برابر تعرفة چاپ شده است. در صورتي که همان دو برگ تعرفة ساده و ممهور که عکسش را پیشتر ملاحظه کردید، به تنهایی برای اثبات نادرستی یک ادعا براي 61 میلیون برگ تعرفه کافی است، مزید بر آن، خبرهای زیر مندرج در مطبوعات قرائن صارفه‌اي است بر صحت مدعا و مکمل دلائل پیش‌گفته:

1- ماجرای سرقت صندوق رأی سیار توسط یکی از مسئولان محلی شهر جیرفت:

"آینده نیوز : خبرنگار "آینده" از کرمان گزارش داد، اقدام یکي از مسئولان محلي در سرقت یك صندوق سیار در جیرفت، با برخورد قاطع نیروهاي امنیتي با سارق همراه شده است. بنابراین گزارش، در روز 22 خرداد، پس از ارسال

گزارش‌هایی به مسئولان برگزاری انتخابات، مشخص می‌شود یکی از صندوق‌های سیار از دسترس خارج شده و مفقود گردیده است. با اطلاع مقامات امنیتی و محلی و اقدام به موقع آنان، این صندوق سیار در منزل یکی از مسئولان مسکن این شهر کشف می‌شود. مأموران هنگام حضور در این منزل با صحنه جالبی مواجه می‌شوند که فرد مذکور پرونده‌های درخواست مسکن مردم را که در آن کپی شناسنامه موجود بوده در کنار خود گذاشته و با درج نام و مشخصات و شماره سریال شناسنامه افراد مذکور، به نام آن‌ها تعرفه پر کرده و وارد صندوق سیار می‌کنند که مأموران با مواجهه با این صحنه، فرد مذکور را بازداشت می‌کنند. با این وجود هنوز خبری از سرنوشت آرای این صندوق سیار در اختیار نیست و برخی مدعیند این صندوق ابطال نشده و آرای آن هم به نفع یکی از کاندیداها محاسبه شده است."

مهم نیست که موضوع به یک صندوق مربوط است یا به هزاران صندوق، بلکه موضوع قابل توجه عدم هرگونه عکس العمل شورای نگهبان در این سرقت و تقلب است و گزارش تفصیلی هم در این مورد ساکت مانده است. روز انتخابات، در اواخر شب، آیت الله احمد جنتی هنگام سوار شدن به ماشین ضد گلوله اش، در برابر تلویزیون کودتا اظهار کرد که هیچ مشکل

اساسی نداشته ایم و گزارشی از چند صندوق رسیده است که بررسی می‌کنیم و یک نمایندة مجلس هم دخالتی داشته که «حساب او را هم خواهیم رسید». صرف نظر از اینکه رئیس **عادل** و متفقه این شورا با چنین ادبیاتی سخن می گوید، در گزارش تفصیلی هیچ اشاره‌ای به آن چند صندوق که به زعم ما این صندوق سیار جیرفت بایستی یکی از آنها بوده باشد، مشاهده نمی شود. آنها پیاپی در اتاق-های مجلل جلسات با هم چای خورده و از یکدیگر تمجید کرده اند تا معلوم شود انتخابات سالم بوده است. مملکتی که سرانش بهترین فرزندان کشور را به صرف اعتراض و تقاضای رسیدگی و نظارت متهم به وابستگی بیگانه بکند و راه نگاه به انگشت بیگانه را به مردمش یاد بدهد نگهبانیش از آراء ملتش به از این نمی تواند باشد.

2- دستگیری شخصی با مقداری تعرفه در خرم آباد

روز 88/3/22 سایت قلم نیوز، سایت رسمی ستاد آقای مهندس موسوی نوشت: "به گزارش خبرنگار قلم نیوز از خرم آباد، در شعبه اخذ رای شماره 18 (دبیرستان صدر) یک نفر با تعدادی تعرفه رای مشاهده شد که پس از اطلاع مسئولین شخص مذکور دستگیر گردید. چگونگی رسیدن این

تعرفه ها به فرد مذکور هنوز مشخص نشده است ولی این مساله شائبه تقلب در انتخابات را بسیار تقویت می نماید."
پرسش این است که چرا در رسیدگی‌ها از این ماجرا خبری نیست!! اما مهمتر برای ما، موضوع عدم تسلط بر تعرفة منتشره بوده و استفادة نابجا بنفع کاندیدای خاص از این تعرفه‌هاست.
خبری از گذشته، البته در زمان دولت نهم و برگزاری انتخابات مجلس هشتم که آن نیز پر مسأله بود، اهمیت موضوع را نشان خواهدداد. کیهان که ناسزانامة دولت نهم و برخی جناح های افراطی علیه گروه‌های معتدل اجتماعی و فعالان هواخواه اعتلای نظام است، روز 1386/12/26 در شمارة 189046 خود می-نویسد:

تعرفه سفيد دست مشاركتي ها! (خبر ويژه)

"پايگاه اينترنتي نوروز - ارگان حزب افراطي مشاركت- روز جمعه و در حالي كه هنوز رأيگيري[55] ادامه داشت تصوير اسكن شده **يك** برگ رأي كه تماماً به اسامي فهرست ائتلاف اصلاح طلبان پرشده بود را روي خروجي خود قرار داد. در اين تصوير كدهاي انتخاباتي نامزدهاي «ياران خاتمي» هم وارد شده بود.

با توجه به اينكه برگه رأي جزو اوراق رسمي و بهادار محسوب مي شود و دسترسي

[55] منظور رأی گیری برای مجلس هشتم است.

به آن جز براي معدودي افراد مسئول مجري انتخابات ميسر نيست و از سوي ديگر رأيدهندگان هم فقط در ازاي به امانت گذاشتن شناسنامه خود در شعبه رأيگيري يك برگ رأي دريافت مي كنند، جاي اين سؤال وجود دارد كه اين سايت افراطي چگونه به يك «برگ رأي سفيد» دست پيدا كرده است. مقام هاي مسئول هم اكنون در حال پيگيري اين موضوع هستند كه چه تعداد از اين تعرفه هاي سفيد در دست حزب افراطي مشاركت قرار دارد تا احتمال وقوع برخي تخلفات هم بررسي شود."

بله حق همین است، حتی وجود تنها یک برگ تعرفه در غیر جایگاه خود باید پیگیری می‌شد. در مصاحبه‌های متعددی که آقای دانشجو داشتند، پیوسته به اعداد و ارقام دوره‌های گذشته اشاره کرده‌اند، مخصوصاً دربارة تعداد صندوق‌ها و میزان تعرفه‌ها، از این گذشته، بسیاری از مبلغان پشتیبان نامزد حاکم پیوسته به برخی اشتباهات دوره‌های گذشته استناد می‌کنند، مثلاً در مورد آراء مردم شهر ری که دویست درصد سکنة آن بوده است، ادعا کرده‌اند که در دوره‌های پیشین آراء مردم شمیرانات هم اضافه بوده است. آنها با چنین استدلال سستی می‌خواهند بگویند، اگر آن زمان این ایرادها مورد توجه نبوده است، الان هم نباید باشد. این استدلال درست مانند این است که کسی

بگوید، چنین گناهانی قبلاً نادیده گرفته می‌شد، چرا حالا نه. آیا اگر کسی کارش را درست انجام نداده باشد، به فرض صحت، باید او را محکوم کرد یا باید کردار او الگوی ما گردد؟

یکي از دلایل آماردهی متناقض وزارت کشور و شورای نگهبان انفعال آنان در برابر اطلاعات اعلام شده در اطلاعیه‌هاي کمیتة صیانت از آرا بود. در بیانیه شماره 16 کمیتة صیانت از آراء آقای موسوی که براي یادآوري بخشي از آن در زیر مي‌آید، در همین رابطه پرسش‌هایی مطرح شده بود که ما مستندات آن را نقل کردیم، اما در هیچ زمانی کسی پاسخی بدان‌ها نداده است و در مقابل از این بیانیه‌ها برای راست و ریست کردن رفتارهای نادرست و غیرقانونی خودشان بهره گرفته‌اند و کوشیده‌اند با طرح مباحث فرعی اصل ماجرا را لوث نمایند:

"تقلب و تزویر در تعرفه‌ها و آراء

۱- به موجب ماده (۲۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، "آرایی که با تقلب و تزویر در تعرفه‌ها و آراء به دست آمده باشد" باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نخواهد شد. همچنین به موجب ماده (۳۳) قانون مذکور، "تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورتجلسات"، "کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه‌ها"، "تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و ا

سناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی "،" جابه‌جایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی" جرم محسوب شده و "چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یك یا چند شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات موثر باشد. مراتب وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیأت مرکزی نظارت اعلام می‌گردد".

۲- در فرآیند اجرای قانون انتخابات، مسئله تعرفه انتخابات از جهات گوناگون از اهمیت و حساسیت حیاتی برخوردار است. ناتوانی یا اعمال‌نظر احتمالی در این مرحله، صحت بسیاری از گام‌های قبلی و بعدی انتخابات را با شك و تردید مواجه می‌کند. تعداد تعرفه‌هایی که در هر دوره چاپ و برای انتخابات به کار گرفته می‌شود براساس تعداد افراد واجد شرایط رأی دادن است که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال تعیین می‌کنند و معمولا برای جلوگیری از کمبود تعرفه، درصدی معقول اضافه می‌شود. در این دوره علیرغم اینکه مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال، جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن را حدود 45.200.000 نفر اعلام کرده بود تعداد 59.600.000 برگه تعرفه رأی با شماره سریال چاپ شده است. این تعداد تعرفه

به صورت سریالی و با در نظر گرفتن کدشناسایی برای ۳۰ استان کشور و براساس جمعیت رأی‌دهنده هر استان چاپ شده و پیشاپیش بین استان‌ها توزیع گردیده است.
۳- براساس اعلام مسئولان ذیربط و تأیید برخی از اعضاء شورای نگهبان در تاریخ 88/3/21 یک روز قبل از انتخابات، میلیون‌ها برگه تعرفه دیگر بدون شماره سریال در چاپخانه بانک مرکزی چاپ شده است. چاپ این تعداد تعرفه اضافی با وجود رقم قابل توجه بیش از ۵۹ میلیون تعرفه قبلی، آن هم بدون شماره سریال به خودی خود مورد تردیدی جدی در فرآیند برگزاری انتخابات و قابل تأمل است.
باید معلوم شود:
۳/۱- تعداد واقعی تعرفه‌های چاپ شده در روز 88/3/21 چقدر بوده و این تعرفه‌ها چگونه توزیع شده است؟
۳/۲- چاپ میلیون‌ها برگ تعرفه جدید بدون شماره سریال با اجازه آیت‌الله جنتی که نه تعداد آن مشخص است و نه محل استفاده از آنها طبق کدام اختیارات قانونی است؟
۳/۳- اهداف اقدام وزارت کشور در چاپ این میزان تعرفه اضافی بدون شماره سریال استانی چه بوده است؟
۳/۴- با توجه به عدم درج بارکد استانی روی این تعرفه‌ها، توزیع، مصرف و کنترل

این برگه‌های رأی از چه قواعدی برخوردار بوده است؟
۴- در ارتباط با وضعیت کلی مجموع تعرفه‌های چاپ شده و مسائل مربوط بدان نیز سؤالات زیر مطرح است:
۴/۱- توزیع استانی و شهرستانی این تعرفه‌ها چگونه بوده و تابع چه قواعدی بوده است؟ چرا با وجود شبهات متعدد و قابل توجه، وزارت کشور گزارشی در این‌باره ارائه نمی‌دهد؟
۴/۲- ۲۲ تا ۳۲ میلیون تعرفه مازاد بر نیاز واقعی که در اختیار مجریان امر انتخابات قرار گرفته است و در نوع خود طی ۳۰ سال و ۲۹ انتخابات اخیر بی‌سابقه است با چه هدفی چاپ و توزیع شده است؟
۴/۳- چرا علیرغم ده‌ها میلیون مازاد تعرفه در هزاران شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله استان‌های آذربایجان شرقی، فارس، تهران و لرستان از ساعات ۱۰ و ۱۱ صبح کمبود تعرفه باعث متوقف شدن روند رأی‌گیری شد؟
۴/۴- چرا تعرفه‌های رای با سهل‌انگاری، حمل و توزیع شده است؟
۴/۵- آیا مجموعه نکات فوق‌الذکر شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوق‌ها را تحکیم نمی‌کند؟ و آیا ده‌ها میلیون تعرفه مازاد و اضافی در جریان مشکوک مهندسی آراء صندوق‌های رأی‌گیری به ویژه صندوق‌های سیار و صندوق‌های سایه مورد

استفاده قرار نگرفته است؟ موارد فوق‌الذکر نشان می‌دهد که در همین مرحله زمینه لازم برای مهندسی آراء فراهم شده است."

روز جمعه به کدام شهرها تعرفه ارسال شده است؟

يكي از معماهاي گزارش تفصيلي در همين بخشي كه مورد بررسي است و گفته‌هاي آقاي صادق محصولي و آقاي دانشجو و آقاي كدخدايي موضوع شهرهايي است كه تعرفه در روز جمعه چاپ و به آن شهرها ارسال شده است.

در نامة وزارت كشور به همشهري كه در سايت دولت يار و سايت وزارت كشور منعكس است، همانطور كه در همين نوشتار هم نقل شد، ادعا مي‌شود كه: "در روز 22 خرداد با توجه به حضور بي‌بديل مردم در شعب اخذ راي و بسترسازي جهت اخذ راي از همه آنان و جهت وجود تعرفه كافي در همه شعب اخذ راي، اقدام به چاپ 2/000/000 تعرفه داراي شماره سريال نمود، كه به درخواست نمايندگان آقاي موسوي در ستاد انتخابات كشور و همچنين استانداران به استان‌هاي آذربايجان شرقي (200.000)، اصفهان (100.000.)، قم

(50.000) و تهران (1.100.000) ارسال شد.[56]"

آقاي محصولي هم در مصاحبة 88/4/4 خود مي‌گويد: "ما در روز انتخابات اين دو ميليون برگه‌ي تعرفه كه چاپ كرديم رقمي حدود يك ميليون و 100 هزار را به تهران، 50 هزار به قم، 100هزار به اصفهان و 200 هزار به آذربايجان شرقي ارسال كرديم، **550 هزار هم از 2 ميليون در مركز بانك ملي كه مخزن چاپ آن بود باقي ماند** كه هم اكنون نيز موجود است."

آقاي شريفي راد 88/3/30 در مصاحبه با خبرگزاري فارس مي‌گويد: "بخشي از آن پس از اعلام نياز برخي حوزه‌ها بواسطه مشاركت بسيار بالا نظير اصفهان (100 هزار)، قم (50 هزار)، خراسان (100 هزار) و تهران بيش از يك ميليون تعرفه مجدد ارسال شده است."

اما آقاي شريفي راد دو روز پيش از آن، يعني در 88/3/28، در مصاحبه با شبكة سه سيما مي‌گويد: علاوه بر 57 ميليون تعرفه چاپ شده پيش از انتخابات، حدود نيم ميليون تعرفه نيز در روز انتخابات چاپ و توزيع شده كه 200 هزار تاى آن‌ها به تبريز، 100 هزار به اصفهان، 100 هزار

[56] اين نامه در خبرگزاري حقوق بشر ارگان كميسيون حقوق بشر اسلامي ايران نيز منتشر شده است.

به خراسان، 50 هزار به قم و... ارسال شده است. ..."
کسي جز آقاي شريفي راد از ارسال تعرفه به خراسان رضوي مطلع نيست!! آقاي دانشجو و آقاي محصولي اين تعرفه را به جاي ديگري فرستاده اند. ميزان ارسالي هم نيم ميليون تا يك و نيم ميليون فرق مي‌كند!!
آقاي كدخدايي سخنگوي شوراي نگهبان و هيئت مركزي نظارت بر انتخاباتي كه مدعي هستند سالم برگزار شده است، به نقل مطبوعات، از جمله روزنامة جمهوري اسلامي در 88/4/10 در مصاحبة مطبوعاتي مي‌گويد: "خبرنگاري به كد خدايي گفت: در استان فارس تعرفه ها تمام شده بود كه آقاي دستغيب نماينده شيراز هم آن را تاييد نمود اما رئيس ستاد انتخابات كشور آن را تكذيب كرد نظر شما دراين باره چيست كد خدايي پاسخ داد: بنده ساعت 10 صبح روز انتخابات اين موضوع را از استان فارس و استان آذربايجان شرقي پيگيري كردم كه تعرفه ها تمام نشده بود بلكه احتمال تمام شدن آن بود ضمن اينكه در اين خصوص مقام مسئول بايستي اظهار نظر نمايد."
علي رغم اينكه آقاي كدخدايي زيركانه از رد تكذيبية مقام مسئول خودداري مي-كند، شوراي نگهبان و هيئت مركزي نظارت را مقام مسئول در كمبود تعرفه نمي‌داند و حتي خود را مسئول بررسي اين اظهار

كذب نمي‌بينند. اما ايشان به گزارش همة خبرگزاري‌ها از جمله خبرگزاري فارس و مهر در روز انتخابات، يعني بيست روز پيش از اين سخنان، طي مصاحبه‌اي مي‌گويد: "با توجه به حضور كم سابقه مردم نقاط مختلف كشور در صحنه انتخابات ، گزارش هايی مبنی بر كمبود تعرفه های رای و معطلی مردم در صفوف انتخابات ، از جمله در برخی مناطق تبريز و شيراز رسيد كه دستورات لازم برای تامين تعرفه در اين مناطق صادر شد."

آيا تعرفة اضافي روز جمعه به كجا ارسال شده است؟ به زنجان، خراسان رضوي، شيراز يا بوشهر؟

اين تناقضات در كنار اين ملاحظات كه:

الف) آقاي كدخدايي مقام مسؤل ناظر بر چاپ تعرفه و صادر كنندة دستور چاپ تعرفة اضافي اظهار مي‌كند كه تازه در ساعت 10 صبح بررسي كرده و دستور چاپ آن دو ميليون مورد ادعا را داده است.

ب) هركس به صنعت چاپ و بويژه با توجه به سخنان مدير چاپخانة بانك ملي در خصوص حساسيت و شماره‌گذاري تك به تك اوراق تعرفه، آشنا باشد مي‌داند كه چاپ تعرفه در روز جمعه نمي‌توانسته تا ظهر آماده شود.

ج) طبق جدول توزيع تعرفه كه در بالا نشان داده‌ايم، در هر يك از اين استان‌ها ميزان تعرفة اضافي به اندازه‌اي بوده است كه به راحتي مي‌توانستند از

شعب همجوار یا شهرهاي نزديك تأمين كنند، همانطور كه در همة استان‌ها اين ادعا به عمل آمده است و ارسال تعرفه از بعد از ظهر به خراسان رضوي يا فارس يا آذربايجان به اين ميزان اندك معلوم نيست چه دردي را مي‌توانست دوا كند و چرا به اروميه يا يزد ارسال نگرديده است.

د) با اين همه در همة اين استان‌ها فرياد مردم تا نيمه شب از كمبود تعرفه بلند بوده است،

مي‌توان نتيجه گرفت كه هيچ تعرفه‌اي بر اساس ادعاي اعلام شده به هيچ شعبه‌اي ارسال نگرديده و اين تعرفه‌ها در دستان دوستان براي آرايش صندوق‌ها بوده است!

اگر دستور چاپ تعرفة اضافي براي ارسال به شيراز داده شده چرا بدانجا ارسال نشده است؟ مگر در ساير استان‌ها اين كمبود نبوده است؟

جمع بندی

الف) مستنداً روشن گرديد كه هيئت نظارت شورای نگهبان در انتشار گزارش تفصيلی خود نه تنها صادق نبوده، بلكه در همدستی و همداستانی با وزارت كشور نسبت به رفع و رجوع شواهد تقلب در كار ستاد نتخابات وزارت كشور بر رفتار خلاف آنها صحه گذاشته است. اين گزارش كه تنها بخش مربوط به چاپ تعرفه در آن مورد تحليل قرار گرفته، به استناد

پیوست 49 آن سند جرمی است که در هر محکمه‌ای بطلان انتخابات به علت وقوع تقلب وگسترده را محرز می‌کند.
شورای نگهبان در گزارش تفصیلی با استناد به این صورتحساب تهیه شده توسط شورا و وزارت کشور و به عنوان ناظری که هرگونه خدشه بر نظارتش را مساوی هدم اسلام و کیان دین می داند، کار وزارت کشور را تأیید کرده است.
نزد یک حاکم عادل، اگر هیچ دلیلی جز همین اعتراف امضاء شدة شورای نگهبان و وزارت کشور نبوده باشد و این شخص اگر به اندازة جوی پایبند عدالت باشد، باید رأی به بطلان انتخابات به مناسبت فساد دستگاه نظارت و اجرا بدهد. سطر سطر این پیوست 49 نشان از شدت فساد حاکم بر کار است بطوریکه آن همه کارشناس در مدت بیست روز نتوانسته اند همه را رفع و رجوع کنند.
ب) ادعای شورای نگهبان در گزارش تفصیلی مبنی بر استفسار از وزارت کشور در مورد میزان تعرفة چاپ شده بی‌مورد بوده و باید همه چیز با نظارت خود آنها صورت می‌گرفت. این در حالي است که بارها آن را تکرار کرده بودند. از سوی دیگر آقای کدخدایی قبل از انتخابات و روز انتخابات صریحاً پذیرفته بود که شورای نگهبان بر همه چیز نظارت داشته است. از این رو، اظهار تلویحی بی‌خبری شورا از میزان تعرفة چاپ شده نادرست

است. در همین گزارش هم با وجود اشاره به این استفسار، تأکید می‌شود که شورا بر همه چیز نظارت داشته است!! بدین سان کلیة ابهامات و تخلفات وزارت کشور تخلف این شورا نیز محسوب می‌شود، زیرا خود این مسؤلیت را بگردن گرفته است.

ج) با توجه به اینکه آقای محصولی در حکم انتصاب آقای دانشجو به ریاست ستاد حق امضاء از سوی خود را تفویض نموده و نوشته است: «ضمناً شما می‌توانید در جریان برگزاری انتخابات، نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که می‌بایست به امضاء اینجانب صادر گردد، با عنوان رییس ستاد انتخابات کشور امضاء و همزمان مراتب را گزارش کنید[57]»، بنا بر این، سخنان ایشان باید برای آقای محصولی هم حجیت داشته باشد و نمی‌توان پذیرفت کسی که مسؤل کلیة امور انتخابات بوده از جریان چاپ تعرفه و توزیع آن مطلع نبوده است. همچنین است در مورد گفته-های آقای شریفی راد که جانشین آقای دانشجو بوده است.

د) تا تاریخ 88/3/29 هم آقای کدخدایی و هم آقای دانشجو مصر بوده‌اند که تنها و قطعاً 56.787.000 برگ تعرفه چاپ شده است. از سوی دیگر آقای دانشجو حتی در

---

[57] متن حکم ایشان در سایت ها و روزنامه های معتبر منعکس است، از جمله در سایت دولتی ایرنا و سایت وزارت کشور، بتاریخ 87/12/26.

88/3/21 هم ادعا کرده است که همة این تعرفه‌ها دارای کد استانی بوده و بموقع توزیع شده‌اند، یعنی از 88/2/15 به استان‌ها ارسال شده‌اند. از آنجا که آقای محصولی در 4/4 و سپس آقاي دانشجو و بعداً شورای نگهبان مدعی شده‌اند که قبل از انتخابات رقم تعرفه چاپ شده به 58.875.000 برگ رسیده است، یعنی 2.088.000 برگ زمانی در جایی بی‌آنکه کسی بداند چاپ شده است. نمی توان پذیرفت که این تعداد اندک دارای کد استانی بوده و در استانهای کشور توزیع شده است. آنها نمی‌گویند که چرا این عدد تعرفه تازه را چاپ کرده‌اند. در زیر نشان خواهیم داد که اصلاً همة تعرفه‌های اولیه را توزیع نکرده بودند. با این حساب چون ادعا شده است که روز جمعه هم دو میلیون تعرفه چاپ کرده اند، پس 4.088.000 برگ بدون کد استانی بوده و معلوم نیست که چگونه توزیع شده است. آقایان دانشجو و محصولی و گزارش شورای نگهبان می‌گویند 1.450.000 برگ روز جمعه به تهران، قم، اصفهان و تبریز ارسال شده است، در حالی که همة این مناطق می‌توانستند نیاز خود را مانند سایر استانها از شهرهای تابعه تأمین کنند و این راه زودتر جواب می‌داد تا ارسال تعرفه از تهران. در عین حال مشاهدات همگان گواه است که در این شهرها و در

بسیاری دیگر از شهرهای کشور، از جمله در ارومیه و شیراز تا پایان ساعت انتخابات کمبود تعرفه جبران نشده است و این در حالی است که به ادعای خود این گروه تعدادي تعرفه در بانک ملی باقی مانده بود!! چرا می‌شد به تبریز تعرفه فرستاد اما به شیراز نه؟ جالب آنکه به گزارش خبرگزاری مهر در روز جمعه 22 خرداد 1388، "کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان از صدور دستور چاپ مجدد برگه‌های تعرفه رای برای جبران کمبود تعرفه در برخی حوزه های انتخابیه بویژه مراکزی در استان آذربایجان شرقی و فارس خبر داد."

شورای نگهبان می‌گوید تعرفه برای ارسال به شیراز هم چاپ شده است، وزارت کشور می‌گوید به آنجا ارسال نکرده‌ایم!! به هر حال آقای شریفی راد که نفر دوم ستاد انتخابات بوده در 88/3/28 یعني یک هفته پس از انتخابات در شبکة سه سیما می‌گوید که روز انتخابات حدود نیم میلیون تعرفه چاپ کردیم و 200 هزار تای آن‌ها به تبریز، 100 هزار به اصفهان، 100 هزار به خراسان، 50 هزار به قم ارسال شده است. ...!! این تعداد معادل 450.000 برگ می‌شود که اولاً شامل تهران نیست و ثانیاً همة این اعداد از داخل خود استانهای مزبور قابل تأمین بوده است، مگر آنکه آن همه تعرفة

اضافی قبلی در اختیار فرمانداران نبوده و در دستان خائنی براي هدفي شوم به مصرف می‌رسیده است. اگر سخنان آقای شریفی راد را مبنا قرار دهیم، دستکم 3.800.000 برگ تعرفه بلاتکلیف خواهد بود.

در هر صورت به موجب مستنداتی که در زیر خواهد آمد، به هیچ وجه بهانه‌های آقایان برای چاپ تعرفة اضافی پس از بار اول موجه و معقول نیست و شمار آن نیز نامعلوم است. آنچه بر اساس گواهی شهود در جلسه با شورای نگهبان و در جلسة مجمع تشخیص مصلحت معلوم شده است، نشان می دهد که تعرفة اضافی خیلی بیش از این مقدار چاپ شده بود.

هـ) با ملاحظة موارد پیش گفته، روشن است که دستکم چهار میلیون تعرفه برای مهندسی آراء مخفیانه چاپ شده و توجیهات آقایان درست نبوده است.

و) وضعیت ارسال تعرفه به خارج از کشور نیز در گزارش شورای نگهبان و در سخنان وزارت کشور متناقض و اعداد اعلام شده نادرست بوده است.

ز) یکصدهزار برگی که پیوست 49 آن را باقیمانده در صندوق بانک ملی می‌داند، اما آقای محصولی آن را توزیع شده محسوب می‌کند، سند دیگری است که این پیوست و ادعاهای آقایان نادرست بوده است.

مدیریت توزیع تعرفه؛ آشفتگی عمدی و مشکوک در کار

پیش درآمد گفتار

شورای نگهبان در همان بخش منقول از گزارش تفصیلی‌اش می‌گوید:

"توضیح این نکته ضروري است در تمامي انتخابات قبلي نيز به دليل سيال بودن جمعيت رأيدهنده در سطح كشور، وزارتكشور اقدام به چاپ تعرفه به ميزان قابل توجهي بيش از شمار واجدين شرايط مي‌نمود. در اين دوره نيز علاوه بر اتخاذ همين تدبير، تعرفه‌هاي هر استان با كد خاص چاپ شد تا امكان جابجايي تعرفه‌ها بين استان‌ها وجود نداشته باشد. *اين امر هرچند كه به سلامت و دقت انتخابات كمك نمود مع‌الوصف با عنايت به حضور گسترده مردم و نياز بسياري از حوزه‌هاي اخذ رأي به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بين استان‌ها را غيرممكن ساخت.* به همين دليل تعرفه‌هاي چاپ شده در روز اخذ رأي بدون كد استان به چاپ رسيد. (قابل ذكر است كل تعرفه‌هاي چاپ شده در قبل از انتخابات و روز اخذ رأي داراي شماره سريال مي‌باشد)"

شاید در بعضی از دسته چکهای بانکی هم دیده باشید، همانگونه که از شمارة مندرج در عکس زیر مربوط به ته برگ یک تعرفه هم پیداست،

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

۸۸/۳/۲۲

برگه تعرفه مشخصات رای دهنده

نام	نام خانوادگی
نام پدر	شماره شناسنامه
تاریخ تولد	شماره ملی

اثر انگشت رای دهنده

نام و امضای منشی شعبه

شماره سریال ۱۰۹۵۸۷۸ /۳۲

شمارهٔ چاپ شده دارای دو بخش است که با یک ممیز از هم جدا شده‌اند. در سمت چپ ممیز یک عدد دورقمی قید شده که نشانگر استان مشخصی است، مثلاً برای آذربایجان شرقی عدد 11 و برای خوزستان عدد 32 انتخاب شده است. در سمت راست این ممیز

عدد بزرگتر و چند رقمی مشاهده می‌شود که شمارة مسلسل (سریال) این برگ است. تاکنون روشن نکرده‌اند که در تعیین شماره مسلسل هر برگ از عدد 1.000.001 آغاز کرده و تا پنجاه و شش یا پنجاه و هفت یا پنجاه و نه یا شصت یا شصت و یک میلیون پیش رفته‌اند یا اینکه شمارة مسلسل هر استان را از 1.000.001 شروع نموده و تا سهمیة مقرر ادامه داده‌اند و برای چاپ تعرفة استان بعدی دوباره از همان 1.000.001 آغاز کرده‌اند؛ لیکن از روي همین برگ و برگ تعرفه‌هاي دیگري که در دست است، مي‌توان حدس زد که روش اخیر اعمال شده است.

به هر حال، در نوشته‌ها و گفته‌های مسئولان مربوط، عدد سمت چپ با عنوان کد استانی ذکر شده و عدد سمت راست با عنوان شماره سریال یاد شده است. یکی از دلایل عمدة وارد شدن گزارش شورای نگهبان و سایر دست‌اندرکاران وزارت کشور و انتخابات به تعرفة ارسالی به خارج از کشور این است که برای چنین تعرفه‌هایی نمی‌شد از چنان نظامی استفاده کرد و شمارة دو قسمتی زد، بطوری که آنها هم دارای کد و سریال باشند؛ یا نخواسته‌اند این کار را بکنند، چون این امکان بود خارج از کشور را در کدگذاری یک استان لحاظ نمایند. اما به نظر می‌رسد که به بهانة قابل تفکیک نبودن شمارة سریال هر کشور

بطور جداگانه و شاید بهانه‌هایی دیگر از زدن کد خودداری کرده باشند. بنا بر این، احتمال دارد تعرفه‌های اضافی چاپ شده در روز 3/21 و 3/22 و شاید روزهای دیگر که بدون کد استانی بوده است، با همین شماره سریال خارج از کشور چاپ شده باشد. به این ترتیب، اختلاف حساب آن یکصد هزار برگ مشهود در گزارش تفصیلی قابل توجیه است.

منظور منتقدان هم از چاپ بدون سریال تعرفه در داخل کشور، نبود هیچ شماره‌ای روی برگ تعرفه نیست، هرچند این کار هم از این آقایان بعید نبوده و نیست، بلکه مرادشان عدم رعایت نظم مقرر در چاپ این تعرفه‌هاست، چرا که ارسال این تعرفه‌ها به هر استاني، امکان استفادة عوامل ناراست از تعرفه‌های قلابی در آن استان را ممکن می ساخت!! این نکته را به عنوان یک شگرد تبلیغاتی بارها بکار برده‌اند که ما هیچگاه تعرفه بدون سریال چاپ نکرده‌ایم و از این راه خواسته‌اند ادعای کمیتة صیانت و معترضان را تخطئه کنند. اگر به انشاء بند 2 از آن بخش از متن بیانیة شمارة 16 رجوع کنید که قبلاً به آگاهی شما رساندیم، روشن می شود که مراد همین کد استانی بوده است.

شورای نگهبان می گوید: «*این امر هرچند که به سلامت و دقت انتخابات کمك نمود مع‌الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم*

و نیاز بسیاري از حوزه هاي اخذ رأي به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان‌ها را غیرممکن ساخت.» اما این شورا توضیح نمی دهد که با همة تعرفة اضافی چاپ شده برای هر استان که تفصیل آن را در زیر خواهید خواند، چرا به‌جای اینکه مسؤلان استان فارس یا آذربایجان شرقی یا تهران تعرفة اضافی از شهرهای مجاور در خود همان استان را به مرکز استان خود منتقل کنند، وزارت کشور اقدام به چاپ تعرفه کرده است؟ تازه آنها تعرفة اضافی را صبح زود چاپ کرده اند، اگر روز 88/3/21 نکرده باشند (سند این ادعا در زیر آمده است). از یک طرف می‌گویند که نزدیک به بیست و یک میلیون تعرفه در استانها اضافه آمده و از سوی دیگر می‌گویند تعرفه در استانهایی کم آمده بود و به درخواست آنها روز انتخابات تعرفه چاپ کردیم، در حالی که خود اعتراف کرده اند که چاپ تعرفة اضافی صبح روز انتخابات بوده است. بعلاوه تا ظهر آن روز فقط 5 میلیون تعرفه مصرف شده بود. چطور می-شود کسی از روی مصرف 5 میلیون تعرفه در ظهر انتخابات، یعنی حدود پنج ساعت پس از آغاز آن حدس بزند که تعرفه کم خواهدآمد؟ چرا از تعرفة شهرهای همجوار همان استان به سرعت این کمبود برطرف نشد بگونه اي که در همان استان تعداد زیادی تعرفه در آخر کار اضافه ماند؟!

مگر خود دست اندرکاران نگفته اند که نظام توزیع تعرفه مبتنی بر آمار جمعیت استان و در استان هم مبتنی بر آمار جمعیت شهرستان، به اضافة درصدی «معقول» بوده است؟ چرا سهمیة شهرهای دیگر یک استان را بیش از آن درصد معقول داده اند تا در حوزه های دیگر این همه کمبود پیش بیاید و بجای تأمین آن از شهرستان همجوار، برای رفع کمبود از تهران اقدام کرده و به اصطلاح، لقمه را دور سر چرخانده اند؟

فرض کنید جمعیت یک استان 1.000.000 باشد. مطابق ادعای آن‌ها، معقول این بوده که برای آن استان 15% تعرفه اضافه چاپ شود. پس در ابتدای کار این عقلا برای آن استان 1.150.000 برگ تعرفه چاپ و ارسال کرده اند. اینک فرض کنید جمعیت یکی از شهرهای آن استان 50.000 نفر باشد. بر اساس این روش معقول باید به این شهر 57.500 برگ تعرفه داده باشند. تنها در صورتی که آن جمعیت سیال مورد ادعا در کل استان تغییر ایجاد کند باید شاهد آن باشیم که یک استان بیش از جمعیت خودش رأی دهنده داشته باشد، در حالی که چنین چیزی در جدول های تفکیکی آراء استان‌ها نیامده است. با اینکه شهرهای متعددی در استانهای مختلف طبق آمار وزارت کشور بیش از جمعیتشان رأی جمع کرده اند که

خود خلاف است و نشان تقلب. اما فعلاً بدون ورود به این بحث، می‌گوییم چرا در شهری که کمبود تعرفه بوده، این کمبود از شهر همجوار در همان استان تأمین نشده و از تهران، از محل چاپ تعرفة اضافی تأمین شده است؟ تعرفه‌هایی که کسانی از شورای نگهبان و وزارت کشور چون خوابنما شده بودند از صبح زود و پیش از تقاضا اقدام به چاپ آنها کرده‌اند!! اگر این تناقض را در کنار بگیر و ببندی که از 88/3/21 شروع کردند و همچنین اقدام به قطع و اختلال خطوط ارتباطی و اینترنت قرار بدهید گره معمای تقلب را گشوده اید!

آنها در تبلیغات سنگین رسانه‌ای خودشان، که تا زمان همین نوشتار هم ادامه دارد، با چسبیدن به دو نکته و سفسطه‌بازي کوشیده‌اند معترضان را دروغگو جلوه دهند. یکی از این سفسطه‌ها تمسك به موضوع ادعای چاپ تعرفه در 88/3/21 است که بر فرض هم اگر به جای 3/22 اشتباه گفته شود، نه دلیلی برای دروغگو بودن مدعی است (چون اصل موضوع ادعا را خودشان پذیرفته‌اند) و نه دلیلی برای توجیه عمل غیرقانونی ناظر و مجری است. دیگری مسألة شمارگان تعرفة چاپ شده در قبل از انتخابات است که کمیتة صیانت از آراء آقای موسوی و آقای کروبی رقم 59.600.000 را ذکر کرده-

اند که این رقم براساس اطلاعات دریافتی از درون ستاد انتخابات وزارت کشور بوده است. درست یا غلط بودن این رقم، هیچ مجوزی برای دادن آمار و ارقام نادرست از جانب مسؤلان نمی‌شود؛ آنها هیچگاه پاسخ منطقی و بدور از شانتاژ و توهین به ما نداده‌اند. این در صورتي است که ما در بحث پیشین منشأ و حتی درستی این ادعا را از طریق محاسبه نشان دادیم.

بي اختيار به ياد ماجرايي مي‌افتيم كه در كتاب خزائن نراقی[58] آمده است: كسي فرد فاسدی را دید که در مسجدی کار شنیعی انجام می‌دهد، از شدت ناراحتي به اوآب دهان انداخت و گفت این چه کاری است که در خانة خدا می‌کنی؟ آن شخص برگشت و به حالت اعتراض بر او خرده گرفت که: مراقب باش، مگر نمی دانی انداختن آب دهان در صحن مسجد مکروه است!!

از سفسفطه‌های دیگر مجریان و دستگاه نظارت ایرادی است به این ادعای کمیته که چرا گفته است: تعرفه بدون شماره سریال چاپ کرده‌اند. اگرچه برای ما هنوز روشن نیست که آیا همة تعرفه‌ها با شماره سریال چاپ شده اند یا نه، اما اولاً این سخن را خود مسئولان

---

[58] کتابی است کشکول وار از ملا احمد نراقی که به اهتمام آقای حسن زادة آملی تجدید چاپ شده است.

امرنیزگفته اند[59]و ثانیاً کد استانی به اضافة شمارة مسلسل برگه در این انتخابات به معنای «سریال» کامل بوده است. گفتن اینکه تعرفه ها بدون سریال چاپ شده یا بدون کد استانی تغییري در اصل قضیه نمی‌دهد: آنها به بهانه‌ای نامشخص در روز انتخابات یا پیش از آن تعرفه‌هایی را بدون نظم مقرر سریالی آن چاپ و توزیع کرده‌اند. ما نمی‌دانیم که آیا کل تعداد تعرفة مورد ادعا را به خارج از کشور فرستاده‌اند یا با طرحی از پیش ریخته شده، این تعرفه‌های اضافی را هم در کنار سایر تعرفه‌های بدون کد در داخل کشور توزیع کرده‌اند یا نه؟!! وقتی دستگاه اجرا به این آسانی دروغ می‌گوید، از پاسخ درست طفره مي رود و با مردم مجادله می‌کند، هر احتمالی مي تواند از قوتي فراخور خود برخوردار باشد.

غرض از تکرار مکرر عبارت «شناور بودن جمعیت» نیز در گزارش شورا و سایر گفته‌های تبلیغاتی و توجیهی اشاره به مهاجرت‌های فصلی، زیارتی و توریستی است. بنا بر تجربه، برای مدیریت بهینة توزیع تعرفه، اصل بر این است که:

الف) برآوردی از کل جمعیت رأی‌دهندگان کشور بدست آید که امروزه با وجود

---

59 بنگرید به گفته های آقای شریفی راد در تاریخ 3/28 در زیر.

سازمان‌های آمار و همچنین سازمان ثبت احوال کشور و امکانات فنی رایانه‌ای، رسیدن به چنین برآوردی ساده تر از گذشته است.
ب) با در نظر گرفتن احتمالاتی نظیر «شناور شدن جمعیت» در روز رأی گیری؛ درصد **معقولی** هم به این رقم کل اضافه شود.
ج) در توزیع تعرفة چاپ شده، بر اساس دو بند بالا، جمعیت استانی لحاظ گردد و برای هر استان به تناسب و بر مبنای همین برآورد تعرفه چاپ و ارسال گردد.
د) اگر قرار باشد که برای جلوگیری از جابجایی استانی تعرفه، به هر استان شماره رمز (کد) مخصوصی داده شود، باید تعرفه‌های هر استان به هنگام چاپ با این کد، مشخص گردد و شمارة سریال استان هم تعداد مقرر برای آن استان را در نهایت نشان دهد.
به هم ریختن و آشفته‌کردن این نظم توسط طراح آن که مدعی است از همه جهت مراقب صیانت از آراي مردم خواهد بود، چه معنایی دارد؟ ما مانند همة عقلای جهان مطابق تعریفي از تقلب که در ابتدای این نوشتار آوردیم، چنین رفتاری را عزم پیشین برای تقلب می‌دانیم و مجری مقصر و ناظر ساکت در برابر این شلوغ کاری‌ها را به استناد قانون انتخابات و قوانین دیگر قابل پیگرد قضایي می-شناسیم.

و) در جریان توزیع تعرفة مربوط به هر شهرستان نیز استانداران باید همین روش را اعمال مي کرده و بر اساس برآورد مأخوذ از سازمان‌های آماری، سهم شهرستان را تخصیص و به موقع ارسال نمایند.

در جریان رأی‌گیری بویژه در این دوره که به ادعای خودشان و بدون تصویب شورای نگهبان از سیستم آنلاین رایانه‌ای برای کنترل تعرفه و رأی‌گیری بطور آزمایشی استفاده می‌کرده اند، چنانچه یکی از شهرستانها به هر دلیلی با کمبود تعرفه مواجه مي‌شد، همواره امکان محاسبه و برآورد این وجودداشت که کسری مربوط را از شهرستانی همجوار تأمین کنند، زیرا تعرفه در استان قابل جابجایی است. با امکانات ترابری فعلی، رساندن تعرفه از شهرهای همجوار بهترین راه جابجایی است. رساندن تعرفه از شهرهای همجوار به تبریز به مراتب آسانتر از ارسال آن با هواپیما یا بالگرد از تهران به تبریز است. در بررسی ها و قرائت بخشی از گزارش شورای نگهبان دیدیم که نزدیک به 21.000.000 برگ تعرفه دست نخورده در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها مانده است، بدون احتساب آن دو میلیون برگ تعرفة کذائی که گویا روز 88/3/22 چاپ شده، ماندة فعلی در شهرستانها 19.000.000 برگ بوده است. بنا بر این، در روز رأی گیری، اگر توزیع

تعرفه به استانها بر اساس همان روش معقول مورد ادعا صورت مي گرفت، نمی-بایست در تبریز یا شیراز یا تهران که زیر گوش وزیر امین وزارت کشور است، کمبود تعرفه پیش آید و سبب ازدحام و معطلی چند ساعته راي دهندگان گردد و یا در مواردی در شعبه را ببندند و مردم را برگردانند.

به استناد نظرسنجی‌های دولت و سازمان صدا و سیما، آقاي احمدی‌نژ اد در شهرهای بزرگ شانس کمتری نسبت به شهرهای کوچک داشته است. بنا بر این، توزیع سهمیة استان به طوری که به شهرهای کوچک تعرفة زیاد فرستاده شده و در مرکز بر اساس ادعای خودشان تعرفة کمتری نسبت به حد نصاب جمعیت نگه داشته‌اند، سبب کمبود تعرفه در شهرهای بزرگی مانند تبریز و شیراز و تهران و ... شده است و اینکار عمدی بوده است چنانکه از وضعیت صندوق‌های دستچین شدة شهرهای کوچک کاملاً پیداست و جداول مربوطه را در مبحث شمارش نشان خواهیم داد. آش به اصطلاح به حدي شور بوده که شوراي نگهبان هم در همان بخش مورد تحلیل در این گزارش، علي رغم جانبداري آشکار از وزارت کشور نتواسته است از ایراد این کنایه خودداري نماید که:

"در عین حال در خصوص توزیع نامناسب تعرفه‌ها و عدم اتخاذ تدابیر مناسب جهت رفع این مشکل که منجر به کمبود تعرفه

در بعضي شعب و توقف كوتاه مدت اخذ رأي گرديد، در روز اخذ رأي وزارت كشور با دريافت تذكر از شوراي‌نگهبان در كنار اهتمام احسن به انجام وظايف اجرايي، نسبت به توزيع صحيح و سريع تعرفه‌ها اقدام نمود. هرچند در پي استقبال بي‌سابقه مردم و نيز عدم توزيع مناسب تعرفه‌ها در معدودي از شعب اخذ رأي مشكلاتي پديد آمد، اما با پيگيري‌هاي شوراي‌نگهبان و تلاش وزارت كشور، اين مشكل بلافاصله برطرف شد، بگونه‌اي‌كه اندك تعلل و قصور پيش آمده كه معمول در هر انتخابات است هيچ‌گونه تأثيري در روند انتخابات از خود به جا ننهاد."

وزيری كه در ساعت يک بعد از ظهر با افتخار به نظم رايانه‌ای‌اش، اعلام می‌كند تاكنون در سطح كشور نزديک به 5 ميليون تعرفه مصرف گرديده است، چطور نتوانسته از شهرهای ديگر استان تهران تعرفه به شهر تهران ارسال كند، شهرهايی كه فاصلة چندانی با هم ندارند و خود را ناگزير ديده است كه تعرفة جديد چاپ كند، تازه آنهم پيش از دريافت آمار مصرف تعرفه!! يعنی، وزير كشور از صبح اقدام به چاپ كرده در حالی كه رايانه-های منظم اين وزارتخانه تازه ساعت يک بعد از ظهر نشان داده‌اند كه 5 ميليون تعرفه در كل كشور مصرف شده است!!!

اكنون كه مدار مديريت توزيع را بر اساس گفته‌های مسؤلان و آنچه به ادعای

خودشان **معقول** می‌نماید، باز کرده و وارسي نمودیم، لازم است به محاسبات معقول این عقلا هم آگاهی پیدا کنیم.

حکایت مدیریت «معقول» توزیع تعرفه توسط وزارت کشور با نظارت شورای نگهبان

به گزارش خبرگزاری مهر، آقای کدخدایی در 3/22، روز انتخابات، "در پاسخ به این سؤال که با توجه به معلوم بودن واجدین شرایط در حوزه‌های انتخابی و نیز چاپ حدود 11 میلیون برگ تعرفه اضافی علت کمبود تعرفه چیست، ادامه داد: توزیع تعرفه ها از **گذشته** توسط وزارت محترم کشور با کدبندی‌ها و مکانیزم خاص منطقه‌ای صورت می‌گیرد و اگر چه به همین دلیل امکان انتقال تعرفه‌ها به نقاط دیگر موجود نبوده، اما با آمادگی قبلی دستور چاپ و توزیع مجدد برگه‌های تعرفه برای تامین در مناطق مورد نیاز در طول امروز صورت گرفته است و اکنون مشکلی در این زمینه وجود ندارد.[60]"

بدین ترتیب معلوم می‌شود که کدگزاری منطقه‌ای یا استانی روال تازه‌ای نبوده بلکه در این دوره با چاپ تعرفة اضافی به هم خورده است. وزارت کشور مدعی است

[60] سایت مهر این خبر را در تاریخ 3/23 نشان می دهد که شاید با تأخیر در این سایت درج شده باشد.

که ابتکار کد استانی از ناحیة آنها بوده و برای اولین بار اینکار صورت گرفته است. آقای کدخدایی با اطلاعی که از آشفتگی در توزیع تعرفه داشتند، توضیح ندادند که چرا باید در مراکز استانهای مهم و پرجمعیت کشور، با وجود تجربة سال‌های قبل کمبود تعرفه آنهم در ساعات اولیة رأی گیری پیش بیاید؟!!

آقای کامران دانشجو روز 88/4/12، یعنی 23 روز پس از انتخابات و 11 روز پس از آن جلسة هماهنگی عوامل چاپ و توزیع تعرفه که در پیوست 49 آمده است، در پاسخ به نوشتة همشهری با مغلطه‌کاری در خصوص اشکالات عمدی در توزیع تعرفه‌ها توجیهاتی ارائه نموده است. این مطالب در سایت اطلاع رسانی دولت به نقل از سایت وزارت کشور بشرح آتی منعکس است. ما نخست فرازی از این خبر را برای نشان دادن بی‌صداقتی این آقایان نقل مي کنیم و پاسخ می‌دهیم. سپس به مطلب اصلی این خبر برمی‌گردیم:

"پایگاه اطلاع رساني دولت www.dolat.ir زمان ارسال خبر: 1388/4/12 در ساعت: 9:51:0

... علی رغم اطلاعات و آمار کذب در نامه آقای موسوی و تذکره روزنامه همشهری ، اولاً: تعداد تعرفه‌های چاپ‌شده اخیر، در روز 88/3/21 نبوده و در این تاریخ هیچ تعرفه‌ای چاپ نشده است."

هرچند در مناسبت های مختلف به ادبیات سخیف این مسؤلان دولتی اشارتی شده است، فراز آخر نقل قول بالا به عمد از بخش دیگری از همان نامه نقل شده تا باردیگر امکان باز کردن روش نعل وارونة این سیاستمداران فراهم گردد.
در مورد کذب محض خواندن ادعای چاپ تعرفه در 88/3/21 نوجهتان را به استناد کمیتة صیانت به اعتراف و تأیید برخی از اعضای شورای نگهبان جلب می‌کنیم که خوشبختانه این آقایان تاکنون این تأیید را مجدداً تکذیب نکرده اند. در واقع همین تأیید آقایان سبب شده است که در گزارش تفصیلی و نیز مصاحبة آقای محصولی موضوع چاپ دوباره در قبل از انتخابات و در روز انتخابات مطرح و اذعان گردد.
شما تا بدینجا شعبده بازی سیاست بازان را در بازی با اعداد بخوبی دیده اید. یکی از این بازی‌ها دست گذاشتن روی عددی بظاهر اشتباه از سوی معترضان است تا بدین وسیله اتهام «دروغگویی» بدان-ها بزنند و سپس دروغ خود را به اصطلاح عامه، قالب کنند. برای مثال، ادعای کمیتة صیانت از آراء در مورد خبرهای واصله از چاپ تعرفه در روز 88/3/21 را بهانه کرده اند تا اعدادی را آشکارا بدروغ بخورد ملت بدهند. اگر هم این ادعا، به گفتة آنها «کذب» بوده باشد، که نیست، چه ربطی به این دارد که آنها

روز 88/3/22 تعرفة اضافه بدون مجوز قانونی چاپ کرده اند!! گویی چاپ تعرفه در 3/21 جرم است و آنها میخواهند خودشان را تبرئه کنند، اما چاپ همان تعرفه «صبح» روز 3/22 در حالي که به گفتة وزیر کشور تا ظهر جمعه فقط 5 میلیون تعرفه مصرف شده بود، جرم نیست!! شما صبح به آن زودی از کجا فهمیدید که باید تعرفه اضافه چاپ شود؟ حتی آقای کدخدایی ساعت 4 بعد از ظهر جمعه آمار تعرفة مصرف شده را 20 میلیون برگ اعلام کرده بود. چطور و با چه محاسباتی شما توانستید 10 ساعت پیش از آن دریابید که باید تعرفة اضافی چاپ کنید؟ ما میگوییم، این حساب ها ناشی از عزم پیشین شما برای تقلب بوده است، هر دلیلی که شما را صبح زود روز جمعه متقاعد کرده باشد که تعرفه چاپ کنید، همان دلیل می توانست 12 ساعت پیشتر هم شما را به چاپ تعرفه متقاعد کند. اگر کسي خبر چاپ تعرفة اضافی را به چند ساعت زودتر نسبت بدهد، مجرم است، اما مجري قانون انتخابات که طبق قانون نباید این تعرفه را مخفیانه و بیش از اندازة لازم و بدون تشریفات مقرر چاپ کند، مجرم نیست؟

از جمله شگردهای گمراهکنندة آقایان مسئولان انتخابات و حامیان گوناگونشان انتشار خبرهای دروغ توسط عوامل

ناپیدای خودشان یا اظهار سخنان چندوجهی برای دستاویز قراردادن تعبیر معترضان و کوبیدن آنها بوده و هست. حمله به اینکه آقای موسوی یا کمیتة صیانت او آمار واجدین شرایط را 45 میلیون و 200 هزار نفر گفته اند در حالی که ما آن را 46.200.000 نفر اعلام کرده ایم از چنین شگردهای ناشی از اظهارات چند وجهی است که در زیر توضیح خواهیم داد. اما پیش از آن، نمونه ای از بکارگیری شگرد انتشار خبرهای دروغ و تبلیغات وسیع به بهانة این دروغ را نشان می‌دهیم. جالب است یادآوری شود که در اعلامیة کمیتة صیانت عبارت «حدود 45.200.000» آمده است، با اینکه همین عدد متکی بر محاسبات جدلی کارشناسانه است، اما اگر کمیتة صیانت یا نامزد انتخابات با لفظ حدود در جائی که تأثیر مهمی در بحث ندارد یک میلیون تقریب بکند دروغگوست ولي چنانچه این آقایان مسئول با لفظ حدود آمار تعرفه را تغییر بدهند، دروغگو و مجرم نیستند که هیچ، بلکه باید جایزة صداقت و ولایتمداری هم بگیرند!!

هنگامی که نامة جعلی به اصطلاح محرمانة وزیر کشور به رهبری در مورد نتایج انتخابات با آن انشاء کودکانه منتشر گردید، نخست به نظر می‌رسید که کسانی از میان معترضان جوان خواسته اند از

این طریق وزارت کشور را وادار به انفعال کنند، اما تبلیغات بعدی روی این نامه نشان داد که این کار از ناحیة خودشان طراحی شده بود. در این نامه جعلی صریحاً آقای محصولی بطور محرمانه به رهبری گزارش می‌دهد که آمار واقعی برخلاف آمار اعلام شده است. این نامه به: «موسوی 21.3 میلیون رأی 57.2 درصد) و به احمدی نژاد 10.5 میلیون رأی (۲۸٪)، به محسن رضایی 2.7 میلیون رأی 7.2% و به کروبی 2.2 میلیون رأی (۶٪) رأی و ۶۰۰ هزار رأی باطله نسبت می‌دهد.» انشای متن بخوبی نشان می‌داد که ساختگی است و افراد زیادی هم به آن اهمیت ندادند، بجز مسئولان وزارت کشور که ساعتها در باره‌اش صحبت کردند. به عنوان مثال آقای محصولی گفته‌اند:

"به گزارش خبرگزاري آريا: وزير كشور در پاسخ به سوال يكي ازخبرنگاران در خصوص انتشار يك نامه جعلي از سوي وزارت كشور به مقام معظم رهبري گفت: اين نامه به قدري ناشيانه است و از شيوه خطاب‌قرار دادن رهبري تا تمام جزئيات نامه مانند عدم وجود شماره نامه و همچنين مهر محرمانه مشخص است كه اين نامه كاملا جعلي است و در اين نامه امضاي شخصي است كه مشخص‌نيست چه فردي است. محصولي افزود: در اين نامه ميزان آرا 43 ميليون اعلام شده در صورتي

که اگر جمع آرا شمارش شود 40 میلیون بیشتر نیست و تا این حد این نامه ناشیانه جعل شده است وخداوند مکر انسان‌هاي مکار را به آنها برمي‌گرداند. وي اضافه کرد : دست این افراد آنقدر خالي است که به موارد و جعل نامه‌ها دست مي‌زنند وحتي قبل از این نامه نیز نامه سپاه را هم جعل کرده بودند و خود سپاه نیز اعلام کرد که این نامه جعلي است. محصولي افزود: این افراد براي اینکه بسیاري از واقعیت‌ها را کتمان کنند به راه‌هاي سطح پایین و رذیلانه متوسل مي‌شوند که واقعا مفتضحانه وخارج از فرهنگ و اخلاق است و مردم نیز از اینگونه موارد مطلع هستند و فریب این افراد را نمي‌خورند."

ایشان به تردستی و با همان مهارتی که می‌تواند قراردادهای سوآپ غیرقانونی را منعقد و از آن در مجلسی که باید ناظر و حافظ قانون باشد دفاع کند، می گوید: «دست این افراد آنقدر خالی است ...»، با این عبارت می‌خواهد معترضان و بویژه نامزدهای معترض را متهم به انتشار این نامة دروغ بکند!! با سوءاستفاده از خبر جعلی که هیچیک از هواداران و نامزدهای معترض روحشان از آن خبر نداشته است و با بهره گیری از برد تبلیغاتی تلویزیونی کوشیده‌اند که به مردم القاء کنند، چون نامزدهای معترض دستشان خالی است، به این ترفندها

متوسل می‌شوند!! سایت خبرگزاری انتخاب در این مورد مطلبی دارد که می خوانید:
" ۲۸ خرداد ماه ۱۳۸۸
خبرگزاری انتخاب:
آقای دانشجو شب گذشته که عمده وقت برنامه (مصاحبه با شبکه خبر) را به نامه‌ای جعلی منتسب به وزارت کشور که قبلاً در سایت آینده جعلی بودن آن مشخص گردیده است، اختصاص داد و تلاش کرد با اشاره به این نامه که قبلاً جعلی بودن آن ثابت شده بود، دیگر انتقادات را زیر سوال ببرد.
به گزارش خبرگزاری انتخاب به نقل از آینده، با وجود آن که بسیاری از مردم بر اساس اعتماد به نظام و برگزارکنندگان انتخابات، وجود هر گونه تقلب و دستکاری در آرای مردم را کاملاً رد می‌کردند، عملکرد مسئولان وزارت کشور و ستاد انتخابات، بسیاری از حامیان دکتر احمدی‌نژاد را نیز درباره سلامت انتخابات به تردید انداخته است.
بنابر این گزارش، شب گذشته هم کامران دانشجو، رئیس ستاد انتخابات با حضور در برنامه ساعت 8/30 شب شبکه خبر ادعا کرد تقاضای یکی از کاندیداها (محسن رضایی) در جهت اخذ آرای صندوق‌ها به تفکیک هر صندوق **غیرقانونی** است و به این دلیل، نمی‌توانند به این تقاضا جواب مثبت دهند. وی همچنین اعلام آمادگی کرد حاضر است دوباره در

برنامه‌های صداوسیما شرکت کرده و جوابگوی سئوالات باشد.
اما از آقای دانشجو به عنوان معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات که با لحنی طعنه‌آمیز به اعتراضات نمایندگان کاندیداها پاسخ می‌داد و آنان را به بی‌اطلاعی از قانون و عدم اجرای آن متهم می‌نمود، باید پرسید در کدام فصل از فصول هشتگانه و کدام ماده و تبصره قانون انتخابات ریاست جمهوری اعلام میزان آرای مأخوذه در هر صندوق غیرقانونی است؟
این درحالی است که در تمام انتخابات گذشته ابتدا آمار شمارش شده در هر صندوق، اعلام می‌شد و سپس با جمع‌زدن این آمار، نتایج شهرها و استان‌ها و در نهایت آمارکل کشور مشخص می‌شد، اما این‌بار کاملاً برعکس عمل شد!
از سوی دیگر در حالی آقاي دانشجو دادن اطلاعات آرای صندوق‌ها به کاندیداها را غیرقانونی اعلام می‌کند که ماده واحدة «قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی» که شامل شش تبصره نیز هست و در جلسه علنی یکشنبه 79/5/30 مجلس تصویب شده، تکلیف را مشخص کرده و جالب آن که وزارت کشور هم به اعتقاد خود، بر اساس همین قانون نمایندگان کاندیداها را به حضور در محل صندوق‌های رأی‌گیری ترغیب!!! کرده تا از این اطلاعات آگاه

شوند. اما جالبتر اینجاست که دانشجو دادن اصلی‌ترین مدرک مورد نیاز کاندیداها برای بیان موارد مصداقی خود را غیرقانونی می‌خواند.
آقای دانشجو شب گذشته که عمده وقت برنامه را به نامه‌ای جعلی منتسب به وزارت کشور که قبلاً در سایت آینده جعلی بودن آن مشخص گردیده است، اختصاص داد و تلاش کرد با اشاره به این نامه ، دیگر انتقادات را زیر سوال ببرد.
علاوه بر این، ایشان باید پاسخ دهند اساساً وقتی نامزد انتخاباتی نمی‌داند از نظر هیأت اجرایی وزارت کشور، رأی شمارش شده او برای مثال در صندوق شماره 1254 چه عددی است، به چه مورد مصداقی برای اعتراض خود مي توانند استناد کند؟
لحن طعنه‌آمیز آقای دانشجو و ادعای بی‌اطلاع بودن کاندیداها از قوانین انتخاباتی یقینا در شأن ستاد انتخابات وزارت کشور که باید ارگانی مستقل و مورد وفاق عمومی باشد، نیست. چنین لحني نه تنها دور از اخلاق سیاسی و انتخاباتی است، بلکه در شرایط کنونی که طبق اعلام صداوسیما شماری از هموطنان کشته شده‌اند، تنش‌زا و تحریک‌آمیز به نظر می‌رسد.
این گزارش می‌افزاید: ساعتی بعد از پخش این برنامه در شبکه خبر، برنامه ایران 88 نیز با مجری‌گری نویسنده سایت

رجانیوز[61] میزبان شریفی‌راد، مدیرکل انتخابات کشور بود که به نظر می‌رسد مدیر کل آقای دانشجو، احتمالاً به دلیل تجربه بیشتر در برگزاری انتخابات، بهتر از وی در این برنامه تلویزیونی ظاهر شد.

در این برنامه که با هدف پاسخگویی به شبهات موجود در خصوص سلامت انتخابات برگزار شده بود، مدیر کل انتخابات وزارت کشور اظهار کرد علاوه بر 57 میلیون تعرفه چاپ شده پیش از انتخابات، حدود نیم میلیون تعرفه نیز در روز انتخابات چاپ و توزیع شده که 200 هزار تای آن‌ها به تبریز، 100 هزار به اصفهان، 100 هزار به خراسان، 50 هزار به قم ارسال شده است.

اما در حالی که اطلاعات میزان آرا در هیچ یک از صندوق‌ها به کاندیداها داده نشده، مدیرکل انتخابات کشور اظهار کرد در هیچ صندوقی به ما شکایت نرسیده و هر صندوقی را که بگویند، بازشماری می‌کنیم. این در حالی است که وقتی میزان آرای هیچ صندوقی اعلام نشده، مشخص نیست بازشماری آن به منظور مقایسه آرا با کدام اعداد باید انجام شود؟!

---

[61] این سایت وابسته به آقاي احمدی نژاد است و بیشترین تشویش را در انتخابات و پس از آن ایجاد نموده است.

شریفی‌راد از ارائه پاسخ مناسب در خصوص ریخته شدن 10 میلیون تعرفه اضافه به نام احمدی‌نژاد در صندوق‌ها نیز ناکام ماند و گفت: اولاً باید بگویند این 10 میلیون رأی در کدام صندوق ریخته شده و ثانیاً تعرفه‌ها کجاست؟ چون هر تعرفه یک شماره یونیک دارد و با شماره سریال در استان‌ها توزیع شده است.

لازم به ذکر است در حالی که احتمالاً این برنامه با هدف دفاع از سلامت انتخابات برگزار شده بود، خنده‌ها و طعنه‌های مجری به هنگام طرح سوالات موجود در جامعه، از اثرگذاری این برنامه کاست.

وی حتی در مقطعی مدعی شد میرحسین موسوی گفته من سی میلیون رأی آورده‌ام و محسن رضایی اظهار کرده که من 9 میلیون رأی آورده‌ام و سپس با طعنه گفت، پس با این حساب کل 39 میلیون رأی اخذ شده را باید به این دو نفر اختصاص داد!"

همچنین تابناک نوشت: "کامران دانشجو، با حالت عصبی در برنامه زنده شبکه خبر ظاهر شد و با تأکید بر جعلی بودن نامه منتسب به وزارت کشور _ که پیشتر جعلی بودن آن اعلام شده بود _ تقاضای محسن رضایی از ستاد انتخابات را غیر قانونی دانست.

معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور که در برنامه زنده شبکه

خبر حضور یافته بود، با رد تقاضای دکتر رضایی برای در اختیار داشتن آرای تفکیکی همه صندوق‌های رأی‌گیری، با هدف تنظیم کامل شکایات کاندیداهای ریاست جمهوری، درخواست ارائه اسناد به کاندیداها را غیرقانونی خواند. دانشجو هر چند تلاش می‌کرد با روحیه و اعتماد به نفس، به مخاطبان القا کند که سخنش متقن و قانونی است، اعلام نکرد که کدام ماده یا تبصره از قانون انتخابات ریاست جمهوری تأیید کننده ادعای او است. طرح این موضوع در حالی است که در هیچ جای قانون انتخابات ریاستجمهوری – مصوب پنجم تیر ماه 1364 مجلس شورای اسلامی – که مشتمل بر 94 ماده و 29 تبصره است و همچنین دستورالعمل آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری مشتمل بر 39 فرم – مصوب 1372/2/11 که در تاریخ 64/4/9 به تأیید شورای نگهبان رسیده است - چنین ممنوعیتي ذکر و حتی مورد اشاره هم واقع نشده است. با این حال، معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور نگفته است که در کدام ماده و تبصره این قوانین آمده است که وزارت کشور و یا حتی هیأت‌های اجرایی می‌توانند از ارائه لیست جداگانه صندوق‌های رأی به نامزدها خودداری کنند و این لیست حساس و سرنوشت ساز را در اختیار آنان

نگذارند؟ علاوه بر این، آقای دانشجو که آمادگی خود را برای پاسخگویی اعلام کرده اند، به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور بگویند که آیا قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی که مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره است، محدویتی را برای نامزدهای ریاست جمهوری و نمایندگان آنها پدید آورده است تا یر اساس آن شمار رأی دهندگان هر یک از صندوق‌های رأی به تفکیک هر صندوق را (که دربرگیرندة محدوده جغرافیای آن صندوق رأی‌گیری و همچنین مختصات خاص آن صندوق است) به عنوان اصلی‌ترین سند انتخابات، رسما از سوی وزارت کشور در اختیار نداشته باشند؟

ایشان به چه دلیل ارایه این اسناد اولیه و مهم را که نشانگر وضعیت آرای تفکیکی هر صندوق است، غیر قانونی شمرده و در عوض، نامزدها را محکوم به کلی‌گویی می‌کند، در صورتی که لازمه ارایه شکایت موردی و با جزییات، در اختیار داشتن همین آرای تفکیکی در کنار دیگر عوامل است؟! البته این امر مسلمی است که در صورت ارایه نکردن این آمار از سوی وزارت کشور به نامزدها، هرگونه اعتراضی در این زمینه فاقد سندیت لازم باشد، چرا که به باور ایشان، نامزدها باید موارد را با

مصادیق و حتی نام صندوق اعلام کنند تا بتوان به این شکایت رسیدگی کرد.
همچنین وقتی شکایت کلی را مورد نظر قرار نمی‌دهید؛ بنابراین، نامزدها هنگامی که آرای تفکیکی شما درباره هر صندوق را در اختیار ندارند، به چه چیز اعتراض کنند، حال آن که هر اعتراضی در این زمینه، به اصطلاح خودتان بدون آوردن نام صندوق فاقد وجاهت است."
ما امروز بر انتقادهای این سه سایت خبری می‌توانیم بیافزاییم و بپرسیم که اگر انتشار اطلاعات تفکیکی صندوق‌ها «غیرقانونی» بوده است، چرا چند روز بعد و پس از دستکاری‌های متعدد به انتشار آن اقدام کرده اند؟ متقاضی اگر تقاضای غیرقانونی داشته باشد، بر او حرجی نیست، نهایتش این است که پاسخ منفی دریافت می‌کند. اما مجری قانون اگر به علتی اقدام خلاف قانون بکند از وی پذیرفته نیست. چرا وزارت کشور و شورای نگهبان کار غیرقانونی انتشار اطلاعات صندوق‌ها را انجام داده اند؟ البته همانطور که آن سه سایت نوشته اند نه تقاضای معترضان غیرقانونی بوده است و نه انتشار آن از سوی وزارت کشور، بلکه تبلیغات دروغ و استناد نادرست به قانونی که وجود خارجی ندارد، عملی مجرمانه و مؤید تقلب غیرقانونی است.
سخنان آقای شریفی راد را هم لابد بخاطر دارید که در مبحث قبلی مورد انتقاد

قرار دادیم. شما چگونه باور می‌کنید که در یک روز یک مدیر کل آماری از تعداد تعرفه بدهد که چندین میلیون با آمار ارائه شده توسط رئیسش در همان روز و دو ساعت پیش از او، یعنی سخنان آقای کامران دانشجو در شبکة خبر، تفاوت دارد؟!! چه سندی بالاتر از این بر بی-قانونی و بی مبالاتی و هزار بی ... دیگر می‌توان به رخ کشید که ثابت کنند سر تا پای کارهای انجام شده در انتخابات از سوی ناظر و مجری فاسد و ناشی از عزم پیشین برای تقلب بوده است؟ مطمئناً شما خودتان نمونه‌های زیادی از این ترفند چهرة جوان میدان سیاستبازی را بخاطر دارید.

در اینجا مناسب است که براي پيگيري منظم بحث بندهای هفتگانة نامة مورخ 88/4/14 وزارت کشور به روزنامة همشهري را محور بحث راجع به مدیریت توزیع تعرفه قرار دهیم و بترتیب این بندها را توضیح داده و پاسخ های لازم به وزارت کشور داده شود.

این نامه تحت عنوان «**پاسخ اول وزارت کشور به ادعاهای مهندس میر حسین موسوی**» در سایت و پایگاه اطلاع رساني دولت به نشاني www.dolat.ir نیز منعکس است.

بند یک از بخش «د- در خصوص تعرفه ها» از نامة وزارت کشور به روزنامة همشهری

در بند یک از نامه گفته اند: 1- *آقای موسوی در نامه خود عدد واجدین شرائط رای دهنده را تعداد 45میلیون و 200 هزار نفر ذکر کرده اند که آشکارا یک میلیون کمتر از تعداد واقعی است .که همانگونه که بار ها اعلام شده تعداد واجدین شرایط 46میلیون و 200 هزار نفر بوده است صرف نظر از اینکه جریان اصلاح طلب بار ها اعلام میکرد که تعداد واجدین شرایط بیشتر از این هم هست.*

این از همان شگردهای تردستانه است که روی عدد 45.200.000 انگشت می گذارد و مدعی می‌شود که این عدد درست نیست و ما 46.200.000 اعلام کرده ایم، پس آقای موسوی بهتان زده است!!

شما خوانندة محترم بارها در این نوشته با اعداد مغشوش این مسؤلان مواجه شدید و بارها هم مواجه خواهید شد. آنها در اثر زیاده‌گویی و مغلطه‌کاری متوجه اعدادی که اعلام می‌کردند، نبودند و فقط دنبال دستاویز قراردادن حرفی بودند که با ظاهر گفته‌های آنها نمی‌خواند. آقای دانشجو فراموش کرده است که بارها اعلام نموده 56 میلیون و 757 هزار تعرفه چاپ کرده ایم و بارها هم گفته است که 11 میلیون بیش از تعداد واجدین شرایط تعرفه چاپ شده است، تفاضل این دو رقم 45 میلیون و 757 هزار می شود. بنا بر این، ادعای یک معترض مبنی بر 45

میلیون و دویست هزار به همان اندازه تقریب عدد است که ادعای آقای دانشجو در 46 میلیون و دویست بودن آمار. آقای موسوی چه سودی می‌برد اگر یک میلیون نفر را کم بگوید؟ هرچند عده‌ای از فعالان سیاسی بر اساس یک محاسبة ساده ابتدا معتقد بودند که شمار واجدین شرایط باید بیش از 50 میلیون نفر بوده باشد، اما به هر حال، معترضان در نهایت با تکیه بر عددی که دولت داده بود، سخنان خودشان را تنظیم کرده‌اند.

هم وزارت کشور و هم فعالان سیاسی در خصوص آمار واجدین شرایط به جمعیت مجاز در دورة نهم استناد کرده‌اند و اگر این عدد مبنا باشد، به هر حال، متخصص ریاضیات و فیزیک و رئیس ستاد انتخابات و همکارانش جمعیت واجد شرایط را کمتر نشان داده‌اند! به این تحلیل آماری که سایت تابناک در فروردین ماه آن را منتشر نموده است، توجه فرمایید:

"اعلام آمار واجدان شرایط رأي در انتخابات دهم رياستجمهوري از سوي معاون سياسي و رئيس ستاد انتخابات وزارت كشور، مبني بر وجود 2 / 46 ميليون نفر رأيدهنده در كشور، بيش از آن‌كه مايه خوشحالي در سال جديد باشد، به پديده‌اي نگران‌كننده از يک حيث در افكار عمومي مبدل شده است.

به گزارش خبرنگار «تابناك»، در بيان اين آمار، ستاد انتخابات روشن نكرده

است از کدام مرجع قانوني اعم از مرکز آمار ايران و يا سازمان ثبت و احوال چنين ارقامي را دريافت کرده و اينکه چگونه آمار اعلامي پس از گذشت چهار سال از انتخابات نهم رياستجمهوري نه‌تنها افزايش نداشته، بلکه شمار واجدان شرايط، کمتر از چهار سال پيش اعلام شده است؟

چنانچه تغييرات سن واجدان شرايط رأي از پانزده سال به هجده سال باشد، طبيعي است که به دليل رشد سالانه جمعيت کشور (به طور متوسط سالانه 1.5 ميليون) و ضرب اين رقم در مدت چهار سال، چيزي حدود شش ميليون نفر افزايش جمعيت خواهيم داشت که با کسر رده‌هاي سني شانزده، هفده و هجده سال، خواهيم ديد که همچنان 1.5 ميليون نفر بايد به شمار واجدان شرايط رأي در سال 1384 تا به امروز افزوده مي‌شد. اگر اين عدد را به رقم دقيق آمار واجدان شرايط رأي در سال 1384 (46.768.418 نفر) بيفزاييم، آمار واجدان شرايط در انتخابات 22 خرداد 1388 به 48.268.418 نفر افزايش خواهد يافت. همين امر سبب شده تا شايبه دستکاري در آمار به اذهان افراد جامعه متبادر شود و اين امري ناپسند و مخدوش‌کننده ساحت سالم انتخابات در جمهوري اسلامي ايران است.

ضرورت دارد رياست ستاد انتخابات كشور به نمايندگي از وزارت كشور كه عهده‌دار اجراي قانون و حسن جريان انتخابات است، موضوع مرجع آمار واجدان شرايط رأي را به صورت شفاف به افكار عمومي اعلام كند و توضيح دهد كه بنا بر كدام استدلال و مباني آماري، به اين رقم دست يافته است؟

پرسش ديگري كه اذهان محققان و پژوهشگران را به خود مشغول كرده، اين است كه چرا آمار واجدان شرايط رأي هم در زمان انتخابات هشتمين دوره مجلس شوراي اسلامي و هم تاكنون به تفكيك استان‌ها در اختيار متقاضيان و يا افكار عمومي قرار نگرفته و نمي‌گيرد؟ در صورتي كه هيچ‌گونه تبصره و ماده قانوني كه دلالت بر محرمانه بودن آمار واجدان شرايط رأي و ديگر داده‌هاي انتخابات داشته باشد، در قوانين موضوعه كنوني نبوده و روشن نيست كه مسئولان ستاد و دفتر انتخابات، مستند به كدام يک از موازين قانوني، پنهان نگاه داشتن داده‌ها و آمارهاي انتخابات از افكار عمومي و... را توجيه مي‌كنند؟!

... كمتر نشان دادن آمار واجدان شرايط رأي به همان نسبتي كه به صورت غيرواقعي درصد مشاركت را بالا نشان مي‌دهد، به نوعي ساحت راستگويي و امانت‌داري مجريان قانون و

برگزارکنندگان انتخابات دهم را هم مخدوش مي‌نمايد و همين مي‌تواند در بي‌اعتمادي مردم و كاهش مشاركت، تأثير فراواني داشته باشد.[62]"

علاوه بر این، در پاسخ به بند یک از آن نوشتة توجیهی بی حساب و کتاب از شما دعوت می‌کنیم به نوشتة زیر که اشاره ای به همین غوغاسالاری دارد، عنایت کنید. توصیه می شود که روی اعداد ارائه شده تأمل فرمایید:

"منتشر شده در *سایت خبری هم میهن* (http://www.hammihannews.com) تاریخ: 1388/3/21 ساعت 21:32 - کد مطلب: 4633

46 میلیون رای دهنده به تفکیک استان‌ها

... به گفته محمد مدد رئیس مرکز آمار ایران و تأیید کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات، 46 میلیون و 199 نفر واجدین ارائه رأی در این دوره از انتخابات وجود دارد. ... بر اساس جدول تفکیکی میزان واجدین شرایط ارائه رأی در 28 استان کشور، تهران با 8 میلیون و 796 هزار نفر بیشترین واجدین شرایط را در خود جای داده است و ایلام با 357 هزار نفر کمترین تعداد را دارد.

شعبی بیش از صندوق‌های رأی

... نکته جالب توجه دیگر در آمارهای وزارت کشور، تعداد بیشتر شعب اخذ رأی

---

62 سایت تابناک، کد خبر 43269.

به نسبت صندوق‌های رأی است. به عبارت دیگر در حالی که در هر شعبه اخذ رأی، چند صندوق وجود دارد و علی القاعده تعداد شعب باید کمتر از تعداد صندوق‌ها باشد؛ بر اساس آماری که کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور ارائه داده است، تعداد شعب بیشتر از تعداد صندوق‌هاست!! به گزارش ایسنا او در نشست سه روز پیش خود (دوشنبه 18 خردادماه) در حالی که از 45 هزار و 713 صندوق اخذ رأی خبر داده بود اعلام کرد که شعب اخذ رأی، 46 هزار و 294 عدد خواهد بود. یعنی در انتخابات ریاست جمهوری دهم، 481 شعبه بیشتر از تعداد صندوق‌های رأی خواهیم داشت!! [این بدان معناست که شعبی وجود دارند که در آنها صندوق رأی وجود ندارد!!]

البته یک منبع آگاه در وزارت کشور در واکنش به این تناقض آماری اعلام کرد که چون هر صندوق برای خود ناظران و مجریانی دارد که در نهایت با حضور نمایندگان نامزدها به شمارش آرای می‌پردازند، هر صندوق در انتخابات ریاست جمهوری معادل یک شعبه محسوب می‌شود. وی در پاسخ به این سؤال «خبر» که می‌گفت حتی در این صورت نیز تعداد شعب باید برابر تعداد صندوق‌ها یعنی 45 هزار و 713 صندوق رأی باشد، پس چرا 481 شعبه بیشتر وجود دارد؟ گفت: آماری که

رئیس ستاد انتخابات کشور دو روز پیش اعلام کرده بوده است، تاکنون به این ترتیب تغییر یافته و در حال حاضر 45 هزار و 713 شعبه اخذ رأی وجود دارد.[63] منبع: سایت فرارو"

کسی که فرق میان شعبه و صندوق را نمی-داند، رئیس ستاد مرکزی انتخابات کشور ماست!! به هیچ وجه این افراد در ارائة اعداد و ارقام مبالات نداشته‌اند. وزارت کشور براي داخل کشور آمار 45691 صندوق را ارائه کرده است که جمع آن با 304 صندوق خارج کشور برابر 45995 صندوق مي-شود. مي‌بينيد که نه تعداد صندوق‌هاي داخل و نه تعداد کل صندوق‌ها با تعداد اعلام شده، يعني 45713 صندوق سازگاري ندارد. تشکيل صندوق کاري نيست که در يك انتخابات ملي بدين صورت مخفي يا با اعلام غلط بتواند صورت گيرد و تبعاتي نداشته باشد. اقدام آقاي کامران دانشجو در دادن آمار نادرست شعب اخذ رأي و تصحيح بعدي آن مبني بر اينکه

---

[63] به نظر می رسد که برای فهم تک تک دوستان احمدی نژاد و آقای جنتی مترجم حرفه ای زبان پارسی ناکجاآبادي لازم است، اینها واقعاً یک زبان خاص اختراع کرده اند که هر لفظی معنای مخالف خود را می دهد، درست مانند بسیاری از کارهای دوات نهم که همگی گندم نمائی و جو فروشی بوده است. او نمی گوید که ما گفتة اشتباه او را اصلاح می کنیم بلکه می گوید از آن روز به بعد تغییر عقیده داده ایم!

قبلاً چنین تصمیمي داشتیم اما فعلاً تصمیم تازه همین است که 45713 صندوق وشسعبه خواهیم داشت، یك اشتباه و تصحیح ساده نیست و نتیجة کار که با هیچیك از این اعداد سازگاري ندارد، مؤید تخلف محرز قانوني و انتخاباتي است که باید مرتکبان آن تحت تعقیب قانوني قرار بگیرند. به فرض محال، حتي اگر ثابت شود که هیچ تقلبي در کار نبوده است، این همه تخلف در تعداد صندوق‌ها و در آمار تعرفه و توزیع آن و در اعلام آراء را نمي‌توان اشتباهي ساده انگاشت که موجب انفجار مردم و گسیخته شدن رشتة وحدت ملي و هتك‌هاي نامناسب در برابر انظار جهانیان گردید و مردم را دچار تردید به نتایج انتخابات کرد؛ بلکه باید مرتکبان این اشتباهات، با توجه به لطمات جبران ناپذیري که به اعتماد ملي وارد آورده اند، مجازات شوند.

چرا این صندوق‌هاي اضافي- ولو نزدیك به 280 شعبه- برخلاف آمار رسمي اعلام شده، راه اندازي شده اند؟ متوسط هزار رأي براي این صندوق‌ها، اگرچه برابر 280000 رأي مي‌شود و هرچند اگر در هر صندوقي مخفیانه 2500 رأي تزریق کرده‌باشند، بالغ بر 700.000 رأي خواهد بود و در برابر کل آراء ناچیز مي‌نماید، اما مسأله از منظر ملي، مسالة کمیت نیست بلکه ثابت کنندة آلودگي کردار مجریان

است و در کنار سایر شبهات و دلایل متقني که ارائه شد، باطل بودن این انتخابات را ضروري مي‌سازد.

بند دو از بخش «د- در خصوص تعرفه‌ها» از نامة وزارت کشور به روزنامة همشهری

در آن نوشته، از بند دو به بعد به ترسیم روش «معقول» توزیع تعرفه پرداخته شده است. در بند دو می‌گوید آقای موسوی «پذیرفته اند که به تعداد **معقولی** باید تعرفه اضافه چاپ می‌شد اما نگفته‌اند که این تعداد چند تا باید باشد؟» درواقع هم آقای موسوی و هم دیگر معترضان با تکیه بر آنچه خود وزارت کشور نسبت «معقول» را تعریف کرده بود، سخن گفته‌اند. از بس آمار متناقض و دروغ می‌دادند، چاره‌ای جز مجادله نمانده بود، تا در موقع مناسب در مراجع قانونی این تضادها مطرح گردد؛ آقای موسوی و سایر نامزدهای معترض، علی رغم شواهد روشن از کودتای خشن و متعصبانة به اصطلاح نجات دین و انقلاب از غلبة «دشمن» با خوشبینی تمام دچار غفلت گردیدند. این کودتا، اساس هرگونه عدالتی را که بنیانهای قانون اساسی و آرزوهای ملی ما را برمی ساخت، یکسره بباد داد.

روزنامه اعتماد در بارة مصاحبة آقای دانشجو در 88/2/15 می‌گوید:

"البته رئيس ستاد انتخابات سعي كرد به شبهات موجود در مورد چاپ تعرفه اضافه نيز پاسخ دهد. وي اظهار داشت؛ من نمي دانم چرا قبلاً اين همه به اضافه چاپ تعرفه شبهه وارد نمي‌كردند اما الان اين شبهه وارد مي‌شود، چنان كه در سومين دوره شوراي شهر 46 ميليون واجد شرايط وجود داشت اما 55 ميليون تعرفه به چاپ رسيد. همچنين در انتخابات مجلس هشتم 43 ميليون واجد شرايط وجود داشت اما 55 ميليون تعرفه چاپ شد. از سوي ديگر در انتخابات رياست جمهوري نهم مرحله اول 46 ميليون واجد شرايط (با احتساب سن 15سالگی) وجود داشت اما 54 ميليون تعرفه به چاپ رسيد. حال كجاي اين مساله شک و شبهه دارد؟ هيچ شک و شبهه‌يي وجود ندارد، مگر اينكه شما بخواهيد شک و شبهه وارد كنيد. در همين زمان خبرنگاري پرسيد چرا در سال اصلاح الگوي مصرف تعرفه اضافه چاپ مي‌كنيد كه دانشجو اظهار داشت؛ من منطق و روال موجود را بيان مي كنم، گرچه شايد قانون نباشد اما اگر عده يي از افراد خواستند در نقطه ديگر كشور راي بدهند. ما ناچار هستيم **15 درصد** تعرفه اضافه چاپ كنيم و در اختيار محل اخذ راي قرار بدهيم تا اگر فردي خواست جاي ديگري راي بدهد ما تعرفه كم نياوريم چون ما مبنا را بر حضور تمام واجدين شرايط قرار مي دهيم. حال اگر فردي خواست راي بدهد و تعرفه وجود نداشت آيا اين مساله نقض حقوق شهروندي نيست؟ به هر حال اين روال در كشور

وجود داشته است اما من نمي دانم چرا در دوره هاي قبل محل سوال و شبهه نبود و حال شما به آن شبهه وارد مي كنيد؟"
ما در مقام بحث، موقتاً با این استدلال او موافقت می‌کنیم؛ بویژه آنکه یکی از ارکان نقض حقوق شهروندی در کشور ما دستکم برای یکبار هم که شده در اندیشهٔ حمایت از آن برآمده است! مقدمات ایشان همگی نادرستند و دعوای کمیتهٔ صیانت هم بر سر این مقدمات بود. کمیتهٔ صیانت بر اساس همین شواهد فریاد می‌زد که تقلب و کودتایی در پیش است، اما کسانی که باید به این فریادها پاسخ می‌دادند، از آنجا که خودشان درگیر یا دستکم مؤید کودتا بودند، گوششان بدهکار این ناله-ها نبود. طبق قانون انتخابات و آیین نامهٔ مربوط ناحیه‌بندی حوزه‌های رأی‌گیری در انتخابات مربوط به شوراها یا مجلس شورا با انتخابات ریاست جمهوری متفاوت است. حوزه‌ها و ناحیه‌ها در انتخابات اولی پیچیدگی دارد و تعداد نمایندگان در هر حوزه متفاوت است. از این رو اگر هم عرف بر این بوده که تعدادی تعرف اضافه چاپ شود، طبعاً باید در انتخابات شوراها و مجلس بیش از انتخابات ریاست جمهوری که کل کشور یک حوزه محسوب می-گردد، تعرفه چاپ شده باشد. در این سخنان آقای دانشجو نیز آمارهای ایشان بخوبی این مدعا را نشان می‌دهد. اگر در انتخابات پیچیدهٔ شوراهای شهر برای 46

میلیون واجد شرایط، تنها 9 میلیون تعرفه اضافي چاپ شده و هیچ مشکلی هم بنا بر ادعا پیش نیامده است، اگر برای انتخابات مجلس با تنوعی که دارد برای 43 میلیون واجد شرایط 12 میلیون اضافه تعرفه چاپ می‌شود، اگر برای انتخابات ریاست جمهوری قبلی که آمار شرکت کنندگان را برابر با آمار واجدین شرایط دورة اخبر اعلام شده، برای 46 میلیون نفر شرکت کننده 54 میلیون، یعنی 8 میلیون برگه اضافه چاپ کرده-بودند که معادل 17.4% مي‌شود، چرا شما برای همین تعداد در انتخابات مشابه، گاهی می‌گویید 11 میلیون (=24%)، گاهی 11 و نیم میلیون (=25%)، گاهی 13 میلیون (=28%) و زمانی هم 15 میلیون (=33%) تعرفه اضافی چاپ شده است؟؟؟ ما کدام عدد را باور کنیم و چرا؟؟ چرا آمارهای شما، حتی آمار اعلام شده توسط یک نفر، این همه با هم تفاوت دارد؟؟ آیا ریگی به کفش کسی هست؟

توجه کنید که ریاضی‌دان بزرگ ما در این سخنان می‌گوید برای حفظ حقوق شهروندی مردم، چون جمعیت شناور است، یعنی روز انتخابات عده‌ای از جایی به جای دیگر می روند «ما ناچار هستیم 15 درصد تعرفه اضافه چاپ کنیم و در اختیار محل اخذ راي قرار بدهیم تا اگر فردي خواست جاي دیگري راي بدهد ما تعرفه کم نیاوریم

چون ما مبنا را بر حضور تمام واجدین شرایط قرار می دهیم!!»
اما 15% عدد 46.200.000 نفر چقدر است؟ نه یک ریاضیدان بزرگ مانند آقای محصولی و دانشجو و شریفی راد، بلکه دانش‌آموزان ابتدائی هم می‌دانند که اگر این ادعا درست باشد، باید حدود 7 میلیون تعرفه اضافی چاپ شده باشد. اکنون باید این آقایان مسؤل بگویند که چرا حد اقل 11 میلیون و حد اکثر 15 میلیون تعرفه اضافه چاپ کرده اند (البته اگر این اعداد درست بوده‌باشند و بیش از این چاپ نکرده‌باشند) و تازه آن را بطور نامناسبی توزیع کرده اند تا در شهرهای کوچک تعرفه اضافه بیاید و در شهرهای بزرگ از اول صبح تعرفه نباشد؟؟!! جالب آنکه این مسؤلان به اصطلاح درستکار، در اولین اعلام شمارش آراء، بدون هیچگونه پیش زمینه‌ای و برای دفع دخل مقدر، برای توجیه کار خودشان، نخست آماری از ترکیب جمعیت روستایی و شهرهای کوچک و شهرهای متوسط و سپس شهرهای بزرگ ارائه دادند و آنگاه آن اعداد حیرت‌زا را با همة لرزشی که در کلامشان بود به این ملت عرضه کردند. آیا هنوز هم کلید تقلب را بدست نیاورده اید؟
همین شخص در مصاحبة مطبوعاتی روز دوشنبه 88/3/4 اعلام کرده است:

"خبرگزاری ایسکانیوز: رییس ستاد انتخابات کشور با تاکید بر این‌که «آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات را داریم» گفت: در حال حاضر در مرحله‌ای هستیم که ارسال تعرفه به استان‌ها را **به مقداری که در هر استان مشخص است،** شروع خواهیم کرد و ۱۵ تا ۲۰ درصد تعرفه اضافه نیز برای استان‌ها ارسال خواهیم کرد."

ملاحظه کنید که از 88/2/15 تا 88/3/4 نسبت تعرفه اضافی از عدد ثابت 15% به عنوان سنت گذشته تغییر می‌کند و بین 15 تا 20 درصد اعلام می‌شود؛ اجازه بدهید باز هم ما در مقام مجادله این عدد را قبول کنیم.

آیا ما باید عدد 20% را بپذیریم؟ در این صورت چه نیازی به گفتن 15 تا 20 درصد است؟ کافی بود این بزرگ ریاضی‌دان ما همان 20% را ذکر می‌کرد، در حالی که عرفاً ذکر یک محدوده برای بیان عددی میان این محدوده است. با این حال، همین عدد 20% را لحاظ می‌کنیم. در این صورت باید برای 46.200.000 نفر معادل 9 میلیون تعرفه اضافه چاپ کرده باشند. این در حالی است که کمترین عددی که برای شمارگان تعرفه اعلام کرده‌اند، 57 میلیون تعرفه است، یعنی یازده میلیون اضافه. مقایسه دو عدد 46 و 57 میلیون نشان می دهد که آنها اگر راست گفته

باشند، در مرحلة اول نزدیک به 25% جمعیت واجد شرایط تعرفة اضافه چاپ کرده بودند. پرسش اصلی همة ما این است که چرا این همه دروغ گفتند؟ چرا این همه می‌کوشیدند که مردم را گیج کنن؟ چرا این همه غوغا براه انداخته بودند تا امکان داوري درست از مردم سلب شود و کسی نفهمد که در ستاد انتخابات چه می‌گذرد؟

اگر 46 و 58.875000 یا تقریباً 59 میلیون مورد ادعا در گزارش تفصیلی شورای نگهبان و آقای محصولی را ملاک قرار دهیم، آنها 13 میلیون، یعنی 28% واجدین شرایط تعرفة اضافی چاپ کرده‌اند که در مقایسه با آن 15% که آقای دانشجو آن را عرف و قانون و سنت نامیده است، نزدیك به دو برابر عرف «معقول»، تعرفه اضافی چاپ شده است!! چرا؟

اگر با کل تعرفه که خود این آقایان آمار داده‌اند، یعنی حدود 61 میلیون مقایسه کنیم، در اینصورت نسبت تعرفة اضافی به بیش از 33% می‌رسد!! چرا؟ چرا بازهم در شهرهای بزرگ کمبود تعرفه داشتیم، در حالی که ادعای توزیع معقول می‌کردند؟

اگر می‌توانستیم اطلاعات و اعدادی راکه کمیتة صیانت از منابع داخل ستاد انتخابات وزارت کشور بدست آورده بود ملاك قرار دهیم، آنگاه نسبت تعرفة

اضافی به 50 و حتی 60% می رسید؟ حالا دیگر وزارت کشور باید بگوید که برای انجام چنین تقلب وسیعی چقدر تعرفه اضافی **معقول** است؟

به هر حال باردیگر در 88/3/18 "به گزارش شبکه خبر به نقل از واحد مرکزی خبر، کامران دانشجو، در جمع خبرنگاران خارجی در ستاد انتخابات کشور گفت: همه تعرفه ها، مهرها، رایانه ها و دیگر ملزومات مورد نیاز شعب، به استانداری ها و فرمانداری های سراسر کشور ارسال و مانند گذشته، میان 15 تا 20 درصد به علت شناور بودن جمعیت در کشور، تعرفه اضافه ارسال شده است." حالا دیگر کمیتة صیانت از آراء باید پرتقال فروش را پیدا کند، چون ریاضی‌دان ما بخوبی توانسته است مسأله را حل نماید.

همکاران آقای دانشجو در استان‌ها و فرمانداری‌ها هم با استفاده از الگوی «نامعقول» ایشان، برخلاف سنت و سیرة «معقول»، تعرفه‌ها را بطور نامناسبی توزیع کردند، البته توزیع در واقع بر اساس سناریوی خاصي بوده است.

وضعیت توزیع در شهرستانها

وزارت کشور در نامة مورد بحث به همشهری می‌نویسد:

"3- چاپ تعرفه اضافه ، که طبق قانون و عرف انتخابات صورت گرفت، بارها و بارها در مطبوعات و از سوی ستاد

ایشان، مورد تهاجم واقع شد، که وزارت کشور در موقع خود پاسخ آنها را داد و بر اساس وظیفه قانونی و با توجه به میزان مشارکت پیشتر پیش بینی شده اقدام به چاپ تعرفه کرد، تا با مشکل مواجه نشود. و طبیعی است تخمین دقیق و بدون خطاء تعداد رای دهنده در هر شهرستان و یا در هر صندوق امکان پذیر نیست.

4- در این دوره از انتخابات، **به منظور صیانت از آراء مردم**، کلیه تعرفه ها دارای سریال مخصوص و کد اختصاصی استانی بود که امکان جابجائی را از بین می برد تا رای مردم با ضریب امنیتی بیشتری حفاظت گردد.

5- ما قصد این را نداریم که بگوئیم آیا آقای موسوی و دیگران، با سوء نیت آن فشارها را وارد می‌کردند تا تعرفه اضافه چاپ نشده و در نتیجه مردم با کمبود تعرفه مواجه شوند و آنها امروز بهانه‌ای دیگر برای تهمت و اعتراض داشته باشند، لیکن اظهارات فعلی ایشان جای این سؤال را باقی می‌گذارد.

6- با توجه به شکوه و عظمت حضور ملت از ساعات اولیه در سر صندوقهای رای، صفوف متراکمی تشکیل شده بود و به همین دلیل نیز به کلیه شعب گفته شد به محض آنکه تعداد تعرفه های باقیمانده به عدد 100 رسید سریعا خبر دهید و قبل از

اتمام آنها، تعرفه‌های موردنیاز برای آنها ارسال می‌شد.
با اینکه تبلیغات همه جانبه‌ای هم از سوی هواداران ایشان سازماندهی شد و به **دروغ** آشکار متوسل شدند که قرار است در صندوق های مستقر در مساجد تقلب صورت گیرد! و مردم را به سوی صندوق‌های مستقر در مدارس دعوت کردند.
7- با توجه به قانون انتخابات، رای دهندگان مجاز هستند در هر نقطه‌ای از کشور که بخواهند رای بدهند. لذا سیال بودن تعداد رای‌دهندگان، موجب می‌شود تا نتوان دقیقا برآورد کرد که در هر صندوق چند نفر مراجعه می‌نمایند از این رو در شعب اخذ رای، با در نظر گرفتن آمار رای‌دهندگان در آخرین انتخابات در هر شهرستان و صندوق تعداد تعرفه متناسب تحویل داده شد و تنها تعداد معدودی از شعب اخذ رای با کمبود تعرفه مواجه شدند که به سرعت تعرفه لازم تحویل گردید."
همانگونه که در بند آخر این متن می‌بینید باید استانداری‌ها و فرمانداری‌ها به همان نسبت «معقول» تعرفه اضافی را به شهرستان‌ها و صندوق‌ها می‌فرستادند.
برای پاسخ به بند 5 اشاره به ضرب المثل معروف «مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد» کافی است. کسی ادعای دروغ تقلب در مدارس را مطرح نکرده بود مگر عوامل ناپیدای خودشان،

بلکه کمیتة صیانت و ستاد آقای موسوی مردم را تشویق کرده است که در همة اماکن حاضر باشند و صحنه را برای تقلب احتمالی خالی نگذارند. در این مورد دستکم روزهاي بیست و یك و بیست و دوم خرداد ماه از طریق سایت قلم وابسته به ستاد آقاي میر حسین موسوي اطلاعیه صادر شده است. همانطور که پیشتر اشاره شد، آنها همواره با استفاده از این ترفند می‌کوشند دروغ خودشان را بپوشانند.
بارها نشان دادیم که آقای دانشجو تا 88/3/28 ادعا کرده است که 56.757.000 برگ تعرفه چاپ و توزیع شده بود. ایشان از 2.100.000 برگ تعرفه که آقای محصولی در 88/4/3 ادعا کرده بی اطلاع بوده است. در هر صورت، آنچه مسلم است قبل از انتخابات همین تعداد برگ تعرفه را به استانها توزیع کرده‌اند که در مقایسه با 46.200.000 نفر جمعیت واجد شرایط ادعا شده، 23% اضافه بر جمعیت چاپ کرده‌اند در حالی که پیوسته می‌گفتند حد معقول اضافه تعرفه 15 تا 20 درصد است. تازه اگر مبنایی برای پذیرش توزیع عمومی تعرفة اضافی چاپ شده در پیش از انتخابات که در سخنان آقای محصولی آنهم یک هفته پس از انتخابات و ناگهانی ادعا شده بود، می داشتیم، یعنی چنانچه نسبت میان دو عدد 58875000 برگ و 46200000 نفر را لحاظ کنیم، درصد

معقول آقایان به 28% می‌رسید؛ که بسیار معقولتر هم می‌شد!!
در اینجا پیش از نمایش جدول توزیع بر اساس ادعاهای آقایان مسئول، مناسب است باردیگر سخنان آقای دانشجو را در 88/3/16 مرور کنیم که تا 88/4/7 آن راتکرار کرده است:
"ایرنا 88/3/16 - دانشجو در بخش دیگري از صحبت هاي خود تاکید کرد: دروغ که شاخ و دم ندارد شما به یکباره بیایید آراي مورد نظر نامزد خود را نیز اعلام کنید. *برخي ها فکر مي‌کنند دروغ نه تنها گناه ندارد بلکه ثواب دارد و براي آخرتشان خوب است.*
وي افزود: بعضي‌ها در مورد نحوه تشکیل هیات‌هاي اجرایي نیز شبهاتي وارد مي-کنند در حالي که نحوه تشکیل هیات‌هاي اجرایي کاملا روند مشخص و قانوني دارد و از بین معتمدین محلي این افراد انتخاب مي‌شوند که در تهران افرادي چون آقایان رییسي و دعایي در این هیات حضور دارند. رئیس ستاد انتخابات گفت: در مورد تعداد واجدان شرایط اخذ راي و تعداد تعرفه‌هاي چاپ شده نیز برخي‌ها شبهاتي مطرح مي‌کنند در حالي که ما بارها اعلام کردیم 46 میلیون و 200 هزار نفر در کشور براساس آخرین آمار سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ایران واجد شرایط حضور در انتخابات هستند هر چند

که شایعه پراکنان نسبت به ارایه نام آنها از سوي این دو مرجع رسمي شبهات دارند. وي گفت: ما 57 میلیون تعرفه براي این دوره از انتخابات چاپ کردیم که روند چاپ تعرفه اضافه همواره در انتخابات گذشته از ابتدا تا کنون به صورت 15 تا 20 درصد بیشتر از تعداد واجدان شرایط راي وجود داشته است. دانشجو خطاب به کساني که چاپ اضافه تعرفه را دلیلي بر بروز تقلب در انتخابات اعلام کردند اظهار داشت: ما مجبوریم براساس نیاز همچون ادوار گذشته تعرفه اضافه چاپ کنیم. حداقل در انتخابات نهم که شما مجري بودید چیزي حدود 10 تا 11 میلیون تعرفه اضافه (؟؟) چاپ شد. آیا این چاپ اضافه تعرفه در آن زمان هم مبنایي براي تقلب در انتخابات بود؟ وي با اشاره به این که برخي‌ها با اعلام این که تعرفه‌ها در یک موسسه خصوصي چاپ مي‌شود سعي کردند مجریان انتخابات را زیر سوال ببرند ولي هر چقدر ما را مظلومانه مورد انتقاد و هجمه‌هاي تبلیغاتي منفي قرار دهند ما براساس قانون عمل کرده و از طریق صدا و سیما محل چاپ تعرفه‌ها را که در چاپخانه بانک ملي ایران انجام مي‌شود را به مردم نشان دادیم حال قضاوت با خود مردم است."

بله قضاوت با مردم است و دروغگو رسوای عمل خویش است. کمیتة صیانت مي‌دانست که

«دروغ که شاخ و دم ندارد» و نمي‌خواست «آراي مورد نظر نامزد خود را» اعلام کند، بلکه از دروغ‌هاي شاخداري که مي‌شنيد در شگفت بود و از اينکه شما آراء مورد نظر نامزد خودتان را اعلام کرده‌ايد، نسبت به آيندة اين کشور نگران بود. *برخي ها فکر مي‌کنند دروغ نه تنها گناه ندارد بلکه ثواب دارد و براي آخرتشان خوب است.* آمار مورد نظر نامزد آيا 23% اضافه تعرفه همان 15 تا 20 درصد است؟ اکنون با فرض اينکه براى هر استان با کد اختصاصى آن استان بر اساس 23% اضافه بر جمعيت واجد شرايط تعرفه چاپ شده باشد، به اين جدول نگاه کنيد:

استان	جمعيت سال 85	جمعيت واجد شرايط 88	کل تعرفه ارسالى	کل آراء مأخوذه	ماندة تعرفه
آذربايجان شرقي	3,603,456	2,461,553	3,027,710	2,010,340	1,017,370
آذربايجان غربي	2,873,459	1,883,144	2,316,267	1,334,356	981,911
اردبيل	1,228,155	804,881	990,004	642,005	347,999
اصفهان	4,559,256	2,987,946	3,675,174	2,637,482	1,037,692
ايلام	545,787	357,687	439,955	312,667	127,288

220,449	493,989	714,438	580,844	886,267	بوشهر
3,298,113	7,521,540	10,819,653	8,796,466	13,422,366	تهران
196,107	495,446	691,553	562,238	887,910	چهارمحال وبختیاری
164,783	383,157	547,940	445,480	636,420	خراسان جنوبي
1,031,845	3,181,990	4,213,835	3,425,882	5,593,079	خراسان رضوي
131,720	464,001	595,721	484,326	511,572	خراسان شمالي
1,407,177	2,038,845	3,446,022	2,801,644	4,274,979	خوزستان
191,836	585,721	777,557	632,160	964,601	زنجان
153,577	383,308	536,885	436,492	589,742	سمنان
624,228	982,920	1,607,148	1,306,624	3,405,742	سیستان وبلوچستان
972,617	2,523,300	3,495,917	2,842,209	4,336,878	فارس
229,167	692,355	921,522	749,205	1,046,737	قزوین
207,825	599,040	806,865	655,988	1,440,156	قم
550,140	610,756	1,160,896	943,818	2,652,413	کردستان

632,270	1,505,814	2,138,084	1,738,280	2,652,413	کرمان
531,535	983,422	1,514,957	1,231,672	1,879,385	کرمانشاه
142,597	368,707	511,304	415,694	634,299	کهکیلویه وبویراحمد
434,063	869,453	1,303,516	1,059,769	1,617,087	گلستان
455,279	1,483,258	1,938,537	1,576,046	2,404,861	گیلان
419,406	964,270	1,383,676	1,124,940	1,716,527	لرستان
435,907	1,919,838	2,355,745	1,915,240	2,922,432	مازندران
303,274	785,961	1,089,235	885,557	1,351,257	مرکزي
388,463	743,024	1,131,487	919,908	1,403,674	هرمزگان
526,265	1,019,169	1,545,434	1,256,450	1,703,267	همدان
139,633	609,856	749,489	609,341	990,818	یزد
236,426	225,224	461,650	308,516	؟؟	خارج کشور
17,536,961	39,371,214	56,908,175	46,200,000	72,734,995	**جمع**

در خصوص این جدول باید توضیح بدهیم که:
الف) منبع آمار جمعیت مرکز آمار ایران است.
ب) شمار جمعیت سال 85 برای مقایسه داده شده است.
ج) منظور از **کل تعرفة ارسالی** جمعیت واجد شرایط به اضافة 23% تعرفة اضافی چاپ شده است.
د) تعرفة ارسالی به خارج از کشور از روی اطلاعات کمیتة مشترک خارج از کشور ستاد آقای موسوی درج شده و علت آن را در بخش قبلی توضیح داده‌ایم.
هـ) جمعیت خارج از کشور هم از روی برآورد خود آنها و وزارت خارجه اخذ شده است.
و) اختلاف 151.175 برگ در جمع تعرفة ارسالی با 56.757.000 برگی که وزارت کشور اعلام کرده اختلاف ناچیزی است که ناشی از تقریبی سخن گفتن خود آنها بوده است.
ز) فزونی آراء مأخوذه در دو استان مازندران و یزد از نکات جالبی است که خودشان هم بدان اعتراف کرده اند.
با توجه به این جدول ضمن اینکه اکثر ادعاهای آقایان در وزارت کشور دربارة چاپ تعرفة اضافی پوچ و بی‌معنا جلوه می‌کند و نشان از دروغگویی است، اصل

سوء نیت در مدیریت تعرفه هم برملا می-شود.
آماری که برخی از استانها داده‌اند، با ارقام مرکز آمار کشور متفاوت است و دلیل آن هم روشن نیست. با اینحال مدرکی است که سوء نیت‌های موجود را فاش می‌کند. از جمله به گزارش خبرگزاري دانشجویان ایران (ایسنا) "رشید رییس ستاد انتخابات خراسان رضوي روز یکشنبه 16 فروردین تصریح کرد: تعداد واجدین شرایط شرکت در انتخابات در استان خراسان رضوي 3 میلیون و 665 هزار و 471 نفر مي‌باشد که به همین منظور 4 میلیون برگ تعرفه راي در نظر گرفته شده است (=%9 اضافه بر جمعیت)." در جدول مرکز آمار ایران شمار واجدین شرایط این استان 3,425,882 نفر ذکر شده است، یعنی شمار اعلام شده از سوی استانداری حدود 400.000 نفر بیش از این است، اما در مقابل، شمار تعرفه‌ای که به گفتة استانداری برای استان از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور در نظر گرفته شده 213,835 برگ کمتر از عددی است که ما طبق یک روند عمومی توزیعی در جدول بالا محاسبه کرده‌ایم. هیچ دلیلی وجود ندارد که وزارت کشور 23% بیش از واجدین شرایط در کشور تعرفه چاپ کند، اما به یک استان کمتر از استان دیگر اختصاص بدهد، بویژه اینکه به خاطر چاپ تعرفه

با کد استانی تعرفه‌های هر استان اختصاصی آن است. این بدان معناست که از ابتدا وزارت کشور یا بر اساس یک محاسبة استاندارد 23% بیش از جمعیت هر استان را لحاظ کرده و تعرفه چاپ کرده است، یا برپایة یک طرح ویژه و با سوء نیت نسبت به چاپ تعرفه افزونتر برای یک استان نسبت به استانی دیگر اقدام کرده است که هیچ دلیل توجیهی جز عزم پیشین برای تقلب ندارد. اینکه آقای دانشجو مکرر می‌گوید، معترضان دروغگو هستند، ما راستگو هستیم و بر اساس روند گذشته 15 تا 20 درصد تعرفة اضافی برای هر استان چاپ کرده‌ایم، باید به راستی توضیح بدهد که چرا در استان خراسان رضوی چنین نبوده است و 9% تعرفة اضافي اختصاص داده شده است؟ در کدام استان دیگر هم چنین نکرده‌اند؟ در کدام استان دیگر اضافه‌تر چاپ کرده‌اند و چرا؟

مقایسة میان جمعیت و تعرفة تخصیص داده شده در استان خراسان رضوی برپایة اعلام استانداری نشان می‌دهد که برای این استان تنها 9% اضافه بر جمعیت واجد شرایط تعرفه چاپ کرده‌اند، چرا؟ این در حالی است که هر ایرانی می‌داند از اوائل خرداد ماه بر جمعیت زائر مشهد رضوی افزوده می‌شود. یعنی اگر قرار باشد که برای شناور بودن جمعیت یک مثال زنده برای ایرانی‌ها بزنیم می-

توانیم به تغییر جمعیت شهر مشهد در فصول مختلف اشاره کنیم. از 15 خرداد بخشی از کشاورزان مقیم استانهای فارس، خوزستان، یزد و کرمان و سایر استانهای گرمسیر تا حدی فراغت می‌یابند و دانش-آموزان هم زودتر از استانهای دیگر امتحاناتشان را برگزار می کنند (در این دوره به خاطر انتخابات امتحانات زودتر اجرا شد)، بنا بر این مردم این ناحیه امکان سفر زیارتی پیدا می‌کنند. از این رو، اگر قرار بر یک محاسبة «معقول» می‌بود، می‌بایست این گروه که مدعي صداقت و صیانت از آراء هستند برای این استان حد اقل به اندازة استان یزد که در این فصل سال مردمش به خاطر گرما به جاهای دیگر مهاجرت می-کنند جمعیت شناور لحاظ می‌کردند!

آقای رشید بعد از انتخابات هم به نوشتة وبلاگ «خبرنگار خراسان» در 88/3/24 بار دیگر طی مصاحبه‌ای ضمن اعلام نتیجة انتخابات در استان خراسان رضوی بر همان آمار پیش‌گفته تأکید نموده است:

"رئیس ستاد انتخابات استان خراسان رضوی ضمن اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در استان از مشارکت **86/43** درصدی مردم استان در انتخابات خبر داد. به گزارش [روزنامه] خراسان، قهرمان رشید صبح روز گذشته در جمع

خبرنگاران با بیان این که ۳ میلیون و ۶۶۵ هزار و ۴۷۱ نفر در خراسان رضوی واجد شرایط رای دادن بودند که از این تعداد ۳ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۴۱۸ نفر در انتخابات شرکت کرده اند ... شایان ذکر است میزان مشارکت مردم خراسان رضوی در انتخابات ریاست جمهوری دهم صبح دیروز ابتدا 83/98 درصد و پس از حدود یک ساعت این آمار تصحیح و نرخ مشارکت 86/43 درصد اعلام شد. مجموع آرای مأخوذه نیز ابتدا 3میلیون و ۷۸هزار و ۴۱۴ رأی اعلام شده بود که پس از آن این آمار اصلاح و به ۳ میلیون و ۱۶۸هزار و ۴۱۸ رأی تغییر یافت." یعنی ناگهان 90000 رأی تغییر پیدا کرد!!"

آیا شناور بودن جمعیت که مکرر بهانة چاپ تعرفة اضافی قرار گرفته است، در کدامیک از استانها سبب شده است که کمبود تعرفه نسبت به چاپ اول پیش بیاید؟ در استان مازندران که جمعیتی بیش از جمعیت پیش بینی شده به زعم شما رأی داده اند، چرا کمبود تعرفه پیش نیامد؟ چرا در یزد این اتفاق نیافتاد و در فارس و تبریز رخ داد؟ چرا در استان خراسان رضوي که هم بیش از متوسط اعلام شده از سوي وزارت کشور (83 درصد رايدهنده در کل کشور) در انتخابات مشارکت نموده و رأي داده اند، بحث جنجالي کمبود تعرفه پیش نیامد، در

حالي كه قبل و بعد از انتخابات مسؤل مربوط در استانداري اذعان كرده است كه فقط 9% بيش از جمعيت واجد شرايط تعرفه اضافه دريافت نموده است. مراد از اينكه مي‌گوييم كمبود تعرفه پيش نيامد، نه آن است كه در هيچ شعبه‌اي چنين مشكلي نبود (چرا كه گزارشاتي از برخي شعب اين استان مبني بر كمبود تعرفه به ستادهاي انتخاباتي نامزدها واصل شده بو) بلكه مقصود اين است كه مشكل در خود استان حل شده است. اگر هم مانند برخي ديگر از شعب درها را به روي مردم بسته‌باشند، چندان انعكاسي در رسانه‌ها و نزد نامزدها پيدا نكرد.

سايت تابناک که از مواضع آقای محسن رضايی حمايت می‌کرد در 88/3/31 تحت عنوان «علت مشارکت بالاي 100 درصد برخی حوزه‌های رأی‌گيری!» می‌نويسد:

"دانشجو، رئيس ستاد انتخابات وزارت کشور که پيشتر اعلام کرده بود، انتشار ليست جداگانه صندوق‌های رأی خلاف قانون است و عملی غيرقانونی بوده و وزارت کشور به انتشار آن تن نمی‌دهد، سرانجام پس از 9 روز از گذشت انتخابات، البته به صورت ناقص، اقدام به انتشار ليستی از آراي تفکيکی برخی حوزه‌ها کرد.

به گزارش خبرنگار «تابناک»، دانشجو که بار ديگر در برنامه 45 دقيقه شبکه خبر حاضر شده بود، به نظر می‌رسيد که اين

بار تلاش دارد، دست کم به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور ـ که باید پناه و حامی آرای همه کاندیداها باشد ـ با شبهه‌زدایی و شفافیت کامل و تشریح و تبیین وضعیت انتخاباتی و نیز با آرام کردن وضعیت موجود، فضایی فراهم آورد تا شکایات کاندیداها را بی‌ربطی با قوانین و مقررات کشور و ادعاهای آنان را کاملا بی‌پایه و صد در صد غیره موجه نشان دهد.

وی که به گزارش پایگاه اطلاع‌رساني وزارت کشور برای پاسخ به برخي شبهات درباره فرآیند برگزاري دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوري در این برنامه حاضر شده بود، درباره مشارکت بالاي 95 تا 100درصد در برخي از حوزه‌های انتخابیه گفت: در دوره‌هاي متعدد برگزاري انتخابات ریاست جمهوري، شاهد مشارکت بیش از صددرصد در مناطق گوناگون کشورمان بودیم و این تنها محدود به این دوره از انتخابات نمي‌شود، به گونه‌ای که در دوره ششم مجلس شوراي اسلامي که مشارکت حدود 54 درصد بود، در 64 حوزه، شاهد آراي بالاتر از 95 تا صددرصد بودیم و این موضوع در انتخابات مجلس هشتم که میزان مشارکت معادل 55 درصد بود، نیز در 49 حوزه حاصل شد. این میزان در انتخابات ریاست جمهوري نهم که مشارکت معادل 62

درصد بود نیز در 42 حوزه رقم خورد؛ بنابراین، در این دوره از انتخابات با مشارکتي حدود 85 درصد (بیش از 22 درصد نسبت به انتخابات گذشته) وجود مشارکت بالاي 95 تا صددرصد در 40 حوزه انتخابیه به نسبت دوره های گذشته، عادی است.
رئیس ستاد انتخابات کشور، اما درباره علت وقوع این پدیده گفت: برخي استان‌ها و شهرستان‌ها در فصل بهار و تابستان مسافرپذیر هستند و از همین روست که برخي از شهرستان‌هاي استان مازندران که معمولاً پنجشنبه و جمعه مسافراني از دورترین نقاط کشور دارند، مشارکت بالاي 100 درصد داشته باشند.
هرچند کامران دانشجو تا پیش از روی کار آمدن دولت نهم، تجربه چندانی در برگزاری انتخابات نداشت، انتظار می‌رفت پس از انتصابش به عنوان استاندار تهران و به دنبال آن، معاون سیاسی وزیر کشور، این موضوع اجتماعی ـ روانی انتخابات را در این مدت تجربه کرده و به این نتیجه رسیده باشند که بین انتخابات شوراها، مجلس و ریاست جمهوری، تفاوت‌های بسیاری است.
اما فارغ از این موضوع، درباره این ادعای وی که تنها در چهل حوزه مشارکت بالای 95 تا صد در صدی داشته‌اند و دلیل آن را مسافرپذیری برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها در فصل بهار! ذکر کرده و

شهرستان‌های استان مازندران را که معمولا در پنجشنبه و جمعه، مسافرانی از دورترین نقاط کشور دارد، به عنوان شاهدی برای مدعای خود بیان کرده‌اند، بیان نکات زیر برای روشن شدن ادعای وی ضروری است؛ نخست درباره تعداد حوزه‌ها که ایشان رقم چهل را برای مشارکت آنها ذکر کرده‌اند. آخرین آمار که از سوی خود وزارت کشور انتشار یافته است، رقم 125 حوزه را نشان می‌دهد که بین 95 تا 140 درصد مشارکت داشته‌اند.

و در این میان، استان یزد با داشتن پنج حوزه رأی‌گیری با آرای بالاتر از 100 درصد و وجود حوزه «تفت» با میزان مشارکت 141 درصد، رکوردار میزان آرای گرفته شده در بین حوزه‌های رأی‌گیری کل کشور به شمار می‌رود.

آقای دانشجو مدعی شده‌اند که به دلیل فصل بهار و مسافرت پنجشنبه و جمعه، میزان مشارکت در برخی از حوزه‌ها افزایش داشته است و استان مازندران را به طور مشخص نام برده‌اند، اما برای آگاهی رئیس ستاد انتخابات کشور، باید گفت که خراسان جنوبی و شمالی و رضوی با همان پراکندگی جمعیتی 23 حوزه آن مشارکت بالای 95 درصد داشته، در صورتی که استان مازندران، تنها ده حوزه رأی‌گیری با مشارکت 95 درصدی دارد که در این زمینه با حوزه کویری کرمان که

همگان وضعیت آب و هوایی این استان را در این فصل می‌دانند، با داشتن مشارکت بالای 95 درصد در 9 حوزه رأی‌گیری با استان مازندران که مصداق گفته ایشان است، برابری می‌کند.
بنابراین، پراکندگی 125 حوزه انتخاباتی که مشارکت در آن بین 95 درصد تا 141 درصد است، در سرتاسر ایران **به نسبت تقسیم شده** و جالب اینجاست که حوزه‌ای مانند شهر اردبیل که اکنون در بین شهرهای ایران، بهترین آب و هوا را داشته و مناسب‌ترین مکان برای مسافرت است، تنها در یک حوزه دارای مشارکت 97 درصدی بوده است.
دادن کلیه اطلاعات درست به مردم به ویژه تعداد آرای آنها، شاید در انتخابات گذشته ـ که حساسیت در جامعه نبوده ـ توجیه‌پذیر باشد، اما چگونه می‌توان در این برهه حساس و دقت افکار عمومی، با بیان این مطلب که در دوره‌های گذشته این موضوع انجام نشده، توجیهات غیرمنطقی داد؟!
هم اکنون باید افکار عمومی را ـ که این موضوع را زیر ذره‌بین برده‌اند ـ اقناع کرد و این تنها با دادن اطلاعات درست و جزیی مرتفع می‌شود؛ این رسالتی است که ستاد انتخابات کشور، باید عهده‌دار آن شده و به نحو احسن انجام دهد."

ملاحظه می‌کنید که در استان خراسان رضوی هرچند در صندوق‌های چندین شعبه بیش از جمعیتش رأی ریخته شده است، باز کمبود تعرفه وجود نداشته یا در سطح استان برطرف شده است. بنا بر این می‌توان پرسید که با وجود 9% تعرفة اضافی اگر در این استان مشکل تعرفه پیش نیامده یا مدیریت شده است، چرا در جاهای دیگر چنین نبوده است؟ به گزارش روز 88/3/24 خبرگزاری مهر در استان یزد نیز 10% اضافه بر جمعیت رأی دهنده تعرفه توزیع شده بود. این در حالي است که طبق آمار وزارت کشور بیش از صد در صد مردم این استان در انتخابات مشارکت‌داشته‌اند، زیرا به ادعاي آقاي دانشجو در 88/3/22 ناگهان این منطقة کویري خوش آب و هوا شده است!!

در بوشهر نیز بنا بر مصاحبة مطبوعاتي آقاي ابوطالب شفقت، استاندار بوشهر، که خبرگزاري مهر روز 88/3/23 منتشر نموده است، 9% تعرفة اضافه توزیع شده بود.

"بوشهر - خبرگزاری مهر: استاندار بوشهر ابوطالب شفقت در شعبه اخذ رأی مسجد توحید گفت: براساس گزارشهایی که فرمانداران ارسال کرده‌اند، میزان مصرف تعرفه‌ها نسبت به انتخابات دوره‌های گذشته در استان حدود 9 درصد بیشتر بوده است."

این مصاحبه که نسبت تعرفة مصرفي را با دورة پیشین مي‌سنجد، در عمل میزان تعرفة مصرفي در این استان، یعني تعرفة توزیعي، را کمتر از نه درصد در دورة فعلي اعلام مي‌کند، زیرا با اینکه در دورة قبلي جمعیت رأي‌دهنده 46 میلیون بوده است، اما 54 میلیون تعرفه چاپ کرده بودند و بنا بر این با این معیار باید 9% کمتر مصرف کرده باشند و نه با معیار 57 میلیون براي 46 میلیون رأي دهنده در دورة فعلي.

این نکته به ما حق می‌دهد که جدول تازه ای را طراحی کرده و سهم استانها را بر اساس ده درصد (تازه بیش از سهم خراسان رضوی) تعیین کرده و پرسش را تکرار نماییم:

استان	جمعیت سال 85	جمعیت واجد شرایط88*	کل تعرفه ارسالی*	کل آراء مأخوذه	ماندة تعرفه
آذربایجان شرقي	3,603,456	2,461,553	2,707,708	2,010,340	697,368
آذربایجان غربي	2,873,459	1,883,144	2,071,458	1,334,356	737,102
اردبیل	1,228,155	804,881	885,369	642,005	243,364
اصفهان	4,559,256	2,987,946	3,286,741	2,637,482	649,259
ایلام	545,787	357,687	393,456	312,667	80,789

144,939	493,989	638,928	580,844	886,267	بوشهر
2,154,573	7,521,540	9,676,113	8,796,466	13,422,366	تهران
123,016	495,446	618,462	562,238	887,910	چهارمحال وبختياري
106,871	383,157	490,028	445,480	636,420	خراسان جنوبي
586,480	3,181,990	3,768,470	3,425,882	5,593,079	خراسان رضوي
68,758	464,001	532,759	484,326	511,572	خراسان شمالي
1,042,963	2,038,845	3,081,808	2,801,644	4,274,979	خوزستان
109,655	585,721	695,376	632,160	964,601	زنجان
96,833	383,308	480,141	436,492	589,742	سمنان
454,366	982,920	1,437,286	1,306,624	3,405,742	سيستان وبلوچستان
603,130	2,523,300	3,126,430	2,842,209	4,336,878	فارس
131,771	692,355	824,126	749,205	1,046,737	قزوين
122,547	599,040	721,587	655,988	1,440,156	قم
427,444	610,756	1,038,200	943,818	2,652,413	كردستان
406,294	1,505,814	1,912,108	1,738,280	2,652,413	كرمان
371,417	983,422	1,354,839	1,231,672	1,879,385	كرمانشاه
88,556	368,707	457,263	415,694	634,299	كهگيلويه وبويراحمد

296,293	869,453	1,165,746	1,059,769	1,617,087	گلستان
250,393	1,483,258	1,733,651	1,576,046	2,404,861	گیلان
273,164	964,270	1,237,434	1,124,940	1,716,527	لرستان
186,926	1,919,838	2,106,764	1,915,240	2,922,432	مازندران
188,152	785,961	974,113	885,557	1,351,257	مرکزي
268,875	743,024	1,011,899	919,908	1,403,674	هرمزگان
362,926	1,019,169	1,382,095	1,256,450	1,703,267	همدان
60,419	609,856	670,275	609,341	990,818	یزد
114,144	225,224	339,368	308,516	؟؟	خارج کشور
11,448,786	39,371,214	50,820,000	46,200,000	72,734,995	**جمع**

بطوری که از این جدول تازه بخوبی روشن است اگر وزارت کشور:

الف) فقط ده درصد اضافه بر جمعیت هر استان تعرفه چاپ و ارسال مي‌کرد، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد و می‌توانست کمبود تعرفه را در سطح هر استان مدیریت نماید؛ در حالی که با وجود آن همه تعرفه اضافی 23 درصدی این کار را نکرده است.

ب) 6 میلیون از تعرفة ادعا شده برای چاپ مرحلة اول در دست افرادی که هویتشان روشن نیست باقی می‌ماند.

ج) هنوز حدود 11/5 میلیون تعرفه زیاد می‌آمد. البته اگر عدد کل آراء مأخوذه صحیح بوده باشد. اما اگر عدد آراء را چنانکه محاسبه کردیم، نزدیك به 33 میلیون در نظر بگیریم، باید 18/5 میلیون تعرفه مازاد می‌ماند.

د) **استانداران و ستاد انتخابات وزارت کشور باید به این پرسش پاسخ منطقی بدهند که آنها چگونه توانسته‌اند پیش بینی کنند که در 170 حوزه بیش از ظرفیت جمعیت رأی داده خواهد شد و در آن حوزه ها اصلاً کمبود تعرفه گزارش نشده است.** این در حالی است که مکرر ادعا کرده‌اند و در متن نامة به همشهری هم گفته اند که: "7- با توجه به قانون انتخابات، رای دهندگان مجاز هستند در هر نقطه‌ای از کشور که بخواهند رای بدهند. لذا **سیال بودن تعداد رای دهندگان،** موجب می‌شود تا **نتوان** دقیقا برآورد کرد که در هر صندوق چند نفر مراجعه می‌نمایند از این رو در شعب اخذ رای، **با در نظر گرفتن آمار رای دهندگان در آخرین انتخابات در هر شهرستان و صندوق** تعداد تعرفه متناسب تحویل داده شد و تنها تعداد معدودی از شعب اخذ رای با کمبود تعرفه مواجه شدند که به سرعت تعرفه لازم تحویل گردید."

اگر با در نظر گرفتن آخرین انتخابات این کار صورت گرفته باشد، باید بر اساس دورة نهم یا دورة ششم که بسیار بیش از دورة نهم بوده این کار مدیریت شده باشد، چطور و چگونه یاران وزارت کشوری آقاي احمدی نژاد در ستادهای انتخابات شهرها و دهات از پیش دانسته-اند که در 170 صندوق بیش از حد جمعیتش رأی خواهند داد؟

چرا این همه از شهرهای مختلف گزارش کمبود تعرفه داشتیم که ادعا شده در محل تأمین کرده اند، اما در تهران این کار ممکن نشده است؟!! کدام استان را می‌شناسید که رساندن تعرفه از شهری به شهر دیگر در آن استان سخت تر از ارسال آن از تهران باشد، تا بهانه‌ای برای چاپ تعرفه آن هم در روز رأی گیری و آنهم در ساعات اولیه باشد؟

برای مثال به این خبر از خبرگزاری جمهوری اسلامی در 3/22 توجه کنید:

"رییس ستاد انتخابات بوشهر: برخي شعب اخذ راي با کمبود تعرفه روبرو شد.

بوشهر-رییس ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: حضور پرشور مردم در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوري باعث کمبود تعرفه در برخي از شعب اخذ راي بوشهر شد که با تمهیدات اتخاذ شده نسبت به تامین تعرفه مورد نیاز اقدام شد. حسین هاشمي در گفت وگو با ایرنا افزود: هم اینک با ازدحام مردم در برخي از شعب

اخذ راي روبرو هستيم و در برخي از شعب نيز مشكلات رايانه‌اي باعث كندي اخذ راي شده است. وي اظهارداشت:براي سرعت بخشي رايگيري در اين شعب در تلاش هستيم مجوزي از ستاد انتخابات كشور دريافت كنيم كه اين مشكل را برطرف كنيم."
جالب است يادآوری كنيم كه به گزارش ايرنا در استان بوشهر بر خلاف قانون انتخابات همين آقای هاشمی اعلام كرده بود كه: "وي با اشاره به دستورالعمل ستاد كل نيروهاي مسلح و توافقنامه سپاه و ناجا براي مشاركت بسيج در برقراري امنيت انتخابات افزود: اين مهم در استان بوشهر مانند انتخابات گذشته با همكاري سپاه امام صادق (ع) و فرماندهي انتظامي انجام مي شود و **امنيت شماري از صندوق هاي اخذ راي برعهده سپاه است."**
اكنون كه محرز است اين آقايان با توزيع نامناسب تعرفه و كتمان برخی حقايق از جمله همين 6 ميليون تعرفه‌ای كه عملاً در اختيار ارباب تقلب گذاشته شده است، پاسخ قانع كنندة حكومت به مردمي كه شاهد اين واقعه دردناك بودند، بجز ضرب و شتم و بگير و ببند چه مي‌تواند باشد؟ مردم خودشان بخوبي رفتار دستگاه اجرا و نظارت را در جهت صحنه‌سازي و آرايش صندوق‌ها مي‌يافتند.
نوشتة زير كه در وبلاگی با عنوان «افكار پنهان دولت دهم» به نقل از

وبلاگ مطلبکده نوشته شده است ضمن بازتاب این نگاه حساس، بسیاری از این ابهامات را برملا می‌سازد. مهم نیست که با حرکت‌هاي عمدي براي کند کردن روند رأيگيري چه تعداد از آراء آقاي مهندس موسوي و ساير نامزدها را از ظهور در صندوق‌ها بازداشتند و شناسنامه‌هايشان مهر نخورد و نمي‌توان برآورد درستي از اين آراء حذف شده بدست داد. مهم اين است که مردم همة اين صف‌ها را مشاهده و از روي آن ابعاد تقلب را افشاء مي-کردند و مي‌کنند. در واقع کند کردن روند رأيگيري براي اين بود که در صورت رأي دادن همة مردم علاقمند به مشارکت در انتخابات، امکان آرايش صندوق‌ها بر اساس برنامة پيش‌بيني شده دشوارتر مي-گرديد، هرچند در اين کار نيز به خاطر دخالت‌هاي افرادي از جناح خودشان در سر صندوق‌ها توفيق درستي نيافتند. به اين گزارش بايد از همين منظر نگاه کرد:

"چهار سال پيش همگان بخاطر داريم که احمدي نژاد در تبليغات انتخابات دوره نهم خود را تابع قانون ، پيرو ولايت حامي مستضعفان ، طرفدار عدالت و بسياري از اين دست شعارهاي مردم فريب معرفي کرد و راي تشنگان و جويندگان مهر در جامعه اسلامي را از آن خويش ساخت و بر منصب قوه مجريه نشست اما آن شد که ديديم ! ... بررسی‌های کلی نشان می‌دهد که به دليل مساله مشکوک و

شبهه‌آمیز «کمبود تعرفه‌ها»، اجتناب وزیر کشور از تمدید زمان رای‌گیری بعد از ساعت 22 و نهایتاً بستن درب شعب اخذ رای؛ حداقل چیزی حدود 4 میلیون نفر از آرای میرحسین موسوی اخذ نشده است. کمبود تعرفه‌ها در بسیاری از استان‌ها و شهرها در حالی است که متاسفانه مسئولان وزارت کشور از جمله صادق محصولی و فرماندار تهران چشم در چشم خبرنگاران این مساله را تکذیب کردند. با این حال گزارشات متواتر خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف و مشاهدات عینی نشان می‌دهد که اولاً در بسیاری از شعب اخذ رای، تعرفه‌ها از غروب جمعه تمام شد و مردم برای ساعت‌ها در انتظار تعرفه نشستند و بخش مهمی از آن‌ها از فرط خستگی به منزل بازگشتند. دوماً زمان اخذ رای در حالی تمدید نشد که موج مردم به سوی شعب اخذ رای در بسیاری از شهرها هنوز سرازیر بود. و سوماً؛ مسئولان برخی از شعب با نقض صریح دستور وزیر کشور از ادامه فرآیند اخذ رای خودداری کرده، درب شعب را بستند یا به بهانه نداشتن تعرفه از مردم خواستند به شعبه دیگری مراجعه کنند. این سه مساله باعث شد که حداقل 4 میلیون نفر از آرای میرحسین موسوی در سراسر کشور اخذ نشود. با توجه به این که مسئولان وزارت کشور اخبار رسانه‌ها را در این زمینه انکار کرده‌اند؛ گزیده‌ای از اخبار

خبرگزاری‌های مهر و ایلنا[64] که بین ساعت 21 تا 22 جمعه شب مخابره شده و حقیقت ماجرا را نشان می‌دهد؛ در زیر می‌آید.
مشکل کمبود تعرفه در استان اصفهان- بزرگترین مشکل شعب اخذ راي در اصفهان کمبود تعرفه است. از شهرستان هاي ديگر استان اصفهان نيز خبر مي رسد بسياري از حوزه های اخذ رای با مشکل کمبود تعرفه مواجه هستند. هم اکنون تقريباً تمامي حوزه هاي اخذ راي شهرستان شاهين شهر با مشکل کمبود تعرفه مواجه هستند. بر اساس این گزارش شعبه‌هاي شماره 212،211،208،207 شهرستان اصفهان به دلیل نداشتن تعرفه بسته شده‌اند.
ازدحام جمعیت در شعبات اخذ رای در اردبیل در پایان رای‌گیری- با گذشت 13 ساعت از زمان رای گیری، هم اکنون شعبات اخذ رای در سراسر استان اردبیل با ازدحام شدید روبروست. تمام شعبات اخذ رای به ویژه در مرکز شهر و شهرکهای حاشیه با صفهای طولانی رای-دهندگان روبرو است. این وضعیت که از اولین ساعات شروع انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در استان اردبیل و در شعبات اخذ رای حاکم بوده از بعد از ظهر امروز شدت پیدا کرده و به این ازدحام افزوده شده است. این در حالی است که زمان انتخابات با سه بار تمدید

[64] هر دو خبرگزاری دولتی هستند.

تا ساعت 22 امشب در جریان خواهد بود اما به نظر می‌رسد که این میزان زمان تعیین شده برای رای گیری از این تعداد کافی نخواهد بود. بسیاری از شهروندان اردبیلی در گفتگو با خبرنگار مهر خواستار تمدید مجدد زمان رای‌گیری شدند تا بتوانند آراء خود را به صندوق های رای بریزند. این افراد دلیل تاخیر در رای دادن را تعطیلی امروز و مسافرت‌های کوتاه عنوان کردند و این ساعات پایانی را برای رای دادن انتخاب کرده‌اند. همچنین از دیگر شهرستانهای استان خبر می‌رسد که بسیاری از شعبات اخذ رای در این شهرستانها از جمله مشکین شهر، پارس آباد، گرمی و خلخال با کمبود تعرفه روبرو شده‌اند و تقاضای ارسال تعرفه بیشتر نمودند.

تهران- کمبود تعرفه در برخی شعب شهرک غرب: برخی از شعب اخذ رای در مناطق شهرک قدس و پونک با کمبود تعرفه روبرو شده‌اند و همین امر باعث تجمع تعداد کثیری از شهروندان پر شور این مناطق در پشت درهای شعب اخذ رای شده است.

مردم ایران خواهان تمدید زمان تا ساعت 24 هستنددر این دوره از انتخابات حضور پرشور مردم به خصوص در ساعات پایانی حتی مسئولان برگزاری را غافلگیر کرد که به گونه‌ای که همچنان به دنبال تامین تعرفه رای گیری به خصوص برای کلانشهرها هستند اما این موضوع مختص کلانشهرها

نیست و حتی از شهرهای کوچک نیز چنین موضوعی گزارش می‌شود. به گزارش خبرنگاران مهر از سراسر کشور مردم در شهرهای مشهد، اردبیل، اصفهان، قزوین، خرم آباد، یزد، همدان، سمنان، گرگان، ارومیه، کرمانشاه، شهرکرد، کرج، تهران، شیراز، کرمان، یاسوج، تبریز، اهواز، بوشهر، بندرعباس و بسیار از شهرهای دیگر در حالیکه مردم همچنان در شعب اخذ رای در صفهای طولانی حضور دارند برخی مسئولان شعب اقدام به بستن دربها کرده و آرا مردم را اخذ نمی-کنند. گزارشهای خبرنگاران مهر از استانهای مختلف حاکی است به رغم تمدید ساعت انتخابات از این امر تبعیت نکرده و درهای شعب را به روی مردم بسته‌اند. به عنوان نمونه خبرنگار مهر در کرمانشاه گزارش می‌دهد که خیل عظیم مردم در پشت درهای شعب اخذ رای منتظر بازگشایی شعبه و رای‌دادن هستند و از مسئولان کشوری تقاضا دارند این امر را پیگیری نمایند. خبرنگار مهر در ارومیه گزارش می‌دهد با وجود اعلام پایان مهلت رای‌گیری در استان توسط مسئولان ازدحام جمعیت در مقابل شعب اخذ رای همچنان ادامه دارد. فرماندار ارومیه در این خصوص به مهر گفت: مهلت قانونی انتخابات تمام شده و تمامی شعب اخذ رای بر اساس اعلام وزیر کشور بنا به صلاحدید استاندار اجازه تمدید مهلت

رای‌گیری را دارند و **هنوز** از سوی استاندار دستوری مبنی بر تمدید مهلت رای گیری صادر **نشده** است. مردم ارومیه به شدت خواهان تمدید ساعت رای گیری و بازگشایی شعب به روی مراجعین هستند. ازدحام جمعیت ارومیه در پشت شعب اخذ رای با وجود اعلام پایان مهلت قانونی رای‌گیری در استان توسط مسئولان همچنان ادامه دارد و مردم خواهان همکاری مسئولان در خصوص بازگشایی شعب و از سرگیری رای تا پایان حضور مردم هستند. بر اساس گزارشات عینی خبرنگار مهر تا ساعت مخابره خبر یعنی ساعت حدود 21 و 53 دقیقه همچنان صفهای طولانی در مقابل شعبات اخذ رای شهرستان ارومیه دایر بوده و حضور مردم برای دادن رای همچنان ادامه دارد. در حالیکه ستاد انتخابات استان آذربایجان غربی تعطیل شده است و مسئولان ستاد حاضر به مصاحبه با خبرنگاران نیستند پشت هر شعبه اخذ رای حداقل 500 تا 600 نفر حضور دارند. جمع زیادی از خبرنگاران استان با حضور در ستاد انتخابات خواهان مذاکره با مسئولان و توضیح در این خصوص هستند اما هنوز موفق به دیدن هیچ کدام از مسئولان ستاد نشده‌اند. مردم استان آذربایجان غربی به خصوص در ارومیه به شدت خواهان تمدید زمان رای‌گیری در این استان هستند و عنوان می‌کنند که مسئولان استان از مسئولان کشوری در خصوص اخذ رای تا

زمان حضور مردم در شعب، تمکین نکرده-اند.
پایان انتخابات در مازندران برخلاف اطلاعیه ستاد انتخابات کشور!
در حالیکه علاوه بر وزیر محترم کشور اطلاعیه ستاد انتخابات کشور بر رای‌گیری تا زمان اعلام رسمی پایان مهلت رای‌گیری از صدا و سیما تاکید کرده، رئیس ستاد انتخابات استان مازندران از پایان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در استان مازندران خبر داد. جواد قناعت شامگاه جمعه در ستاد انتخابات استان مازندران در جمع خبرنگاران اظهار داشت: با توجه به عدم درخواست شهرستان‌های **17** گانه مازندران تمدید انتخابات غیر ممکن است. معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران تصریح کرد: البته شعب اخذ رای باید رای افرادی را که تا ساعت **21** در حوزه‌های اخذ رای حضور یافتند، دریافت کنند. کمبود تعرفه مردم یزد را سرگردان کرد-تعدادی از مردم رای نداده برگشتند. کمبود تعرفه‌های رای امروز مشکلات بسیاری برای مردم استان یزد به ویژه شهرستان یزد به وجود آورد و آرا تعدادی از مردم این استان سرگردان شد. به گزارش خبرنگار مهر در یزد، به رغم توزیع تعرفه رای در میان شعب شهرستان یزد بر اساس آمار افراد واجد شرایط رای **و 10**

درصد بالاتر از آن، بسیاری از شعب با کمبود تعرفه مواجه شدند و این امر سبب شد مسئولان شعب اخذ رای مردم را به سایر نقاط شهر معرفی کنند. این امر سبب اتلاف وقت مردم شد و بسیاری از آنها پس از ساعات طولانی حضور در برخی شعب همچنین طی مسافت میان شعب مختلف، بعد از ساعت 21 به شعبه‌های دارای تعرفه رسیدند. در این شعب نیز مردمی که بعد از ساعت 21 رسیدند، پشت در نگه داشته شدند و بیش از نیم ساعت از وقت آنها پشت دربها هدر رفت. البته در این دقایق طولانی بسیاری از مردم پراکنده شدند و از دادن رای منصرف شدند. بسیاری از این افراد از صبح امروز نیز به دلیل شلوغی بیش از حد شعبه‌های اخذ رای همچنین تمام شدن تعرفه ها در چندین نوبت بارها از شعب دست خالی برگشتند و این امر سبب انصراف آنها از شرکت در انتخابات شد. یکی از شهروندان یزد به خبرنگار مهر گفت: از ساعت 17 امروز در میان شعب سرگردان هستم.بسیاری از شعب تعرفه ندارند و مردم را به نقاط دیگر شهر هدایت می کنند از طرفی در بسیاری از شعبه‌ها نیز بعد از صرف مدت زمان طولانی به ما اعلام شد تعرفه تمام شده است و این امر سبب شد تاکنون در خیابانها سرگردان باشیم و حال که به شعبه شماره 60 در چهارراه

معلم مراجعه کرده ایم می گویند وقت تمام است و به هیچ وجه از مردم رای گرفته نمی‌شود. با این اوصاف به نظر می‌رسد بزرگترین مشکل سرگردانی‌های مردم کمبود تعرفه‌های رای یا عدم تعامل شعب برای تبادل تعرفه‌ها بوده است زیرا در شعبه یاد شده به گفته مسئولان شعبه تعداد زیادی تعرفه همچنان باقی مانده و بلااستفاده است. رئیس ستاد انتخابات یزد امروز بارها در مصاحبه‌های خود با خبرنگاران اعلام کرد: تعرفه در میان شعب به اندازه کافی وجود دارد و شعبی که درخواست تعرفه دارند نیز به سرعت تامین شده‌اند اما دیده‌ها حاکی از عدم هماهنگی مسئولان برگزاری انتخابات و از دست رفتن رای بسیاری از مردم است."

مسئولان وزارت کشور و شوراي نگهبان با آن گزارش تفصيلي و مصاحبه‌ها و استفاده از تريبون‌هاي مختلف بسياري سخنان توجيهي گفته‌اند و همة ادعاهاي معترضان را دروغ و بي‌جا دانسته‌اند. معترضان همان كساني هستند كه در پشت درهاي بسته مانده‌اند يا در زمان راي‌گيري از حال و هواي مردمي كه راي مي‌دادند به نسبت تمايل مردم به نامزدها آگاه بوده‌اند. آيا اين سخنان با آن همه دروغ مي‌تواند اين مردم را قانع نمايد؟ بر فرض اگر با چوب و چماق و باطوم بتوانند مردم معترض را ساكت كنند، آيا وجدان آن همه افرادي كه از جناح

خودشان بر سر صندوق‌ها بودند و از دادن تعرفه به شعب دیگر خودداري کرده یا در شعبة خودشان ازدحام مردم را دیده و از نرسیدن تعرفه پیش مردم شرمنده شده‌اند، با این سخنان بخواب خواهد رفت؟ شکافي که در جامعة ما رخ نموده و هر روز عمیق‌تر مي‌شود، نه از طریق نوشته‌هاي سیاسیون معترض، بلکه برآمده از نقل قول‌هاي همین افراد در محفل‌هاي دوستانه و خانوادگي است که براي کسي امکان سانسور آن وجود ندارد. چند نفر را مي-توان قانع کرد که این اقدام‌هاي ایذائي و تأخیري براي پیش‌گیري از حاکمیت طرفداران غرب و دشمنان انقلاب «واجب» شرعي بوده است؟ آیا این مردم از خود نمي‌پرسند که زدن انگ خیانت‌پیشگي به مسئولان سابق و فعلي نظام همه چیز و همه کس را زیر سؤال مي‌برد؟

جمع بندی

الف) سوء مدیریت و سوء نیت آشکار در توزیع تعرفه بقدري مفتضحانه صورت گرفته بود که شوراي نگهبان علي رغم میل برخي از اعضاء مانند آیت الله جنتي که همواره جانب اعمال وزارت کشور را گرفته و سوء رفتار آن‌ها را توجیه کرده است، نتواتست از سرزنش مسئولان وزارت کشور در همین بخش از گزارش تفصیلي خودداري نماید، هرچند بلافاصله آن را توجیه کرده است.

زمانی که پس از انتخابات و بدنبال درخواست آقای محسن رضایی برای اعلام آمار تفکیکي صندوق‌ها، وزارت کشور با تعلل و حتی غیر قانونی خواندن درخواست، از آن خواسته سر باز زد تا فرصتی برای تنظیم صندوق‌ها بدست آورد، همگان پی برده بودند که بخشی از این تعرفه‌های اضافی چه کاربردی داشته است. همگان شاهد بودند که از فرط شلوغکاری و درهم ریختگی رفتار گروه تقلب و کودتا، همة تلاش‌های توجیهی آنها علیه خودشان عمل کرده است، **و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین.**

ب) برخلاف ادعاي آقاي دانشجو مسئول ستاد مرکزي انتخابات و سایر دست-اندرکاران، توزیع تعرفه بر اساس محاسبة درست رياضي و تقسیم تعرفة اضافي به نسبت مساوي میان استان‌ها انجام نپذیرفته و در استان‌ها هم مراکز و شهرهاي بزرگ تعرفة کمتري نسبت به شهرهاي کوچك دریافت کرده‌اند. این کار علاوه بر هدف خاص تزریق تعرفه به داخل صندوق‌ها در عده‌اي از این شهرها و روستاهاي آن‌ها، براي ایجاد مانع و کند کردن جریان رأي دادن هواداران نامزدهاي دیگر به عمل آمده است.

ج) تعرفه اضافي ارسالي به استان‌ها بر اساس حداکثر ده درصد جمعیت بوده و مازاد آن که به احتمال بسیار قوي بدون

کد استاني چاپ شده بوده، از طريق ويژة گروه دست‌اندرکار تقلب و براي آرايش دلخواه صندوق‌ها توزيع شده است. بنابر اين، لازم نبوده است که اين کار در تمامي صندوق‌هاي کشور اين صورت بگيرد.

اگر شش ميليون تعرفه‌ای که بدين ترتيب با پنهان‌کاری از جريان توزيع قانونی خارج گرديده است با دست‌کم 4 ميليون تعرفه‌ای که در بخش قبلی چاپ پنهانی آن را نشان داديم، جمع شود، **10 ميليون** برگ تعرفه در اختيار گروهی بوده است تا با خيال راحت به مهندسی آراء و تنظيم دلخواه صندوق‌ها بپردازند.

ب) به روند مصرف تعرفه در روز انتخابات که توسط مسئولان ارائه شده است، توجه کنيد:

1- به گزارش خبرگزاری ها و نيز روزنامه اعتماد ملی، آقای محصولی روز جمعه 3/22 "حوالي ظهر در حاشيه بازديد از ستاد انتخابات اعلام کرد که براساس اطلاعات دريافت شده از شعب آنلاين اخذ راي، تا آن لحظه 5 ميليون تعرفه مصرف شده است." يعنی با توجه به ساعت آغاز رأی‌گيری در ساعت 8 بامداد، طی 4 ساعت رأی‌گيری 5 ميليون تعرفه مصرف شده بود.

2- "ايلنا: سخنگوی شورای نگهبان ... کدخدايی همچنين درباره تعداد تعرفه‌های مصرف شده نيز گفت: در اين خصوص نمی‌توان رقم دقيقی را اعلام کرد و رقم

دقیق میزان استفاده شده تعرفه را باید وزارت کشور اعلام کند، ولی تا ساعت 16 امروز بالای 20 میلیون تعرفه استفاده شده است."

بدین ترتیب در ساعت 16، یعنی 8 ساعت پس از آغاز رأی گیری 20 میلیون تعرفه مصرف شده بود.

3- با توجه به مقاومت وزارت کشور و استانداریها در خصوص تمدید زمان رأی گیری و بازگرداندن مردم از سر صندوق-ها، که به نوبة خود واقعه‌ای اسف انگیز برای یک نظام مدعي مردمسالاری است، رأی‌گیری در اکثر نقاط کشور در ساعت 10 شب تمام شده بود.

آیا در 6 ساعت بعدی ممکن بوده است که 19.5 میلیون رأی دیگر اخذ شود؟؟!!

ج) به موجب گزارش تفصیلی شورای نگهبان و آمار پیوست 49 آن حدود 134000 برگ تعرفة نیمه مصرف شده درکل کشور به جای مانده بود که درواقع نشان می‌دهد، در اکثر نقاط کشور دوستان همسوی مجری و ناظر تا آخرین برگ تعرفه را پر کرده و در صندوق‌ها ریخته‌اند و گرنه در انتخاباتی با این ابعاد چنین چیزي ممکن و شدنی نیست. و آمار تفکیکي صندوق‌ها هم آن را تأیید نمي‌کند، بلکه حاکي از باقیماندن نزدیك به 2.200.000 برگ تعرفة مصرف شده در دسته‌هاي نیمه مصرف شده است.

د) در جریان خودخواستة شورای نگهبان برای بازشماری 10% صندوق‌ها کارکرد آن تعرفه های‌اضافی ناپیدا برای همگان هویدا گردید.
آقای محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات وقت و دادستان فعلي کل کشور، روز یکشنبه 88/4/6 در مصاحبه با شبکة دو سیما وجود برگه‌های رأی تا نخورده در صندوق‌ها را نامعقول دانسته است. ایشان مدعي شده بود که انبوهي از افراد این وزارتخانه در سر صندوق‌ها حضور داشته‌اند و از جریان امور بازرسي پنهان و آشکاري کرده و پیوسته به ایشان گزارش مي-دادند. پایگاه خبر رسانی عبرت عین سخنان شفاهی ایشان را از نوار پیاده و منعکس کرده است: "به گزارش پایگاه خبررسانی عبرت، اژه‌ای وزیر اطلاعات در گفتگوی ویژه خبری سیما، در مقابل سوال مطرح شده در خصوص آرایی که ادعا می‌شد صاف و تا نخورده است، مطالبی گفتند که ما بدون هرگونه شرحی و صرفا از جنبه اطلاع رسانی آن بخش گفتگو را باز نویسی کردیم: رایی که مردم می‌خواهند در صندوق بریزند در صندوق، یک گوشه می-نشینند یا می‌ایستند و روی برگه نام فرد مورد نظرشان را می‌نویسند. معمولا برگه رای را تا می‌زنند، ممکن است کسی هم بدون تا بنویسد و بیندازد توی صندوق، اشکالی ندارد، ولی معمولا برای اینکه کسی نبیند، یک تا می‌زنند و حتی

بعضی‌ها دو تا میزنند تا چهار لا شود و بعد به صندوق می‌اندازند. وزیر اطلاعات در ادامه می‌گوید: چون این برگه‌ها را به این حالت می‌اندازند درون صندوق، اوراق روی هم انباشته می‌شود و بالا می-آید، از صبح اول وقت تا پایان وقت و ساعت رای گیری، این برگه‌ها روی هم انباشته می‌شود بنابر این، حجیم می شود و پرس شده نیست."

اکنون که ایشان در مقام دادستان کل کشورند و با آن شمارش 10% صندوق‌ها در برابر تلویزیون، از وجود غیرقانونی انبوه تعرفة تانخورده در شمار زیادی از صندوق ها مطلع هستند، انتظار می رود که موضوع را از مجرای قانونی تعقیب نمایند. نه تنها آقای اژه‌ای در آن روز توجه به متن آیین‌نامة اجرائی قانون انتخابات ریاست جمهوری نداشتند، یا شاید هم حضور ذهن نداشتند، بلکه بسیاری از مردم و مسئولان نیز به این فراز از آیین نامه بی‌توجهی کرده‌اند که می گوید:

"چهارم ـ مرحله اخذ رأي

1- [با این فرض که رأيگيري با رايانه است] متصدي ثبت نام برگ رأي را از محل پرفراژ (نقطه چين) از تعرفه انتخاباتي جدا نموده و به رأيدهنده تسليم مي‌نمايد و رأيدهنده با علامت گذاري در مقابل اسم يکي از نامزدها، برگ رأي را بدون هرگونه نوشته و يا

علامت ديگري و بدون اينكه آن را تا نمايد داخل صندوق مي‌اندازد. چنانچه انتخابات به شيوه دستي برگزار شود [رايانه‌اي نباشد كه در اين انتخابات نبود]، **لازم است رأي دهنده نام نامزد مورد نظر خود را در محل تعيين شده در برگ رأي بنويسد ، سپس برگ رأي را تا نموده و داخل صندوق بيندازند.**

2- نماينده فرماندار و اعضاي شعبه ثبت نام و اخذ رأي بايد ترتيبي اتخاذ نمايند كه رأي‌نويسي مخفي و به صورت كاملاً آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص ديگري انجام گيرد و هيچ يك از اعضاي شعبه و نماينده فرماندار و مأمورين انتظامي و نماينده هيأت نظارت بر انتخابات و اصولاً كليه افراديكه به نحوي از انحا در شعبه وظيفه‌اي به عهده دارند حق توصيه به رأي دهنده براي انتخاب فرد بخصوصي را ندارند. بديهي است در صورتي كه رأي‌دهنده براي رأي دادن نياز به فرد ديگري داشته باشد بايد از وجود افراد خارج از شعبه كه مورد اعتماد وي باشند استفاده نمايد و اعضاي شعبه نيز كنترل نمايند تا عمل خلاف قانون انجام نگيرد."

اين بند اخير از آيين نامه تأكيدی است بر اينكه بايد رأی‌گيری مخفی باشد و اين خود سبب می‌شود كه به قول آقای اژه‌ای افراد برگ را تا كرده و در صندوق بياندازند، همانطور كه خود ما و

شما شاهد بوده ایم. در بند یک تصریح شده است که تا خورده بودن برگ رأی **الزامی** است و اگر نباشد، درواقع رئیس شعبه و ناظر مربوط تخلف کرده اند.
ما همگی شاهد بوده ایم که دهانة صندوق-ها برای انداختن برگ رأی به اندازه ای گشاد نبوده که بتوان بدون تا کردن برگه را وارد صندوق نمود.
با این تفاصیل آیا سخنان زورگویانه و تهدید آمیز آقای کدخدایی روز 88/4/9 در خصوص تعرفه های تا نخورده بجز تخلف قانونی و توجیه تخلف دیگران چیز دیگری است؟
"کدخدایی در مورد تعرفه هاي نو و حتی تا نخورده و اظهارات امیدوار رضایی نیز که عنوان کرده بود که 70 تا 80 درصد آرا با یک خودکار و با یک دستخط در صندوق های مختلف نوشته شده است، گفت: این موضوع از همان بخش هایی است که قوه قضائیه باید به آن رسیدگی کند و با کسانی که این شائبه ها را درست می کنند برخورد نماید. صرف تا خوردن یا نخوردن تعرفه ها و نو بودن آنها نمی‌تواند دلیل انجام تخلف باشد.[65]"

[65] سایت خبری فرارو 4/9

ملاحظه می فرمایید که حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان علاوه بر اینکه از متن آیین نامه مطلع نیست، یا اگر هست نسبت به آن اعتنایی ندارد و برای آن ارزشی قائل نیست گویندة چنین سخني را تهدید به دادگاه می‌کند، دادگاهی که متأسفانه به خواست ما مردم بی اعتناست!!

از روند بازشماری صندوق‌ها توسط شورای نگهبان در برابر دوربین تلویزیون، بسیاری از خبرگزاری‌ها عکس و خبر مخابره کرده‌اند، در این میان عکس‌های ارسالی توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی که در خدمت گروه تبلیغاتی احمدی نژاد بوده است، بیش از همه مورد توجه مردم قرار گرفته است:

"عصر ایران: کدخبر: ۷۶۴۸۸ تاریخ انتشار: ۰۹ تیر ۱۳۸۸ - ۱۷:۲۱ تعرفه‌های رأی در بازشماری آرا که از صندوق‌های تهران بیرون آمده‌اند (عکس ایرنا) ایرنا در شرح عکس ها آورده است:بازشماري آراي انتخابات رياست جمهوري دوشنبه در آموزش و پرورش منطقه17 تهران انجام شد.

این عکس آخر برای مقایسه با دو عکس دیگر است، که نشان می‌دهد برگ‌های تاخورده همانگونه که آقای اژه‌ای گفته بودند دارای حجم بیشتری است.

IRNA
www.irna.ir
Iran News Agency
عکس از : فرج صمدی

حقیفتاً باید به آقای کدخدایی و تنظیم کنندگان گزارش تفصیلی شورای نگهبان و امضاء کننده های آن آفرین گفت که بدرستی ادعا کرده اند: این انتخابات از سالم ترین انتخاب های ملی بوده و هیچ صندوقی باطل نشده است! پاسخ این رفتار توهین آمیز نسبت به مردم بر عهدة تاریخ است.

رأي من آنجا روي سنگ فرش راه سبز اميد است!

مردم به خوبي مي‌دانند رأيشان كجاست، آيا شما كه در روز بيست و دوم خرداد 1388 غوغاي كمبود تعرفه را در شهرستان خود ديده‌ايد، از روز 88/3/21 با قطع اس ام اس و اختلال در اينترنت و تلفن و فضاي امنيتي روبرو شده‌ايد، نمي‌دانيد رأيتان كجاست؟

رأي من در فرياد‌هاي دلسوختگان مسلماني است كه در كوچه و برزن خطاب به مراجع و روحانيت و مسلمانان اين وطن عزيز سخن پيامبرشان را شعار مي‌دهند كه مي‌فرمود: «من سمع منادياً ينادى يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم[66].»

رأي من در ميان خاك‌هاي معطر ميدان مبارزه عليه استبداد و تحجر است.

رأي من در حلقوم دانشجويان مظلوم خوابگاه‌هاي دانشگاه‌هاست، در خوابگاه‌هاي تهران و شيراز و اصفهان و گيلان و مشهد و بابل و ...

رأي من در قلب‌هاي شهداي مظلوم و بي‌سلاحي است كه خونشان تاريخ مبارزه براي استقرار اسلام ناب محمدي و اجراي بي‌كم و كاست قانون اساسي در اين كشور را سرخ فام نمود؛ شهداي اعتراض به تقلب و كودتا.

رأي من در متن دفاعيات مظلوماني است كه در برابر كيفرخواست‌هاي واهي عليه

---

[66] مسلماني كه فرياد دادخواهي مسلماني را بشنود و بياريش نشتابد، مسلمان نيست.

يك اعتراض منطقي و قانوني به محاكمه كشيده شده اند، مظلوماني كه برخي از آن‌ها حتي از عصر روز بيست و دوي خرداد و پيش از اتمام كامل اعلام نتايج ساختگي آراء دستگير شده و در كهريزك و اوين و زيرزمين وزارت كشور و استانداري تهران و ... زنداني شدند.
رأي من در سفرة خون‌آلود خانواده‌هايي است كه در ماه مبارك رمضان پشت ديوارهاي زندان اوين منتظر خبري از عزيزان خود بودند و هنوز هستند.
رأي من در ميان شال سبز كمر بستگان به اجراي عدالت در طول تاريخ مبارزات اين امت مسلمان است.
رأي من در گوشة چارقد سبز مادراني است كه جوانان شيفتة درستي و حقيقت را پرورده اند و مي‌پرورانند.
ما همگي رأي‌مان را ظهر روز شنبه 88/3/23 پس گرفتيم، رأي ما ديگر در صندوق‌هاي آلوده نيست.
رأي من در تاريكخانة دل‌هاي آلوده به گناه، زنداني نيست كه براي دنياي ديگران هزاران دروغ را از رسانه‌هاي دولتي تا به امروز تلقين كرده اند.
رأي من ديگر در پشت ديوارهاي وجدان‌هاي محصور در تعصب جاهلي خاك نمي‌خورد، آن-ها خود مي‌دانند كه چگونه مي‌خواستند اين آراء را زير خاك استبداد دفن كنند، عزمي كه مي‌خواهد اميدهاي ما به

اعتلاي ملي در پرتو تمسك به ولايت پيامبر و معصومين را خاكستر كند.
رأي من در جوف قلمم لانه كرده، قلمي كه جز قلبم به درستي آن شهادت مي دهد، نمي‌نويسد.
رأي من در كوچه‌هاي ايران عزيز و در دفتر مشق بچه‌هايم؛ در بوم نقاشي هنرمندان عزيز هموطنم؛ در منظر نگاه عكاسان؛ در ترازوي درستي و صداقت پيشه‌وران؛ در دستان پينه‌بستة كارگران رنجور، در باغ تشنة كشاورزان محروم است.
رأي من بر بال فرشتگان است؛ فرشتگان رحمتي كه پيوسته به ترتيل بر من و تو مي‌خوانند: **الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلا تَخَافُوا وَلا تَحْزَنُوا**[67] (فصلت/32)؛ آن‌ها من و تو را برگزيده‌اند؛ تو مي‌تواني آن را با ديدة دل در نقطه نقطة پهنة ايران عزيز ببيني. آيا سرود آن‌ها را نمي‌شنوي كه سر تا سر اين راه سبز اميد به نواي ترتيل تو را مي‌خوانند، و در گوش تو زمزمه مي‌كنند كه:
يُرِيدُونَ لِيُطفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كرِهَ الكَافِرُونَ[68] **(صف/8)**.

---

[67] كساني كه تنها خداوند را ولي خود بدانند و بر اين باور پايدار بمانند، فرشتگان رحمت بر آنها نازل شده و پشتيبانشان مي‌شوند تا شما نهراسيد و اندوهگين نباشيد.
[68] مي‌خواهند با اباطيل‌شان شعلة فروزان آيات الهي را در دل‌هاي حقيقت جويان خاموش سازند، در حالي

من رأيم را در صندق‌هاي اميد، روي برگ سبز تعرفه نوشتم و اثر انگشت سبزم را به نشان صلح و سلام بر آن زدم و به كساني امانت دادم.
رأي من امانتي بود نزد كساني كه امانت بزرگتر، يعني ميثاق ملي، قانون اساسي، و سيرة امام راحلم را پاس نداشتند و همه را يكسره بر باد دادند و من آن را پس گرفتم.
رأي من پشت ابري از دروغ و تزوير و زور و تهمت زنداني شده‌بود، اما از آنجا كه اين رأي خواهان كرامت انساني است؛ از آنجا كه مبلغ راستين اوامر و نواهي قرآني است، هرگز پشت اين ابرها نمي‌ماند زيرا كه وعدة الهي حق است:
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ[69] **(محمد/٣٤)**

اكنون ديگر رأي من روي سنگ فرش راه اميد سبز، منتهي به قله‌هاي افتخار براي ايران زمين است، راه منتهي به سنگر مسؤليت‌هاي مهم ايرانيان و مسلمانان در برابر صلح جهاني و دفاع از حقوق شهروندي است، به سنگر دفاع از

كه خداوند علي رغم اين تلاش بيهودة پرده‌پوشان حقيقت، تمام كننده نور خويش است و آن را از پس پرده‌هاي كفر عبور مي‌دهد و فروزان نگه مي‌دارد.

[69] آنانكه چشم‌شان را روي حقيقت بربستند و مردم را از راه خدائي بازداشتند، اگر در اين حال بميرند، در حال كفر مرده‌اند، پس ديگر خداوند از آن‌ها گذشت نخواهد كرد.

آزادي و عقلانيت است، به سنگر دفاع از ارجمندي انسان اين موجود برگزيدة الهي است، به سنگر انتظار برقراري عدالت در كرة خاكي است.
رأي من اكنون كويرهاي ناشي از آتش جنگ تحجر را با نهال سبز اميد آباد مي‌كند، با تو دوستي دارد و تو را همراهي مي‌كند، از تو در راه صداقت و سلامت انساني و اخلاق نبوي پشتيباني مي‌كند.
رأي من در آستين آقاي دانشجو و آقاي محصولي نيست. هيئت نظارت شوراي نگهبان بر انتخابات نشاني كامل رأي مرا مي‌دانند و گزارش تفصيلي شورا بر اين گواه است.
رأي من در صندوق‌هايي نيست كه به دستان آلودة عده‌اي معدود، با تعرفه‌هاي تا نخوردة تزريقي روز انتخابات و پس از آن ملوث گرديده‌اند.
رأي من در تاريكخانة رايانه‌هاي وزارت كشور نيست.
نحوة اعلام آراء و تخلفات گوناگوني كه همگان آنها را در شب «واقعه» ديدند، بخوبي نشان مي‌داد كه چرا فضاي كشور از روز قبل امنيتي-سياسي شد.
تعرفه‌ها به عمد درست توزيع نشده بود و جريان رأي‌گيري به انواع حيل كند مي‌شد، تا صندوق‌ها حاوي تمامي واقعيت نباشند.
كساني مأمور بوده‌اند كه صندوق‌ها را، دستكم برخي از آن‌ها را، به گونه‌اي

بيارايند كه از طريق نظام رايانه‌اي برايشان اعلام مي‌شد.
آراء مردم هرگز در اين انتخابات خوانده نشد، آراء موجود در صندوق‌ها براي هماهنگي با آن چيزي است كه اعلام شده است.
نه آمار صندوق‌ها درست است و نه آمار تعرفه و نه آمار رأي دهندگان، همه چيز براي اعلام يك نتيجة دلخواه از طريق جنجال و فرياد آي دزد تدارك ديده شده است.
رأي من آنجا در پستوي اتاق فكر كودتاگران، شاهد اعمال شوم آن‌هاست.
رأي من نمي‌ميرد حتي اگر من هم طعمة شبپره‌پره‌هاي تاريكي‌پسند شوم، حتي اگر من هم در خون خود بغلطم، حتي اگر من هم از هر گونه فعاليت سياسي به حكم دادگاهي كه سخن گفتن را ضد امنيت ملي مي‌داند، محروم شوم. خداوند ضامن اعتلاي حق و حقيقت است.
در پايان بجاست كه بيان بسيار ساده و گويا‌ي جواني از بهبهان را كه در وبلاگ دلتا (http://www.pournejati.com/weblog) به مقاله‌اي از آقاي پورنجاتي تحت عنوان: «جلوه‌هاي عقلانيت در رقابت انتخاباتي اصلاح‌طلبان» حاشيه زده است با همان انشاي دلنشينش بخوانيم. اگر عوامل كودتا هم آن را بخوانند، شايد بتوانند دريابند كه اثبات تقلب براي اين جوانان امري ضروري نيست. آن‌ها خود

شاهد این فاجعه بوده اند؛ این همه بمنظور دعوت زورگویان براي آشتي با ملت است، دوستي و برادري با این جوان و امثال اوست، براي برگشتن از راهي است که جز ویراني خانة امید ما، ایران عزیز ما، چیزي بدنبال ندارد و این خواستة شوم بیگانگان جهانخوار و دشمنان عزت و استقلال ملي ماست.
"آرمین گفت:
روز ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ در ۱۲:۰۳ ب.ظ
به نام خدا
موافقان و مخالفان عزیز سلام
راستش من به عنوان یک ایرانی مسلمان و شیعه بر خودم واجب دانستم مطالبی رو در مورد انتخابات به عرض برسانم و از شما میخواهم اگر تخلف انتخاباتی در منطقه ی زندگی تون رخ داده برای روشن شدن مقدار تخلفات بنویسید، اولا در مورد مهندسی انتخابات کاملا موافقم که شامل تخلفات قبل ،حین و بعد از انتخابات می باشد؛ قبل از انتخابات طبق اطلاعات واصله چک پولهای زیادی مابین روستاییان منطقه ی ما به وسیله ی عوامل دولتی پخش شده که واقعا جای تاسف دارد، شبکه یک سیما اون شبی که آخرین برنامه ی۴۵ دقیقه ای انتخاباتی آقای موسوی پخش می شد کاملا قطع شد و برای سرپوش گذاشتن به خاطر اشکال فنی تا آخر شب قطع بود.

البته شهر بهبهان رو عرض میکنم حقوق باز نشسته ها ۷ یا ۸ ماه قبل از اتخابات به صورت چشمگیری افزایش یافت (خدا رو شکر لااقل نفعی به این بازنشستگان در این منجلاب گرانی رسید) که باید ۲ سال پیش از آن اتفاق می افتاد که اینو همه اطلاع دارن ، تو مناظره های انتخاباتی آقای احمدی نژاد برای انحراف افکار عمومی آمار اگر نگوییم غلط به قول آقای محسن رضایی فریب دهنده توسط آقای احمدی نژاد نشون داده شد، خصوصا در مورد آمار نقطه ای تورم که ماه به ماه عرضه شد.

... آقای احمدی نژاد فرمودند من حتی یک ریال هم خرج تبلیغات اتخاباتی نکردم ،خواستم بگم مسلما شما از جیب خودتون خرج نکردید بلکه از درآمدهای هنگفت دولت توی اون ۴سال خرج کردید، اکثر روزنامه های دولتی شده بود پایگاهی باری تبلیغات شما و رادیو وتلوزیون کاملا در اختیار شما بود . چطور شد پروزه ی خط آهن شیراز اصفهان اونم با اون عجله تو زمان تبلیغات افتتاح شد و رادیو و تلوزیون خیلی روش مانور دادند، شاید بخواهید بگید این پروژه خیلی مهم بود البته که مهم بود، رعایت نکات استاندارد های ایمنی هنگام ساخت هم خیلی مهم هست، کسی نگفت که اون قطار سالم به مقصد رسید یا نه و مسافران اون قطار رو نشون ندادن که

سالم به مقصد رسیدند یا نه، چه بلایی سر اون قطار آمد خدا میدونه. دو یا سه شب مونده به رای گیری شروع کردن به زیر نویس کردن اینکه شهرداریهای کشور نیرو می پذیرند جهت ثبت نام به روزنامه های کثیر الانتشار مراجعه نمایید خیلی زیر نویس کردن اینو ، اما تو این روزنامه ها نگفتن کی ثبت نام میکنیم ، همین الان هم معلوم نیست بالاخره چی شد، ثبت نام میکنن نمیکنن،آیا این فریب افکار عمومی نیست؟
اینها تنها گوشه ای از تخلفات به ظاهر قانونی وغیر قانونی بود پیش از انتخابات.
در حین انتخابات خدا میدونه چقدر این صندوقهای سیار توش آراء اضافی ریخته شد در بسیاری از نقاط با کمبود تعرفه ی رای مواجه شدیم در صورتی که یازده ملیون تعرفه اضافی چاپ شده بود. به گفته ی آقای محسن رضایی ۱۷۰ حوزه ی رای گیری بیش از آمار رای دهنده حدود ۹۵ تا ۱۴۰ درصد آراء در صندوقهاشون ریخته شده،که بعد شورای نگهبان با ۵۰ حوزه ی اون موافقت کرد که خود سخنگوی شورای نگهبان هم گفت اگر تخلفی صورت گرفته باشه دو تا سه ملیون رای هستش که تاثیری در نتیجه ی انتخابات نداره (عجب سوتی بزرگی داد). بعد هم آمدند و این گفته خودشون رو اصلاح کردن و

گفتن خوب در این حوزه ها به دلیل افزایش سفر افزایش رای داشتیم . بابا عجب سفرهای به موقع ای ملت ما انجام میدن ، اونم تو اوج امتحانات دانش آموزان
یاد سفرهای تابستونی و تورهای مسافرتی افتادن. بعدش هم به دلیل عدم همکاری شورای نگهبان با آقای محسن رضایی ایشون از
شکایت خودشون صرف نظر و اعلام کردن به دلیل حفظ نظام جمهوری اسلامی این کار رو انجام داده ام.
سپس به آقای موسوی میگویند بیا و راه قانونی رو برو ، فقط میخواستند با این کار به موسوی و کروبی بقبولانند که همه چیز درست است و برای حیثیت از دست رفته ی خود تایدی دست و پا کنند، خدا رو شکر موفق نشدند بعد آن نمایش مسخره ی شمارش ۱۰ درصد از آراء مخدوش شده ی ملت رو جلوی دوربین های صدا و سیما به راه انداختند که خودشان هم از شرم خندشان گرفته بود. وقتی گفته میشه مهندسی انتخابات باید گفت عجب مهندسان برجسته ای توی این کشور و مملکت زندگی میکنن که برای عوض کردن آراء مردم چه برنامه هایی ریخته و اجرا شد.
دیگر برنامه هایی که ریخته شد بود بعد از پایان رای گیری و هنگامی که ملت نشسته بودند پای سریال جومونگ ، اون شب ۹۰ دقیقه پخش شد عجب جمونگی ،

باهاش ملت رو خوابوندند تا اون شب خواب پیروزی موسوی رو ببینند شاید هم برا بعضی ها کابوس پیروزی احمدی نژاد رو یا شاید جشن پیروزی احمدی نژاد . هنوز چند ساعتی نگذشته بود که هفت ملیون رای شمرده و آقای احمدی نژاد پیش تاز معرکه ی انتخابات شده بود و بعدش هم آمدند وگفتن ۲۴ملیون رای متعلق به آقای محمود احمد نژاد است ،خیلی تعجب بر انگیز بود که رهبری بلافاصله بعد از نتیجه ی آراء آمدند و به آقای احمدی نژاد تبریک گفتن و سپس بر خلاف قانونی که ایشان خودشان به رعایت آن تاکید دارند نتیجه ی انتخابات رو جلوتر از شورای نگهبان تایید کردن ، البته در روز جمعه ی بعد برای سرپوش گذاشتن بر روی این خلاف قانونی گفتند جمهوری اسلامی اهل خیانت به آراء ملت نیست و عرض کردند مگر ممکن است یازده ملیون رای تخلف صورت گرفته باشد. خواستم بگویم اگر برنامه داشته باشیم که تخلف را آنقدر بالا ببریم که هم شک بر انگیز نباشد وجایی برای بحث و تجدید نظر نداشته باشد و هم رکورد رای آقای خاتمی را در دو دور قبل بشکند چرا که نه. وقتی رهبری نظام که خود در بالاترین سطح مدیریت است اینچنین خلاف قانون عمل می کند، رهبریتی که طبق روش امام خمینی که رحمت خدا بر او باد میبایست فرا جناحی

عمل کند خود جناحی تشکیل داده و آن را به وسیله ی آقای محمود احمدی نژاد در راس و دیگر مشاورانش در پشت سر او رهبری و هدایت میکند و به وسیله ی قاضی مرتضوی و همکارانش ملت خصوصا چهره های سر شناس سیاسی نظام را دستگیر و بعد از آن می خواهد با شکنجه و زیر فشار گذاشتن و پروژه ی نخ نمای اقرار تلوزیونی و چسباندن اتهامات ... آنها را متهم کند ، برای ابد پرونده ی سیاسی آنها را بسته، به کار سیا سی شان پایان دهند و یک پاکسازی سیاسی از تمام مخالفان شان انجام دهند چرا که نه.

و روز بعد جناب احمدی نژاد آمدند و خودشان جمعیتی را جمع کردند و برای خودشان جشنّ پیروزی گرفتن که در نظام جمهوری اسلامی سابقه نداشته که فرد پیروز انتخابات ، این چنین کاری رو انجام بدهد و اتهامات خودشان را تکرار و به شکل کاملا وقیحانه ای موسوی و طرفداران اون رو به باد تمسخر گرفته و گفتند :آنها به یک تیکه پارچه ی سبز تکیه کرده بودند سپس آن تیکه پارچه را به دور گردن خویش انداخت و خود را پسر پیغمبر خواند و سید دانست که به او از پشت اشاره کردند و گفتند: بگویید از طرف مادر سیدم اگر کسی برنده ی واقعی انتخابات، اون هم با ۲۴ میلیون رای است چه نیازی برای

تایید خود به وسیله ی این جمعیت کوچک با پخش تلوزیونی مستقیم (به بهانه ی تولد دخت گرامی رسول خدا که درود خدا بر آن خاندان باد) دارد. یا برای تایید خود جلوی دوربین های خبری مثل یک پسر بچه ای که با بزرگتر از خود دست بدهد
با رئیس جمهور روسیه مشغول دست دادن باشد. او خود میدانست که به ملت چه دروغ بسیار بزرگی تحویل داده است. آیا لازم بود برای ایجاد نا امنی تظاهرات بی سر و صدای مردم که فقط حق شان را می خواستند به آشوب بکشند و آنها را به وسیله ی نیروهای لباس شخصی که زیر نظر مستقیم رهبری و همچنین جوانهای شستشو داده شده ی مغزی در بسیج به خاک و خون بکشند بیش از ۱۹ نفر کشته ، که خودشان اول گفتند ۱۳ نفر و بعد آن را به ۱۰ نفر تقلیل دادند و تعداد زیادی را زخمی و راهی بیمارستان و تعداد زیادی را راهی زندان کنند.

اما در مورد مهندسی آراء

ابتدا آمدند وآمار کل را به نسبت هر ساعتی که از پایان رای گیری می گذشت آنچنان که خود می خواستند و برنامه ریزی شده بود اعلام می کردند سپس آمار نهایی اعلام شد، ۲۴ ملیون جناب آقای احمدی نژاد
و مابقی که خود بهتر می دانید بعد آمار موجود به تفکیک هر استان اعلام شد

البته هنوز بسیاری از صندوقها دست کاری نشده بود ، آنها آمار واقعی را همزمان با آمار مورد نظر خود بررسی می کردند و آمار را به نوعی که شک بر انگیز نباشد یا اینکه کمتر ایجاد تردید کند به تفکیک هر استان اعلام کردند اگر به آمار تفکیکی استانها توجه کرده باشید، حتی در استانهایی که موسوی حرف اول را میزد اختلاف چندانی با احمدی نژاد نداشت و این خود دلیلی محکم بر این ادعاست والی آخر به این می گویند مهندسی آراء ملت عزیز ،شهید پرور ، قهرمان و همیشه در صحنه‌ی ایران اسلامی!!!!!!!!!!؟

بسیاری از مطالب هست که هنوز مخفی مانده و باید کنکاش بیشتری صورت گیرد تا همه چیز رو شود. یک چیز در همه ی این جریانها مشهود است ،آن جریان کومونیسم اسلامی یا خفقان اسلامی است که هیچ بویی از اسلامیت نبرده است ، قطع اس ام اس در بعضی از مناطق تا تقریبا سه هفته بعد از انتخابات چه ایرانسل چه همراه اول ، کاهش سرعت اینترنت اختلال در تماس خطوط موبایل هر وقت احساس خطر می کردند به خصوص در نواحی تظاهرات ، پارازیت شدید بر روی برخی کانالهای خاص ماهواره‌ای و قطع آنها ، اعتراف زیر فشار و شکنجه و یا تهدید به شکنجه زندانیان (خنده دار بود وقتی از شبکه یک خانمی رو نشون میدادند که

گفت توی کیف خودم و پسرم نارنجک جنگی بوده ، یکی نبود به این کسانی که دست اندرکار این مصاحبه ها هستند عرض کند ای به شگفت آورنده های تام و جری آخه مگه نارنجک اونم جنگی چاقوی ضامندار با پنجه بکس هستش که خریده باشه و بعد هم گذاشته باشه توی کیفش برای احساس قدرت)

آقای موسوی و کروبی این رئیس جمهور و دولت بر آمده از آن را در بیانیه های سه شنبه و چهارشنبه بعد از تایید شورای نگهبان و شعار شدید ملت بر پشته بام ها در تهران که الله و اکبر و مرگ بر دیکتاتور سر دادند، نامشروع و غیر قانونی خواندند و آقای خاتمی دولت را به حق ایجاد کننده ی یک انقلاب مخملی علیه ملت دانست."

اگر بریگاد سرخ و سیاه چائوشسکو در رومانی، اگر کا. گ. ب. ي استالین در حذف تروتسکي در روسیه، اگر ... توانستند پیروز شوند و ذهن جوانان را تغییر دهند، کارهایي که امروز از مصادر دولتي و حکومتي سر مي‌زند، نتیجه خواهد داد، فاعتبروا یا اولوا الابصار که ایوان مدائن حاکي از فروپاشي کسري است، کسرایي که ناقوس عدالتش گوش جهانیان را کر مي‌کرد، اما مردمش براي فرار از ظلم پنهان زیر بیرق زنجیر عدل نوشیروان، به نخستین نداي عدالتپروري اسلام ناب محمدي لبیك گفتند.